A-P
77-938031
LIBRARY OF CONGRESS
6
NOV 15 1979
COPY
ORDER DIVISION
15521/0271yoo

ون

شنبه ۲۱ میزان ۱۳۵۸
۱۳ اکتوبر ۱۹۷۹

شماره سی ا
سال سی و یک



Ketabton.com

ketabton.com - The Digital Library



حفیظ الله امین منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان، رئیس شورای انقلابی ولومری وزیر هنگامیکه شما ملان سیمینار منشیان کمیسیون کنترول حز بی کمیته های و لایتی رابرای ملاقات بحضور پذیرفتند

اختصار وقایع هفته

بناسی از دستور حفیظ الله امین منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان رئیس شورای انقلابی و لومری وزیر در مورد ترمیم و تزیین مساجد و مدارس دینی کار ترمیم بیش از سی مسجد که در مربوطات ولایت غور و ولسوالی جوین ولایت فراه ، هفته گذشته آغاز شده بود ۱۴ میزان پایان یافت .

• • •

مدیریت اطلاعات وزارت امور خارجه خبر میدهد به مناسبت انتخاب حفیظ الله امین بحیث منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان رئیس شورای انقلابی و لومری وزیر جمهوری دموکراتیک افغانستان تلگرام تبریکیه از طرف جلالتماب صدام حسین رئیس جمهور عراق عنوانی ایشان به کابل مواصلت کرده است .

• • •

مدیریت اطلاعات وزارت امور خارجه خبر میدهد از طرف حفیظ الله امین منشی عمومی **کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان** رئیس شورای انقلابی و لومری وزیر جمهوری دموکراتیک افغانستان تلگرا مهای تبریکیه بمناسبت سی امین سالگرد تاسیس جمهوریت دموکراتیک آلمان عنوانی جلالتماب اریش هونیکر منشی عمومی کمیته مرکزی حزب متحده سوسیالست ورئیس شورای دولتی جمهوریت دموکراتیک آلمان و جلالتماب ویلی شتوف لومری وزیرآن کشور به برلین مخابره گردیده است .

• • •

بخاطر تایید وپشتیبانی از فیصله های پلینوم فوق العاده مورخ ۲۵ سنبله ۱۳۵۸ **کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان** مبنی برانتخاب حفیظ الله امین قوماندان دلیر انقلاب کبیر ثور بحیث منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان، رئیس شورای انقلابی ولومری وزیر هزاران نفر از خلق وطنپرست ما در نقاط مختلف **ولایات کشور روزهای ۱۵ میزان و ۱۶ میزان محافلی** تشکیل داده وبا اجرای مارشها ودادن شعار های انقلابی ازآن استقبال بعمل آوردند .

• • •

مدیریت اطلاعات وزارت امور خارجه خبر میدهد حفیظ الله امین منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان، رئیس شورای انقلابی ولومری وزیر ساعت دوی بعداز ظهر ۱۶ میزان عبدالرحمن گوناد ارجه سفیر کبیر اندونیزیا مقیم کابل را برای ملاقات تعارفی در خانه خلق بحضور پذیرفتند .

حفیظ الله امین منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان ، رئیس شورای انقلابی ولومری وزیر قبل از ظهر ۱۷ میزان شاملان سیمینار منشیان کمیسیون کنترول حزبی کمیته های ولایتی رادر حالیکه پرهنوال محمد منصور هاشمی عضو کمیتهٔ مرکزی حز ب دموکراتیک خلق افغانستان، رئیس کمیسیون مرکزی کنترول حزب ووزیر آب وبرق ، خیال محمد کنوازی عضو کمیته مرکزی معاون رئیس کمیسیون کنترول مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان ، منشی کمیسیون کنترول کمیتهٔ ولایتی ووزیر اطلاعات وکلتور ومحمد سالم مسعودی منشی **کمیسیون کنترول حزبی کمیتهٔ شهری ووزیر تعلیم** وتربیه حاضر بودند در قصر دلکشای خانهٔ خلق به حضور پذیرفته وآنهارا از رهنمایی های عالمانه، علمی و مترقی شان برخوردار ساختند .

• • •

مدیریت اطلاعات وزارت امور خارجه خبر میدهد، حفیظ الله امین منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان ، رئیس شورای انقلابی ولومری وزیر ساعت نه صبح ۱۵ میزان جلالتماب راول گارسیه پلاز سفیر کبیر جمهوریت کیوبا وبه ساعت نه ونیم قبل ازظهرجلالتماب یوگوان ملباشیچ سفیر کبیر یوگوسلاویا مقیم کابل را برای ملاقات تعارفی درخانهٔ خلق بحضور پذیرفتند .

• • •

رفیق حفیظ الله امین منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان، رئیس شورای انقلابی ولومری وزیر در جواب سوال نامه نگار آژانس پاختر در مورد بیانیه رفیق لیونیدبریژنف منشی عمرمی کمیته مرکزی حزب کمونست و صدر هیات رئیسه شورای عالی اتحادجماهیر شوروی سوسیالیستی که به مناسبت تجلیل از سی امین سالگرد تاسیس جمهوریت دموکراتیک آلمان دربرلین ایراد نموده گفتند :

وفاداری صادقانه اتحاد شوروی باکنفرانس هلسنکی برای قدرت های صلح خواه جهان قابل قدر واحترام زیادی باشد وبیانگر علاقه صادقانه **اتحاد شوروی با صلح است که در** بیانیه رفیق بریژنف به آن تماس خوبی گرفته شده ودسایس منابع امپریالیستی رابر ضد صلح بخوبی افشا کرده است .

• • •

حفیظ الله امین ، **منشی عمومی کمیته مرکزی** حزب دموکراتیک خلق افغانستان ، رئیس **شورای انقلابی ولومری و ز یر هنگام** افتتاح کار کمیسیون طرح قانون اساسی جمهوری دموکراتیک افغانستان گفتند: انتظار دارم که شالودهٔ اساسی کار کمیسیون طرح قانون اساسی جمهوری دموکراتیک افغانستان

رافعالین تیوری دورانساز طبقهٔ کارگربخصوص در بارهٔ روبنا و زیربنای قوانین عینی تکامل اجتماعی واقتصادی نقش توده های خلق وفرد در تاریخ ودکتاتوری پرولتاریا تشکیل دهد تاثیر کارش به حیث بهترین رهنمود های تکامل خلق انقلاب ووطن محبوب ماافغانستان عزیز باشد .

• • •

مدیریت اطلاعات وزارت امور خارجه خبر میدهد، **دکتورشاه ولی منشی کمیتهٔ مرکزی حزب** دموکراتیک خلق افغانستان معاون لومری وزیر ووزیر امور خارجه ساعت ۱۱ قبل از ظهر ۱۷ میزان با جلالتماب دیزوکیش سفیر کبیر هنگری مقیم کابل وساعت سه ونیم بعداز ظهر باهانس پیتردیف دورن شارژدافیر سفارت کبرای جمهوری آلمان فدرال مقیم کابل درعمارت وزارت امور خارجه ملاقات تعارفی نمود .

ketabton.com - The Digital Library

قانون اساسی جمهوری دموکراتیک افغانستان

باید اراده و منافع خلق زحمتکش افغانستان را منعکس سازد





رفیق حفیظ الله امین منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان، رئیس شورای انقلابی ولومری وزیر موقعیکه بابیانیه ارزشمندشان کار کمیسیون طرح قانون اساسی جمهوری دموکراتیک افغانستان را درتالار سلامخانهٔ خانهٔ خلق افتتاح نمودند .

متن بیانیه حفیظ الله امین منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان رئیس شورای انقلابی و لومری وزیر درمحفل افتتاح کار کمیسیون طرح قانون اساسی جمهو ری دموکراتیک افغانستان .

مهمانان گرام !

رفقای مبارز !

دوستان دلیر !

هموطنان عزیز !

همه ما و شما با احساس غرور عالی انسانی امروز بخود می بالیم که انسان بحیث متکاملترین موجود طبیعت بـــه مرحله رسیده است که اسلوب زندگی خودرا آگاهانه تعیین می نماید، تمام نتایج موفقیت های معجزه آسای بشریت درارتباط با زندگی عالی انسانی و مناسبات بین انسانها درین حقیقت به خوبی انعکاس می کند که اکنون جامعه بشری افتخار محو کامل استثمار فرداز فرد رابه دست آورده می تواند وبه اعمار جامعه فاقد طبقات کـــه درآن تضاد بین شهر وده و کار ذهنی وجسمی نیز نابود خواهد گردید، آغاز نموده است .

این هم مایه افتخار همه ماوشماست که امروز اصل نقش عمده خلق درتکامل جوامع بشری در سراسر جهان تثبیت گردیده و آگاهانه مورد تایید واقع می گردد .

خلق بانیروی بر توان خود همه عوامل بدبختی خودرا میزداید وبه خود تاریخ پرافتخار می سازد، این عبور از نقش غیر آگاهانه خلق به نقش آگاهانه آن بحیث سازندگان تاریخ جهش کبیر در تکامل انقلابی جوامع انسانیست.

خلق دلیر افغانستان با اندوخته های فراوان تاریخی ، سهم قاطع در تکامل تاریخی افغانستان عزیز بخصوص نقش عمده در مبارزات طبقاتی آگاهانه بـــا رهبری حزب دموکراتیک خلق افغانستان انجام داده وبراساس شرایط ونیازمندی های عینی و ذهنی خود انقلاب کبیر ثور رابه پیروزی ودر برابر تمام زحمتکشان جهان مهمترین وظیفه انسانی خودرابه انجام رسانید که : نظام استثماری ستمگر را سر نگون ساخت، نظام خلقی وکارگری متکی بر اتحاد نیرومند کارگران، دهقانان و روشنفکران مترقی را مستقر کرد، بارشد سریع در انکشاف تولیدات کشور بسوی جامعه فاقـــد استثمار فرد از فرد به پیش میرودکه درنتیجه جامعه فاقد مخاصمت آشتی ناپذیر بین طبقات و بدون تشنج بین ملیتها اعمار می گردد .

لطفاً ورق بزنید

ketabton.com - The Digital Library

خلق زحمتکش ما برهبری حـــزب دموکراتیک خلق افغانستان از ارزیابی عاوتحلیلات علمی جامعه خود بدقت بررسی کرد، تمام عوامل ودلایل فقرو بدبختی عقب ماندگی و محرومیت خود رادر یافت که با تشدید مبارزات‌طبقاتی درپرتوایدیالوژی دورانساز طبقه‌کارگر مساعد ترین شرایط سر نگونی نظـــام فیودالی وبرهم زدن نفوذ امپریالیزم‌در افغانستان را بخاطر پیروزی انقـــلاب کارگری تشخیص داد که‌باقومانده حزب دموکراتیک خلق افغانستان و سهیم فرزندان قهرمان‌خلق زحمتکش ووابسته به‌حزب دموکراتیک خلق افغانستان و وطنپرستان دلیر وباشهامت کشور در ظرف ده ساعت انقلاب کبیر ثور آغازو پیروزی آن در امواج رادیو افغانستان به‌جهانیان اعلام گردید .

پیروزی انقلاب کبیر ثور زمینـــه

> تمام قوانین اساسی که قبلا در افغانستان بود همچو سایر قوانین نظامهای استثماری منافع طبقات حاکم استثمار گر را تامین و محافظه می کرد.

انکشاف نقش رهبری حزب دموکراتیک خلق افغانستان ،پیشاهنگ طبقه کارگر کشور ،را تهیه نموده است که توام بارشد سریع همه جانبـه افغانستان عزیز امکان رشد همه جانبه فردیکی وجود ندارد .

انقلاب کبیرثور بر اتحاد وهمبستگی مستحکم کارگران، دهقانان و سایـر زحمتکشان، روشنفکران مترقی سرمایه داران ملی و تاجران ملی را عملا نتیجه داده که همه وطنپرستان‌قاطعانه از نظام خلقی خود دفاع می کنند.

انقلاب کبیر ثور که در پرتو تیوری دورانساز طبقه کارگر و تحت رهبری حزب دموکراتیک خلق افغانستان به پیروزی رسید در حفظ و تکامل‌دست آورد های آن دوستی و برادری خلل ناپذیر با موافق برابری خلقهـــای افغانستان و اتحاد شوروی و همبستگی انتر ناسیو نالستی پرولتری را جزء مـــاهیت وطنپرستی خلق زحمتکش افغانستان ساخته است.

درین مرحله تکامل دست آورد های انقلاب کبیر ثور حزب دموکراتیک خلق افغانستان که عمیقا متوجـــه انکشاف اجتماعی ، اقتصادی کشور و رشدنیرو های تولیدی و تسریع ازدیاد تولیدات در د ا خل‌افغا نستان عزیـــز است بادر نظر داشت‌بدبختی های‌ناشی ازنظامهای مطلقه ، دکتاتوری هـــای فردی، کم بها دادن به‌نقش توده های خلق ،اثر نامطلوب کیش شخصیتو عدم توجه به کاردستجمعی پوره ملتفت است .

خلق زحمتکش مااز شرایط عـــدم مصونیت، بی بندو بار یها، خود سری هاوبرخورد های غیر مسئولانه کارکنان دولت نیز در تشویش بوده اند، حزب دموکراتیک خلق افغانستان به‌خاطرنفی همه‌این عوامل مانع رشد مطلوب دست آورد های‌انقلاب ثور باقداماتی‌پرداخت که‌به‌خاطر عملی شدن هرچه سریعترو بیشتر شعار ، مصونیت، قانونیت و عدالت ،تپو تلاش خستگی ناپذیـــر وسیعی بکار افتیده است .

این شعار در وجود قانون اساسی که‌این آرزوی خلق‌راکه طبق گفته رهبر کارگران جهان، ما حکومتی می‌خواهیم که‌همیشه تحت کنترول نظر عامه این کشور باشد بخـو بی تـا مین نمـا ید عملا بـر آورده شـده می‌تواند، ازینجا بود که دفتر سیاسی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلـــق افغانستان و شورای انقلابی جمهوری دموکراتیک‌افغانستان مساله‌بوجودآوردن قانون اساسی جمهوری دموکراتیـــک افغانستان و تاسیس کمیسیون طرح قانون اساسی جمهوری دموکراتیـــک افغانستان را مورد تایید قرار دادکه‌به هموطنان عزیز اعلام گردیده است.

رفقای مبارز و وطنپرستان آگاه ما میدانند که تمام قوانین اساسی که‌قبلا درافغانستان بود همچو سایر قوانین نظامهای استثماری منافع طبقات حاکم استثمار گر را تامین و محافظه می کرد قانون اساسی جمهوری دموکراتیـــک افغانستان که‌با کار خستگی ناپذیـــر کمیسیون طرح قانون اساسی جمهوری دموکراتیک افغانستان تایید وبه‌حمایت خلق زحمتکش مابوجود می آید طبق گفته رهبر کارگران جهان، به خلـق زحمتکش خدمت می کند و همیشه‌خدمت می‌کند و وسیله نیرو مند است در مبارزه به خاطر تحقق جامعه فاقـــد استثمار فرداز فرد .

از همینجاست که کمیسیون طـــرح قانون اساسی جمهوری دموکراتیـــک افغانستان نمایندگان‌تمام طبقات‌واقشار مربوط به زحمتکشان کشور ماازقبیل کارگران، دهقانان، قوای مسلح قهرمان خلق ،روشنفکران مترقی، علمای دینی‌و مذهبی ، جوا نـا ن، معلمان واستادان سرمایه داران ملی و تجار ملی،ملیت های مختلف کشور و امثال آنرا دربر دارد. تابصورت دستجمعی منافع تمام نیرو ها وعناصر مربوط به زحمتکشان افغانستان را به‌خوبی منعکس سازند.

> این قانون اساسی خلق ز حمتکش ، سیستم سیا سی خلق ز حمتکش‌ا ست که د ر تلا ش پیر و ز ی بر کپیتا ل بین المللی است .

یقین دارم همه وطنپرستانیکه در این کمیسیون طرح قانـــون اساسی جمهوری دموکراتیک افغانستان گردهـم جمع می شوند با احساس مسوولیت عظیم در برابر تاریخ در طرح قانون اساسی جمهوری دموکراتیک افغانستان حصه می گیرند ، همه باید ملتفت باشیم هرکدام ماخودرا از نظر عضویت درکمیسیون دربرابر باز پرسی خلـق قرار می دهیم ، همانقدریکه عضویت‌در آن وکار ثمر بخش و صادقانه در آن افتخار عظیم بار می‌آورد به همان‌اندازه متضمن مسوولیت بزرگ نیز اند، ما باید احساس نماییم شرط اول تامین آزادی خلق اینست که مطابق گفته یکی ازاولین رهبران کارگران جهان، تـــمام ماموران رسمی به خاطر تمام اعمـال خود نزد هرفرد وطن در برابر محاکم عادی ومطابق قانون مسوول باشند،ما نیز ازآن دور بوده نمی توانیم.

امروز کمیسیون طرح قانون اساسی جمهوری دموکراتیک‌افغانستان‌مورد توجه همه خلق زحمتکش ماو تمام دوستان‌و دشمنان وطن، خلق و انقلاب ما قرار می گیرد. ومی بینندکه چگونه راه‌تامین نیاز مندیهای خلق ماو منافع همـــه زحمتکشان مـــارا منعکس میسازد کارگران، دهقانان ،روشنفکران مترقی، سرمایه داران ملی وتجار ملی‌وتمام وطنپرستان تمام ملیت های افغانستان آرزو دارند و قلوب شان با عشـــق وطنپرستی در سینه های مملو از امید به‌آینده شان می تپد تا معتقد شوند که‌هر فرد شان طبق‌گفته رهبر کارگران جهان میداند که این قانون اساسی خـلق زحمتکش ، سیستم سیاسی خلق زحمتکش است که در تـــلاش پیروزی بر کپیتال بین المللی‌است که این یك پیروزی است بر امپریالستان بین المللی که‌بدست‌آورده ایم،نمایندگان وطنپرست واگاه هر طبقه وهر قشرد هرعنصر خلق زحمتکش ما امیدوارندکه درین قانون اساسی امکاناتی تضمین شده بتواند که با عقیدت وطنپرستانه خود درآبادی وطن‌سهم صادقانه‌گرفته بتوانند ،قانون اساسی مابابد شرایطی راتامین نماید تاباساس گفته رهبـــر کارگران جهان ،هر نماینده توده هـــا هرفرد وطن باید در شرایطی قرارداده شود که قادرش سازددرمناقشه قوانین دولتی ، درانتخاب نمایندگان خودودر پیاده کردن قوانین دولتی درعمل‌سهم بگیرد.

انتظار دارم شالوده اساسی کـــار کمیسیون طرح قانون اساسی جمهوری دموکراتیک افغانستان را تعالیم تیوری دورانساز طبقه کارگر بخصوص درباره روبنا وزیربنای قوانین عینی تکامـل اجتماعی ، اقتصادی ،نقش توده هـــای خلق و فرد در تاریخ و دکتاتـــوری پرولتاریا تشکیل دهد تا ثمر کارش بحیث بهترین رهنمود های تکامل خلق انقلاب و وطن محبوب ما افغانستان عزیز ، باشد.

توجه همه اعضای محترم کمیسیون طرح قانون اساسی جمهوری دموکراتیک افغانستان رابه نکات آتی جلب می‌نمایم تادر راه به انجام رساندن این وظیفـه خطیر خود در نظر داشته باشند .

قانون اساسی جمهوری دموکراتیک افغانستان باید به خیال بافی‌ها و احساسات میان خالی‌متکی نبوه‌محتوای کاملا ریالستیك و علمی داشته باشد اما ریالستیك بودن آن هیچ پهلوی محافظه کاری نداشته ودر جناح کاملا انقلابی و مترقی آن واقع باشد، رهبر کارگران جهان‌گفته است، وقتیکه قانون وواقعیت ازهم جدا است در آن‌صورت قانون اساسی جعلی و ساختگی‌است وقتیکه قانون و واقعیت باهم متوافق .

ketabton.com - The Digital Library

باشد درآن وقت قانون اساسی جعلی‌و ساختگی نیست .

بادر نظر داشت ماهیت طبقاتی‌انقلاب کبیر نور و جمهوری دموکراتیک افغانستان دولت بکلی و مشخص ماهیت دکتاتوری پرولتری متکی براصل‌اتحاد طبقه کارگر ودهقان داشته باشد.

اراده و منافع خلق زحمتکش افغانستان رابادر نظر داشت حقایق تاریخی منعکس سازد تامورد تاییدهمه زحمتکشان مربوط باشد.

عالیترین قدرت خلق است یعنی تسلط کامل قدرت توسط خلق زحمتکش کشور تمثیل می گردد .

اساس سیستم اجتماعی جمهوری دموکراتیک افغانستان مالکیت بروسایل عمده تولید بشکل ملکیت عامه است که‌بسوی جامعه فاقد استثمار فردازفرد توسط دکتاتوری پرولتری در افغانستان است تا شرایطی تامین شده بتواندکه بااز بین بردن تمام بقایای نظام‌فیودالی ومحو کامل وابستگی با امپریالیزم و بورژوازی،کمپرادوری، شعار ازهرکس بقدر استعدادش و بهر کس بقدر کارش عملی شود .

پایه اساسی اجتماعی جمهوری دموکراتیک افغانستان اتحاد شکست ناپذیر کارگران، دهقانان‌و روشنفکران مترقی تمام ملیت هاو اقوام ساکن افغا نستان است ، برابری قانونی‌و واقعی تمام ملیت های افغانستان و همکاری برادرانه شان در امر اعمار جامعه که‌درآن قانون زندگی همه برای هریك واز هریك برای‌همه تحقق داشته ازآرزو های خلق زحمتکش ماست.

دفاع از ناموس مادر وطن، حمایت تقویه‌و استحکام هرچه بیشتر اردوی قهرمان و تمام قوای مسلح خلق‌آرمان عالی تمام زحمتکشان ماست .

جنس، دین، مذهب ، ملیت ونژاد.

آزادی کامل عقیده و احترام عمیق‌و حمایت وسیع دین مبین اسلام و نفی کامل تعصبات دینی و مذهبی .

از نگاه تکامل کلتوری و جسمی‌خلق جمهوری دمو کراتیك افغانستان براین اصل تکامل اجتماعی معتقد است که رشد آزاد هریك شرط رشد آزاد همه است .

براساس آن تامین فرصت های رشد شخصیت ها باارتباط تکامل نیرو های خلاق، لیاقت هاو استعداد های‌شان جزء اهداف عالی آن است وبهترین فرصت تعلیم و تربیه به‌خاطر تربیه انسان نورابقدریکه ممکن است برای همه تهیه می بیند .

سیاست خارجی جمهوری دموکراتیك افغانستان متکی می باشد بر :

الف ـ توسعه و استحکام همبستگی دوستانه و برادرانه با کشور های سوسیالستی ودرراس آنها اتحادجماهیر شوروی سوسیالستی .

ب ـ دفاع از نهضت های کارگری جهان و جنبش های آزادی خواهی ضد امپریالستی خلقهای سراسر جهان.

ج ـ تعقیب پالیسی عدم انسلاك و داشتن نقش فعال در امر نیرو مندی هرچه بیشتر جنبش عدم انسلاك در مبارزه ضد امپریالیزم، ضد استعمار وضد اپارتاید وتبعیض نژادی.

د ـ تاسیس روابط دوستانه با سایر کشور هاییکه دارای رژیم های متفاوت اجتماعی ، اقتصادی‌اند براساس پرنسیپ های برابری واحترام متقابل درامر حاکمیت و استقلال ملی، عدم مداخله در امور یکدیگر ، احترام‌به حقوق بشر و آزادی های اساسی‌حل اختلافات از راه مذاکرات سیاسی و تقبیح تهدید مسلحانه ، دفاع ازصلح

> قانون اساسی جمهوری دموکراتیک افغانستان بر این اساس تیز تکیه می کند که قدرت قضایی شکل جزء قدرت دولتی است .

نیرومندی هرچه بیشتر آمادگی‌خلق به‌خاطر به‌انجام رساندن مسوولیت‌های تاریخی در امر دفاع از مادر وطن‌و افتخارات تاریخی خلق .

تامین حقوق و آزادیهای دموکراتیك خلق زحمتکش برابری کامل قانونی و عملی زحمتکشان بدون در نظر گرفتن جهانی و مبارزه به‌خاطر جلوگیری از جنگ .

انتخاب تمام ارگانهای دولتی از بالا تاپایین براساس رایگیری عمومی مساوی، مستقیم ومخفی بامحوفیودالیزم نابودی وابستگی با امپریالیزم همان طوریکه رهبر کارگران جهان گفته است ما مسالهٔ محرومیت ازراه بورژوازی‌رابه طور مطلق نمی پنداریم زیرا از نگاه تیوری کاملا قابل درك‌است که‌دکتاتوری پرولتاریا بورژوازی رادر هر قدم بدون محروم ساختن آن از راهی سرکوب می‌کند ، تمام امکانات استثمار را از بین میبریم وبا سرمایه داران ملی‌و تجار ملی مساعدت می نماییم تابا افتخار در آبادی وطن سهم وسیع بگیرند .

مسوولیت‌و حساب دهی تمام‌کسانیکه انتخاب می شوند به انتخاب کنندگان است، طوریکه رهبر کارگران جهان می گوید هر سازمان یا جرگه نمایندگان منتخب تنها به شرطی واقعا دموکراتیك وحقیقتا نماینده اراده خلق تصورشده می‌تواندکه حق خواستن نمایندگان توسط خود انتخاب کنندگان برسمیت شناخته شود و عملی گردد. ماهم می خواهیم انتخاب کنندگان ما حق پس خواستن انتخاب شوندگان را داشته باشند.

تبلیغات دشمنان ماو انتقاد کنندگان سوسیالیزم همیشه‌روی دارایی شخصی افراد است همانطوریکه‌تیوری دورانساز طبقه کارگرمدتها قبل‌این دروغ‌مخالفان سوسیا لیزم را افشا ساخته است قانون اساسی جمهوری دموکراتیك افغانستان نیز آنرا نقش برآب خواهد ساخت وبر علاوه که ازمصونیت دارایی شخصی اطمینان‌میدهد، این تیزس‌اولین رهبران کارگران جهان راکه ، جامعه فاقد طبقات هیچ فرد ی رادر قدرت داشتن محصولات اجتماعی محروم نمی سازد .تمام چیزیکه می کند این است که‌وی‌را از قدرت تابع ساختن کار دیگران توسعهٔ مالکیت محروم می‌سازد درعمل تایید می نماید براین اساس تمام و سایل عمده تولید دارایی‌عامه محسوب می شود .

قانون اساسی جمهوری دموکراتیك افغانستان براین اساس نیز تکیه می کندکه قدرت قضایی شکل جزءقدرت دولتی است رهبر کارگران جهان می گوید ، محکمه یك ارگان قدرت است که بعضا لبرالها آنرا فراموش می کنند . امایك‌پیشاهنگ‌گناهی رامرتکب می‌شود اگر آنرا فراموش کند.

قدرت عالی خارنوالی باید از بالاتا پائین دستگاه دولتی مارا مورد نظارت برقانونیت قرار داده بتواند ودر پرتو چنین نظارت محاکم باید با احساس آزادی کامل قانون رامورد تطبیق قرار دهد. اولین رهبر کارگران جهان می نویسد ، قاضی بجز از قانون ازخود بالاتر ندارد .

> قانون اساسی جمهوری دموکراتیك افغانستان رهبری دستجمعی را بحیث پرنسیپ عالی فعالیت ارگانهای دولت خلقی ما قرار میدهد .

دولت جمهوری‌دموکراتیك افغانستان وارگانهای که بسوی ماهیت واقعا دموکراتیك تکامل می کند براساس سنتر الیزم دموکراتیك تنظیم می گردد که از یکطرف اداره دولتی متمرکز می باشد و رهنمود های سازمان های ماوق توسط سازمانهای مادون وحساب دهی سازمانهای مادون به سازمانهای عالیتر انجام می یابد وازسوی‌دیگربه ابتکار و فعالیت های محلی وسیعا اعتلا داده می شود .

رهبر کارگران‌جهان می گوید : مایك وسیله عالی داریم که توسط آن اداره دولتی مارا‌ده‌بار افزایش داده‌می‌توانیم یعنی وسیله که هیچ یك از دولت های سرمایه داری در هیچ وقت نداشته‌بود ونخواهد داشت و آن جلب کردن زحمتکشان وتهی دستان‌به کار روزمره اداره دولت است. باید خلق زحمتکش عملا در اداره‌وامور دولتی خوداگاهانه بصورت انفرادی و سازمانی با ایجاد سازمانهای خلقی وسیعا سهیم شوند افغانستان عزیز از نگاه قانون و عمل کشور محبوب خلق زحمتکش ملیت‌های پشتون ،بلوچ، تاجك، هزاره، ازبك ترکمن و نورستانی واقوام ساکن‌آن میباشند، وطن ازآنان وآنان‌مالکان‌واقعی وطن‌خود افغانستان عزیز اند .

امید وارم آغاز کار کمیسیون طرح قانون اساسی جمهوری دموکراتیك افغانستان جریان فعالیت های آن‌ترتیب طرح قانون‌اساسی جمهوری‌دموکراتیك

لطفاً ورق‌بزنید
صفحه۵

> قانون اساسی جمهوری دموکراتیك افغانستان رهبری دستجمعی را بحیث پرنسیپ عالی فعالیت ارگانهای دولت خلقی ما قرار میدهد .

ketabton.com - The Digital Library

افغانستان طوری صورت گیرد که زحمتکشان کشورما امکان رساندن نظرات پیشنها دات، آرزوها، وصداهای خودرا به کمیسیون بطور اطمینان بخش داشته باشند وتمام وطنپرستان ما باگوشت و پوست خود در عمل پیاده شدن شعار مصونیت ،قانونیت و عدالت ،را احساس نمایند وبا اطمینان خاطر به اعتماد کامل و شورو شعف فراوان درطرح قانون اساسی نظا م خلقی خود سهیم گردند .

آغاز کار کمیسیون طرح قانون اساسی جمهوری دموکراتیک افغانستان جریان وپیشرفت فعالیت های آن این واقعیت راخوبتر جلوه میدهد که هروطنپرست افغانستان درهر جاییکه شکار توطئه هاو دروغهای دشمن شده باشد باروح آرام عشق بوطن محبوب خود، افتخار

> نمایند گان وطنپرست و آگاه هر طبقه و هر قشر و هر عنصر خلق زحمتکش ما امیدوار ند که در ین قانون اساسی امکاناتی تضمین شده بتوا ند که باعقیدت وطنپرسانه خود د رآبادی و طن سهیم صادقانه گرفته بتوا ند .

بر تاریخ کار نامه های قهرمانانه پدران ونیاکان خود و اطمینان و اعتماد کامل برعفوعام و تام نظام خلقی خود به خانه های خود نزد همه دوستان و علاقمندان خود که چشم براه شان اندودلهای مملو ازمحبت و صمیمیت به خاطر برگشت با مصونیت و سرشار از فضای قانونیت وعدالت دوستان شان می تپند آمدوبا آنها بکجا به زندگی آبرومند خودادامه دهند وباز هم ببینند که در کشور محبوب شان افغانستان عزیز ودرنظام خلقی ما قدرت به نفع زحمتکشان مسلمان تامین شده است ،هرکس با آزادی کامل به ادای مقدسات دینی خود می پردازد، دین مبین اسلام نه تنها درخطر نیست بلکه مورد احترام کامل وحمایت وسیع نظام خلقی ماواقع گردیده است.

تمام زحمتکشان ملیت های ساکن افغانستان پشتون ، بلوچ، تاجك، ازبك ترکمن ،هزاره و نورستانی و اقوام مختلف کشور عزیز ما با ایمان واعتقاد کامل وقلوب مملو از آرمانهای عالی نجات قطعی از استثمار فرد ازفردو اطمینان زندگی عاری ازستم های طبقاتی ملی و مذهبی و منزه از هر گونه تعصبات و تبعیضات ملی و مذهبی و نژادی و با اطمینان کامل از رشد و زبانهای ملی شان از آغازکار کمیسیون طرح قانون اساسی استقبال می نمایند وباافتخار به جهانیان اعلام می کنند که بعد ازین همه ما آزادیم، در کشور محبوب خود افغانستان عزیز آزادانه

زندگی میکنیم بین خود برابرو برادریم وبه تمام هموطنان عزیز وشریف خودکه بادروغهای دشمنان وطن مافریب خورده اندصادقانه خبر میدهند که از دشمنان وطن نفرت کنید .هر چه زود تر به خانه های تان برگردید ، برعفو عام و تام نظام خلقی تان اعتماد کامل داشته باشید . ماآغوش گرم خود رابه استقبال گرم از شمابرای شما بازنگه داشته ایم.

امروز در کشور عزیز ما بهترین شرایط آبرومند ترین زندگی مهیاشده میرود ،بیایید بین خلق زحمتکش خود باافتخار زندگی کنید تابا افتخاراز وطن خلق و انقلاب خود دفاع نماییم که افتخار ابد نصیب شما نیز شود.اختناق

وترس از کشور ما رخت بسته است. همه ماباطمینان بدون کوچکترین تشویشی در فضای مصونیت ،قانونیت وعدالت زندگی می کنیم وبرای آبادی وطن وانکشاف سریع تولیدات داخلی آن کار می نماییم، وحدت اجتماعی، سیاسی و ایدیالوزیکی جامعه افغانی که در آن طبقه کارگر نقش رهبری میداشته باشد قاطعانه تامین می گردد .

در حالیکه کار کمیسیون طرح قانون اساسی جمهوری دموکراتیک افغانستان را افتتاح می نمایم انتظار دارم تمام کارگران ،دهقانان ،روشنفکران مترقی، سرمایه داران ملی ، تجار ملی و همه وطنپرستان ودلباختگان راه اعتلای وطن بصورت جدی، دقیق وهمه جانبه بخاطر پیروزی هرچه بیشتر این کمیسیون وبا امید به میان آوردن بهترین طرح قانون اساسی جمهوری دموکراتیک افغانستان با عشق و عملا قدم بی پایان به وطن ، خلق و انقلاب خود ازهیچگونه مساعدت و همکاری دریغ نکنند. ازنظرات و پیشنهادات خودو هرگونه معلومات مفیدی راکه بخاطر تامین این آرمان عالی بدست می آورند کمیسیون طرح قانون اساسی جمهوری دموکراتیک افغانستان را مطلع و بهره مند سازند

وازین راه نیز بوطن ما خلق وانقلاب خود بهترین و پرافتخار ترین خدمتی انجام دهند.

دراخیر به تمام رفقای مبارز، دوستان دلیرو هموطنان عزیز هوشیار باش می گویم که تمام دشمنان وطن ما، دشمنان خلق ماو دشمنان انقلاب ما همانطوریکه علیه انقلاب خلقی ما، علیه نظام خلقی ماوعلیه اقدامات خلقی مابه تبلیغات دروغین وخاینانه پرداخته اند انقلاب کبیر ثور را مورد اتهامات وسیع قرار داده اند بر قدرت مسلمانان زحمتکش ماتهمت ها می بندند پیروزی های انقلابی ودست آورد های انقلاب کبیر ثور را غلط تعبیر می کنند، آزادی زحمتکشان مارا ازقید استثمارفیودالی از اسارت طبقاتی مفتخواران بنام کشتن هاجار میزنند، مصونیت،قانونیت وعدالت رابه ناآرامی، بی امنیتی وعدم کنترول معرفی می کنند، هرکس میبیند که برادری ،برابری و آزادی ادای مقدسات پیروان مذاهب در دین مبین اسلام در کشور ما بر قرار است ومابر آن افتخار می کنیم . اما متعصبان ضد منافع خلق زحمتکش مادر خارج از افغانستان بنام ایجاد اختلاف بین پیروان مذاهب اسلام سر نامی نوازند. تمام این دشمنان ماازرادیو های رسمی خود علیه اعلامیه حکومت جمهوری دموکراتیک افغانستان مبنی بر عفو عام و تام تمام هموطنان ماکه فریب دشمنان راخورده اند قرار گرفته اند. ماهموطنان فریب خورده خود را عفو کرده ایم، اما اعلامیه عفو مارا رادیو های امپریالستی ومنابع ارتجاعی بیگانه تردید میکنند عفو ما برای بعضی از عناصر فریب خورده خلق ماست اما آتش بجان امپریالیزم و ارتجاع بین المللی افگنده است . اکنون یقین دارم که آغاز کار طرح قانون اساسی جمهوری دموکراتیک افغانستان نیز دشمنان امپریالستی و ارتجاعی مارا در منطقه و سراسر جهان بشدت ناآرامتر می سازد، به تبلیغات واتهامات خاینانه خود نیز درین زمینه وسیعا شروع می کنند .همه وطنپرستان ما همانگونه که دربرخورد گرم دسایس امپریالیزم و ارتجاع را خنثی می سازند ودرآبادی وطن محبوب خود کار خستگی ناپذیر می کنند، هم در پیشرفت کار سریع کمیسیون طرح قانون اساسی حصه می گیرند وهم هرگونه تبلیغاتی راکه دشمن بکار می اندازد وهرنوع اتهاماتی راکه برما می بندد ازریشه افشا ونابود می کنند. آنانی که به دهل امپریالیزم و ارتجاع آگاهانه یا ناآگاهانه میرقصند وعلیه ماعلیه خلق ماعلیه انقلاب ماو علیه حزب ما تبلیغات دروغین می کنندو اتهامات می بندند روسیاه بدر می آیند و خلق به پیش میرود وآینده تابان به خود اعمار می کنند .

زنده باد خلق زحمتکش افغانستان عزیز .

زنده باد خلق های زحمتکش سراسر جهان.

پیروز باد حزب دموکراتیک خلق افغانستان .

پیروز باد نهضت بین المللی کارگری.

پیروز باد جنبش های آزادی بخش خلقهای سراسر جهان .

نیرو مند و مستحکم باد انتر ناسیونالیزم پرولتری .

پیروز باد صلح، دموکراسی وترقی اجتماعی در سراسر جهان .

به پیش بسوی آزادی واقعی انسان.

به پیش بسوی اعمار جامعه فاقد استثمار فرد از فرد .

به پیش بسوی نابودی هرنوع وسیله ستم و اختناق در سراسر جهان .

> قانون اساسی ما باید شرایطی را تامین نما یدتا هر نماینده توده ها هر فرد وطن با یدد رشرایطی قرارداده شود که قادرش سازد د رمنا قشه قوانین دولتی ، د ر انتخاب نمایندگان خود ودر پیاده کردن قوانین دولتی د رعمل مهم بگیرد.

ketabton.com - The Digital Library



«قانون اساسی جمهوری دموکرا تیک افغانستان رهبری دستجمعی رابحیث پرنسیپ
الی فعالیت ارگانهای دولت خلقی ماقرارمیدهد»

«از بیانیه حفیظ الله امین منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان
رئیس شورای انقلابی ولومړی وزیر »

شنبه ۲۱ میزان ۱۳۵۸ ـ ۱۳ اکتوبر ۱۹۷۹

درتاریخ پنجهزار ساله کشور:

برای نخستین بار قانون اساسی زحمتکشان افغانستان طرح و تدوین می‌شود

کاو شها و بررسی های علمی نمایانگر ین واقعیت است که همه موجو دات جبه بصورت طبیعی تلاش میو رزند تا از هرگونه گزند مصوون بوده ومورد تعرض وا قع نگر دند و لی آنچه که انسان را در بین میان نسبت به سایر زنده جا نها اهمیت ویژه ازندگی خاصی می بخشد هما نا تلا ش شعوری ، آگاهانه و هدفمند آنست برای تامین مصوونیت ، قانونیت وعدالت.

اگر انسا نرا از بدو پیدا یش آن تحت مطالعه قرار دهیم درمی یابیم که حتی در ابتدا یی ترین دوره ها ی حیا ت ، بشر جا ها ن آن بوده است تا از تعر ض و تجاوز در امان بماند وبرای برآورده شدن این منظور از هر گو نه و سایل ممکنه استفاده نمود ه است .

ولی متا سفانه که بابمیان آمدن یک شت زور گو و طفیلی و تسلط شان بروسایل تولید ورو یکار آمدن مالکیت خصو صی دوره ها ی غیر انسانی واستثماری (برده‌داری فیو دالی و سر مایداری) این آرزو ی والاو مقدس انسا نا ن زحمتکش لگد ما ل گردید ولی با آنهم نتوانستند این فریاد حقه بشرراکه‌عبارت ازمصوونیت، قانونیت و عدالت است برای ابد در گلوی شان خفه سازند بدینمفهوم که آن گروه مفتخوار و مستبد باآنکه برای حفظ منافع شوم وآزمندا نه شان قوا نین ومقررات خود سا خته وعوام فریبانه وضع نمودند وظاهراً چنین وا نمود کردند که آنا ن به فکر رفاه وخوشبختی مردم چنین قوانینی را وضع می نمایند و لی در وا قع آنها زهری را در کپسو ل عسل بکام توده ها میر یختند چنا نچه قوا نین ظالما نه ومر تجعانه دوره ها ی زما مداری

آل یحیی را بحیث بار ز ترین نمونه در افغانستان عزیز میتوا ن مثال آورد .

در یکی از مواد مند رج‌قانون اسا سی ظاهر شاهی که اصلا برای فریب و اغوای طبقه زحمتکش و قشر روشنفکر متر قی بمیان آمده بود چنین تذکر داده بودند:

هر گاه در خا ندان جلیل سلطنتی پسری برای بعهده گر فتن زمام امور کشور وجود نداشته باشد دختر ار شد در بار بحیث پادشاه افغانستان شنا خته میشود ... حا ل به‌بینیم که‌آن قانون اساسی را وتیقه ملی میتوان گفت یا سند ملکیت میراثی‌آل‌یحیی؟ وآن قا نو ن گذاران محتر م نما ینده گان توده ها بودند یا چا کرا ن اصیل و کا سه لیسا ن در بار ؟

همچنان اگر به قانون اساسی داؤد عوام فریب توجه می‌شد بمشا هده میر سید که همه قدرت دولتی به‌یك باند جنایتکار وتارا جگر هستی خلق افغانستان تمر کز دادهشده بود. ولی خوشبختانه که انقلاب کبیر ثور بسا ط آن همه زور گویی ها را برچیدو ویجای آن جهان پر از امید و عا ری ازتعدی رابه ز حمتکشا ن این کشور با ر مغان آورد که‌اکنون باتلاش‌درتامین شعار مصوونیت قانونیت و عدالت وآغاز کار کمیسیو ن‌طرح قانون اساسی جمهوری د موکر ا تیک افغانستان این ارمان دیر ین خلق افغا نستان رابیشتر تحقق می‌بخشد چنانچه حفیظ الله‌امین منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دمو کراتیک خلق افغانستان رئیس شورای انقلابی ولومړی وزیر در محفل افتتاح کار کمیسیو ن طر ح قا نو ن اسا سی جمهوری دمو کر ا تیک افغانستان فرمودند:

«رفقای مبارز ووطنپر ستان آگاه ما میدانند که تما م قوانین اسا سی که قبلا درافغانستان بود همچو سا یر قوا نین نظامهای استثماری منافع طبقا ت حاکم استثمار گر را تامین و محافظه میکردقانون اسا سی جمهوری د مو کراتیك افغانستان که با کار خستگی ناپذیر کمیسیون طرح قانون اساسی جمهور ی دمو کراتیك افغا نستان تایید و به حمایت خلق زحمتکش مابوجود می آید طبق‌گفته رهبر کارگران جهان : «به خلق زحمتکش خد مت میکند و همیشه خد مت میکند ووسیله نیرو مند است در مبارزه به خا طر تحقق جا معه فا قد استثمار فرد ازفرد .»

قانون اساسی جمهوری دمو کراتیك افغانستان را بخاطری میتوان بساز تابی از ارما نهای واقعی زحمتکشان افغانستان خواند که در کمیسیو ن طرح آن نما یندگان تما م طبقا ت واقشار مربو ط به زحمت کشان کشور از قبیل کار گر ان ،دهقانان قوای مسلح قهرما ن خلق ، رو شنفکرا ن متر قی ، علما ی دینی ومذ هبی، جوا نا ن، معلما نوواستا دان ، سر ما یدا را ن ملی و تجا ر ملی و ملیت ها ی مختلف کشو ر عملا شرکت دارند .

بنا میتوا ن حکم‌کردکه این اولین قانون اسا سی خوا هد بودکه در تاریخ پنجهزا ر ساله کشور برای او لین بار به نفع زحمتکشا ن افغانستان به میا ن می آید و حافظ منافع آ ن توده های ملیو نی این مرز وبوم میباشد که هزاران ر نج وستم استثمار گران وفیو دالان مستبد را بر دوش کشیده اند .

به پیش بسوی آزادی کا مل انسا ن نابود باد ظلم واستثمار در سراسر جهان

قانون اساسی جمهوری دموکراتیك‌افغانستان باید اراده ومنافع خلق زحمتکش افغانستان را منعکس سازد.

●●●

همه چیز درخدمت خلق ودرراه نجات‌کامل خلق.

●●●

دوخت‌پوه‌اولسی شعرونوکی دکابل‌دملی‌قیام‌په هکله خرګندونې.

●●●

سیر تحول وانکشاف صنایع دستی .

●●●

کم‌خوابی ،بدخوابی وبیدار خوابی !

●●●

دکارګری او انقلابی تیوری .

●●●

استاد قاسم (افغان) یاپدر مو سیقی افغانستان .

●●●

لنډ داستان (مور اوزوی)

●●●

شرح روی جلد:
نادیه هنرمند محبوب رادیو تلویزیون خلق افغانستان ومتعلم صنف دهم ج رشته‌ساینس لیسه عایشه درانی

●●●

پشتی اخیر زندگی خلق‌کوچی افغانستان راتمثیل میکند که دررژیم های ضد خلقی گذشته هیچ توجه دربهبود وضع زندگی آنها نشده است.

ke... The Digital Library

آینده

به افتخار قانون اساسی ج،د، ا

همه‌چیز در خدمت خلق و در راه

نجات کامل خلق

رشد سر یع طبقه‌یی کار گـــرو روشنفکر ان معا صر ،رشد قوای مو لد ه در کشور ما وتا ثیر معنوی مبا رزات بی امان انقـلا بی ،اجتماعی در کشور، دمبدم محیط اجتما عی‌را برای یك مبارزه‌یی واقعی مساعدترمی سا زد وریشه های طرز تفکر وعمل ذهنی انفرا دی واوا نتا ریستی‌را دمبدم بیشتر می خشکا ند. ولی نباید تصور کرد که این پرو سه سر یع است ، هر مبا رزی با یدخود رابرای دشواری های این مبارزه که گاه‌حتی روا نسوز است در چنین محیطی آماده سازد .

هیچ‌چیز از نوحه وندبه ،ازابراز بهت وحیرت در قبال رنج‌هاوعجائب ناشی از چنین محیطی عبث‌ترنیست برای نسل ما محیط مبارزه فراخ‌تر ازگذشته است یعنی ایـن‌مبارزه‌در حالی‌صورت می گیردکه کشوروخلق ما شکل سر یع بطرف رها یی‌کامل بطرف بهر وزی وبهزیستی میرودو هم‌چنان بزر گتر ین افتخار نسـل ما تغییرآن محیط گذشته یی جهنمی به چنین محیط مسا عد برای رها یی کا مل است . آری این به انجـام رسا نیدن نبرد های دشوار است‌که مؤجد افتخار بوده میتو ند.

جا معه نو ین ودمو کرا تیکـی که در کشور ما ایجاد شده تنهـا با بر رسی تجر به یی خودودیگران وبا انطباق تیوری ها و تجر بـه هـا میتواند به شرا یط بهره نه کشیدن انسان از انسان منتهی شود . آری این نو سا زی با ید بر شا لـوده محیط اجتما عی کشور ما که بشکـل انقلا بی‌ولی با سنجشس دگر گون میشود ، ساخته میشود .تقلیدشتاب الگو سا زی (نمو نه‌ومدل سا زی) صدور هدا یات نا سنجیده عوا قب شوم وندا مت های تلخ ببار آورده وگر باز هم چنین عمل شود درآینده ببار خوا هد آورد .

اینك پس از آنکه پرو لتار یـا ومتحدین وی در یك کلمه نیرو های انقلا بی جا معه تسلط سیا سـی‌و دو لتی خود را بر قرار سا خته‌اند. باید این پند رهبر انقلاب کبیر اکتبر را از یاد نبریم که میگو ید : «نقش اعمال قهر بعنوان وسیله عمده ای حل معضله در ینجا خا تمه میابـد وسپس نقش تا ثیر اقتصا دی، رو شهای تجد ید تر بیت واقناع، محا صره طو لانی عنا صر کهـن وایجاد پرو سورس‌وپر حو صله‌یی عنا صر نو ین است که بو ظیفـه عمده مبدل میشود .» در ینجـا هیچ مدلی آماده ازقبل وجودنـدارد

انقلاب کبیر کار گری ما نیـز انقـلا بیست در نوع خود بی‌نظیر (البته‌با حفظ نقاط مشترك‌با سایر انقـلابات کار گری که این بحثی است جدا گانه) اقدا مات ایـن انقـلاب که در وجود جمهوری دمو- کرا تیك افغا نستان تمثیل وعمـل میشود و نیز اقدا ماتی است منطبق با شرا یط عینی وذهنی جا معـه‌و مملکت ما .

بعد از پیرو زی انقلاب کبیر ثـور بزر گتر ین عمل زیر بنا یی دو لت جمهوری دمو کرا تیك افغا نستـان وحزب دمو کرا تیك خلق افغا نستان تطبیق فرا مین شماره ششم(فرمان حقو قی) فر مان شماره هفتم وبـه خصوص ومهم تر ازهمه‌فرمان شماره هشتم (فرا مین اقتصا دی) میباشد. یعنی دولت و حزب‌خلقی درقدم اول شا لوده ای را پی ریزی کرد تـا بتواند بروی آن دیگر اقدا مـات انقلابی ورو بنایی خود را اسا سـی نهدوبا تطبیق فرمان شماره هشتم یعنی انجام‌اهـلا حات دمو کراتیك ارضی ومحو فیو دا لیزم ومناسبات کهنه کرا یانه یی‌آن در صددتحولات دیگر بر آمد . سر آغاز این تحولات همانا فیصله های پلینوم فوق‌العاده کمیته مر کزی وتا ئید آن از طـرف شو رای انقلا بی جمهوری دموکرا- تیك افغا نستان میبا شد که او لین ثمره‌یی آن بمیدان آمدن شعارانسانی مصئو نیت ،قا نو نیت وعدا لت‌است ودر همان وقتیکه ازین شعار داده شد وعده های انسان دو ستا نه‌دیگر نیز بخلق کشور ارزا نی گشت کـه مهم تر از همه ایجاد محیط قانونیت دمو کرا تیك با طرح وتد ویـن‌و تصو یب یك قا نون اسا سی جد ید دمو کرا تیك ومتر قی میبا شد .

در گذشته ها خلق ما میچنوع مصئو نیت اعم از مادی ومعنـوی احسا س نمی کرد ند ولی اینك که در پهلوی مو جودیت یك محیـط مصؤن قا نو نی وعا دلانه قا نون اساسی دموکرا تیك ومترقی برآن علاوه میشود خلق میتواند با خاطر آسوده وآرا م بکار اعمار وطـن ببردا زندچنا نچه حفیظ الله امیـن منشی عمو می کمیته مر کزی حزب دمو کرا تیك خلق افغا نستان‌رئیس شورای انقـلا بی ولو مری وز یر جمهوری دمو کرا تیك افغا نستان‌در بیا نیه علمی و همه جا نبـه ی شا ن د ر محفل افتتـا ح کـار- کمسیون طرح قا نون اسا سـی جمهوری دمو کرا تیك افغا نستان فرمودند : «خلق زحمتکش مـا از شرایط عدم مصؤ نیت ، بی بندو- بار یها، خود سری هاوبر خوردهای غیر مسؤ ولانه یی‌کار کنان دولت نیر در تشو یش بو ده اند . حـزب دمو کرا تیك خلـق افغا نستـا ن

بخا طر نفی همه یی این عوا مل ما نع رشدمطلوب دست آورد های انقلاب ثور به اقدا ما تی‌پردا خـت که بخاطر عملی شدن هرچه‌سریعتر وبیشتر شعار مصؤ نیت ، قا نو نیت وعدالت تپ‌وتلاش وسیع وخستگی ناپذیری بکار افتیده است .

این شعار در وجود قا نو ن‌اسا- سی که این آرزوی خلق‌راکه طبق گفته یی رهبر کار گران جهان،مـا حکو متی میخوا هیم که همیشه تحت کنترول نظـر عامه یی این کشـور باشد، بخوبی تامین نماید عمـلا بر آورده شده می توا ند...)

باید دا نست که‌تحو لات اقتصادی بمثابه زیر بنای تغییر جا معه‌وتحو- لات حقو قی ، سیا سی ،کلتو ری وغیره بمثا به رو بنای جا معه یکی ممد دیگری میباشد (البته رو لـی قا طـع زیر بنا را نباید ازنظـر دور داشت) زیرا زیر بنا شا لو ده‌ی رو بنا ست هر فرما سیون اجتماعی اقتصا دی دا رای زیر بنای مخصو- ص‌بخود میبا شد . روبنا بر پا یه‌ای این مجمو عه ای منا سبات تو لیدی تا شی از نحوه وشکل ما لکیت‌بوجود میا ید .

رو بنا خود نیز در تکامل‌اجتماعی نقش بزر گی دارد .

وپس از آنکه بر اسا س زیر- بنای اقتصا دی معینی پد ید آمـد برزیربنا تاثیر متقابل میگذارد . برشد وتحکیم آن کمك میکند وبا عمل خود رشد اجتما عی راتسر یع یا بطی میکند . روبنا تو سط زیربنا بر تکا مل نیرو های مو لد تا ثیر میگذا رد .

هنگا میکه بر اثـر انقلاب اجتما- عی یك زیر بنای اقتصا دی بجای زیر بنای قبلی می نشیند ،درروبنا نیز تغییرات عمیق روی مید هـد تسلط سیا سی طبقه یی‌جد ید‌مستقر می گردد افکار وعقاید ونهاد هـای جدید،دولت‌جدیدو سیستم‌جدیدپدید میا ید رو بنای سا بق برمی افتـد ورو بنای جد ید مستقر میشود .

حزب دمو کرا تیك خلق افغـا- نستان که مطا بق قا نون عـام تکا مل جا معه وبه اسا س ایدیا- لوژی انقلا بی‌ودورا نساز عصـر مابه پیش میرود اینك همه قوا عـد علم متر قی‌را بو قت وزما نشی در عمل پیاده مینما ید. از ین جملـه است. امور ساختن کمیسیونی‌جهت طرح قانون اسا سی جمهوری دمو- کرا تیك افغا نستان .

قانون اساسی‌یك‌کشور درحقیقت محور نظـام حقو قی آنکشـور را تشکیل مید هد زیرا ازین قا نـون ومطا بق رو حیه ومتن ومند رجات این قا نون است که سا یرقوا نین ومقر رات تدو ین ونا فذ میشوداز همین رو ست که با یدبه آن‌ارزش واهمیت بسزا یی قا یل‌شد .

بنا بر ما هیت حزب ودو لـت خلقی باید ما هیت ومحتوا ی‌قا نون اسا سی جد ید بارو حیه ومحتوای انقلا بی ،دمو کرا تیك وخلقی باشد قا نون اسا سی جمهوری دموکراتیك افغا نستان همانطوریکه‌در دایرکیف های مند رج بیا نیه‌افتتا حیه یی حفیظ‌الله امین منشی عمو می‌کمیتـه

بقیه‌درصفحه۳۷

ketabton.com - The Digital Library

زرین گر دیوال

دوخت په ولسی شعرونو کی د کابل د ملی قیام په هکله خرگندونی

دگران هیواد افغانستان میرنیو خلکـــود تاریخ په اوږدو کی دهر یرغلگر قدرت پـــه مقابل کی مبارزی او عادلانه جگړی کړی دی.

هرکله چی به کوم بهرنی تالانگر قدرت زموږد هیواد خواته مخه کـړه، نوزمـوږ میرنیـــو او غیرتمنو خلکو به دخاوری اوناموس دساتلو پەخاطر خپل سرونه قربانی کړل .

هو ! خپل خانونه بەیی قربانی کړل خـو تالانگروته به یی هـــم داسی ماتی ورکړه

چـــی بیابه یـــی په اسانه دوی میرنی ولس لاندی کولو ته زړه نه شو ښه‌کـولای،

خکه چـــی داکار ورته داوسپنو دنینوچیچل او خوړل ښکاریدل .

دافغان او انگلیس دویمه جگړه او دکابل دملی قیام ددغو تاریخی ویاړ نو یوپه زړه پوری اوله ویاړه ډك داسی‌باب دی چـــی زمونږ دزیار ایستونکی اول دمیرانی خـو را ښه خرگندونه کولای شی . دکابل ملی قیام دا خبره جوتوی چی دانگریزی‌ښکیلاك دختمولو او ورکولو په برخه کی یوازی خلکو برخه لرله اودایوازی دپرگنوکارو.

دانگریز انو نماینده په مقابل کی دبغاوت او مبارزی پەنامه زمونږ دخلکو ملی قیام دا خبره یوځلی بیا ښکاره کړه چی خلك دخپل خان دخلاصون لپاره راپورته کیږی‌اوپەخپـل زور ، لوبو تالانگر وفوتونو ته ماتی ورکولای شی ، لکه چی یی ورکړه .

په هغه تاریخی پیښه کی‌ډیرەښه خرگنده شوه چی ددربار ونو او ما ټیو خـا ونـدان خنگه دانگریز انو دنماینده دهر کلی لپاره یوازی دخپلی پاچهی دساتلو او دوام ورکولو په خاطر دهغه په پښوکی لوبړی مگر میرنی ولس اوزیار ایستونکی خلك‌خنگه‌دخپلی‌خاوری ننگ او ناموس دساتلو اوګټلو په خاطر دیوه داسی نماینده په ماتی یرغل کوی چی پـــه حقیقت کی‌دټولی بریتانیا داستعمار داورنـ دیدو یوه ښه او سمبول و .

میجر سرلویی کیو گناری (کیوناری)یادوو چی دخلکو په عامیانه ژبه دکمناری په نوم هم یادیده دی دگندمك له شرمه ډك ټرون خخه وروسته او دامیر محمد یعقوب پەخوښه کابـــل ته راغی .پاچااوخو تنو بی زړو ،بی ننگو اوتالی خښودر بار یانو یی هرکلی‌وکړ،

خوله نیکه مرغه چی زمونږ دټولو خلکو هرکلی بی خو ورځی وروسته ولید او هغه دهغوی دمرګ دپیغام هرکلی و !

له همدې پکی‌خخه ښکاری چی په حقیقت کی دافغانستان پرګنو له تالانګرو قدرتونـــو خخه خپلی‌خاوری دآزادی پەخاطر مټی‌رانغښتی او تودی یی له تیکو خخه بهرکړی دی .

همدوی ووچی قیامونه یی کړی دی اوولسونه یی آزاد کړی دی .

دکابل دملی قیام یادونه او خرگندونه‌دوخت دولسی شاعرانوپه شعرونوکـی هم را غلـی ده اوډیرپښه‌تاریخی موضوعات‌روښانه‌کولای‌شی داخـو ښکاره خبـره ده چی زمونږ دټولنی ولسی شاعران هم دانگریزانو په مقـا بـل کی خپل مسوولیت ډیر ښه درك کړی و.

ولسی شاعر که له یـوی خوا دجگړی پەمیدان کی او دټورو په میدان کی خپله میرانەښودله نوله بله پلوه یی دشعر په ژبه دخپلو خلکو او ولس احساسات را پارول اودانگـریزانـو غنـم لـو لـپاره هـخه کـول د ا خـه دتعجب خبره هـــم نەده ، ویل کیږی چی شعر تر ډیره خایه دوخت دغوښتنواو پیښو انعکاس دی ، نو په داسی حال کی‌چـــی ولس دبریتانیا داستعمار پەلمبو کـی سوزول کیده شاعر باید دخلکو دخلاصون حماسەویلی وای . له نیکه مرغه یولړ شاعرانو داکار وکړ او مونږ یی ډیری ښی نمونی دپښتو نخواد شعر (هاروبهار) نومی کتاب کی لیدلی شو. داکتاب دمشهور فرانسوی لیکـوال جیمزدارـ مستتر اثـر دی او و لسی شعـر و نـه یکی راټول شوی‌دی . دکتاب ښه والی پەدی کی دی چی دار مستتر په پښتنی قبایلو،کلیو او بانډوکی گرځیدلی او زیاتر ەها غه تاریخی شعرونه یی راټول کړی دی چی دافغان او انگلیس ددویمی جگړی او دکابـــل دخلکو دملی قیام پەمناسبت دولسی شاعرانو لەخـوا پەبیلا بیلو بڼو اوفورمو نـو کـی و یـــل شوی دی ۱۰۰۰البته‌پدی‌کتاب‌کی دنورو تاریخی موضوعگانو اوپه عشقی اودینی مسایلو پوری مربوط شعرونه هم شته دی خـــو زموږد بحث وړ موضوع په هکله هم ښه معلومات تری تر لاسه کیدای شی .

دلته غواړو چی دهمدی موضوع په ارتباط دیو خـو ولسی شعرونو یادونه وکړو اوخـو نمونی یی ذکر کړو .

دکابل دجنگ ترسر لیك‌لاندی دټرون ښار دشاعر په نامه یو شعر داسی دی :

قادره ذولجـلا لـــه
بی شر که بـــی مثالـه
ایمان می‌خطا مه کـــړی
فرنگ ورك کړی له کابله
زاری مـــی نشته بلـــه
محمد یعقوب یی زوی و
گمکی نـــه ودی لـــوی و
روان یی گمناری گړ، وریی گړبالاحصار
یو خو ورځـــی قرار
نـــاګاهـــه غلبله وه
ارد لـــه رسالـــه وه
په مخکی یـــی گله وه
تمام یی راحصار گړپه کابل یی گړمردار
خبر نـــه و سردار
سردار شو پـــه غضب
دا کاردی ډیر عجـــب
لښکر یـــی کړ طلب
لښکر وی تمامی مرګونه وکړه پەداشان
غازی محمد جان خان
محمد جان خان ورتـــه ویل
پـــه دایمه قایل
وهلی می جـــا هل
دخپل لاسه ما دکمناری مری کړه غوخه
چـاړه می کړه پری پخـــه
همدارنگه دکابل دجنگ په نامه یوه‌بلـــه چاربیته هم شته دی اویوه برخه‌یی داسی‌ده:
فرنگ لاړ شوپه قهر
اختیار کـــوی دجنگ
پوخونه یی کړ جمع پەکابل کی‌شو حصار
خاوند کړه تارپه تار
انگریز شو ټـــول روان
دخـــان کوی سامان
پەزړه کی‌دی پښیمان
خواس واخستی بڼی دانگریزو کوی ننگ
اختیار کوی دجنگ
پرنگیان راغله په ماتی
کولی به دوی زیاتی
کابل، شو، لەدوی پاتی
شاباش پەمحمدجان شەچی مدام بـــه ـ وخوشرنگ ـ اختیار کوی دجنگ

پدی ډول دکابل دملی قیام او دافغان او انگلیس دجگړو حماسه دخینو شاعرانوله خوا دشعر حماسه هم جوړه شوی ده او پدی برخه کی‌پوره ولسی شعرونه لا س تەراتلـی شی سره لەدی چی ډیر زیـــات دغسی و لسی شعرونه به یاد شاعر دمرګ سره سم اویا دوخت پەتیریدو سره خاوری شوی وی خـود همدی موضوع په ارتباط په مخکینی یادشوی کتاب کی دکابل دجگړوتر عنوان لاندی یـــو خو داسی‌شعرونەشتەدی چی‌دموضوع دتاریخی اړخ پەروښانه کولو کی‌پوره مرسته کـولای شی .

ketabton.com - The Digital Library



کوزچه قدیمی که‌درآن نقوش زیبا بکـــاررفته ازآثار باستانی کشور ما

میگویند احتیاج ما در ایجاد است واین یك‌حقیقت مسلم است که بشر از عصر حجر تا این دم لحظه به لحظه وقدم بقدم بـــرای رفع احتیاجات خود تحولات را در زندگی خویش پذیرفته است همین رفع احتیاج‌است که صنایع اولیه رابوجود آورد.

انسان های اولـیه پس از کشف آ تش موفق شدند تاابتدایی ترین ظروفی رابسازند که‌رفـع احتیاج شان را بنماید ووقتیـکه از روی تصادف توانستند بفهمند که آتش‌گل را پخته میکند وآنان میتوانندبا بکار گرفتن آتش ، از گل ظروفی تهیه نمایند که‌رفع احتیاج شان رابحیث ظـروفی آب خـوری و نان خـو ری نماید. همین امر بحیث اولیـن تهداب صنعت سفال سازی شناخته شد کـه بعد ها با انکشاف وتحولات در این صنعت زمینه رشد هر چه بیشتر آن همزمان بـا تحولات اجتماعی‌وحیات انسان‌ها مجیا گردید. و امروز که ما این صنعت را بشکل فعلی آن مشاهده میکنیم و سیر تحـول وانکشاف آن رابصورت فشرده وخلص تعقیب‌می‌نمائیـم متیقن هستیم که این صنعت باز هم انکشاف بیشتر خواهد نمود .

• • •

کاوش های باستان شناسی نشان میدهدکه صنعت سفال سازی در کشور ماتاریخ کهن دارد . و وقتیکه به‌موزیم کابل مـراجعه میکنیم در عقب ویترین هـای شیشه یـی آثار سفالی رامشاهده می‌نماییم که تاریخ آن به‌قرون اولـیه می‌رسد . در ایـن تـاریـخ صنعت سفال سازی بااسلوب خاص که‌بیشتر صبغه محلی داشت مروج بوده و لـی پس ازظهور اسلام تحولات درصنعت سفال سازی بوجود آمد که شیوهٔ قدیمی را کمی‌تغیرداد. در ابتـدا سفـال سازان کشو ر هـا ی شرق میانه واز جمله‌کشور ما ازرسم‌واسلوب محلی استفاده میکردند ولی به‌تدریـج‌صنعت‌گران برای تزئین سفال خود شیوه جدید بوجود آوردند ودر قرن نهم میلادی طرح‌های متنوع ورنگ آمیزی مخصوص ابتکارکردند وبکار بردند که‌جز خـصایص سفال سازی دنیای اسلام گردید .

در حفریات مرتبی که‌در نقاط مختلف‌کشور های منطقـه وبـخصوص درکشور ما صورت گرفته آثار وموادی پیدا شده است کـه از نظر تاریخ سفال سازی شایان توجه است کار های سفالی دورهٔ اول اسلامی از لحاظ طرز ساخت ونوع طرح بسیار مختلف ومتنوع اســـت .

بصورت عموم سفال سازی در این دوره بدو دسته تقسیم میشود یکی ظروف سفالین که در آن اشکال مختلف به شیوه میناتوری بکار رفته است ودیگری که بیشتر شکـل ساده داشته واز نقش ونگار های ریز کمتر درآن اثری است شواهدی که‌بدست آمـده نشان میدهد که سفال سازان کشور ما از قرن هشتم تا قرن دهم به‌انواع مختلف طرق تزیین ظروف سفالی آشنایی داشته اند .

ظروف سفالین باتزیین برجسته‌ولعاب‌یکرنگ:

این نوع ظروف سفالین بیشتر در دورهٔعباسی مروج بوده وعموما بدودسته تقسیم میشود. دسته اول عبارتست ازظروف نسبتا بـزرگ سفالین مانند کوزه های خورد وبزرگ که لعاب به رنگ سبز یا آبی شبیه سفال های دورهٔ سامانی ها اند .

دسته دوم شامل ظروف کوچکتر ازقبیل



کاسه آبخوری از جمله آثاریـاستا نسی کشور ما

سیر تحول وانکشاف سفال سازی در طول سده‌ها وزمانه‌ها



دستهای هنرمندان محلی مـادر ساختـــن‌ظروف سفالین نقش ارزندهٔ دارد

ketabton.com - The Digital Library



جوان هنرمند مصروف ساختن کاسه های معروف استالفی

کاسه ها ، وقاب های خرد وبزرگ که در آن لعاب زرد رنگ بکار رفته سطح ظرف را طلایی رنگ نشان میدهد و دارای اشکال ریز وزیبا اند .

بعد از مدتی که درظروف سفالین ازلعاب یك رنگ استفاده میشد آهسته آهسته رنگ های دیگری نیز در این ظروف بکار رفت. یکی از بزرگترین گروه سفال این دوره



نمونه از ظرف سفالی کار استالف

ظروف سفالین است که تزیین روی آنهاحك وبریده شده وبعد با لعاب فولادی شفاف پوشانیده شده است . سفالیکه این قسم وبه اینگونه تزیین شده باشد، بنام گرافیاتو یاد ونام تجارتی آن گبری است . لعاب این ظروف کاملا سبز ونصواری است و هم بعضی رنگ های دیگری از قبیل رنگ سبز ، زرد وسرخ در آن بکار رفته است. بعضی ازاین ظروف دارای اشکال هندسی بوده وبرخی دیگر آن دارای خطوط کوفی است .

ظروف سفال باتزیین نقاشی شده :

سفال سازان این دوره تزیین ظروف رابوسیله نقاشی بالعاب شفاف تکمیل کردند وتحول وحکاکی وبرش درمراکز مختلف سفال سازی این دوره بکار میرفت وعلاوه بر آن طرق جدید تزیین از قبیل طرح مشبك وغیره در این دوره رونق خاص داشت . از مراکز عمده این صنعت یکی هم شهر هرات است که ازاینجا به دیگر شهر ها ظروف سفالین صادر میگردید. آثاری که از هرات بدست آمده تاریخ وساختمان این ظروف را قرن سیزدهم وچهاردهم نشان میدهد یکی ازویژگی های این عصر درساختمان ظروف سفالین بکار بردن موادیست که بیشتر شبیه ظروف چینی میباشد. بدنه سفید و نازك ظروف این دوره نشان میدهد که صنعت سفالی سازی ترقی بسیار کرده بود و یك قسمت دیگر این ظروف مشبك کاری است گر چه این شیوه در مراحل اولیه قرارداشت ولی از خصوصیات عمده این دوره محسوب میگردد .

در دوره سلجوقی ها ظروف سفالین بیشتر رنگهای روشن داشته مانند ، رنگ سفید آبی روشن ، زرد ، فیروزه یی وغیره .

بطور کلی در قرن سیزدهم تزیینات این ظروف بیشتر ومفصلتر شده وبعضی از آنها دارای تزیینات حك شده قالبی دارد .

در بعضی از ظروف سفالی این دوره یك یادو عدد کتیبه درهردو طرف ظرف دیده می شود که احتمال قوی این شیوه مربوط میشود بقرن سیزدهم . باید علاوه نمود که سفال سازان قرن دوازدهم تکنیك جلا دادن ظروف سفالی را که درقرن نهم در دوره عباسی شایع بود احیا کردند ورنگ های ظروف این دوره جشم گیری در آن بوجود آوردند . دربعضی از ظروف سفالی که بدست آمده ونمونه های چندی از آن در موزیم کابل دیده میشود دارای رنگ های سیاه وسفید است . بعضی از ظروف سفالین این دوره دارای اشکال انسانی وحیوانی و برخی دیگر آن دارای نقاشی های پرنده ، سر انسان وغیره میباشد .

ظروف دوره عباسی ها بیشتر بانقاشی های جلادار تزیین شده است که از بهترین ظروف دوره اسلامی بشمار میرود . باید گفت که لعاب جلا دار ازاختراعات بزرگ سفال سازان قرن هشتم ونهم بشمار میرود .

اگر چه سعی شده است که مبداء این نوع سفال را قبل از قرن هشتم ونهم نشان دهد ولی حقیقتش همان است که بیشتر این نوع سفال ها در قرن هشتم ونهم مروج بوده است این نوع ظروف سفالی معمولا از گل زردرنگ ساخته شده که روی آن را با یك طبقه غیر شفاف مینا میپوشانند وپس از پخت اول در کوره، طرح تزیین بامواد معدنی مانند اکساید روی آن نقاشی میکنند. سپس این ظروف را برای بار دوم با حرارت در حدود ۵۰۰ تا ۸۰۰ درجه فارنهایت پخته و بعد آهستگی حرارت میدهند که درنتیجه این حرارت دوباره ، روی ظروف یکنوع ورقه نازك بشکل فلز تشکیل میگردد .

بعضی ها عقیده براین دارند که ساختن این نوع ظروف بااین شیوه بیشتر درشهر باستان هرات مروج بوده است . صنعت سفال سازی دردوره سابقه نیز رونق زیادی داشته ودر این عصر توجه زیادی بعمل آمده تا ظروف سفالین ساخته شده این عصر برتری بیشتری نسبت به دوره گذشته داشته باشد .

از آثاریکه ازهرات بدست آمده نشان میدهد که بیشتر سفال سازان دوره سلجوقی ها طرح ها وشیوه های دوره قبل از سلجوقی ها را تکمیل کردند . تکنیك های مانند لعاب جلادار نقاشی شده بیك رنگ ویا چندین رنگ متنوع ومختلف است . از نمونه های اسلوب این دوره اشکال وتصاویر انسان استدر حالت های مختلف مانند، رقص ، نشسته ، دعا وپیایش وشکار حیوان توسط انسان.

در ظروف سفالین قرن ۱۲و۱۳ بعضا اشکال ازدها دیده میشود وشاید این علامت شروعی در آن زمان تلقی شده است . یکی دیگر از خصوصیات این دوره تزیین ظروف آبخوری سفالی بوسیله ی قالب است که بجای شیوه قدیمی بامهر صورت میگرفت.

سفال سازی در قرن ۱۳و۱۴ :-

لشکر کشی های قبایل مغولی در کشور ما و دیگر کشور های منطقه وتاسیس سلاطین مغولی درسال ۱۲۹۰ میلادی گام تا ثیری فوق العاده در صنعت سفال سازی در این منطقه وارد نساخت . طرح وطریقه ساخت ظروف سفالی نیمه اول قرن سیزدهم دراوایل دوره مغولی یعنی نیمه دوم قرن سیزدهم وقرن چهاردهم ادامه یافت. قطعاتی که دارای تاریخ است برای ما روشن ساخت که تکامل اسلوب جدید راکه دراثر حملات مغول بوجود آمد تعقیب نماییم . دراین دوره اشکال که طرح های طبیعی صنایع چین مانند تنر سیم اشکال پرندگان ، حیوانات ومناظر طبیعی به تدریج در تمام شقوق صنایع این دوره واز جمله صنعت سفال سازی تاثیر نمود .

شیوه سفال سازی مغولی در اوایل قرن چهاردهم تحول نمود وتعبیرات مانند اشکال مختلف گیاه ها گل وغیره در ظروف سفالین

بقیه درصفحه ۵۴



ظروف استالفی امروز علاقمندان زیاد درداخل وخارج کشور ما دارد

kayhan.com - The Digital Library

خشم و خلق

پیوسته بگذشته

نطاق اعلان میکند :

زندان کاخ

حسن در زندان است و پا رهٔ پیر اهنش را در رو شنیکه از پنجره میتاید مید و زد.در زندان باز می شود و جوانی داخل می گردد.

جوان ـ سلام حسن ٠

حسن ـ سلام

جوا ن ـحالت چطور است ؟ با سبا نا ن **که اذیتت نمیکنند ؟ اینها به‌آزار دادن زندانیا ن عادت کرده اند** . چو ن بعض درندگان ا گر گر سنه هم نبا شند خو ن زندانی را میر یز ند واز سرش میگذرند .

حسن ـ درزندان نباید به‌فکر آ سا یش بود. مگر با سبا نا ن آد مها ی بسیار سنگد ل نیستند .

حتی به نظر من قابل تر حم می آیند همه خشو نت شان ودو ودشنا م شا ن به خاطر رنجیست که‌می کشند ... از گم‌کردن ر ضا یت از زند گی .... در نگا هشا ن همیش شعله ی نار ضا یت فروزان است...

جوان ـدیروز عسل برایت آورد ند ؟

حسن ـبلی .

جوان ـیکد ست لباس هم .

حسن ـ بلی ٠٠٠ اما لباس را تا کنون به بر نکرده ام .

جوان ـخو ب ... خیلی خوب... در این هفته غذایت بهتر نشده است ؟

حسن ـچرا؟ در هفته او ل تنها روز یك نان جو و یك کاسه آب سرد داشتم .

مگر این هفته آ ش، گو شت بره و حتی انگور هم داشتم ...

جوان ـمگر انگور از همه میوه ها بیشتر خو شت می آید ؟ (میخندد)مگر نگفتند **که چه‌کسی آن غذا ها را به تو** فر ستاده است ؟

حسن ـ(پس از کمی دود لی‌ـ بلی،گفتند ...گفتند آنها را شا هزاده رکن الد ین فر ستاده است .

جوان ـاین مطلب مهم است ... اینرابا ید به خا طر داشت ... میدانی چرا رکن‌الدین نسبت به تو اینقدر مهر با ن است ؟

حسن ـنه ... هر گز نمیدا نم . شا ید از بیگنا هی من با خبر است و شا ید مرد با عا طفه یی است .

دلش به حال بیگنا ها ن می سوزد .

جوان ـهمینطور است . تو در ست فهمیده ای . مخصو صا رکن الدین‌حقیقت **رادوست میدارد٠**

و کسا نی را که به‌دفا ع از حقیقت‌بر میخزند و حتی از با خشن سرشا ن نمیترسند رکن الدین هم حتی را از دست داده است **او ولیعهد پدر بودو پس از آنکه سلطان**

مادر اورابه جرم مخالفتش با آمیزش بی حدو حصر سلطان باز نا ن به ضرب مو زه کشت **ازولیعهد ی محروم گردید٠ و محکوم**

شد که دیگر از قصر بیرون پایش رانگذارد در در با ر حاضر نشود و سلطان حتی‌کسانی را گما شت او را مرا قبت کنند . رکن‌الدین **که‌ظاهرا شاهزاده آزاد است در واقع غلام**

اسیر یست٠ دوستی رکن الدین باتو دوستی زندا نیست با زند انی . ودوستی مظلومیست با مظلو می ... تو مبدا نی‌که نا چه و خت در حبس خواهی ماند ؟

حسن ـطوریکه فرمان داده اند ... تـا زما نیکه را مین برادرم دستگیر شود ...

جوان ـوبعد از آن ترا ر ها خوا هند کرد ؟

حسن ـرهایی بعداز آن برا یمن ارزشی ندارد .

جوا ن‌ـبهر حال اگر فکر میکنی که صرف تا دستگیر ی را مین در حبس خوا هی بودو

بعد از آن رها خوا هی شد سخت دراشتباهی زود تر باید اشتباه خود را اصلاح‌کنی .رهایی تو در دست خود توست تو باید کا ری‌کنی که هم جا ن رامین را نجات بد هی و هم‌جان خود را و خطری که جان تووبرادرت را تهد ید میکند . زندگی رکن الدین را نیز تهد ید مینما ید ... دشمن شما و دشمن رکن الدین یکیست ... راه نجات شما ورکن الدین یکست . توباید بارکن الد ین‌همدست شوی . تنها در آنصورت همه تان از مر گ نجات خواهید یا فت .

حسن‌ـ تو از کجا مبدا نی‌که برادرم چه کسی را دشمن خو یش مبدا ند و من چه کسی را دشمن خویش مبدا نم ؟

جوان ـشما هر کسی راکه دشمن بدانید ...مگر دشمن هر دوی تان یکست ...چه کسی در تما م قلمرو سلطان نمیداند کـه روزی صد ها تن بیگناه به دار کشید ه می شه ند و هزا ران نفر از گر سنگی میمیر ند چه کسی نمیدا ند که رشوه خواری‌عا ملان دولت از حد گذشته و همه به تا راج ما ل رعیت مشغو ل اند . چه‌کسی نمیدا ند کـه سلطان هر حرا مسرا هنشا دزن دارد . وتعداد کنیز انش به چند صد میر سد . چه‌کسی نمیداند که سلطان همیش بازن و شرا ب به سر میبرد و کمتر ین توجهی به حا ل مملکت ندارد . چه کسی نمیداند که سلطان به کمك خوا جه سرا یش دخترا ن‌معصوم رعیت را به بزم ها میکشا ند . را مین حق دارد برضد سلطان مردم رابر انگیز تو حق داری تا چ‌سلطان را واژگون تصویر کنی ورکن الدین هم که از چنین سلطنت نفرت دارد حق‌با اوست که با خود سلاح‌بگرداند ودر کمین فر صت بنشیند . میبینی ؟

(جوان چینش را پس میکند و تبر چه‌یی رابه حسن تسلیم ن میدهد)

حسن ـتو ،تو ... تورکن الدین استی ؟

جوان ـبلی، من رکن الدین استم .

(سکوت)

جوان ـمن رکن الدین استم حسن .تو با ید با من همدست شوی . وما با یددشمن را از میا ن بر داریم .... مبدا نی ...باید سلطا ن کشته شود .قول بده‌که با مـن متحد میشوی !هرگاه سلطنت به من برسد تو مشاور خا ص من خواهی بود و هیچ‌کاری را بدون مشوره باتو نخو اهم کرد. وفر ما ن تو فرمان من خواهد بود .

من همین دم این تبر را به تومیسپارم.

حسن ـقول بده که‌هر گاه سلطنت بـه تو میر سد ... ظلم بر مردم نکنی ... با **پاك نفسی و عدالت بر تخت بنشینی و بـه** صدای مرد م گو ش فراد هی .

رکن الدین ـقول مید هم ... وبه خداوند سو گند میخو رم که با عدل و داد ،پادشاهی کنم جان تو در امان باشد و با عدل و داد پا دشا هی کنم ... به خداوندسوگندمیخورم.

پیشروی نمیپرده یکه به‌روی ز ندا ن‌قصر کشیده می شود نطاق ظاهر شده از روی‌کاغذ میخوا ند).

تما شا گران محتر م !

چند شب بعد سلطان علاء الدین شر اب زیادی خورد واز آنجا که اساسا مردی بود **بادماغ بیمار ودر وقت مستی کارهای دیوانه** واری از او سر میزد ، **در آن شب از بزم** کنیز کا ن بدون آنکه کسی خبر شود به طو یله رفت تا سواره به شکار برود.همان بود که در زیر پای اسب هابه خوا ب رفت وبه تحر یك رکن الدین حسن سرش را از تن جدا کرد .

فردا بلا زمان جسد خو ن آلود علاءالد ین رااز طویله یافتند . در با ریا ن هوا خواه علاءالدین ر کن الدین را قاتل پدردانسته واز بیعت به او سرباز زدند و مردی را که قا تل است مستحق سلطنت ندا نستند .مردم ناراضی نیز بااین دست آویـز از بیعت به‌رکن الدین امتنا ع کردند و علیه او به تبلیغات دست زدند .

در چنین احوال رکن الدین که سو گند خورده بـود که‌به حسن زیانی نرساند برای سر کو بی مخالفان تا توانست بدار کشید وبه‌زندان انداخت وکوشید از حسن نیز که مورد سوء ظن درباریان طرفدار علاء الدیـن قرار داشت حمایت کند .مگر بنا برفشار روز افزون مردم ومشوره فریبکرانه خوا جه حرمسرای رکن الدین ناچار شد تا حسن را قربانی بدهد تا سلطنتش در امان بما ند .

وهما ن بود که ... بهتر است که دوا م قصه را بر سن نیاز خود تا ن مشا هد ه بفر ما یید .

نطاق اعلان میکند : شهر ودهمتحد میشود

را مین در حو مه شهر ، در خا نه یکی از طر فدا را نش پهنانی زندگی میکند. **صاحب خانه ابـراهیم سنگتراش اسـت٠** که سنگ گور میتراشد ٠ پیر مرد کـور، مه آهنگر و رامین در حال صحبت اند .

را مین ـافسو س که از این خا نـه صدای پتك آهنگری نباید شنیده‌شود٠ زیرا این خانه به سنگتراش تعلق دارد ٠ ٠ ٠ دوری از کوره آهنگری سردم ساختـه است . فکر میکنم مرده ام .

رمنهٔ آهنگران را خرا ب کرد ند مثل اینکه قلب شهر خاموش شد، ازحرکت بـاز ماند و سرد گردید .

آهنگر نخستین ـدیروز گپ خو بی زدی ... ما با ید صد ها رمنهٔ دیگر بنا کنیم...

رامین ـوقت آن است که ظا هرا براگنده شو یم ... در هر گو شه شهر ...

در هـرده باید دکانـك آ هنگری بـاز کنیم ... تا شهر با چند ین قلب تا زه کار کند وده٠هم با چند ین قلب کار کند .

پیرمرد ـ رامین ! توکه مدرسه خوانده ای؟ گپ هایت مانند گپ کتا بهاست .

را مین ـخواجه حافظ راتما م کرده بود م از مدرسه کشید ند و پشت کورهٔ آهنگر ی **مرا نشاندند٠ بعـد شاگرد محمـود جوانمرد** بهلوان شدم ... خدا غر یق رحمتش کند... پشتش بر خا ك نها ده بود ... و قتیکه به میدا ن کشتی می برآمد از خود چـاربیتی می سا خت و میخوا ند و ، مانند کبك مستی میکرد و حریف را بیچاره می سا خت ... از تما شا ی کشتی محمودکیف‌میکردی...

پیر مرد‌خدا بیا مرزد ش ...

آهنگر دو م ـوالی شهر ... دستور داده است که همه آهنگر ان زو لانه ودستبند بسا زند ... گفته است که تا آخر همین **ماه هزار جوره زولا نـه ودستبند الزما تحویل** خواهد گر فت ...

رامین ـهزار جوره زولانه ودستبند ؟...

(آهنگر ی را که زخمی وخون آلود است ابر اهیم سنگتراش ویك نفر شا گرد آهنگر **می‌آورند)٠**

ابر اهیم ـرا مین !... استاد سخت افگار شده است ... او را لت کردند ..

فرستاد گان والی ٠٠٠

شا گرد آهنگر ـکسان وا لی به استادم سفارش کردند که **زولانه دستبند بسـازد** دو صد جوره ... استادم گفت آهن نداریم **٠٠٠از چه بسازیم ٠٠٠ آنها اصرار کردند٠** واستاد م خشمگین شد ... و گفت اگر آهن هم داشته با شد نخوا هد سا خت . آنا ن هم مانند گر گان و حشی به جا نش حمله کردند .

(استاد را با لای چار پایی میخوا بانند)

را مین ـزود پنبه٠ٔ سو زانید وبه زخمهایش بما لید ... او فرست گفته است ... اگـر

ketabton.com - The Digital Library

امن داشته باشیم هم زولانـــه ودستبندنمی سازیم ... حتی بیل و کدا ل هم لازم‌نیست بساز ید ... هر چه آهن دارید شمشیر بسازید ...شمشیر ...

آهنگر سو مین ـشمشیر ؟... پس دام ها را چه کنیم ؟

را مین ـشمشیر از دام فر قی ندارد... روی همین دا س را که بگر دا نی شمشیر می‌شود ... تابه‌سوی دوست مـی‌بیند دام است وقتیکه رویش به سوی د شمن بگردد شمشیر است ... فهمیدی ؟...بـــه‌همه آهنگرانیکه در دهات د کـــان بـا ز کـرده اند هم بگو یید که شمشیر و سر نیزه بسا زند ... ابرا هیم ،تو کجا بود ی ؟... توباید زیاد احتیاط کنی ... خانه‌برتوبهترین مو قعیت را بین شهرو ده دارد... اگر کشف شود ...همه ما سر دار خواهیم‌رفت‌ویـا حدا قل این مو قعیت را از دست خوا هیم داد .

ابر اهیم ـسخت به دنبال تو افتاده اند... هر روز چار میز نند که سر را مین بـــه پنجا ه هزار روپیه ...

را مین ـمن از سر خود با ك ندارم ... میترسم کار بزرگی راکه سر کر ده ایـم به فر جا م ر سا نیم وخونها یکه در این راه ریخته است هدر برودوپس ازعلاءالدین، رکن الد ین دیوانه تر از پد ر بر تخـت بنشیند ... در آنصورت نفر ین برما ...

ابرا هیم ـمن از میدا ن مجا زا ت می آمد م ... آنقدر دار زده اند که میدا ن شکل جنگلی راگرفته است ...

آهنگر سو مین ـچه کسا نی را به آن دار هامی آویزند؟

ابرا هیم ـگروه می آور ند ... د ست بسته و نا زیانه زنا ن ... از تما م اصناف وپیشه ها از ده واز شهر ... همین ا مروز صبح چهار نفر در باری را هم به دارکشیدند

رامین ـرکن الدین سخت‌دست‌پاچه‌شده‌است چون مار زخمی به‌هر سو سر ش را مـی کو بد ... مگر نمیدا ند که با هر سیلی چند ین صورت افکار می شود . او هر چه کند مردم او را قاتل پدرش میدا نند وقاتل هزار مردوزن بیگناه ...

ابرا هیم ـهفته پیش دو مرد و یك زن دهقان را به دار کشید ند . دهقا نا ن زیادی به میدا ن مجازات می آیند ... مرد هادعا میخوا نند وزنها گریه میکنند .

مردی هر روزی می آید ودر پا ی مردی به دار آویخته ما نند سنگ می نشست...نه می گر یست ونه دعا میخواند ... خا موش میبود ... با وی سر صحبت را باز کرد م پسرش بوده ...

به جر م آتش زدن به قلعه کدام یکی از متنفذین ده به‌دار آویخته شده است.

آهنگر دو مین ـمن از این موضوع بهتر خبردارم ... درهمان دهکده یکه من دکان باز کرده ام اتفاق افتاده ... حق دهقا نان چهار یك محصول بوده ... پنج یك داده اند ....

را مین ـچرا چنین کرده اند ؟...

آهنگر دو مین ـخواسته اند پنج یـــك حق بد هند و همچنا ن کرده اند ...

رامین ـودهقا نان هم خواسته اند قلعه‌را آتش بزنند وزده اند ...

اما هنوز هم کاری نکرده اند ... کارمهمی نکرده اند ... من معنای چها ر یك و پنج یك را نمی فهمم... کاررا دهـقان میکندو محصول رابای میبرد .. .مسخره‌است...چرا زمین از دهقا ن نبا شد ؟..

پیرمرد کور- دهقانان میخواهند ز میـــن های ار با با ن را بخر ند ؟پول از کجـا کنند ؟

را مین ـدر این دنیا مردمان زیا دی‌زند- گی میکنند که در نعـــمت های آن مساویانه شر یك اند .. مگر این ها که برا برجند صد و چند هزار نفر نعمت دنیا را صا حب شده اند ... غصب کرده اند...غاصـــب اند..باید مال غصـــب‌شده را ازنـــزدشان گرفت و مسا و یا نه بین آنا نیکه بیش‌از هـمه ز حمـت مـی کشند و هیچ حقی‌ازاین نعمت هـــا برایشان نرسیده است‌تـقسیم کرد.

ابرا هیم ـمن آن مرد رو ستا یی را با خود آورده ام ... اگر خوا سته با شـــی بیا ید صحبتی بکنیم ...

را مین ـبیا ید .

(رو ستا یی بارا هنما یی ابرا هیـــم وارد می شود .)

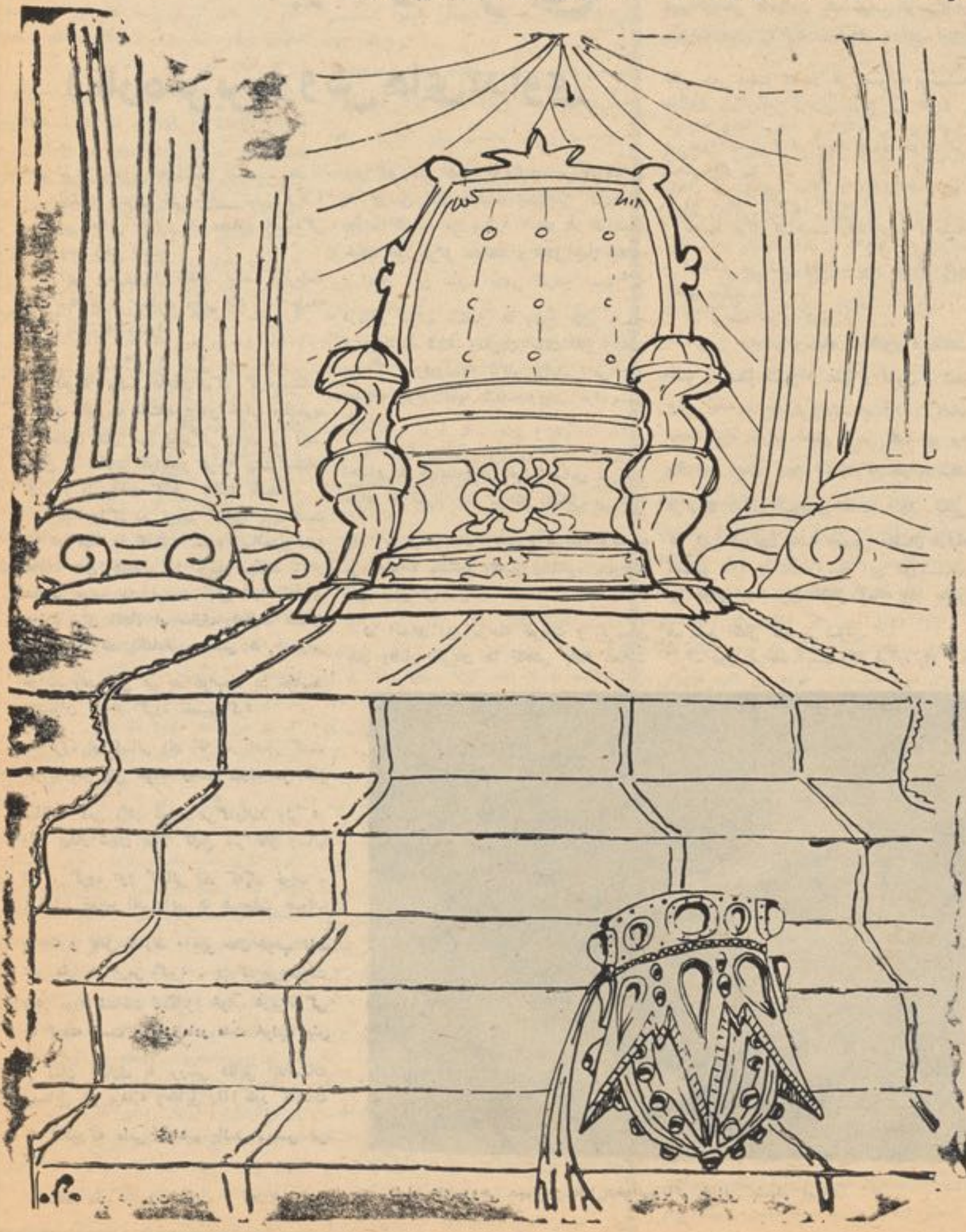
را مین ـپدر ، سلام اشنید یم که تو هم درد رسید ه امتی .

رو ستا یی ـسلام علیکم ! همه تا ن سلامت با شید !

رامین ـخوش آمدی .... بنشین !...ا گر بیعت نامه ها به رکن الدین بر سد ...دست از سر مرد م بر خوا هد داشت . مگراو قاتل است ... به‌قاتل چگونه بیعت خواهند کـــرد.

روستایی‌ـدردهات هم اورا قاتل پدرمیدانند حاضر نیستند بیعت کنند اگر قاتل‌پدرنباشد قاتل‌پسرمن که‌است...قاتل‌هزاران‌جوان‌دیگرکه است...آخ من مرگ جوانان‌را تحمل‌کرده نمیتوا نم .جوانان برای مردن نیستند ...

«باقیدارد»



ketabton.com - The Digital Library

برگردانی از : نصیر «ابوی»

کم‌خوابی
بدخوابی
بیدارخوابی!
و تازه‌ترین روش‌های تداوی

- چرابی خوابی به انسان دست میدهد ؟
- چگونه میتوان بابی خوابی مبارزه‌کرد ؟
- بی خوابی بازتابی از مجموع افسردگی های روحی وتنی است .
- این بیماری به تحقیق بیشتر نیازمند است وبه عنوان بیماری مخفی فرد در جامعه تمدن بنداشته میشود :

• • •

موقعی‌که چشم هایتان‌کم‌کم گرم‌وسنگین میشود وقدم به آستانه دنیای خواب میگذارید در فعالیت های بدن تغییراتی پدید می آید. تابدن از ساعات خوابیدن هرچه بیشتراستفاده کند. و استراحت کاملی داشته باشد .

خواب بزرگترین ترمیم کننده بدن است که در نهاد ما گذاشته شده وسلامتی‌وتداوم فعالیت های جسمانی را ترمیم میکند . در ساعات خواب بدن فرصت کافی دارد که‌قوای خودرا برای انجام نو سازی وفعالیت های حیاتی به کار بگمارد . بعضی ها خوش خوابند وعده یی هم بد خواب . بد خواب‌ها رامیتوان به دو گروه تقسیم کرد :

گروه اول‌کسانی اند که در اصل کم خواب اند ولی خواب راحت دارند هر شب ساعات کمی رادر خواب می‌گذرانند ولی در وقت بیدار شدن بطور کامل سر حال وسالم اند . گروه دوم کسانی اند که‌کم خواب و پریشان خواب اند واین ها هیچوقت خواب راحت و کامل ندارند • بهر حال خواب ثلث عمر مارا در برمی گیرد . بزرگترین‌پیشرفت هادر مورد شناخت میکانزم خواب درین‌تازگی یا گرفته است • مغز مادر مدت خواب پیش از زمان بیداری به بررسی دقایق اتفاقات ومسایل می پردازد وحقایق راآنطور که‌است نه آنطورکه مامی خواهیم باشد بررسی می کند.

حافظه مغز در مدت خواب با آهسته کردن عمل هاوعکس العمل هابه‌کمک‌ضمیرناخودآگاه به بررسی تمام جزئیات ومسایلی که در روزبما گذشته می پردازد . مغز در طول‌مدت خواب چون مرکز قدرتمند و خلاق عمل میکند.

امروز این عقیده پیشی گرفته است که درموقع خواب سگنال ها وموج های مغز بیشتر دیده شده، ومغزیك حالت فعال رابخود می گیرد ودرونمایه آگاه ورقیق ترمی یابد چنانچه موج الفابه شدت وتوان خود می افزاید .

بعداز هر پانزده ساعت فعالیت، وجود احتیاج به خوابیدن در خود احساس می‌کند. خواب از تکرار چند مرحله تشکیل می شود

واز هر مرحله سبك شروع می‌شود وبه مرحله‌خواب سنگین وعمیق وبالاخره به‌مرحله رویا منتج می شود .

در ابتدای این مرحله حرارت و گرمای بدن وفشار شریان ها کاهش یافته عضلات به حالت استراحت در می آیندوافکارگسیخته ومغشوش می شوند. خواب سبك که ابتدای هر (دوره) خواب است از بیست دقیقه تا یکنیم ساعت به درازا میکشد. ودرین مرحله انسان با جزیی ترین حادثه از خواب می‌پرد زیرا خواب عمیق هنوز در راه است . به دنبال این مرحله دورهٔ سریعی از خواب قرار دارد که عمیق است و سنگین ، واز ۱۵-۳۰ دقیقه طول می کشد . ودرطی آن رویا ها وکابوس ها بسراغ مامی آیند. در طول این زمان نبض وفشار شریان هانامنظم شده عضلات دچار سستی میگردد وچشم هابوسیله عضله گودتر میشود .

بی‌خوابی پیری زود رس رانیز به‌دنبال دارد وبه چهره شیار ها وچروك می آفریند . همه این ناراحتی هابعد از یك خواب خوبوکامل بسرعت مهار وبرطرف میگردد. و این نتیجهٔ دفع سمی است که در طی خواب بوسیله عملیات سم زدایی دربدن، خنثی می گردد .

بی مورد نیست تا در مورد دوره‌ی خواب نیز سخنی بگوییم :

۱- مرحله ابتدایی خواب :
تجدید قوای از دست رفته درین مرحله برگردانده می شود وفعالیت مغز را دو باره تنظیم میکند .

۲- مرحله خواب عمیق :
درین مرحله بوسیله میکانزم فیدبك- هو ر مو لن (هو ر مون ر شد) تولید شده بررسی وکنترول می شود . بدین لحاظدرمورد خواب اطفال باید نگران بود وبه این اصل توجه داشت که خواب برای هرکودك نهایت ضروری است . واز جانبی هم این هورمون باشد جسمی اطفال ارتباط مستقیم دارد با عدم ترشح این هورمون بی خوابی به سراغ اطفال آماده واز جانبی هم رشد اطفال کند می شود .

۳- رویا مرحله ایست که درآن راه به سلامت روانی گشوده می شود . و اضطراب رادور سازد .

حال که در مورد خواب ومیکانزم هایش تاحدی دانستیم قدمی فراتر می نهیم تابدانیم بیدار خوابی چیست؟ وچگونه میتوان به‌آن دست وپنجه نرم کرد .

بیدار خوابی طولانی (مزمن) وحقیقی براثر اختلالات روانی وعاطفی پیش می آید . اولتر از همه وحشت ، شخص را چنان مضطرب میسازد که باعث می شود انسان خیلی کم وبند بخوابد •به عباره ساده تر ترس از بیدار خوابی ، بیدار خوابی رابه دنبال دارد . به تعقیب هرترس ویادرسراپرده هربیدار خوابی ترسی نهفته است . که این ترس نمی گذارد فرد لحظهٔ چشم بهم‌نهد. مانند دیگر کشیدگی های روان جسمی. این ترس بعدا بخودی خود زایل می گردد . چنانچه درگیری هاوفشار های روحی بیشترین محرکین بدخوابی وکم خوابی محسوب می شوند . عده هم استند که در شروع مرحله اول دوره خواب یا در شروع هر مرحله آرای‌ام از خواب می پرند . این عده در تلا اند که بیشتر از ضرورت هم بخوابند !

دراینگونه موارد دست بهم دهی عوامل بیدار خوابی باعث می‌شود که‌براحتی چشم رابه هم نهند. بی خوابی اتفاقی براثر نگرانی اضطراب ،دردوغم،اندوه، یاسؤهضم در اثر غذای سنگین پیش می آید . واین طرز معمولا در اوایل شب به سراغ فرد آمده اما به آسانی تداوی می شود .

بیخوابی غیر واقعی (کاذب)به کسانی دست میدهدکه سر شب به بستر می روند و در سپیده بزودی بیدار میشوند وتصورمی‌کنندکه دچار بی خوابی شده اند فانوم ان سومنیا (بیدار خوابی تصوری). در حالیکه چنین نیست . کسانیکه هم بد میخوابند شبی چند بار بیدار شده در نتیجه برای اینکه دو باره بخواب بروند احتیاج به گذشت وقت دارند.

باوصف این هم کمتر کسانی اند که سراغ قرص های خواب آور رابگیرند .زیرا این دواها تاثیر جانبی داشته ومضرات زیاددارند. بهتر است انسان‌کم خواب بخدمت گیری اراده اش وقدرت تلقین بخود واتکا با تمرین هابابی خوابی مبارزه کند . نه اینکه باجزیی ترین شکل بی خوابی سراغ دوا های خواب آور رابگیرد .

عوامل ایجاد کننده :
در مورد عوامل برانگیزنده بد خوا بی بسیار گفته اند• در اینجا مختصر از آنها بحث می کنیم :

اگرچه عوامل بر انگیزنده بیدار خوابی به‌سه صنف فزیکی ، روحی وسلوکی تقسیم می‌شود • اما بصورت یقین این گروپ بندی درست نیست زیرا بیدار خوابی می‌تواند زاده یك سلسله عوامل جانبی، بر خی از ناخوشی هاباشد به عنوان مثال درگیری‌ایکه از اشغال وظیفه تو با مسئولیت هایش دست میدهد شاید شخص را در بستر خواب، تا- راحت وبد خواب بسازد .

بقیه درصفحه ۵۵



فشار های روحی مهم‌ترین عامل‌بدخوابی‌ویاکم خوابی بشمار میرود

ketabton.com - The Digital Library

تحقیقاتی (خپرنه)

پ. ل

د کارګري او انقلابي تیوري
بریالیتوبونه

دنولسمې پیړۍ په‌پیل کې هغه د خت چې دلویدیزې اروپا په‌یو لړ هیواد ونو کې بورژوازي انقلابونه پیل شوه دټولنې په ټولو فرهنګي ، کلتوري، اقتصادي او اجتماعي چاروکې یې په زړه پورې پرمختګ را وست. فیودالي تولیدي مناسبات یې لغوه او دتولیدي قواو دودی له پاره لاره پرانسته . بورژوا طبقې چې په حقیقت کې دتیرونظامونو دحاکمه طبقې خای نیولی وو په اول کې یې دخپلې انقلابي محتوا له مخې دسایښس او ټولنیزو یوهنو په تیره بیادفلسفي، اقتصاد اوسیاست په برخه کې وتلي متفکر عالمان را وزیږ وله چې دهغوی دروښانه افکار واو نظر یاتو له کبله دفیودالیزم موجودیت‌له هره خیثه محکوم اودبیا رازوندی کیدو امکان یې محسوه شو.

دبانګه وال نظام دتکامل او دهغه نه‌په مخکې پراونو کې دټولنیز وبدلونو ابتکارات او لار ښودنه دحاکمه طبقاتو په لاس کې وه. که‌څه هم یو ټولنیز نظام مثلا مر ښتوب په فیودالي اوبیا په سرمایه‌داري سره اوښتله خود زیار ایستونکو پر ګنوله اوږ و خځه به داستعمار پښې نه‌لیرې کیدای اونه په ددوی په ټولنیز موقف ، انساني حقوقو او نوروکې کوم بدلون پیښیدی . دخان دښې (مخکې) خای به دبانګه وال کار خانې ونیو ، دخان او ارستوکرات دسپرلي دآس پرخای به دبانګه وال وزوی ، لور او خانمې دپاره بنز اووالګاه موترودرید ، خوزیارکښان به دیخوا په حال پاتې وه .

او هماغې به دخپلولومړنیو اړتیاولکه ډوډۍ کور، کالي او نورو په پوره کولو باندې حیران وه .

دبورژوازي انقلابونو په‌سر نه رسیدلو سره یوه دښې (ذات) او طبیعت خځه انقلابي طبقه یعنې پرولتاریا را وزیږیده . پرولتاریا چې په خپلو لومړنیو وختونو کې دتیوري ، تاکتیک، ستراتیژي او ترټولو مهم‌دساز مان دنه لرلو له امله‌بې سبکه‌او ناتوانه وه .

دانقلابي مبارزې اودخپل ورستنۍ نجات په لاره کې هلې‌ځلې دخاورو سره برابر وې وې. کار ګرانو دوخت دحاکمه او ارتجاعي قواو دیولیسو ، پوخ، محکمو اوزندانونو او دهغوی دبې رحمانه چلند په مخ‌کې مقاومت نشوکړای اوبه دې ډول پرولتري او انقلابي جنبش د زیاتو تلفاتو ورکو لو له‌امله دسترو ستونزو سره مخامخ و .

دنړۍ دزحمتکښانو سترو لارښودونکو خپل ټولټونه دظلم ، استبداد ،استثمار اوبې عدالتیو خخه دکار ګرۍطبقې دخلاصون‌اونجات دپاره وقف کړ. علمي‌او انقلابي .تیوري. پې ایجاد او دیوې ټو خوونکې وسلې په توګه یې دزحمتکښانو په لاس ورکړه. په ۱۸۵۸ کال کې‌یې (دکارګري ګو ند بیانیه) نومې کتاب تدوین اوپه هغه کې یې‌دکارګري ګوند ټوله تګ لاره، دیوې نیک مرغې اوهوسا ټولنې دودانیدو له پاره تاکتیک او ستراتیژي باندې رڼا واچو له .

له هماغه وخته یعنې دنولسمې پیړۍ د منځنیو وختو نو خخه پرولتاریا په پرله‌پسې ډول پرپانګه والو استثمار ګرانو باندې خپل فشارونه زیات کړیدی .

ویلې شوچې د۱۸۴۸ کال په یولړ اروپایي هیوادونو کې دکارګري طبقې انقلابي‌فعالیتونه دپاریس دپرولتاریاقهرمانانه پاخون او دمارچ پرانلسمه (۱۸۷۱) کال کې‌دپاریس‌د کمون تشکیل ، په روسیه کې د (۱۹۰۵) انقلاب دازادي په لاره‌کې دزیارایستونکو پرګنودزړ- ورو مبارزو دملا ښمزې جوړ وې .

دنړۍ په انقلابي پروسه کې داکتوبردستر انقلاب لارښودیوه بله خپره وه . چې دبانګه وال نظام دلوړې او ورستۍ مرحلې

یعنې امپریالیزم دخصوصیاتو په کشف دکار ګرانو سره دبز ګرانو او نورو زیار- کښانو دعملي اتحاد، دیوه کارګري اوانقلابي ګوند ایجاد او نورو تاریخي خدمتونوله امله دبشرۍ ټولنه په تاریخ کې‌یو نوی ورپرانست دسوسیالستي عصر دوران یې پیل اودبانګه والي نظام تاریخي محکومیت یې وښود .

باید وویل شي چې دعلمي او انقلابي تیورۍ دمنځته راتلو خخه خه موده زیاته یوه پیړۍ تیره شویده ، خویه دې لنډه موده‌کې هیڅ داسې ضربه‌او شکنجه نشي موندلې‌کیدای چې هغه‌دې دنومورۍ تیورۍ دټکولو اولې منځه وړ لو دپاره په کار نوي لارې‌دلې

په بورژوازي هیواد ونوکې په کارګري ګوندونو باندې‌ډول‌ډول فشارونه دشوروي- اتحاد پرخوان سوسیالیستي هیواد باندې‌دفا- شیزم‌تیرې‌کوونکې‌حمله‌اوزمونږ‌په زمانه‌کې‌دنوي استعمار ، صهیونیزم، اپارتاید داختناقه ډکه پالیسي ټول هغه مذبوحانه تلاښونه دې چې امپریالیزم یې دخپل موجودیت دساتنې او انقلابي جنبش او انقلابي تیورۍ سرکوبولو دپاره سرته رسوی .

خو پردې ټولو سربیره ،باید وویل شي چې انقلابي پروسه نه داچې شاته نه‌ده تمبول شوی بلکه نوره هم پیاوړی اودانقلابي مبارزو ډول ډول تیورتیکي‌اوپراکتیکي تجربو په وسیله شتمنه شویده‌نړۍ پیاوړي‌سوسیا- لیستي اردګاه ، په سرمایه‌داري هیواد نوکې کارګري ګوند ونه او دآسیا ، افریقا اولاتین امریکا په لویو وچوکې ملي آزادي بخښونکو جنبشونو په پوره‌قوت‌سره ورخ‌تربلې زیات پریالیتوبونه تر لاسه کړیدی . اوس دمخکې پرمخ هیڅ داسې یوهیواد نشته چې هلته دې ټولنې دتکامل په پاره کې کارګري مترقي افکار او نظریات وجود ونه لري .

دنور پرتمین انقلاب هم دنورو ټولنیزو انقلابونو غوندې دعلمي او انقلابي نړۍ لید دعینې قوانینو سره سم وپراندې تګ کسوی دلته دافغاني‌ټولنې خاص‌شرایط دخلکو کلتور او سایکولوژۍ په خاصه‌علمي او موجزه توګه تحلیل شوی‌اودیوی‌نوی، هوسا او داستثماره خخه خلاصې ټولنې دجوړید وله پاره عیني او واقعي‌امکانات برابر شویدي .

مورِ یقین‌او ایمان‌لروچې‌هدف‌ته رسیږو داځکه‌چې‌زمورِ هیلې سپیڅلې دي

ورخ تر ورخ زیا تیدو نکې ، ژور او هر اړخیز بدلو نونه چې دسولې خپلوا کې غو ښتلو ، ترڅې او سو سیا لیزم په ګټه اوداه‌پریالیزم، صهیونیزم،ارتجاع‌اونژادپاللوپر ضد په نړۍ واله سویه لیدل کیږي دنړۍ وال سو سیا لیستي سیستم زیږ نده ده .هغه نړۍ وال سیستم چې دنړۍ ټول انقلابي جنبشو نه دهغې تر خوا ټو لیږې او په یو مو تې توګه دانسا نیت او خپلوا کې دغلیما نو پرضد ددایمي جګړې په حال کې دي .

دخمکې دکړ ې په بیلو بیلو خا یونه‌کې ددغو بدلونو نو پښکاره کیدل او دنړۍ وال کړکیچ دکمښت اوپه‌سولې‌سره د ګډ ژوند ترمنځ نه شلیدو نکې اړ یکې شته دي . دنړۍ د ټولو مترقي قوتو نو او دهغوی په‌کنار کې دافغانستان دخلکو ددمو کراتیک ګوند او دافغانستان ددمو کرا تیک‌جمهوري دولت هد ف په ورومبنۍ مرحله کې او په پیا وړې توګه عبارت دي د داسې ټو لنې منځ ته راوړل چې په هغه کې طبقې مو جودي نه وي . دتنګ نظرانه او تعصبي محدود- ینو نو خخه خلاص وي . ملي او نژادي نا برابري ونه لیدل شي . دخرا ڼاتي کړووړو ښه ټبا نه په هغه کې‌له منځه تللې و ي . راز راز سفسطه ټوله نړۍ لید چې خوا ږې درو غ او سفسطه دو ا قعیت پر خای کښینږي بیخي ورک شي . در اشرا في او پلار وا کې لو مې دخلکو د ډینو او لاسونو خخه شلیدلې وي او په پا ی کې داسې ټولنه چې‌په هغه کې علم ، تفکر او علمي منطق حکم وچلوي . داسې ټولنه چې په هغه اند یو ید یالیزم اودخان غوښتنې پر خای کو لکتیو نیزم او دنورو خلکو پالل دټولو انسا نا نو دکړه وړه او اخلا قو جزء شي . داسې‌ټولنه چې دهغه جګړه یواخې دطبیعت په مقا بل کې دوام وکړي . داسې ټولنه چې خپل ژ و ند دعلم اود حیرا نوونکې تخنیک دډیرو لوړو پر مختګو نو پر سټو ودروي او ...

ریښتیا چې دغه هیلې له‌بر م او وپار خخه ډکې هیلې دي او همدا شان ممکنې هیلې هم‌دي خکه چې پور تنې هیلې انسان پالو نکې هیلې دي او دیو متر قي او برمخ تللې ګوند او دولت له‌خوا په‌عمل کې پلې کیدای شي . آیا دغه هیلې خود په خپله سرته رسیږي ؟نه ډیرې ستو نزې ژ خنډ ونه پدې لارکې شته دي چې د لنډ دخپلې ټولنې ستو نزې اود هغوی دله منځه وړ لو لارې خیر و .

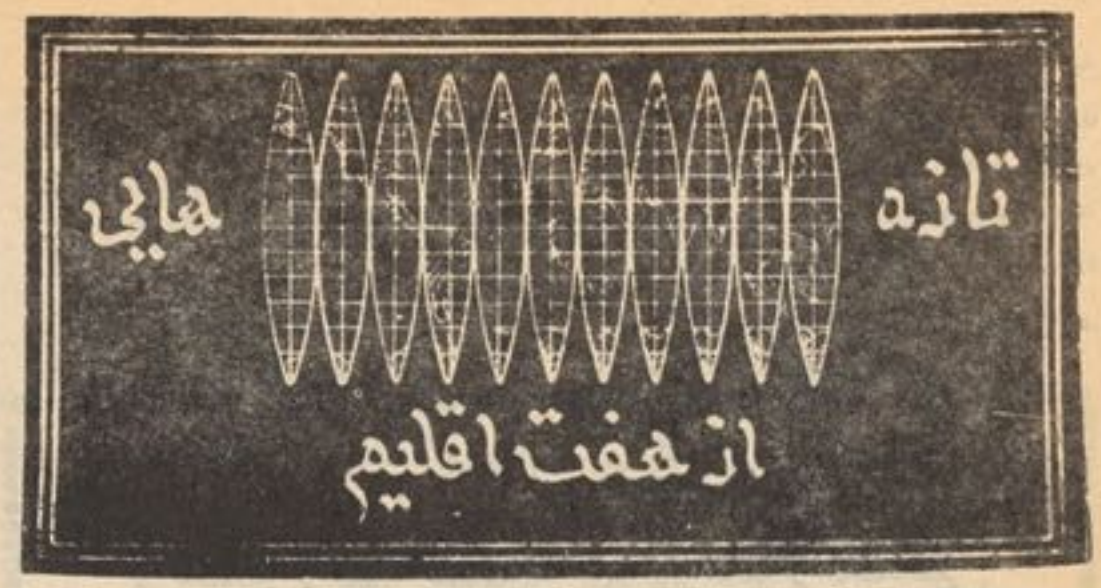
لمړی خنډ او ستونزه چې ددغه ستراو انساني آرمان په وړاندې دي دزړو عادتونو مقاومت دي دزړې ټولنې منفي میراث چې تیرو فا سدو او خان پالو نکو غنا صر وله خوا چې د انفرادي روحیې دتسلط پدیده د ماکیاو لیستي سیا ستو نوپوګر دیپلو - کراتیکو کړو وړو صحنه ، دا شرا في او شخصي ګټې بازار او دنور و معا ملې ګرېو او راز راز روحي او عصبي ضعفو نو وسیله وه ، زمونږ په غاړه پاتې ده او پر سیره پرهغه ددغې ټولنې دفکري او منطقي بیرته پا تې وا لې پښې هم زمو ږ پراوږو باندې شته دي‌داځکه چې پیړۍپیړۍ پدغه‌ټولنه باندې خصو صي مالکیت ، طبقا تي امتیازونه ، پیر نه پاتې تخنیك ، نابو هي ، جنسي او رو حي نا رو غي اوبې وزلي مسلط وو.

هوکې سترې ستونزې زمونږ دپوره خلاصون اود خلکو دپوره سوکالي په‌لاره کې شته‌خومونږ پوره ایما ن او یقین لرو چې خپل سپیڅلي خلاند او خلکې هد ف ته‌چې د ټو لنو زیار ایستو نکو خلکو سوکالي او آرام ژوند دي‌هرو مرو رسیږو . دا ځکه چې دخلکو قهرمان د مو کراتیک ګوند لرو . هغه ګو ند چې دنادر داوود دنوري زما مداري‌لومړي‌چې داو سپښې ځنځیر ونو خخه جوړې‌شوی وی و شلو لی او د ټول پر یالي انقلاب نې دخلکو په پلاټر سرته رسو لی دی .

مونږ مستر بین المللي اډو یوالان ډیر و چې دیرو لټرۍ انټر ناسیو نالیزم مزې مونږ یوېل سره ټرۍ مونږ مستر او قهرمان زیار- ایستو نکې خلك لرو چې د تاریخ په‌اوږدوکې پی دوظن او خلکو په لاره کې پی‌بی ساري سر ښد نې سرته رسو لی وی مونږ ...

هوکې مونږ رسیږو ،رسیږو و هغوسترو عدفو ټوته چې ټولې انساني او شریفانه دي . مونږ رسیږو ، داځکه چې زمونږ هیلې او اهداف دخلکو یعنې دکا ر ګرا نو ، بزګرانو، اونور وزیار ایستو نکو د سو کال او هو سا یني د نا مین هیلې او هد ف نه دي.مونږ رسیږو دا ځکه چې په علم اوعیني وا قعیتو نو با ند ي اتکا ء لرو . مو ږ رسیږو مونږ رسیږو ...

ketabton.com - The Digital Library



ترجمه وتنظیم از : برومند

مرگ یک فزیکدان در قلهٔ کوه پامیر

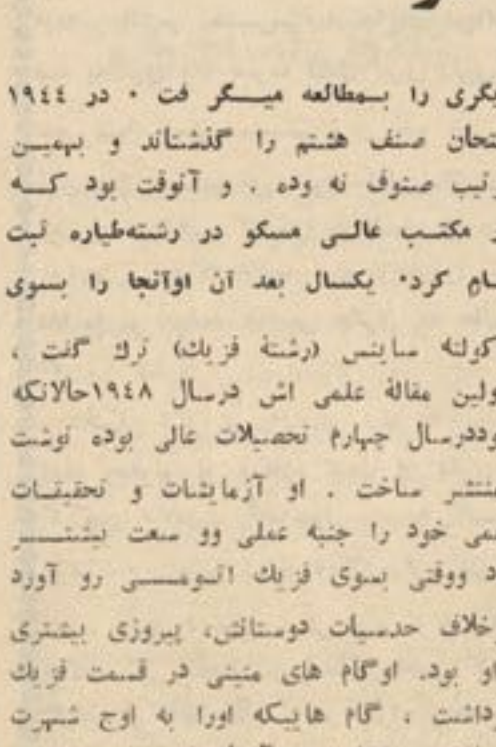
«ریم شوخلوف» فزیکدان نامور بتازگی‌ها در عمر (۵۱) سالگی با جهان وداع گفت . مردیکه سی سال تمام توانست باخلاقیت‌های پیهم علمی خود مصروف بماند . موصوف دکتور علمی وهمکار تنظیم یکی از اکادمی های معتبر بود وهمچنان مسوول یونیورستی دولتی کشورش . وی که موفق بدریافت «جایزهٔ لینن» گردیده بود ، امتیاز علمی زیادی را دارا بوده ومعاون یونیورستی علمی بین المللی بود. بعلاوه وی محقق، پژوهشگر وازفزیکدانانی بودکه مایهٔ افتخار میدانستندش اینکه تاچه حد خوش قلب، نرم طبیعت ونیکو خصلت بود از مسایل دیگری بود که موقف اجتماعی اورا دو با لاساخته بود . در دلاوری وجسارت نیز معروف بود ، دو ستانش مدعی بودند که وی سراسر عمر ش رابه مبارزه وقف‌کرده، مبارزه برای دستیابی به اسلوب بهتر پیشروی های علمی در ساحات مختلف علمی .

وی با «چتر نجات» که ساختهٔ خودش بود ازقله های بلند کوه خودش را رها میکرد» البته شهامت ، ورزش وخوشگذرانی یک پهلوی کرکتر ش بود حالانکه پهلوی دیگر کرکتر وی همانا فهمیدگی وخبرگی او بود وپدر ومادرش هردو در رشتهٔ تخنیك تحصیل کرده بودند وشایستگی ولیاقت او منحیث یك انسان چیز فهیم سرمایه علمی خوبی‌برای کشور بحساب می آمد. او بهر کاری که دست می برد چنان ماهرانه ایفایش می کرد که گویی از کودکی درآن رشته تربیه شده زمانیکه هتلری هادر ۱۹٤۱ برخاك شوروی حمله کردند «ریم شوخلوف» پانزده سال داشت، صنف هفتم را تمام وتازه به صنف هشت پا گذاشته بود . آنزمان برای او همه وظایف خدمت به میهن ودفاع از میهن بود، او میخواست واضح چنان پلان های علمی باشد که فاشیست ها بسادگی وندامت خاك شانرا ترك بگویند» اودر آوانیکه شا گرد مکتب بود در کارخانه بحیث قفل سازموتر کار میکرد وشب ها با وصف کا ر شاقه روزانه دروس مکتبش را مطالعه وکتب علمی دیگری را بمطالعه میگر فت . در ۱۹٤٤ امتحان صنف هشتم را گذشتاند و بهمین ترتیب صنوف نه وده . و آنوقت بود که در مکتب عالی مسکو در رشته‌طیاره ثبت نام کرد» یکسال بعد آن اوآنجا را بسوی فاکولته ساینس (رشتهٔ فزیك) ترك گفت ، واولین مقالهٔ علمی اش درسال ۱۹٤۸حالانکه خوددرسال چهارم تحصیلات عالی بوده نوشت ومنتشر ساخت . او آزمایشات و تحقیقات علمی خود را جنبه عملی وو سعت بیشتر داد ووقتی بسوی فزیك اتومی رو آورد برخلاف حدسیات دوستانش، پیروزی بیشتری بااو بود. اوگام های متینی در قسمت فزیك برداشت ، گام هاییکه اورا به اوج شهرت رسانید . تجارب و آزمایشات علمی همواره الهامی بود برای تحقیقات فزیکی سایر دانشمندان . وی فزیك تحلیلی رانیزطوریکه شاید وباید فرا گرفت . گویی اویکپارچه فزیك شده بود . وقتی دوستانش اورا در یونورستی، در دفتر کارش درمیان انبوه کتاب ها یافتند، باری یکی از دوستان شوخ طبع وظریفش گفت : شوخلوف، توبرای ما ازینهمه اندوخته های علمی که از میان این کتاب هاگرفته ای، مگر سهم مارا ازدانایی‌ات نمیدهی ...؟؟موصوف مسوول سابقه دارترین وبزرگترین یونیورستی‌واکادمی علمی کشورش بود. اوهمه وقت به پلان هایش مجبور بود بیندیشد، به بالت زیادعلاقمند بود. علاقمندی به ورزش نیز زیاد تر بود . وقتیکه در لینینرگ بود صبح هابه ورزش می پرداخت.

بیست کیلو متر ره را «ریم» می پیمود با رفتار عادی ... زمستان ها در سوراخ کوه های یخ داخل وغسل میکرد . مهارت او در رانندگی وسکی روی یخ خیره کننده بود . خودش میگفت چهار باربه قله های کوه ـ هاییکه هفت هزارو یا بیشتر از آن ارتفاع داشت برآمده است، یعنی موصوف درپایان هرهفته که از کار خسته میشد روز هـا ی شنبه ویکشنبه را بنام «جشن علمی» یادکرده وبهوا خوری وسیاحت وکوهنوردی میرفت . «ریم» باوصف آنکه ازسلامتی‌کامل برخوردار بود وجودش وزن ثابت داشت ، همه به استعداد شگرف این پروفیسور فزیك آفرین پی گفتند. وی بغرنج ترین ومهلکترین‌تجربه های فزیك راکه بسیاری فزیکدانان جرئت اجرای آنرا بخود نداده بود اجراء کـرده وخدمات ارزنده را بسر رسانیده بود . ایده های علمی وکشفیات «ریم‌شوخلوف» نام وی‌را میان فزیکدانان همواره زنده نگهمیدارد . وی در حدود پنجاه دکتور فزیك تربیه نمود، ودر تحقق بخشیدن مفکوره های علمی خود خوب میان شاگرد واستاد بود . میخواست از قوانین علمی تکامل جهان بشریت بیشتر مستفید گردد و آنهارا بکار گیرد نه تنها «شوخلوف» بلکه زنش «یلینا» مادر «ریم» کمال عجله را بخرج میداد . وی‌که میانجی ودوبسر «ریم شوخلوف» همه فزیکدان بودند. چه کسی میتوانست حدس بزند که‌فزیکدانی بااینهمه توانایی های علمی چنین زود و به سادگی بدرود حیات میگوید . او بر سبیل عادت باتیمی از کوهنوردان بر قلهٔ کوه پامیر برآمد واز «آلپن» دیدن کرد. اما نا گهانی «شوخلوف» دستخوش مریضی مدهش گردید. کوهنوردان که همراهش بودند تمام شب از تشنج برف های کوه را لگدمال نمودند تا از نفش شدن پاهای آنان روی برف، طیـاره بتواند محل اقامت وموجودیت او شانرا تثبیت بدارد . بدین ترتیب «شوخلوف» وهمراهانش به کمك هلیکوپتر پایین آورده شدنـد . بدینترتیب «ریم شوخلوف» چنـدی قبـل با اطرافیان وعلاقمندان خود برید و با مرگ پیوست .



در عکس «ریم شوخلوف» را بر قلهٔ کوه پا میر می یابید .



شوخلوف در پنجاه سالگی بر بالای قله کوهی قهوه می نوشد .

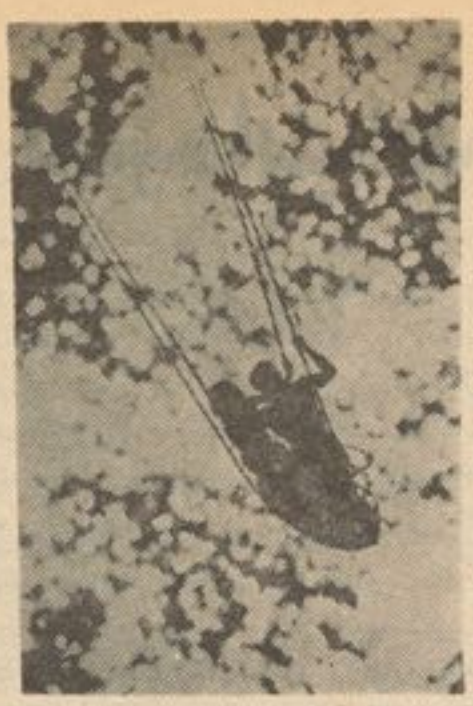
تحقیقات علما درزمینه نوسانات اقلیمی جهان

باری شنیده میشود که در آنقسمت فلان کشور میلیون هاهکتارزمین مزروعی را سیلاب برده، زمانی شنیده میشود که گرد باد توفان مثلا فلان قسمت بنگله دیش را ویران نموده، در اثر طغیان آب بحری که سرازیر شد باعث ویرانی چندین منطقه گـردید، زلزلهٔ مدهشی که بوقوع پیوست خسارات فراوانی ....

خوب اینجا از زلزله حرفی در میان نیست امـا روی مـا یلـی بحث میگردد که مربوط میشود به اوضاع جـوی ومخصوصا هوا . هوا چرا چنین متغیر وهر

ketabton.com - The Digital Library

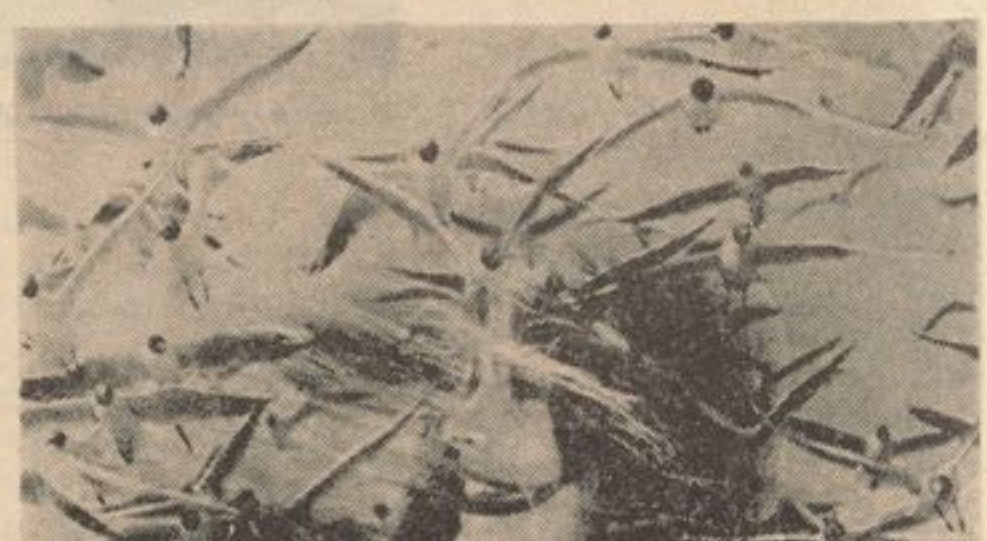
دست بشر در رام ساختن طبیعت معجزه میکند



بعضا اقلیم ها چنان خوب وگوارا میشوند که چنین طراوت به ممکونین آن می‌بخشند.

السالمت ، چرا چنین غیر ثابت می باشد . اصلا علماء را عقیده براینست که اقلیم روی زمین هرآن در حال تغییر است ، چنانچه بطور مثال در بیست سال اخیر حرارت‌سالانه آب اتلنتیك شمالی بطور اوسط از ۱۲به ۱۱ر۰ درجه سانتی گرید پایین افتیده است کوه های یخ در جنوب در زمستان های سال های ۱۹۷۲-۱۹۷۳ در لیزابون که عر یض تر است° بیشتر عر یض شده وزمستان اینجا، وقتر می آید بدین مفهوم که در۴۰۰ کیلو متر جنوبی تر، زمستان زودتر ازقسمت های شمالی آن فرارسیده است که این‌خود تغییر قابل محسوس اقلیم رامی رسا ند. البته همزمان با این یخچال ها وسطوح یخ درنیم کرهٔ جنوبی دوازده فیصد نسبت به سالیان قبل بزرگتر گردیده است . بدین ملحوظ کمترین درجهٔ حرارت یا بعبارهٔ دیگر سردترین درجهٔ حرارت در دو صدسال اخیر درنواحی قطبین محاسبه گردیده که سردی درین نواحی بیشتر محسوس است . روی همین اصل مقدار حاصلات درآیسلندکه بدون شك متاثر از سرمای متذکره گردیده است ، ۲۵ فیصد کسرت اختیار نموده، مقدار حاصلات نباتی در جزایر بر تانوی بتناسب گذشته خیلی ها نا چیز شده . دو هفتهٔ تمام همکاری یکی از اکادمی های علمی جها ن درمورد چنین نظرد اد :

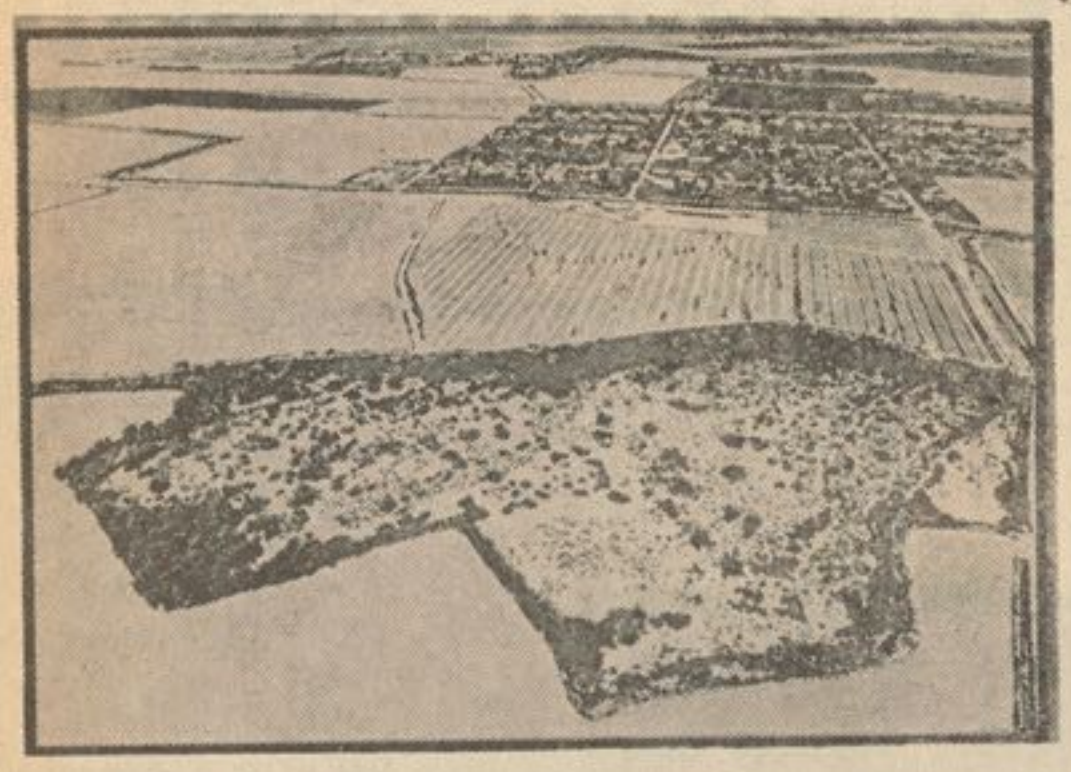
بسیاری ها هنوز گرمای نسبی (۳۰) سال قبل نیم کرهٔ جنوبی را بخاطر دارند چه همه خبر نویسان را گزارش چنین بود که : یخ های انترکتیکا نسبت به هر وقت دیگر در حال خرد شدن است . پس در نواحی متعدد تناسب نظم اقلیمی طبیعت بطورمحسوس وقابل مشاهده بی تغییر فاحش یافته که درچهل سال اخیر دراکثر نواحی سرما وخشك زیاد را نشان میدهد. اکنون سوال اینجاست که اساس ومنشاء اینهمه نوسانات اقلیمی چیست که ارائه جواب دقیق به همچوسوالات تاالحال کاری بوده بس مشکل . چه‌تئوری های معیاری اقلیمی وجود ندارد. شا ید اوقیانوس هادر اتومسفیر زمین وتوسعهٔ‌سردی رول زیاد بارزی را بازی کند، هرچند که بازگی ها کلتور های جدیدی ارائه یافته‌که راجع به تغییر اوضاع جوی مطالبی را بیان میدارد . سوال عمده‌که اکثرا جوابی برای آن ندارند اینست که در صدویا دو صد سال اخیر گزارش وضع اقلیمی وجوی ا ز چه‌قرار بود وچگونه گزارش خواهد یا فت وآیا گزارشات اوضاع جوی آنوقت زیاد خطرناك برای کتله های بشری نخواهد بود عدهٔ زیادی از علمائیکه به همچو مسایل اشتغال دارند وقرار تحقیقات بدست آمده در پایان قرن موجوده والی سال های هشتاد وزود قرن بعدی بطور آنی یك گرمای‌شدیدی در کرهٔ زمین منصور است چنان گرمایی‌که یخچال های گرینلند واسکندناویا همه آ ب شده وآب آن در ابخار زیر انوار زرین آفتاب برق خواهند زد . همچنان یك گرمای طاقت فرسا برای سال ۲۳۰۰ از طرف علماء پیشبینی گردیده است که‌در هر حال تلاش بشر برآن خواهد بود تا نظم طبیعت و اقلیم طبیعت را برقرار وبچنان فعالیت های متوسل گردندکه رفاه کتله های بشریت در آ ن مضمر باشد . در حال حاضر علمای‌مترولوژی ازسی وپنج‌کشور جهان مشتر کاروی این پروگرام کار میکنند .



سرگرمی های سالم در اقلیم گوارا رشدمینماید وتوسعه پیدا میکند .

بشر این بدترین موجود کائنات پیوسته واز بدو پیدایش خود، سعی اش برآن بوده تابه هر آنچه دست نیافتنی است ، استیلا یابد وهمه چیز را بنفع جهان بشریت بچرخاند . بعلاوه تلاش ورزیده تا در پهلوی سایر پدیده ها دشت های لم یزرع و صحرا های خشك وعاری از هرنوع گیاه را ر ا م ساخته وازدست های شوره زار وغیر قابل استفاده یك چمن زار وبوستان ودر فرجام‌باغ دلنشین بسازد تا باشد که در همچو دشت ها هرنوع نباتات مجال روییدن ورشد نمودن بیابد.

در سالیان اخیر نظربه نیازمندی توجه بشربه بررسی ورام ساختن صحرا بیشترشده است که البته در زمینه مخمر ساختن ز مین های لم یزرع ودشت های پهناور خشك باید مدیون تخنیك وساینس بودکه این خود یکی دیگر از دست آورد های بشر است ، بشریکه بپوسته کوشیده تا طبیعت رابکام انسان گرداند . در اتحاد شوروی دشت های آنرا در حدود (۲۱۰) میلیون هکتار زمین احتواء میکند که تقریبا ده‌فیصد سطوح مجموعی کشور مذکور را احاطه میکند. این صحرا هابیشتر در ترکمنستان، ازبکستان وقسمت جنوبی قزاقستان افتیده‌اند که موقعیت افتادهٔ آن از جنوب بطرف شمال (۱۲۰۰) کیلو متر و از غرب به طرف جنوب به (۲۵۰۰) کیلو متر میرسد °دشت‌های متذکره که قبلا غیر قابل استفاده بود دراثر سیر شگوفایی علم وتخنیك در شوروی، تحت بررسی ومطالعه قرار گرفته ومنتج به فواید بیشماری گردیدکه اینك ازین دشت ها نفت فراوان، گاز، زغال سنگ، نباتات طبی و در قسمت های مرکزی آ ن‌ابریشم خام، دردست استحصال است . بعلاوه از دشت های مزبور سالانه مقدار زیاد پنبه وسایر محصولات به دست می آید . هرگاه بشر در پی بر رسی وبهره برداری ازین دشت ها نمیبود ابدا اینهمه سرمایه های نهفته بدست نمی افتید. از ینجاست که برای غنای مادی خود ودست یافتن بر کائنات بشر پیهم در طبیعت نفوذ میکند. بعضا قسمت هایی از همچو صحرا ها درجهٔ حرارت بیش از حد وبطور طاقت فرسا بلند است بترتیبیکه در صحرا های آسیای میانه درجهٔ حرارت (۵۰) درجهٔ سانتی گرید در خشکه محاسبه گردیده است حالانکه در آنقسمت از دشت های متذکره که ریگی‌بوده واکثرا فلزات زیادی در آنجا پنهانست درجه حرارت به (۷۰_۸۰) درجهٔ سانتی گرید



گوشه از یك صحرا پس از کار زیادچنین شکلی بخود گرفته .

میرسد که بدین ملحوظ کسر قابل ملاحظه درارگانیزم وجود محسوس میشود اما از آنجاییکه بشر ناگزیر است برای یکزندگی بهتر تلاش ورزد خودش را ناگزیر با همچو شرایط دشوار عیار ساخته وپیروزی نهایی‌اش همانا رام ساختن ومطیع گردانیدن کائنات است علی الرغم همه مشالفت های ناشی ا ز بیرحمی طبیعت . خوب برای عیار سا ختن ارگانیزم وجود در تحت همچو درجه هـای حرارت لازم می افتد تا درین راه نیز گا می برداشته شود . معذالك انستیتوت فزیولوژی وپتالوژی که اساسا برای تدقیق مسا یل مربوط به مسکونین مناطق خشك مو ظف ، وآزمایشاتی را روبدست گرفتند . اکا دمی علمی ترکمنستان شوروی مسایل مربوط به فزیولوژی، بیو شیمی وامثال آنرا در ارتباط بامردمان صحرا نشین طوری ترتیب دادند تا اگر باشد که به ساکنین آن حالت مزاجی عادی بدهند که اینکار در قدیم اول ایجاب آزمایشاتی در زمینه تغییردادن اقلیم‌صحرایی را مینمود اینکه انسان برای رهایی ازگرمای شدید دشت بایست چتر های ترتیب و در زیر آن پناه برد بیهوده خوانده شد چه

بقیه درصفحه۴۳

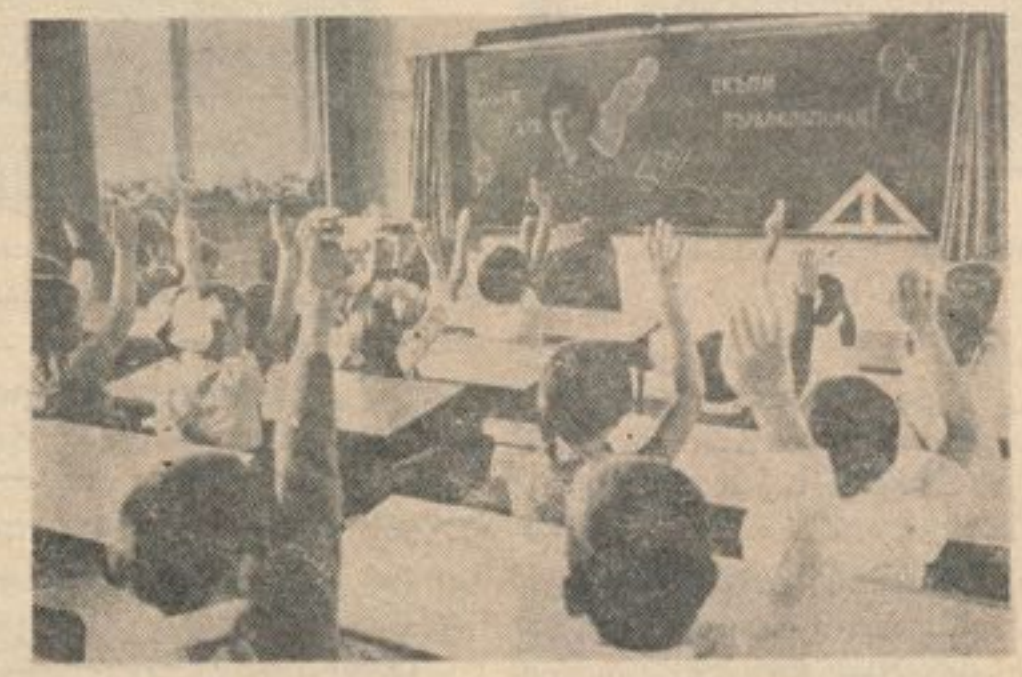
ketabton.com - The Digital Library

نقش زبان مادری در تعلیمات ابتدایی

قسمت دوم

مفهومسازی در زبان : *

برای توضیح بیشتر مراحل مختلف مفهوم سازی مثالهای از زبان می آوریم . تاریخ هر زبان نمایانگر آن است که تفکر پیچیده یاهمه خصوصیات آن اساس انکشاف زبانرا تشکیل میدهد. در زبانشناسی معاصر بین «معنی کلمه وچیزیکه» این معنی به آن اطلاق میشود فرق قایل میشوند . چنانچه درمقابل یك معنی کلمه چندین چیز وجود دارد و همچنان ممکن است چندین معنی به یك چیز ارتباط بگیرد. صرف یکدسته ازکلمات زبان یعنی اسمای خاص مستقیما به یك چیز اطلاق میگردد. ازاینجاست که گفته میشود **جهان طفل وکلانسالان درچیز (ریفرنت) باهم مطابقت میکنداما در معنیازهم بسیارفرقدارند.** اگر تاریخچهٔ لغات یك زبان مطالعه شود ، دیده میشود که معنی کلمات مثل تفکرطفل تغییر مینماید . مثلا کلمهٔ «سره» در اول شاید صرف به معنای کلمه انسان بکارمیرفت امابه مرورزمان معنای آن تغییر کرد . چنانچه در حال حاضر این تغییر معنی را در عبارات از قبیل «سردمدار» ، «سرکوب» ، «سرمایه»، «سرمعلم»، «سرخانه»، «سرچشمه» «سرکاره» ، «سرپرست» وغیره بهوضاحت دیده میتوانیم .



اطفال درس رابهزبان مادری شان خوبتروبهتر میآموزند

قوانین وقواعد ساختن کلمات نیز بوسیلهٔ تفکر پیچیده توضیح شده میتواند. اکثرا واقع میشود که چیز ها یا پدیده های نو بدون در نظر داشت مشخصاتی که درشناخت آنها مهم نمیباشد نامگذاری میگردد و در نتیجه نام کلمه (تلفظ) با خود چیز ما شی ارتباط منطقی نمیداشته باشد. مثلا کلمه«میز» باخود میز (شی) آن ارتباطی را ندارد که کلمهٔ «پرنده» با خود پرنده دارد . اکثر کلمات یك زبان از نوع میز است نه ازنوع پرنده . چون نام هیچوقت در مراحل اول مفهوم نمیباشد ، بناء هم بسیار محدوداست وهم در عین زمان بسیار وسیع و عمومی . مثلا در زبان روسی کلمهٔ «کاو» معنای «شاخدار» را میداد در حالیکه این حیوان تنها شاخ ندارد ودارای مشخصات دیگر نیز میباشد . به این ترتیب در زبانی کهانکشاف می کند میان تفکر مفهومی وعادت قدیمه تفکر ابتدایی به شکل پیچیدهٔ آن همیشه مجادله در جریان است . از اینجاست **که عملیه نوسازی در زبان با عملیه تفکر پیچیده در تکامل و انکشاف ذهن طفل شباهت دارد .**

مثال دیگر : طفل اول کلمه «کوا» (وق وق مرغابی) را اولین بار برای مرغابی که درآب میرود وبعد آنرا برای هر مایع به شمول شیر بوتل خود. وقتی شکل عقاب رادرسکهٔ پول میبیند باز هم این کلمه بجای آن بکار میبندد . به خودیکه نیز این کلمه اطلاق میگردد وبالاخره برای هر شی مدوری که مشاهده کند ازآن استفاده مینماید. این نمایانگر یك نوع دیگرتفکر پیچیده «زنجیری» یاد میشود توضیح مینماید که درآن هرشی یك وجه مشترك دارد اما این وجوه به مرور زمان تغییرمینماید وکلمه بهاشیای کههم با هم ارتباط ندارند یکی پی دیگری بکار میروند. مثال دیگر این



طفل رامشغول نوشتن مساله ریاضی مشاهده می‌نمایید

که کدام نزدیکی وبه کدام رابطه واضیحداشته باشد مورد استفاده قرار میدهد . مثلا یکی ازقبایل بدوی در برازیل به این افتخار مینمایند که به «نام طوطی سرخ» یادمیشوند. اگرچه این به نظر منطقی نمی آید اما به عقیدهٔ مردم آن قبیله بدوی برازیل بسیار منطقی ومعقول است زیرا ناشی از تفکرپیچیده که خاصه جوامع بدوی میباشد است . بناء کلمات در زبان جوامع بدوی که با تفکر پیچیده می اندیشند مفاهیم را افاده نمی کند بلکه یك کلمه به مثابه «نام فامیل» برای دسته های چیز های ذاتی وعینی که با هم ارتباط دارد بکار میرود نه بصورت معقول ومنطقی . ازهمین لحاظ است که گفته میشود که تصورات عینی وذاتی به عوض مفاهیم مجرد یکی از خصوصیات مهم فکر ابتدایی محسوب میگردد .

ازبحث مفهومسازی به این نتیجه میرسیم که مراحل مختلف مفهوم سازی طوریکه تحاب لابراتواری وایگاتسکی نشان داده است و در اینجا بدان اشاره شد هیچوقت مفهوم سازی آنطوریکه درانکشاف ذهنی جنتیك طفل در زندگی واقع صورت میگیرد منعکس نمیسازد چه در زندگی واقعی این مراحل به صورت مختلط عرض اندام مینماید . همچنان تذکران مطلب در خور اهمیت است که در **مفهوم سازی حل کردن پرابلم از اهمیت فراوان برخوردار است . بناء اگر اطفال و جوانان در محیط خانه و مکتب به پرابلم و مشکلات مواجه نگردد واز وی توقعات جدید نشود وذهنش با ارایه اهداف جدید تشویق نگردد، فکرش به مراحل عالی تفکر نمیرسد** واگرهم برسد بعد از بسیار معطلی که البته

مراحل مختلف مفهوم سازی :

مفهوم سازی از طفولیت آغاز گردیده و متدرجا در زمان بلوغ (یعنی در ختم دورهٔ تحصیلات ابتدایی) به پختگی میرسد، شکل میگیرد وانکشاف میکند. عملیه مفهوم سازی که مغلق وپیچیده بوده ودرآن از همه فعالیت های ذهنی استفاده بعمل می آید درسهمرحله انجام میشود . باید بخاطر داشت که از نگاه وای گاتسکی تکامل مفهوم سازی در عین زمان تیوری فلسفه تعلیم وتربیه نیزمیباشد .

در مرحله اوم مفهوم سازی که بنام سنکرتیك یاد میشود طفل یکتعداد زیاداشیا رادر یك توده جمع می کند وهمه را تحت یکعنوان مصنوعی درذهنخود جابجا مینما ید در این مرحله طفل از اشیا تصورات مبهم در ذهن خود میداشته باشد وبه همین علت این تصورات ثابت نمیباشند . بصورت عموم این تصورات انفسی میباشد اما گاهی هم میتواند آفاقی بوده وبامفاهیم کلانسالان مطابقت نماید . در قدم بعدی طفل در دسته بندی اشیاء از مشاهده به ارتباط زمان ومکان استفاده مینماید. ودر قدم بعدتر عناصر رااز گروپهای مختلف که در قدم اول جمع کرده بود گرفته گروپهای جدیدی میسازد . دراین مرحله قدرت فکری طفل از حدده دسته بندی تجاوز نکرده ودر ارتباطات بین اشیا استفاده بعمل نمی آید .

درمرحله دوم در قدم اول طفل به انواع مختلف تفکری می پردازد که آنرا مرحله «پیچیده» یاد میکنند . در این مرحله طفل اشیارا نه تنها از نگاه برداشتهای انفسیخود طبقه بندی میکند بلکه ارتباطات بین آنهرا نیز مدنظر گرفته میشود که این البته یك قدم به پیش به سوی تفکرعالی میباشدوبیشتر آفاقی است . ارتباطات اشیا در این مرحله همانا عینی وذاتی میباشد نه مجرد و خارج ساحه تجربهٔ طفل وهنوز به مرحله مفهوم به معنای واقعی آن نرسیده میباشد .

در مرحله سوم طفل یك قدم فراتر میرود ودر این جا باید مفهوم سازی بصورت مجرد صورت گیرد واین اجزای تجرید شده جدا از مجموعه تجارب مشاهده شده تصور شود. درمفهوم سازی واقعی یکجا کردن وجداکردن هردو ضروری پنداشته میشود . باید ترکیب وتجزیه یکجا شود که این کار البته ازعهده تفکر پیچیدهٔ مرحله دوم بدر شده نمیتوانست. از طریق مجرد فکرکردن انکشاف و تکامل مفهوم سازی به پختگی میرسد . اما مطلب مهمی را که باید در این مورد به خاطرسپرد این است :

مهمترین عامل موفقیت طفل در اینکارهمانا استفاده از کلمات است که در عملیه های پیشرفته مفهوم سازی ازآن استفاده بعمل می آید .

ketabton.com - The Digital Library

به نفع جامعه وبه نفع خود وفامیلش نخواهد بود .

برعلاوه تنها خلق کردن پرابلم در مفهوم‌سازی برای طفل کافی نمیباشد باید علاوه برآنوی باوسایل تفکر مجهز گردد . همچنان برای‌حل مشکلات ازوسایل تفکر کلمات، استفاده از اشارات وکلمات حتمی و لازمی میباشد.

اکنون بعد از تشریح عملیه مفهوم سازی برمیگردیم برطرز تدریس مفاهیم در مکاتب ابتدایی خواهیم دید که در آن جا مفاهیم زبان ریاضی، ساینس واجتماعیات ، چگونه تدریس میگردد. وایگاتسکی در این قسمت نیز نظرات دلچسب ومفیدی دارد که مافشردهٔ آنرا ذکر میکنیم :

انکشاف مفاهیم علمی در اطفال :

تاوقتی که انکشاف مفاهیم علمی در اطفال فهمیده نشود نمیتوان متود های موثر تدریس سیستماتیك را جستجو کرد . همچنان فهمیدن این موضوع در تقویه تیوری علم روانشناسی اهمیت فراوان دارد . برعلاوه مطالعه مفاهیم علمی مارا در نصاب تعلیمی وتعلیم و تربیه اطفال کمك مینماید .

در اینجا باید به این دو سوال مهم‌جواب تهیه کرد : وقتی یك مفهوم علمی به طفل تدریس میگردد در دماغ وی چه واقع‌میشود؟ میان از خود سازی معلومات وانکشاف داخلی یك مفهوم علمی در شعور طفل چه ارتباطی موجود است ؟

انکشاف مفاهیم یا معانی کلمه مستلزم انکشاف چندین فعالیت ذهنی‌میباشد: ازقبیل توجه عمدی ، حافظه منطقی، تجرید کردن، قدرت مقایسه وتمیز دادن . این عملیه های مغلق وپیچیده داخلی تنها بوسیله آموزش مقدماتی و ابتدایی بدست می آید .

تدریس مستقیم مفاهیم امکان پذیر نیست وازآن نمیتوان نتیجه گرفت . وبه قول (تولستوی) معنی کلمه توضیح وتشریح شده نمیتواند . اگر بخواهید معنای کلمه «انتباه»

را برای طفل تشریح کنید ، ممکن یك یا چندین کلمه‌غیرقابل فهم‌دیگر رابه وی‌بدهید. بهترین راه فهمیدن معنای کلمات بوسیله قرینه وسیاق جمله‌در زبان‌میباشد نه‌از طریق تشریح وتوضیح . هرگاه طفل استعمال یك کلمه جدید درموارد مختلف دید وشنید

مفهوم ازکلمه در ذهن طفل پیدا میشود که البته نمیتواند صد درصد درست باشد امابه مرور زمان معنی اصلی آنرا خود طفل پیدا میکند . از این توضیح مختصر این سوال مطرح میشود که‌مفهوم دراطفال‌چند نوع‌است.

مفهوم شعوری ومفهوم غیرشعوری :

مفهوم دراطفال به‌دو شکل تکامل مینماید : مفاهیم غیرشعوری ومفاهیم شعوری . مفاهیم غیر شعوری آنی میباشد که خود اطفال‌آنرا کسب می‌کنند . این مفاهیم غیرشعوری که اکثراً قبل از مکتب آموخته میشود توسط طفل آگاهانه استعمال نمیگردد زیرا طفل بیشتر متوجه چیز ها یا اشیای که‌این‌مفاهیم به آن‌اطلاق میگردد‌میباشد در باره‌خود عملیه تفکر نمی‌اندیشد مفاهیم غیر شعو ری عبارت است ازپدر ، برادر ، نان آب وغیره. مفاهیم شعوری که‌طفل آنرا ازکلاس‌سالان اکثرا درمکتب می‌آموزند شامل مفاهیم علمی میشود واستعمال آن بصورت آگاهانه صورت‌می‌گیرد. یك مفهوم وقتی موضوع آگاهی وکنترول عمدی قرار میگیرد که‌جز یك‌سیستم باشد. مثالهای مفهوم های شعوری عبارت است از استعمار ، فیودالزم ، امپریالزم مبارزه طبقاتی وغیره .

مفاهیم شعوری وغیر شعوری باهم مرتبط بوده وبه تدریج هردو جزیك سیستم کلی‌مفهوم سازی درتکامل وانکشاف ذهنی طفل‌میگردد. مقدمات سیستم سازی وقتی به‌دماغ طفل‌داخل میشود که وی بامفاهیم علمی سرو کار پیدا کند . تعلیم وتدریس در آموختن مفاهیم علمی نقش مهمی را بازی مینماید به این معنی که طفل از فعالیت های دماغی بصورت شعوری آگاهی پیدا مینماید، اما بایدبخاطر داشت‌که مفاهیم غیر شعوری باید به مرحلهٔ رسیده باشد تا طفل مفاهیم علمی را فهمیده بتواند . تاطفل مفهوم غیر شعوری «گذشته» راتفهمد مفاهیم تاریخی رادرك کرده‌نمی‌تواند. یعنی مفاهیم غیرشعوری ومفاهیم شعوری متمم یکدیگراند .

رابطهٔ مفاهیم غیر شعوری ومفاهیم شعوری به نوبهٔ خود به این ارتباط میگیرد که نقش وسهم مکتب در انکشاف ذهنی طفل چه میباشد .

نقش مکتب در انکشاف ذهنی طفل :

به ارتباط تدریس وتعلیم مفاهیم علمی در مکتب سه تیوری موجود است که باید به هرکدام آن‌به اختصار اشاره کرد.

در تیوری اول که (پیاژی) از طرفداران‌آن میباشد تعلیم وتدریس مستقل از انکشاف ذهنی طفل است . به اساس آن این تیوری انکشاف ذهن طفل شامل مراحل مختلف تکامل وپختگی میباشد که‌متکی بر قوا نین وقواعد طبیعی است . اما تعلیم و تربیه‌فرصت های میباشد که ازآن در انکشاف ذهنی طفل استفاده بعمل می آید . به عبارهٔ دیگر ، در شکل پیشرفته این تیوری تعلیم وتربیه بر انکشاف ذهنی استوار میباشد . یعنی تعلیم وتربیه به انکشاف ذهنی طفل همان ارتباطی را دارد که‌مصرف به‌تولید دارد، آموزش به انکشاف ذهنی متکی میباشد اما تکامل ذهن تحت تاثیر تعلیم وتربیه نمی آید . نظریه این تیوری از همین سبب حتی اطفالی که به مکتب هم نرفته باشند میتوانند از عالیترین قوه تفکر برخوردار باشند . سویه انکشاف ذهنی از این معلوم میشود که طفل چگونه دربارهٔ موضوعات مختلف فکر می کند‌اینکه درآن چه معلومات دارد .

تیوری دوم که‌به (تورندریك) و (جیمز)

بقیه‌درصفحه۵۶

ای ستمدیده گان .ای اسیران
وقت آزادی ما رسید
مژده گا نی دهید ای فقیرا ن
در جها ن صبح شا دی دمید

س حسین «نهیب»

به‌یادبود صدرالدین(عینی)
شاعر انقلابی تاجك

داکتر للشو س دانشمند شهیر وبر ازنده شوروی . طی سا لها پژوهش علمی درساحه‌ی دانش پا لئو نتو لوژی موفق بر آن شد ،تاده نوع (مرجان)گرانبها را از دل سر زمین پنهاور خو یش بکف آورد . اوبه نامگذاری هرکدام ازین دستا ورد ها ی قیمت دارطبیعی اقدام کرد . طوریکه از آن زمره یکی را بنام قافله سالارسخن‌وران ادب دری (رودکی) خواند به دیگری اسم طبیب وفیلسوف نامی (ابو علی سینا)را داد .ونیز یکی دیگر رابنام استاد و ادیب نامور تاجك ، صدرالدین (عینی)ارزانی کرد .

درست یکسال پیش (پانزدهم اپریل ۱۹۷۸)خیا با ن عینی در شهر تا شا یی دوشنبه با مجسمه های مرمرین دواعجو به‌ی نامور وفرزند گرامی بشریت ، م . گور کی و صد رالدین عینی با آرا ستگی ویژه واعجا ب انگیز مزین گر دید .

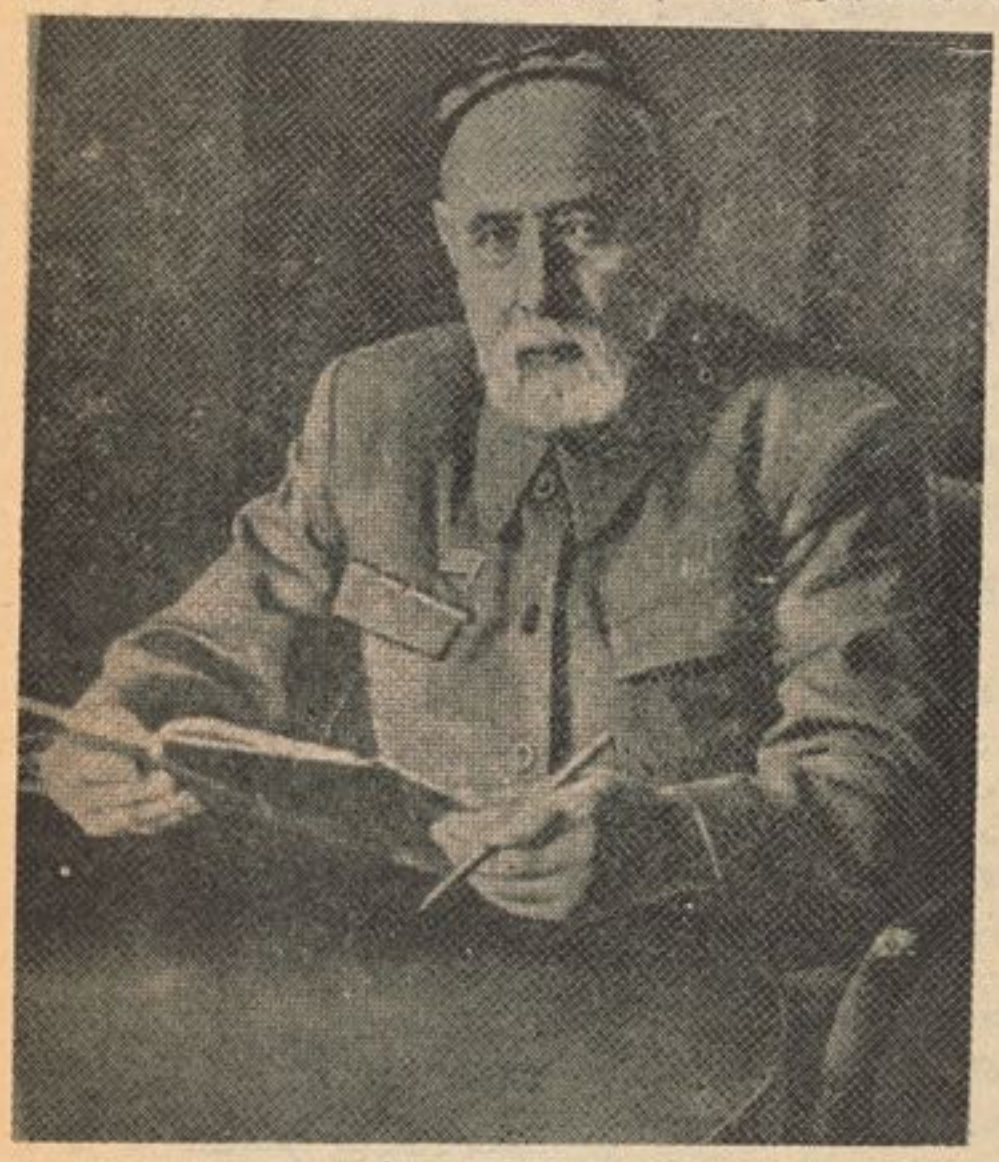
آنروز بزرگ صد ها تن از چهره ها ی شاز و بر گزیده علم و هنر، کرا نه ها ی دور دست را به مقصد دیار عینی پشت سر گذاشتند تا صد مین جشنوارهٔ مرد دانشمند وشا عر سر شنا س نسل نو ین تا جك ـ شو رو ی را با شکوه و جلالی بی پا یا ن بر گزار و رو نق بخشند.

در شنا خت شخصیت عینی و حیا ت پرما جرای او خامه پر دازان ما هر ور هنورد ان دشتهای رنگین ادبیا ت بنوبه ی شا ن و در حد توا ن فکر ی معین به انسجام مطا لب ارزنده دست یا زیده اند که از زمره،کمال‌الدین عینی خلف الصد ق عینی ، چنین برزند گیتا مه ی پدر، زبان فصا حت می گشاید:

«صد رالدین سید مراد زاده که با تخلص «عینی »مشهور است در دهکده ی (ساکنره) در کنا ر در یا ی زر افشا ن نزدیك شهر بخا ر ا در سا ل ۱۲۵۶ ه ش بد نیا آمد ودر ۱۳۳۲ه ش در مشا لین آباد ما بق دوشنبه ـ(کنونی) پایتخت جمهوری شوروی تا جکستان چشم از جها ن پو شید ...»

متکی بر یاد داشت ها ی صدرالدین عینی وی جهت تحصیل به مدا ر س معر و فزمان دربخارا (مدرسه ی بدل بیك ، عالم جان ومیر عر ب) میرفته است تـااز اساتید ومنا بع فر هنگی آنها کسب دا نش نمود ه به علو م متداوله دست یا بد .

استاد عینی باآنکه در میان سایر دانشجو یا ن مد رسه دا نشجو یی فقیر ی‌بود تحمل سختی های ایا م را سر سختا نه



استاد وادیب نامورتاجك ، صدرالدین «عینی»

بقیه‌صفحه۵۶

نگاه مختصری بر ابعاد و ماهیت فعالیت‌های جاسوسی استعمار در افغانستان

قسمت دوم

۱ـ میجر ایلدر پاتنجر (۱۸۱۱ـ۱۸۴۳) عضو توپخانه بمبی وبعدا سمت معاون ناظر سیاسی سند را داشت که در سال ۱۸۳۷ تحت عنوان تاجر ودر لباس تاجر وارد کابل شده وجهت ادامه فعالیت خود در لباس ملای هندی وارد هرات شد وقتیکه هرات مورد حمله ایرانی ها قرار گرفت این نماینده انگلیسی علنا به فعالیت آغازیده ودر ۱۸۴۱ در کوهستان شمالی کابل فعالیت می نمود ودر ۱۸۴۲ از طرف مبارزین افغانی درزمره گروگانان گرفتار وافشا شد اماجنرال پا لك وی را رها کرده چون در جریان فعالیت جاسوسی وتخریبی خوددرافغانستان دو ملیون روپیه صرف کرده بود بعداز یك محاکمه ، بازهم برائت یافت و در نتیجه به هانکانگ رخت سفر بست ودرهمانجا بمرد.

۲ـ مستر کیمپل : این شخص در زمان حمله شاه شجاع در کندهار به کندك نظامی او وظیفه داشت اما وقتیکه شاه شجاع شکست خورد این جاسوس ونماینده استعمار دستگیر گردید وهمان بود که بدین اسلام گراییده وبدان اسم شیرمحمد دادند امیر دوست محمد خان با دادن چهار صد افغانی معاش، بدون تعمق و ی را قوماندان توپخانه کابل گمارید، این شخص انگلیسی در آوان حمله شاه شجاع وسکیه در سال ۱۸۳۹ ع از طرف امیر دوست محمد خان علیه این حمله مامور وموظف گردید . اما کیمپل (شیرمحمد) از مقابله در برابر حمله شاه ـ شجاع وسکیه ابا ورزید موصوف بعد از فرار امیر ، بار دیگر از جانب شاه‌شجاع در یك قطعه عسکری رسما مو ظف گردید که در سرکوب مبارزین ملی و مجا هد ین وطنپر ـ ست‌فعالانه سهم میگرفت ، همینکه شاه ـ شجا ع به تباهی رسید وی دستگیر گرد ید اما نظر به اینکه‌ظاهرا مسلمان شده‌و خود را در نقاب اسلام مستتر کرده بود باز هم نجات یا فت ، امیر دوست محمد خا ن بدون اینکه از اشتباه اولی خود التباه‌گرفته باشد همین جاسوس مسلمان نما را به سمت قو ما ندان اردوی پا نزده هزارنفری بلخ تعین نمود و جا لب تر اینکه سر دار ـ محمد افضل خا ن والی بلخ وی را استاد پسر ش سر دار عبد الر حمن خا ن مـی سازد که حتی اثر تلیقنات همین استادنقاب پوش در روحیه عبد الر حمن خا ن تا دوران سلطنت وی متبارز بود موصوف در سال «۱۸۵۸» مرد .

۳ـرا بر ت لیج :

این شخص قبل از ورود درافغانستان ،از دیرزمان در ولایات شرقی کشور مشغول گشت و گذار بود و فعالیت ها ی زیادی را در برابر خلق ووطن ما انجام داده وراپور کار وفعا لیت های تخر یبی خود راپیوسته به با داران خود ار سا ل مید اشت غیرازینها افراد واشخا ص زیادی بودند که بدستور گردانندگان جر خ استعمار جهانخوار انگلیس وارد افغانستان شده فعالیت ها ی جاسو سی وتخر یبی انجام میدادند و اهدا ف استعمار را قدم بقدم تحقق می بخشید ند حتـی طوریکه تاریخ شهادت مید هد الکسا ندر ـ برنس که سمت نمایند گی انگلیس را در افغا نستان حایز بود بعدا وظایف استخباراتی اجرا میکرد .

اما انگلیس هاکه به ضعفات و کلتورخلق ما معر فت نداشتند و در جریا ن فعا لیت جاسوسی خویش بـه زودی افشا و رسوا میگردیدند .لذا استعمار انگلیس با در ك این اصل متو جه آن شد که جوا سیس و نما یند گا ن مخرب شان از فرزندان مسلما ن خود افغانستان ویا از مسلما نا ن هند برتانوی باشند تـا بتوانند بهتر فعا لیت انجام دهند زیرا استعمار انگلیس‌در یافته بود که میتوا ن خلق را از طریق طرز تفکر وعا دات وکلتور خـود شان در حصار کشیده واهداف شوم خویش رابریـن خلـق تحمیل وتعمیل نمایند همان بود کـه شیوه کما ریدن جواسیس در افغانستان تعـویض یافت بعد از آن مسلما نان هندی که غالبا به زبان دری و پشتو بلدیت مید ا شتندتحت عنا وین ملا ومولوی وگیاه شناس وغیره به افغانستان سرازیر شده‌تحت عنـوان‌فرمول منحطومشهور استعمار (تفرقه‌اندازوحکومت‌کن) به‌اجـرای ضد هـا عـمل تخریبی د ست یازیـدند در میـان درباریان ، درمیان توده ودرمیان فیودالها ودر قـر جـامین سخن یکی را علیه دیگر تحر یك کردمو اختلافات گو نه گو نی را دامن میزدند کما نیکه نمایند گا ن و جوا سیس هندی بوده ودرین کشور به امر و فرما نی‌استعمار انگلیس فعا لیت جا سو سی و تخر یبی انجام میدادند عمدتاًاینهااند.

عمال شر قی و غیر انگلیسی استعما ردر افغانستان :

استعمار از نتیجه فعالیت ها ی غلام محمد هندی در زما ن شاه زما ن که علیه ایـن شاه جمعیتی ازتروریستان و مبلغیـن ضد دولتی در بین خوا نین محل تربیت کرده‌بوده نیك در یا فت که با ید مسلما نا ن را تو سط خود مسلما نا ن و بوسیله اند یشه خود شان در انقیاد گر فت وا ین پالیسی استعمار تا همین اکـنون در کشورهـای اسلامی مـوفـق است بـهرصورت‌اینست فهرست عمال هندی استعمار درافغانستان.

۱ـ موهن لال : این عمال انگلیس به زبان دری وانگلیسی سخن‌میزد او در دهلی تربیت جاسوسی یافته ووارد فعالیت شبکه جاسوسی گردیده بود.موصوف‌در ایران بـنام(آغاـ حسین کشمیری)ودر افغانستان‌بنام (میرزاقلی کشمیری) مـعرفی شده بود او درسند و بلوچستان به نفع استعمار کارزیاد انجام‌داد همین موهن لال بـود که در آوان جنگ‌اول افغان و انگلیس به طرح وایجاد یك شبکه جاسوسی مبادرت ورزید چنانچه مکاتیب مخفی سرداران‌کندهاربه میرمهراب‌خان والی‌بلوچستان که‌حاکی ازجلب وتحریك بلوچهاعلیه‌انگلیس‌ها بود بـو سـیله مـو هن لال کشف ودر اختیار رهبران استعمارانگلیس قرار دادهـ شد موهن لال درجریان فعالیت خـود افـراد دیگری مانند : محمد طاهر ، حاجی خان‌کاکری عبدالمجید خان آخند زاده وغیره در کندهار و سردار عبدالرشید خان خواهر زاده امیرـ دوست محمد خان را در غزنی علیه مصالح کشور ومنـافع خلـق ماتحریك وا ستعمال کرد همین شخص دربامیان نیز فعالیت‌های جاسوسی زیادی را انجام داد ودر امررهایی اسرای انگلیسی تلاش‌زیادکرددرزمان‌شکست انگلیس ها در کـا بـل اسرار جـمع آوری کرده و بـه انگلیس‌هاتفویض‌می‌نمود.

نمایندگان وجواسین خارجی که بدستور استعمار انگلیس وارد افغانستان می‌شدندبه عنوان ملاومولوی ومدافعین‌اسلام (!)فـعالیت کرده و خویش را اولا در میان مردم محبوب گردانده وآنگاه که سران دولتی و خوانین را بخود مجذوب ومعطوف میکردنددر خفابـه فعالیت جاسوسی شان پرداخته که روپوش فعالیت شان بیشتر دومساله بود که یکـی در تحت عنوان اسلامیت ودیگری تحـت عنوان آزادی خواهی زیرا در آن وقت در افغانستان همین دو روحیه داغ ومهم بـودو استعمار وعمال آن نیز با استفاده از روحیـه آزادی خـواهی و عقـاید مـذ هبی خلـق مابه فعالیت می‌پرداخت وبدین ترتیب ازآغاز قرن ۱۹ تاسپیده دم انقلاب سترگ‌ثور درکار خودموفق بودعمال‌جاسوس استعمارآنقدرزرنگ ومحیل بودند که در هر دربار امر او شاـ هان افغا نستان چـنان نفـوذ ورسوخـ بازمی یافتند که حتی ایشان محبوب القلوب ترین شخص محسوب گردیده و مسوولیت های حسا سی‌ومهم ملکی ونظامی‌رانیز به‌عهده میگرفتند زیرا این‌جواسیس‌ظاهراء زمامداران هند بر تانوی رابدگویی میکردند.

وبر انگلس ها دشنام تحویل میدادند تااینکه بتوانند بدنه های فعالیت وسیع را بدسـت آورند .

۲ـ باقر علیشاه هندوستانی : این‌شخص در زمان امیردوست محمدخان قوماندان اردوی قطغن (تخارستان) بودچون امیرخود متمایل به‌استعمار انگلیس‌بوده وهیچوقت‌درموردمنافع وطن‌عمیق نمی اندیشید وموجودیت ایـن شخص در اردوی او بیش از پیش امیر راتابع انگلیس ها می‌ساخت .

۳ـ کریم بخش خان: این شخص‌در دوران امارت امیر شیر علیخان در قشون هرات‌سمت جنرالی‌را عهده‌دار بود درین زمان سپهسالار افغانی فرامرز خان بصورت مرموزومجهول به قتل رسید وکریم بخش خان خود وظیفه‌کفالت را بدوش گرفت ولی ایـن شخص مجهولـ الهویت از طرف جنرال داود بصورت دست بسته به کابـل فرستاده شد . امیر شیرعلی خان همانند طرز العمل پدرش راکه دربرابر کیمپل (شیرمحمد خان) انجام داده بود درباره کریم بخشی خان عملی کرد او کریم بخش‌را رها وبه سمت جنرال در اردوی کابـل گمارید .

امیر دوست محمد خان وامیر شیرعلیخان ضمن آنکه معایب ملی ووطنپرستانه داشته‌واز مقاومت وجلال در برابر مهاجمین استعمار هراسمند بودند امادر اثـر نفوذ همچواشخاص مجهول الهویت وجـاسوس انگلیس بیش از پیش ازقدرت مهاجمین استعمار هراسناك‌بوده واز همین جابود که ایـن دوامیرباوجـود قدرت پرتوان خـلق‌وموجودیت سیاه‌رزمنده ووطنپرست افغان در برابر هجوم انگلیس‌ها بجای جنگ ومقابله فرار را رجحان میدادنـد که این خود رها کردن سنگر وطن به دشمن بوده ونمودی از وطن پرستی میباشد.

٤ـ قـا ضی محمدحسن :این قاضی‌دردربار شاه شجاع عنوان ولقب (خان العلما) را باز یافته وبا دادن دختری از خانواده اش بـه فتح خان پیوند خویشاوندی را نیـز بااین افغانها بر قرار کرده و آنقدر به دربار شاه وقت قربت یافت که در همه جاهـم‌ندیم‌وـ مشاور شاه شجاع بوده وحتی وظیفه امامت رادر همین‌دربار بدوش داشت یکی از خدمت قاضی محمد حسن به استعمار انگلیس آن‌بود که معاهده ننگین لاهور رابه نمایندگی از شاه شجاع امضاکردواین‌تنها قاضی‌محمدحسن نبود که در امر امضایی معاهده لاهور رول خودرا به نفع‌استعمار بازی کرد بلکه نظیراین اشخاص در دربار شاهان وامرای کوتابین‌و بی اراده افغانستان کـه بـر قد رت خلـق کمتر تکیه میکردند در امضای معاهدات ننگین وضد ملی ودر تعیین سر حدات سیاسی‌ودر امر مقاومت در برابر انگلیس ها ودر پارچه پارچه کردن انتزاع افغانستان عزیز نقش‌فعال ومطلوبی را از نظر استعمار و بـه نفع استعمار در برابرمنافـع خلـق و مصالح علیای کشور ما ایفا کرده‌اند.

٥ـ قاضی غلام قادر : ایـن شخص‌درـ در بـار سلطان محمد خان والی پشاور کـه به‌پیروی از سنن و فعالیت هـای جاسوسی

ketabton.com - The Digital Library

قاضی حسن کار میکرد او در انقلاب هندوستان به صورت کافی به نفع استعمار بهره گرفت انگلیس‌هاوی رادرمسایل سرحدات و اقتصادیات کشور افغانستان نافذ ومولتر میدانست .

۶ـ قاضی طلامحمد : این شخص به شعر دست داشت با غلام‌محمدطرزی مکاتبه میکرد اماهمینکه طرزی ازماهیت وی اطلاع یافت به هجو وبدگویی طلامحمد پرداخت.

۷ـ قاضی عبدالقادر : این شخص فعال ترین جاسوس و نماینده استعمار بوده‌که از همین خانواده قاضی حسن بود موصوف به لسانهای دری ، پشتو ، پنجابی وانگلیسی به سهولیت سخن میگفت‌او خطیب ونویسنده نیز بود قاضی قادر بااسالیب نهایت زیرکانه بابه دربارشیرعلیخان‌گذاشت تااینکه گرداننده جریده (شمس النهار) گردید در مقالات، مواعظ وتعلیمات نامه‌های نظامی خود شهرت یافت وحتی از طرف‌شیرعلیخان بحیث نماینده به روسیه میرفت ودر تسوید عهد نامه ۱۸۷۸ روس‌وافغان نیز حضور داشت او از همه اسرار شاه اطلاع داشت شیرعلیخان دروقت فرار خود اورا به روسیه گماشت اما قاضی فعالیت علیه شاه را آغاز کرده ودر تکاپوی عبدالرحمن گردید تا اورا به شاهی تر غیب کند .

قاضی موصوف بعدازمرگ شیرعلیخان‌روزی درپل خشتی کابل موعظه به‌نفع عبدالرحمن خان‌کردکه‌ازطرف مردم‌درهم‌کوبیده شد وفرار کرده درخانه یك سید کنر پناهنده گر دید راپور های خودرا منظما به‌خارج‌ارسال‌میداشت او همراه باگریفن بکابل آمد ودر زمان‌امارت عبدالرحمن خان درین دربارباقی بماند وتاورود افضل خان نماینده مقیم انگلیس در کابل قاضی به افغانستان بود . این قاضی تاحد ممکنه به‌نفع استعمار خدمت کرد افضل خان نیز به نمایندگی از انگلیس‌ها وظایف جاسوسی انجام میداد .

۸ـ منشی بختیار خان : بختیار خان که در زمان حکومت امیر شیرعلیخان در کابل سفیر بود اودر زمان امارت‌یعقوب خان فعالیت های سری انجام داده ودر امضای معاهده ننگین گندمك بوسیله یعقوب‌خان نقش‌ضدملی و ضد خلقی خودرا به نفع استعمار ایفاکرد یعنی تلقینات وتبلیغات اودرمعاهده گندمك‌اثر عمیق داشت .

۹ـ محمد علی : این شخص به لسان پشتو ودری سخن می‌زد بایك زن هندی که خودرا درلباس گیاه شناس زده بود درهزاره جات فعالیت میکردند .

۱۰ـ رحمت الله مشهدی وملارمضان :این دو شخص در هرات فعالیت میکردند که بعداز افشا شدن ، عبدالرحمن خان آنها رابصورت سالم به‌هند فرستاد.

۱۱ـ صاحب زاده عبداللطیف : این شخص در پکتیا ظاهر گردید ودر نزد شریندل خان والی پکتیا قربت یافت نفوذ وی اوج‌گرفت حتی درتعیین سرحدات کشور،بویژه درمورد خط دیورند نقش بزرگی را ایفا کرد اومذهبا قادیانی بوده ومدافع سر سخت استعمار انگلیس بود ملانعمت الله نیزدراثر فعالیت جاسوسی خود درکابل محاکمه وکشته‌شد.

۱۲ـ احمد جان خان : این شخص با دونفر دیگر (ملك موسی وملك‌حافت) وارد جلال‌آباد شده وبحیث طبیب نزد سپه‌سالار غلام حیدرخان چرخی قربت جست‌واین‌شخص نیز فعالیت های تخریبی وجاسوسی رابه‌نفع انگلیس ها ایفامیکرد.

۱۳ـ مولوی غلام‌رسول‌خان :این مولوی ازدیره غازی واردهرات شده وچهارسال تدریس طلبه افغانی را عهده داربود اما دراثر فعالیت های علنی خود کشف ورسوا شده ولی عبدالرحمن خان بدون اینکه اورا اعدام نماید سالمانه از افغانستان خارج کرد .

۱۴ـ الله جوبا خان: این شخص یك داکتر هندی بود که‌رتبه غندمشری اقفا نستان را حایز بود در مورد فعالیت ها ونحوه قربت اودرنزد حبیب الله خان یك داکتر وطنپرست هندی بنام داکتر عبیدالله در فراه پرده از فعالیت های تخریبکارانه‌اللهجویاخان برداشته وتوضیح دادکه بادادن دواهای غیر صحی به امیر ، روز بروز قوای جسمی وفکری امیررا به‌انحطاط سوق میداد .

۱۵ـ ملا عمادالدین خان : این شخص در زمان امان الله خان به ایجاد یك باند تروریستی دست زده که‌به اسرع وقت‌کشف وتارومارشدند اما عماد الدین خود پا به فرارنهاده وجان‌به‌سلامت‌ازمیان‌کشید.بهمین‌ترتیب مولوی محمد اکبر خان ترجمان و زارت تجارت که بادو حلقه عمده سیاسی جوانان آنوقت افغانستان پیوند داشت ویا مهارت شگرفی این حلقه هارابهم گره زده و دراثر فعالیت های جاسوسی خود امیر را نسبت‌به روشنفکران و نهضت روشنفکرانه کابل‌بدبین می‌ساخت منجمله فیض محمد خان ناصری را تخریب کرده وبدنام می ساخت زیرا او عضو شورای دولت نیز بود که بعداز کشف توطئه این مولوی علیه فیض محمد ، امان الله در زمینه امر تحقیق صادر کرد ولی مولوی‌بزودی دست به‌انتحار زد.

۱۶ـ مولوی نجف‌علی : این‌مولوی خود را در نقاب مشروطه خواهان زده وحتی چند سال محبوس نیز بود که بعداز اعلان استقلال افغانستان رها گردیده‌ودرساحه تعلیم وتربیت کشور به کار گماریده شد . اما همینکه‌دراثر توطئه سیاه استعمار دولت جوان‌امانیه سقوط کرد همین مولوی همدست باتمام مبلغین ارتجاعی ونماینده گان استعمار علیه تجدد وتحول وعلیه شخصیت امان الله‌خان‌به‌تبلیغات زهراگین شروع کرده وازآنجا که او شاعر بوده وبه‌دری شعر میگفت‌ورساله هایی بنام پندنامه وتبریك نامه درلاهورطبع‌وبه‌دم ومدح این وآن پرداخته ودر حقیقت زهرپاشی رابر اذهان توده ها رونق داده‌بود چنانچه درهجویه خود میگوید :

گرمخنث را بپوشانی سلاح کار زار
روز میدان کی‌تواند باعدو آویختن
بالباس فیشن افواج امان الله چه‌کرد؟
کس نشد زیشان جلوگیر از بغات‌راهزن

وبهمین ترتیب در تحقیر نهضت نسوان نیز چندبیت سروده ودرآن امان الله خان را به غفلت والحاد متهم کرده است .

۱۷ـ مولوی محمدحسین خان : این مولوی نیز در ماسك مشروطه خواهی ده سال درکابل زندانی ماند اصلا هندی بود بعد از جلوس امیر امان الله خان از حبس رها شده ومدیر لیسه حبیبیه مقرر شد حتی یکبار به‌همراهی سلاح الدین‌سلجوقی به ماسکو نیز سفر کرده که البته بعدازسقوط دولت جوان امانیه اواولین شخصی بود که‌درهند کتابی برضد امان الله خان‌تالیف ومنتشر کرد .

بهر صورت فهرست آسمای جواسیس و نمایندگان مستقیم‌وغیرمستقیم استعمارانگلیس ازحوصله این مقاله کوچك بیرون بوده وبا تذکر همین چند عمال خالص انگلیسی و هندی که به عناوین گونه گون ودر نقاب های فریبنده وارد افغانستان شده وعلیه‌وحدت و پیشرفت وآزادی وآرامی این سرزمین فعالیت جاسوسی ، تخریبی وغیر انسانی انجام‌میدادند بسنده میشود .

زیرا در طی یك ونیم قرن هزاران نفر جواسیس خالص انگلیسی وهندی به دستور استعمار وارد افغانستان شده در دربار شاهان درمیان اردو ودرمیان توده ها به نحوی از انحا نفوذ یافته وعلیه مصالح کشور و منافع خلق مامرتکب جنایات و خیانت ها می‌گردیدند .

بهمین ترتیب استعمار از دوران زمان شاه تا دوران حبیب الله خان وامان الله خان روز به روز به فعالیت های جاسوسی خود گسترش وتقویت میداد اما از تحولات ، رویداد ها و تغییرات اجتماعی، سیاسی ونظامی‌درافغانستان واز خلال سه جنگ با افغانها که در تاریخ کشور ما بنام جنگهای افغان وانگلیس شهرت دارد این تجربه به‌استعمار دست دادکه باید در کنار صدها جاسوس مستقیم وغیر مستقیم خود که به‌عناوین سیاح ، مولوی ، دا کتر مستخدم ، متخصص تعلیم وتربیه ، متخصص ومشاور نظامی ،گیاهشناس، معلم ونظایراینها درافغانستان دست به فعالیت میزدند با ید در راس دولت نیز جاسوس محیل ، زرنگ، مکار وجلاد ورویه صفت وشیطان خصال‌داشته باشد که بتواند مرکز رهبری تمام جواسیس ونمایندگان استعمار رادر سراسر افغانستان قرار گیرد و تادم مرگ وتا آخرین فرد فامیل آن نیز به استعمار وفادار وبه خلق ووطن خود خصم آشتی ناپذیر باشد . واما استعمار باین امید خود دست یافت وآن پیدا کردن تربیه گران بودکه بحیث بهترین جاسوس برده آویزه بگوش وبمثابه بهترین جاسوس وفادار وبالاخره بحیث بدخو ترین جلاددر برابر وطن پرستان رابرگزیده و بو سیله دودمان منفور همین وطن فروش بخصوص توسط دو فرد نابکار ، خاین ، استعمار زاده واز خلق را نده شده یعنی ظاهر شاه استعمار قادر شد که تاطلوع خورشید انقلاب کارگری‌ثور به‌نفوذارتجاعی وفعل وانفعالات ضدملی وضد دموکراتیك خود در سر زمین ما دوام بدهد .

اما این کار کاملا پایان نیافته همین اکنون بوسیله مرتجعین پاکستانی وایرانی صد ها جاسوس دیگر به فعالیت‌انداخته ودر تحریکات وتجاوزات سر حدات کشور ما مسیقیما دست دارند امااین بار جاسوسان گروپی دارند که همانا اخوان الشیاطین میباشند وباید خلق حزب ودولت وتمام نیروهای وطن پرست عشیاری وآگاهی را از دست نداده و درهر کجا به قلع قمع ونابودی این نمایندگان استعمار بپردازند.

ketabton.com : The Digital Library

استاد قاسم «افغان» یا پدر موسیقی افغانستان

۲۲ سنبله ۱۳۳۵ روز وفات مرحوم استاد قاسم بنیان گذار موسیقی اصیل کشور عزیز مابود ۰

بپاس قدردانی و تجلیل از شخصیت سیاسی استاد چند نکته سیاسی آن مرحومی راکه باسر هنری دابس نماینده بریتانیا در زمان معاهده استقلال افغانستان بعمل آورده بودند در اینجا یاد آوری می‌نماییم ۰

ازاینکه استاد قاسم به موسیقی افغانی‌ما چه خدماتی را انجام داده ، بهمه هنر دوستان و هنر شناسان هویدا میباشد۰استاد برعلاوه ایکه درفن موسیقی دست توانایی داشت خط فاصلی رابین موسیقی کشور ماو موسیقی همسایگان کشید۰

میگویند نیم قرن قبل موسیقی افغانستان به‌طرز معمول امروز نبود وبطور عموم دوطرز خواندن که یکی آن ایرانی ودیگری به شیوه خاص هندی قدیم بود درپایتخت‌کشورمامعمول ومتداول بود گر چه استاد قاسم به طرز خواندن هندی مایل وبدوا به نزد پدرمرحومش استاد ستار چوو استاد قربانعلی مرحوم در کابل و بعدا به نزد استاد پیا را خان که‌استاد بزرگ کشور هند بودند شا گردی نموده اند ۰ همینکه در فن موسیقی به حدکمال رسید ، شعله ملیت پرستی در کانون‌سینه استاد مشتعل وحس افغانیت ، اورا واداشت که دست تصرف در از و موسیقی افغانی‌رااز موسیقی هندی جداوشکل عمومی آنرا تغییرداده طرز های جدید وتازه بنام طرز قا سمی درداخل دایره فن موسیقی اختراع وبه‌همین ترتیب موسیقی کلاسیکی افغانی را رنگ و شکل قانونی وفنی بخشود که تا امروز همان طرز ها معمول میباشد وبه صدها شاگردان مسلکی و شوقی به جامعهٔ خویش تقدیم نمود که‌امروز خود استادان مسلك خو یش میباشند۰

استاد قاسم افغان از آن نیرومندان صحنه هنر بود که در تاریخچه‌نهضت موسیقی کشور چنان جنبش ها وتحولات ابتکاری را مو جد شده‌است که‌خاطرات تاریخی این سرزمین حق استادی این موسیقی دان معروف وطن را فراموش نخواهد کرد ۰

استاد قاسم نه‌تنها یکعالم موسیقی بود بلکه یك شخصیت سیاسی ودارای غرور ملی افغانیت هم بوده ۰

ذوق ومیل استاد بطرف علم وادب به حدی بود که قسمت‌اعظم‌اوقات خودرا بالخاصه درمجالس بیدل خوانی با ادباوفضلای و طن سپری میکرد ، استاد موسیقی دان جامعی بود و در تمام شقوق حق استادی را داشت وجنبه های فنی واساسی موسیقی را حین سرودن مراعات میکرد درسرودن را گ، تهمری ،خیال ، ترانه ، غزل حتی طرز های ملی،روستایی، فولکلور یك وپشتوعلی‌السویه گوی سبقت را ازاساتیدعاصر برده بود در تاثیر صدا ولهجهٔ خوش آیند استاد حکایات وروایات عجیبی شنیده میشد۰



استاد قاسم

میگویند هنگامیکه استادبخواندن آغازمیکرد وآواز او اوج میگرفت نه تنها روح خود استاد بلکه افکار تمام سامعین مجلس به حدی تحت تاثیر وجذبات موسیقی استاد واقع میشدند که‌پیرو برنا وحتی اطفال خرد سال هم سراز پا نشناخته وضع وحال غیرطبیعی را بخود میگرفتند ۰

مرحوم استاد قاسم افغان ، شخصی‌بامسلك وباوفا بوده بالخاصه در راه دوستی ورفاقت آنقدر پابند وصمیمی بود که بنابه سایقه‌طبع کریم خویش حتی از ایثار سرو مال خود هم در راه دوستی‌ورفاقت‌مضا یقه‌نداشت ۰ چنانچه چند ین مراتبه برای نجات‌چندین دوست‌ورفیق خود مواجه به‌خطر گردیده دوست خودرا حتی از مرگ واعدام نجات داده است ۰

دروصف کرامت طبع وهمت‌بلنداومیگویند: بعد از جنگ عمومی اول و اضمحلال سلطنت عثمانی وفتح بغداد از طرف قوای انگلیس سفارت انگلستان درکابل جشنی سرور بیاد- بود فتح بغداد ترتیب واستاد را برای خواندن درجشن سفارت دعوت نموده بودند استاد از شرکت در آن جشن آبا ورزیده ودعوت سفارت رارد نمود ، واظهار داشته بود که : چون‌من مرید حضرت غوث‌می‌باشم به‌هیچصورت‌شرکت دراین جشن‌خوشی شمادشمنان‌اسلام را قبول کرده نمیتوانم که‌آرامگاه پیرمن‌حضرت غوث- الاعظم دستگیر، بدست غیر دین بیا فتد ومن در جشن خوشی ودشمن اسلام‌شرکت نمایم۰

سفارت بریتانیادرکابل دو باره‌ملازم سفارت رابه نزد استاد فرستاده واز استاد خواهش نمودند هر قدر پولیکه بخواهی میپردازیم‌اما در جشن ما شرکت نمایید ۰ استاد باز هم درجواب گفتند که اگربه اندازه و زنم هم پول تادیه نمایید قطعا در این جشن شرکت نه مینمایم همچنان از زرنگی و موقع

بقیه‌درصفحه۳۷



استاد قاسم (طرف راست‌دوم نشسته)درمیان اقارب ودوستانش

ketabton.com - The Digital Library

(امیر زوی) زیاړه

لاریسا، د شوروی اتحاد د عصری تیاتر مشهوره څهره

شو روی اتحاد په نړی کی یواز نسی هیواد دی چی په هغه کی خلك دنیا ترونو او ژوند یوهنر ی یار چو او تخیلی داستانونو سره زیاته مینه اوعلاقه لری.

ددغه هیواد خلك دنیا تر و نو اوژو ادبو هنری یار چو له لید لو څخه وروسته دلیدل شو یو صحنو د ښه والی او هنر ی خصو صیتو نو په باب په ښه نو ګه قضا و ت کولای شی .

دیورتنی اصل له مخی دغه حقیقت یـه ډاګه سره څر ګند یږی چی تیا ترونـه ددی له ډاره چی په شوروی اتحاد ځو ادری یو هیواد کی د ښه پر ستیژ او حیثیـت څخه پر خور داره شوی وی باید پخپلـو ټو لو هنری فعالیتو نو کی دکیفیت اصـل ته زیاته پاملرنه و ګړی د(الان اوودو) پـه ښا ر کی چی د شوروی جما هیرو د اتحاد دسا یبر یا په سیمه کی موقعیت لـــړی د شوروی اتحاد د عصر ی تیاتر و نو یوزیات شمیر ستدر غاړی مخالان او ډاډ ګټرا ن دا په د حیر ا ننیا او تعجب ور څخه وی چی ژوند کو ی (لار یسا سخیا نو وا) د شوروی اتحاد دعصر ی تیا ترپوه ډیره نامتـــو او مشهوره څهره ده دغه څهره د عصر ی بالت په بیلا بیلو یا ر چوکی ونډه اخلی او په ټوله اروپا اونړی کی دزیا تی آوازی خاو ند ښوونـــده ځمدا ر نګـــه (لخا ساران) او دهغه ملګری (سا دایوف)داوپرادخانګرو اختصا صی یا رچو یه‌ټر سره کولو کـــی ستر نقش لری اوددغو دواړو شوروی هنـر مندا نو او ازی په شوروی اتحاد او نو رو هیو ادو نو کی خپری شو یدی لکه چی دسا یبر یا د عصری تیاتر و نو نتیجـــو څر ګنده کړیده په څو ورو ستیو کلو نو کی (سادایوف) ته دسایبر یا دتیا تـرو نو د قهر ما ن لقب ورکړ شو یدی.دشوروی اتحاد دسایبر یا دسیمی د(الان او ودو) یـه عصری تیا ترو نوکی د هر کا ل په اوږدوکی دوه ځله د را می او تخیلی ژوند ی‌یا رچی ښودلی ګیږی چی‌هغو په ډله کی(او تیلو اومز) یار چـــی او ډرامی دیـــادولو وړدی

(لاریسا) دوتلو دیالت یوی مشهو ری یارچی د تخیلولو په حال کی



(بولات‌با تور) دمشهور ډرام یوه یه زړه‌پوری صحنه

دشو روی اتحاد د مسکو ، لینینګراد، کیف او نورو ښارو ری تیا ترونو څخـــه‌یه جغرافیایی لحـا ظه دومره لیری واټن کـی دتیا ترو نو او ډرا ګانو آوازی دومره‌زیاتی خپری شوی وی . لکه چی ورو ستیو راپورونو څر ګنده کړیده اوس د سا یبر یا د تیاترو نو او ډرا ګانو هنری ډلی دنړی په خـــه دیاسه شپږ خلو ویشتو هیواد ونوکی هنـــری پرو ګرامونه اجرا کوی . د شوروی سوسیالـ لستی جما هیرو داتحاد د سا یبر یا تیا تر

چی‌یوازی خلویښت کاله دمخه چوړ شو یدی اوس اوس د شو روی اتحاد (پوریات) په سیمه کی چی د مسکو دښار څخه یـــه زړګونو میلو لیری مو قعیت لری دامسی یـــو کوچنی محلی تیا تر په دومره لږه مـــو ده کی افا فی او نړ یوال شهرت نړ ګو تـــو کړی . داکټو ر دمشر انقلاب څخه وروسته دسایبر یا حوزه د شوروی اتحاد له ډیـــرو وروسته یا تی‌سیمو څخه شمیر له کیدء.که خـه هـــم ددغـــه سیمی او سیدو نکـو دخپلو لر غو نو او ښکلوی روا جو ټوله مخی څخه په خا نګری توګه نخاوی سندری شاعری ، لیکوالی او نوری هنـری پد یدی در لو د لی مګر څر نګه چی په هغو وختو نو کی ددغی سیمی اوسیدو نکی په سلو کی سل پیسواده و اودلیك اولومـت له نعمت څخه بی برخی وی‌نو ځکه دغو خلکو هیڅکله ونشو کړای چی په حر فو ی‌مسلکی

پاتی‌په۳۷مخ کی

ketab.com - The Digital Library



دخوا نانو دزده کړی لهاره .

دنـوی اوزاړه تـرمنځ جـگـړه

د نو ی ا و ز ا ړ ه د جگړې څلو ر مر حلی : -

نوی -یعنی دودی (نکا مل)به بهیر کی دیوی نوی را پورته شوی پدیدی او نو ی عنصر پیدا ږیښت زوړ ، یعنی منسو خ شوی عنصر او د زوا ل په حال کی پدیده . خو باید پوه شو چی هر تازه شی چی دوخت په بهیر کی منځ نه راځی نوی نه دی .نوی هغه دی چی درانلو نکی ودی دپا ره او هم خپله لاړه پرا نیزی دنوی او زاړه ترمنځ جگړه دلالت نیو مراحلو څخه تیر یږی .

۱ـ دور گیانومی مرحلـه : دنوی پدیـدی نطاه د نا ریخ په دهلیز کی ترله گډی (نیز اوانتی نیز دمخامخ گیدو څخه وروسته) اودخپل پیدایښت سره بوخت دزاړه سره دجگړی غږ پورته کوی ، او دهغه سره دجگړی اعلان کوی او په دی توگه خپـل پیـدایښت خرگندوی .

۲ـ دنوی پدیدی ورو ورووده او زړی پدیدی سره جگړه په داسی حال گډی چی ، پدغه مرحله گډی دشرا یطو په حکم زړه پدیده غښتلی وی .پدغه مرحله گی دزړی پدیدی سره څنی عوامـل لکه زاړه دو دونه تجربی او دوا گمښی قدرت او په تیره پیـا دغـه عا مل چی دزاړه عمر لاپاتی دی اود هغه نقش لاپای ته نه وی رسیدلی مرسته کوی خودنوی پد یدی په وړا ند ی نامسا عد عوا مـل شمه والی لری لکه دنو یو دو دو نـو غښتوالی او یا لږ والی ، د تجربی نـه درلودل دقدرت نه لرلی اوپه تیره پیا داچی نوی لایځپل نقش باندی نه پوهیری او له همدی کبله خان نه ځای نشی پرا ځښتلی،دغه دوره له پیښو او غمو نو څخه ډکه ده ځکه چی دنو ی د پاره دغه دوره دخو نړی مات دوره ده دزړی پدیدی دغلبی دوره ده .پدغه دوره کی نوی پدید ه دسا ست په ډگرگی زړ ورتیا اتل والی او د خان څخه تیر یدو نه لاړه وی تر څو چی ورو ورو دزړی پدیدی دنه لار پیدا کړی او دهغی دله مینځه وړیو دپاره سر یزه پیل کړی او د خپل خا ن شمه والی په اثبات ور سوی پدغه دوره کی چی دجگړ ی له خطرو نو څخه ډکه وی نوی پدیده دزړونیز نظرو (نیزیمنو)او اتلو پلو-یانونه لاړه وی. خوید غه دوره کی زړه پدیده په لمړی سرکی دغرور څخه ډ کو غږ وا و سره او بیاوحشیانـه تـارو سره او بیا د ظلم او قسا وت څخه ډکو عملو نو سره اود خپل عمر داور دوالی. اود ظلم او امن دسا تلو په پلمه دوینو لڅښی جا ړی کړی.

ـ۳ـدنوی او زړی ترمنځ جگړه په ټامیر حال کی چی ددواړو وید یدو قوت سره مساوی وی ، نوی پدیده دخو نړیو جگړ واو خو نړ-یو مانو په نړ یخ کی زده کړه کوی لو ی سنتو نه او نجر بی تر لاسه کو ی پخپل نقش یو هیږی شخصیت پیدا کوی سنگر ی تر لاسه کوی . دسخنو جگړو دوره پسـه دوام نه لرونکو متار کوبدلیږی او پـد غـه مرحله کی هم نوی پدیده اوهم زړه پـد یده دخپل خان دپا ږیښت دپاره اودمقابل لوری دله مینځه وړ اودپاره به ږیو جگړ واو خـنـی وختو نه پیا هم په خړ گندو جگړو لاس پوری کوی او په خلاصه توگه دغه دوره دد وړان سیا ستو نو دوره ده .

٤ـ دنوی او زړ ی پدید ی تر منځ جگړه پدا سی حال کی چی نوی په زاړه پا ندی غښتلی وی. نوی پدیده خپل سنگر و نـه (مواضع)پیاوړی کوی زیاته نجر یه تـر لاسه کو ی زړه پدیده دخپل ټو لنیز نقش آخر ینی پولی نه رسیږ ی او خپل سنگرونه له لاسه ور کوی دغه دوره دکیفی بد لو ن اوکیفی غورځنگ دوره ده نوی دزاړه پـه ځای کښینی تعا دلونه او سازشو نه لـه مینځه خړ او جگړه دنوی پدیدی په گټه

پاتی په ٤٥مخ کی

مسأله بنام زندگی خانواده

هرروز نسبت به روز قبل اورا پریشانتر، ضعیف تر ورنجورتر میدیدم، فکر میشدکه ازموضوع خاصی رنج می برد زیرا مانند شمع که آب شود آرام، آرام زرد و نحیف تر میگردید .

یکی دوبار دراین موضوع ازش سوال کردم ، ولی جواب درستی دریافت نکردم. او این نا را حتی درونی اش را از همه، حتی از من که برادرش بودم پنهـا ن میداشت .

رفته، رفته این وضع اورا بحالی انداخت که دیگـر نمیتوانست بـه زندگیش ، به فرزندش به خانه وفامیلش رسیدگی کند . چرا اینطوربود؟ چه دردی داشت که نمیتوانست آنرا بدیگران درمیان نهد، چه رازی در این موضوع نهفته بودکه او قادر به بیان آ ن نبود ؟

روزها او را میدیدم که به نقطهٔ نامعلومی چشم دوخته وتصور میشد که اصلا در این جهان وجود ندارد. این وضع اومـرا خیلـی پریشان و ناراحت ساخته بود، من نه بحیث برادراو، بلکه بصفت یك انسان ازدرد ورنج اوبایست اطلاع حاصل میکردم واگرمیتوانستم که مرحمی بر این دردلو بگذارم واوراازاین ناراحتی که من نمیدانستم چیست نجـات دهم خیلی خودرا مسرور احساس میکردم. امـا که او نمی خواست مشکلش را بامن درمیان بگذارد .

جوانی به سن وسال اوکه تازه زندگـی خانوادگی را آغـاز نموده است وصرف بـا دوسال زندگی زناشویی ووجود یك فرزنـد نمیتوان قبول کردکه او از یك ناراحتی درونی رنج می برد .

از همسرش که زن تحصیل کرده وفهمیده بود اصل حقیقت را پرسیدم ولی ا و هـم نتوانست کمکی دراین را بنماید زیرا حتی این ناراحتی درونی خودرا به همسرش نیز نگفته بود.

من که در این مورد احساس مسوولیت میکردم زندگی او و حیات فـامیلی اش برایم ارزش فراوان داشت ونمی خواستم که زن وفرزندش یکمرتبه بدبخت شوند ازاینرو خیلی تلاش کردم تابرادرم اصـل حقیقت و ناراحتی را بامن در میان بگذارد تاراه چارهٔ اساسی برای آ ن جستجو گردد . پس از تلاش زیاد بالاخره او حقیقت را برایم گفت: اصلا باورم نمیشدکه این موضوع حقیقـت داشته باشد، چطور امکان دارد، که او با وجود اینکه کوچکترین کم وکسری درزندگی نداشته با شد به چنین عملی دسـت زده باشد و....

برای اینکه مطلب روشن شده باشدصحبتی که بین من وبرادرم پیرامون ناراحتی درونی-اش گذشته بود خدمت شما عرض میکنم:

برادرم که پنجسال ازمن کوچکتر است بالاخره پس از سکوت چندین ما هـه اش گفت :

برادر چه بگویم، دیگر زندگی برایـم ارزشی ندارد، منکه فکر میکردم همسرم مـرا مانندچشمانش دوست دارد وعشق خانوادگی خودرا به هیچ چیزی نمی فروشد ولی افسوس باوجودیکه کوشیده ام درزندگی کو چکترین کم وکسری نداشته باشیم وتاجای امکان تمام این فداکاری ها، تمام این عشق و علاقـه که به او داشتم همه یکبار از میان رفت وجز سایه سیاهی از خود بجا نگذاشت.

برادر آیا نمیشود که پوستکنده ووا ضح برایم بگویی که موضوع از چه قرار است ؟

– چرا برایت میگویم، این درد را تنها برای تو میگویم، برای توکه در دنیا غیر از توکسی راندارم ومیدانم کهدر ایـن مـد ت چقدررنج وتحمل ناراحتی های ماراکشیده یی.

موضوع از این قرار است که می بینـم همسرم از مدتی بدین طرف بامن بی علاقه شده است، علت این بی علاقه گی همسرم را ابتدا مصروفیت های زندگی واولادداری فکر میکردم وتصور مینمودم که شاید مؤقتی وزودگذر باشد ولی چند ماه میشودکه همسرم



چیزی راازمن پنهان میدارد . چند مرتبه که دراین مورد ازاو توضیح خواستم چندبهانـه سرهم جور کرد وفکر نمود که من هم این بهانه ها راقبول کردم .

دوسه مرتبه خلاف معمول به خانه آمـدم ولی همسرم در خانه نبود وقتیکه از مستخدم پرسیدم او برایم گفت که نزد داکتر رفته وهربار که این سوال را میکردم او برایم میگفت که نزد داکتر رفته ولی نمی گفت که پیش کدام داکتر وچه ناراحتی دارد .

خلاصه اینکه یك روز این موضوع راجدی باهمسرم در میان گذاشتم وبرایش گفتم که اصل حقیقت چیست ؟ ! ما او از گفتن حقیقت سرباز زد وغیبت هایش را از خانه صرف بخاطر تداوی اش وانمود کرد . امامن یقین داشتم کهموضوع غیر از این است. زیرا اگر قرار باشد که او نزد داکتر برود اینکه پنهان کردن ندارد اگر واقعا مریض

ketabton.com - The Digital Library

است چرا اولتر ازهمه به من نمیگوید وبازهم چرا نخواست که من هم همرایش نزدداکتر بروم .

این وضع است که مرارنج میدهد وزندگی رابرمن سیاه ساخته است .

او سکوت میکند واین سکوتش ادامه می یابد، بازهم همان حالت گنگی درسیمایش هویدامیگردد وبلاتکلیف بسویم نگاه میکند.

چه فکر میکنی آیا همسرت بتو خیانت میکند ؟

میگوید : این رادرست نمیدانم اما ازعلایم چنین تصور میشود که او چیزی را ازمن پنهان میدارد واین غیبت هایش ، در هفته یکی دوبار مرا مشکوک ساخته است .

آیانخواسته بی که اورا پنهانی تعقیب کنی ؟

جرا، یکی دو مرتبه این‌کار را کرده ام ولی موفق نشده‌ام، زیرا خیلی احتیاط میکند.

به برادرم گفتم که فعلا این موضوع را همینطور پنهان نگهدارد تامن نیز در این مورد معلومات حاصل کنم وبعد در این‌قسمت تصمیم بگیریم .

ایمان داشتم که این کار هایش حتما دلیلی دارد وگاسه ای زیر نیم گاسه است . پس از معلومات زیاد بالاخره اصل حقیقت را دانستم .

خیلی مضحك وخنده دار بود، اگر برای شمانیز بگویم شاید بخندید ودر عین زمان متاثر گردید !

ممکن بپرسید که چطور توانستم این مشکل را بیابم وگره ازآن بگشایم.

از دفتر دو هفته مرخصی گرفتم و این طور وانمود ساختم که بیکی از ولایت‌میروم. راستی فراموش کردم که این موضوع راقبلا برای شما بگویم‌که من وبرادرم دریك‌حویلی زندگی میکنیم . خوب بهرحال پس از دوهفته تعقیب بالاخره کشف گردید . بدین معنی که همسر برادرم نیز عین ناراحتی را داشت یعنی نسبت به برادرم مشکوك شده بود ، اوفکر میکردکه شوهرش بایکی از همکاران خویش روابط دارد وشاید در آیندهٔ نزدیك اورا به همسری خویش بگیرد .

این موضوع راکی به کله اش فرو برده وچه باعث شده بود که او این چنین تصور کند. بهرصورت وقتیکه دانستم همسربرادرم به شوهرش مشکوك است مستقیما موضوع را ازش پرسیدم . او وقتیکه دانست من از موضوع اطلاع حاصل کرده ام خیلی ناراحت شدو گریه هاکرد واشك های زیادی ریخت وبرایم گفت‌که من احمد شوهرم را خیلی دوست دارم ولی نمیدانم که چرا او بایکی ازهمکاران دفترش رابطهٔ قایم نموده و می خواهد اورا در همین روز ها بگیرد . پرسیدم که توچطور دانستی که‌او با دیگری روابط داشته وقصد ازدواج بازن دیگر دارد

برایم گفت :

یکی از دوستان دورهٔ تحصیلم به من این حقیقت را گفت .

آیا بگفته این دوست دورهٔ تحصیلت‌یقین وباور داری ؟

آیا فکر نمیکنی که او از روی دشمنی‌این موضوع رابش کشیده باشد ؟

آ یادر گذشته بین تووا و برخوردی که باعث گرفتن کینه نسبت به تو شده باشد صورت نگرفته ؟

من نمیدانم . فکر نمیکنم و... اما چرا زمانیکه محصل بودم همین دوستم تقاضا داشت که بامن ازدواج نماید ولی من‌نپذیرفتم واحمد راکه اونیز همصنفی ام بود انتخاب کردم . شاید همین ردنمودن درخواست او باعث این شده باشد که اوپس از دو سال ازمن خواسته انتقام بگشد .

بقیه درصفحه ٥٤

اندیشه‌های جوانان



نجیب الله قیومی !

... من عقیده دارم که راه رستگاری و موفقیت در زندگی جوانان همانا داشتن‌عقیدهٔ راسخ وعزم متین در تمام شئون زندگانی و حیات فردی واجتماعی است. زیرا اگر غیر این باشد فرق میان انسان ونبات درچیست حقیقت آشکار وغیر قابل انکار اینستکه این تحرك وتلاش است که انسان هارا از دیگر موجودات تفکیك می نماید .

همه میگوییم راه بهتر زندگی در دانش نهفته است زیرا این دانش است که او را میتواند به سرمنزل مقصود برساند. اما بنظر من دانش که توام با دانش انقلابی باشد بهتر است زیرا مادر شرایط انقلابی زندگانی داریم وجامعه مانیز بسوی تحول انقلابی‌پیش می رود .



رحمت اله قیومی !

جلوگیری‌ازوزن‌اضافی (چاقی)

چاقی پیش از وقت یکی از پرابلم های امروزی جوانان است که باوجود مبارزه با آن نتیجهٔ کمتری داده است وعلت اصلی این امر در این است که اشخاص مصاب به چاقی ورزش را فراموش کرده اند و علت دیگر که میتوان زیاد روی آن حساب کرد آنست که‌یکعده ازمصاب شدن به‌چاقی متوجه اضافه وزن خود میگردند . اگر در ابتدا قبل ازاینکه جوانان ما مبتلا به چاقی واضافه وزن گردند، در مورد خوراك که باعث تولید وزن اضافی میشود وبیشتر بر چاقی آنان افزوده میگردد توجه داشته باشند هرگز به این مشکل که امروز گرفتار آن اند دچار نشده، واز این ناحیه ناراحتی نخواهند داشت .

قبلا در مورد ورزش گفتیم وباز هم تکرار میکنیم که مهمترین ومؤثرترین عامل جلوگیری از چاقی قبل از وقت ورزش است. جوانان مخصوصا آنانیکه علاقمند صحت و زیبایی اندام خویش اند هرگز ورزش و مخصوصا سپورت های آزاد را فراموش نمیکنند .

وسایلی که امروز برای کم کردن وزن از آن استفاده میشود در حقیقت جز ضایع کردن وقت ومصرف نمودن پول کدام فایدهٔ دیگر ی ندارد، ماشین هاییکه به بازار جهت لاغر ساختن آمده است ممکن است از نگاه روانی تاثیری داشته باشد ولی باید متوجه بود که‌این امر صرف ازنگاه روانی قا بل بحث است . حقیقت اینستکه قبل از گرفتن وزن اضافی وپیش ازاینکه به‌چاقی سر دچار گردید در مورد خوراك وتغذیه خویش توجه داشته باشید .

غذاهاییکه باعث چاقی میگردد جدا باید از آن اجتناب کرد مثل برنج، نان خشك، روغن، شکر وغیره .

میوه بهترین داروی ضد چاقی است . اگر انسان بتواند از میوه کافی که برای بدن انرژی بدهد استفاده نماید کمتر به مشکل چاقی واضافه وزن دچار می گردد . خوشبختانه کشور ما ازنگاه داشتن میوه‌های متنوع ومختلف خیلی غنی است ودر هر فصل وزمان میوه بخصوص آن فصل را دارد از این روباید از میوه حداکثر استفاده شود .

ورزش های آزاد از طرف صبح و عصر خیلی در امر سلامتی بدن اهمیت دارد .

واگر جوانی عادت به این داشته باشد که حداقل روزده نامی دقیقه از طرف صبح وعصر ورزش نماید هرگز در طول زندگی اش به مشکل اضافه وزن و چاقی گرفتار نخواهد شد .

بعضی ها چاقی را شکل ارثی میدهند ولی باید گفت که این امر صد در صد حقیقت ندارد گاهی دیده باشید که از پدر و مادر چاق وفربه فرزند لاغر بدنیا آمده و این لاغری تابیری باوی بوده است . و برعکس از پدر و مادر لاغر فرزندان چاق به وجود آمده که گاهی تادم مرگ باوی بوده است . پس بنابرهمین حقیقت که چاقی بصورت ارثی نبوده بلکه تابع شرایط زمان ومخصوصا تابع خورد ونوش شخص است . اگر انسان از همان آوانیکه شروع به گرفتن وزن اضافی یعنی بعداز سنین سیزده وچارده می‌نماید جلو این چاقی را باورزش ورزیم غذایی متناسب به سن وسالش بگیرد هرگز در آینده به این مشکل که حالا گرفتار آنست سردچار نمیگردد .

جوانان‌واقتصاد

یکعده خانم ها از دست شوهران شان شکایت دارند ودر ضمن میگویند از بسکه آنها خسیس اند نمیتوان غذای خوش مزهٔ برای شان پخت.

وقتیکه این مساله را بامردان در میان گذاشتیم آنها فقط با یك لبخند اکتفانمودند. بالاخره معنی این لبخند دانسته شد .

اگر شما هم می خواهید وعلاقه دارید که معنی این لبخند راکه ده هامعنی میدهدبدانید ماهم برای شما میگوییم :

این لبخند یعنی پول ندادن به زن بخاطر اینکه در فلان مغازه لباس های مود روز آمده وزن با بیست این پیراهن را داشته باشد .

این لبخند یك معنی دیگر نیز دارد و آن اینکه خانم آرزو دارد که به منا سبت فلان مهمانی باید به آرایشگاه برود و مو وروی خود را آرایش دهد . خوب بهر حال شما چه عقیده دارید که کدام یك از دو طرف حق بجانب اند؟

بهر صورت مطلب دراین است که خست مردان هم به آن درجه نبوده که زندگی خانواده را متاثر سازد وو لخربی‌خانم‌وزن‌خانه هم تا آن حدی نباشد که در اخیر ماه کرایه منزل نباشد ویکما ه به ماه د یگر عقب بیفتد . اقتصاد بشکل نورمال آن برای هر خانواده امری است ضروری وخیلی بااهمیت زن خانواده که به این‌موضوع اهمیت میدهد و میزان دخل و خرج منزلش بدستش است میتواند چرخ زندگی را طبق دلخواه خانواده اش بچرخاند و به پیش رود لاکن هستند زنانیکه کمتر دراین مورد توجه دارد .

همینکه معاش شوهر بی چاره بدستش رسید مصرف لباس و خرید لوازم بی مورد خانه می گردد . و و قتیکه شو هر بی چاره در این قسمت از همسرش حسا ب می‌خواهد به خسیس بودن متهم میشود .

خانواده های خوشبخت که در زندگی عادی روزمره حساب عاید و مصرف خویش رادارند هر گز بگو مگو های خا نواده گی که گاهی در بعضی از خانواده ها رخ میدهد بین شان اختلا ف تو لید نکر د ه و زندگی بشکل دلخواه شان پیش می‌رود .

واین موضوع برای هرجوان خا نه دارکه تازه زندگی مشترك خانواد گی را آغاز نموده است خیلی اهمیت دارد که میزان مصرف و عاید را داشته با شند .

ketab.com - The Digital Library

ترجمه توریالی خاخی

انتون چخوف

د

ماکسیم کورکی

په نظر کی

یو خلی چخوف د (کوی په واړه کلی) کی زه بی دلیدنی لپاره میلمه کیر م ، چی هلته بی د خمکی یو ه و ړه ټو ټه او یـو سپین دوه منز له کور در لود . او هغه په دا سی حا ل کی چی ما نه بی خپل ملکیت رانیوده ټو له موده بی زما سره په ټ یری خو بنی خبری هم کو لی .

(که چیری ماټ یری پیسی در لود لای، دکلیو دناروغـو ښوو نکو لـه پـاره بـه می یو ه ښه ودانی جو ړه کړی و ه دنور او رښا خښه ټکه و دانی ، یو هیر ی ، یعنی دیره روښانه‌چی‌لوړچت اوچکی کړکی و لری یوه ښکلی او شا ند اره کتا بخا نه به می ورته ترتیب کړی‌وه.

دمو سیقی هر ټول و سا یل ، د شا تو دمجیو د روز نی له پاره یو سم خای ،د سا یو د کر نی له پاره یو ه یا غجـه او همدارنګه د میوی یو با غ به می هـم ورته جوړ کړی وای.

دهواپیژندنـی د کرنی او داسی نـوروډ سیانو په‌پاره کې‌به می‌خطایی ورته ورکولـی. ښوونکی باید په‌ټولوشیانوپوهښی،ګرانه‌دوسته په ټولو شیانو !)

نا خاپه به‌یی خپله خبره پری کړه ، ټو خلی به پسی وا خیست ، ټر سټر ګولاـ ندی به بی ما نه کتل او مو سکی به شو هما غه زړه وړو نکی او له شانه ټکـه مو سکا ، دا سی مو سکا چی د هغی د جاذبی مقاومت چانه در لود . او انسا ن بی دی نه و اډا رکاوه چی په ټ یری مینـی سره دده خبر و نه ځوړ وئیسی .

(آیا زما دخیالونو په او ریـد لـو او هغوی ته‌په ځوړ ټیولو سره ستړی کیږ ی زه ټ یره مینه لر ۴چی په دی با ره کی

خبری و کړم . که چیری فقط درو سیی د کلیو په هغی زیا نی ار نیا چی ښو او یو- مو ښوونکو ته‌یی لری نه یو هیدلی و ی !

صفحه ۳۶

مو نیر با ید په روسیه کی د ښو و نکـو له پاره استخایی شرا یط برابر کړو . او دغه کار با ید ټیر ژر سرته ور سیږی.ځکه یو هیر ؤ چی که چیری خلك ښو نه اوروزنه وته وینی ، هیواد به دهغی مانی په شا ن‌چی دخا مو او نیمه پخو مواتو او خښتو څخـه جوړه شوی وی ړنګ بنګ شی . ښو ونکی با ید د یو هنر مند په څیر په تو دو احسا سا تو له خپل کار سره مینه و لری خو ز مونږ ښوو نکی ساده کار ګرا نـو ته ور نه دی . دټیمګر ی یو هر والاښوونکی په داسی ټما یل سره ، چی ټه به وا یی، ټبعید ګاه نه روان دی . دکلیو په لـور خو خیږی . هغوی لوزه ټیره کړی او لیدلی ده ، تر ښو لاندی شوی یعنی با یما ل شوی دی او په ډار او وېر ی سره ژو ند کوی تر څو چی خپل ورځنی معا ش لـه لاسه ورنه کړی . ښو و نکی با ید دخپل کلی تر ټولو لوړ شخصیت وی تر څو هغو ټو لو یو ښځونه چی بز ګران بی له ده‌څخه کوی خواب ووایی او ورو ورو دیز ګرانو په منځ کی دخپل قدرت له پاره ا حترا ۴لاس ته‌راوړی . دهغوی په‌نزد ارزښت توجـه او احترا م و لری . یو داسی څوك وی چـی هیڅوك دا جرا آت و نه لری چی په ده‌باندی په قهر شی .... دهغه مقام را ټیت کړی هو هغه کار چی ز مو نیر په کلیو کی بی هرڅوك سرته رسوی . دکلی یو لیس ، بډای د کا ندار ، دمد رسی مدیر ، دکلی کښیش ، مشر ان (دیا خه عمر خلك) او هغه کا ر کوو نکی چی په ظا هر کی د مدرسی د پلټونکی نو م ور با ند ی‌اینښو دل شوی دی ، خو په واقعیت کی د مدرسی دښهود او ښه والی د پا ر ه‌هیڅ کا ر نـه دی کړی اونه‌یی کـوی، بلکـه پـه ډ یـر ساده ټول ، دده منظور هغه مکتو ب دی چی ایا لتی هیئت ته یی لیږی .

دانډیره دخند اوړ ده چی هغه چانه هـم حقو ق ور کړی شی، کو م چی د هغـو خلکو په مخکی سر کښی کوی چی هغـه دخلکو د ښو و نی و ظیفه په غاړه لر ی

دلته متو جه او سی ، دخلکو ښو و نه !

داد زغملووړنه ده ، چی زه ووینم ،چـی یو څوك په خپلو شلید لو ، شلید لو کا لیو سره ، په ټمجنه مدرسه کی چی د پ ټګیدو په حا ل کی ده ، دبخاری لو ګی سره چی هوا کښ نه لری مسمو م شـ ی، تل دستونی دالتهاب په رنځ، در وماتیسم او سل پـه نارو غی اخته وی . دا زمونږ آبرو په څمکه غور څوی ازمونږ ښوونکی د کا ل نه او یا لس میا شتی صبو فیا نه او د ملټنګـی ژوند تیر وی .

یو ژوندی رو ح نه‌وی چی‌له هغه سر ه وغیږیږی . بی کتا یه او بی سر ګر مـی دیواز یتو ب ژوند تیر وی .

اوکـه چیری دوی جـرات و کـړی او کو م دو ست د خپل دید ن له پا ره دعوت کړی ، خلك فکر کو ی چی دو ی خپل محبت له لاسه ور کړی دی . هغـه احمقا نه خبره چی زیر ك خلك د هغی‌واسطه خلك پەوېره کی اچوی ... داټول دکړکـی وړ دی ...دهغو انسا نا نو مسخره کو ل دی چی ستر اوله اندازی زیا ت مهم کا رو نه سرته رسوی . کـله‌چی زه یـو ښوونکی وینم په رښتیا سره د هغه ټر څنګه ناراحت کیږم ، د هغه د کمز و ږی او دهغه دزړو جا مو له کبله .

داسی حس کو م چی زه په خپله د هغه ښوونکی دغږ یپا نه حا لت او او ضا ع له کبله د سر ز نش وړیم .

او په رښتیا سره دغه احساس په ماغلبـه پیدا کو ی !)

دیوی شیبی له تو قف څخه بی ورو سته

خپل لاس و غزاوه او په ټیت غږ یی ووېل.

(زمو نیر روسیه څر نګه یو بدرنګ‌اوبی معنی هیواد دی !)

ښکلی ستړګی بی ژور سبوړی لا نـوری هم ښکلی کړی ا ودهغو ی په کو نجو تو کی ښا یسته ګو نځی را پیدا شوی او دهغه کنټل بی نورهم ژورکړل. خپل شاو خـواتـه یـی نظـر واچاوه اودخپل خان پـه بـاره کی بی په شو خی پیل و کړ .

(هو ، په دی تو ګه ـما نه دیو ی ورـ ځپا نی لپاره د یو ی او ږ دی او منصلـی سر مقا لی له پا ره تر غیب کړی پـی را څه ، چی ستا د صبر او حو صلی پـه بد ل کی څو پیا لی چا ی در کړم ...)

زیا ته و خت دده کړه وړه په همد ی ټول وو . یو شیبه به بی په ډیره ګر مـی ، و قا ر او صمیمیت سره خبری کو لی ، او یو ه‌لحظه وروسته به بیا په خپل خا ن او خپلو خبرو باندی خند ید ه . خو دده تر دی با و قاره او غم نیولی خندا لاند ی دیوه ظریف انسا ن چی د کلما تو اوتخیلاـ تووپه ارزش پوهیـږی، شکاکیت احسا سیده سر پیره پردی دیوی جـذابـی تـو ا ضع صبو ری او د مستقیم در ك ظرا فت په‌دی خندا ګا نو کی مو جود و .

مور دسکوت په حال کی چی ورو وروسـو قـدم و ا هـه دکـور لـوری ته را غلـو نوده او رو ښا نه ورځ وه ، دغږو هغه غږ چی دلمر په رو ښانه و پانګو کـیـږی ـ

بریښانه کوله زمونږ غوږونو ته را رسیـده یو سپی د خو شحا لی غپا پیل کړی وه چخو ف زما اوږه و نیو له اوپه دا مـــی حال کی چی خبر ی بی ټو خی قطع کو لی ورو ما نه وو یل .

(داد شرم او خپګان وړدی ، خو حقیقت لری ، شنه دی ټ یر دا سی ګمان چی له سپیو سره حسا دت لری ...)

ورو سته پی‌په خندا سره په خپلو خبرو پسی زیا ته کړه .

(نوروخ چی زه هر څه وایم دز وړ والی ګهولت نښی پکښی دی ـ حتما نـــوره زړ یږم .)

په مکر ر ټول می له هغه څخه اور یدل.

(غو ږ ونیسه یو ښو و نکی نوی را غلی خو ناروغ دی ، ښځه لری ـځر نګه د هغه له پا ره څه نه شی کولی ؟ ما په مو قتی ټوم سره دده و ضعی ته یو څه سرو سا مان ورکړی دی ...)

یاداسی چی :

(نه غوږ ونیسه ګورکی ! یو ښو و نکی غوا ړی چی تا وو یني خو بستری دی ، ناروغ دی . نه غوا ړی چی دهغه لید لو تـــه ور شی ؟)

یا.

(دښو و نکی میر من کتاب غواړی چـی وروپی لیږو ...)

ما کله کله دا ښو و نکی دده په کورکی لیدلـ معمو لا یو داسی ښو و نکی چـی دخپلی وار خطا ئی څخه په خبر ټیا سره‌یی دمخ رنګ سور ګر ځید لی او د چو کـی په یوه څنډه نا ست دی ، په داسی حال‌کی چی خو لی و ړبا ند ی روانی دی د خبروله پاره خپل کلمات انتخا بو ی. هغه کو ی چی روانی خبری و کړی او د یو (تعلیم‌دیده) په شکل خان وښیی . یاد ده د پیژندګلوی له حد څخه په لوړ و کلما تو دیو خجـل او نا رو غ شخصیت په‌خیر خبر ی کو ی له یو ه سره په دی آرزو دی چی د لیکونکی په وړاندی بی عقل او احمق ښکاره نه شی آنتون پا و لو و یچ به‌یی په داسی یو ښتو سره چی په قوی احتما ل‌سره بی په هغه شیبه کی په مغز و کی ګر خیدلی پـــه یو ښتو کی تغښت .

آنتون پا و لو ویچ په دقت سره د هغه‌یی خو ند ه خبرو نه غو ږ نیوه . او د غمه ډکـی موسکا به‌یی ستر ګو ته درښا یـر- ښتنا ور بخښله . او په درانده ، زوراوآرام غږ سره به یی په خبرو پیل و کړ . ساده او وا ضح کلمات یی استعما لول .هغـــه کلما ت چی له ژوند سره بی نږ د یوا لی د راوړد. هغه کلما ت چی د ستی (فورا) بی دده میلمه نه آرا مش او را حت ورباخښه.

په داسی ټول چی میلمه نوره هڅه نـه کو له چی خپل خان خپر ك و ښیی او پـــه نتیجه کی دد واړو خبری لاعلمی او جا لبی کید لی .

یوله د غو ښو و نکو څخه زمایه یاد دی یو نری په ونه جګ سیری چی نټو نی او ډنګر مخ اولوړه عقابی پوزه یـی در لـوده هغه آنتو ن پاو لوو یچ نه مخا مخ نا ست واو په خپلو تورو سترګو بی دغه لیکـوال ته‌خپر خپر کتل او په خپل ډوډغـږ ســره

(نوریسا)

ژونـدون

ketabton.com - The Digital Library

د جهان علوم

دح بریالی علی زاد زیاړه

د کلینیک مرګ یادژوند او مرګ ترمنځ وخت

په تیرو زرهاوو کلونوکی مرګ پولنه عمل ګڼل کیده چه‌دغه فکر زمونږ په شعور کښ داسی پوخ شوی چه زیاتره‌وختونه نشوکولای مرګ ته پل پول نظروګړو مګر حقیقت داده چه دژوند او مرګ ترمنځ یو خه وخت‌تیریږی داهغه وخت دی چه ژوند خلاص اومرګ‌لانه وی رسیدلی ژوند خګه‌نه وی چه شعور نه وی دژړه فعالیت او نفس‌قطع وی‌او تقریبا پول ریفلکسونه ورک شوی وی اومرګ‌لا خکه نوی چی دتنفس دقطع کیدلو اودژړه ددریدلوخخه وخت وروسته کیدای شی چه بیر ته ژوند راو ګرځی . چه دژوند او مرګ‌ترمنځ دغه منځی حالت ته د(کلینیک مرګ) ویل کیږی او دغه تیورتیکی بنسټ‌دناروغ‌دژوند دپاره حتی پداسی وخت کی مجادله ضروری ګوی چه‌په لمړی‌نظر کی(پول له لاسه ورکړ- شوی وی) . دا واقعیت ده‌چه‌دغه مجادله ترهغه پوری ضروری‌ده چه اورګانیزم دبیرته را ژوندی کیدلو خواص له‌لاسه نه وی‌ورکړی.

شاید دلته سوال پیدا شی چه آیا دغه‌نه راژوندی کیدلو خواص له‌لاسه‌نه‌وی ور کړی. سره یوخای دی کوم دی ؟

په خواب کی باید وویل شی چه ټن کیدای شی دژړه ددریدو خخه خوساعته ورو سته دژړه ضربان بیرته تنظیم شی . اوهم‌تنفس یوساعت وروسته تنظیمیدای شی‌خودسردمغزو دفعالیت تنظیم‌ول ډیر ګران کاردی . داخکه چی‌که‌دوینی ددریدو خخه پنخه یاشپږ دقیقی دمغزو وینه تنظم‌هم‌بی ګټی ده.

امکان لری‌دلته یوبل‌سوال‌پیدا شی چه آیاکه خوک دروغتون خخه دباندی چه دډاکتر انسو تر نظر لاندی نه‌وی مړشی دهغه ژوند دپاره هیڅ امید نشته ؟ نه ! داسی نده

مګر که چیری دیو انسان دژړه له درید لو خخه دوه یادری دقیقی ورو سته دریا نیماتور انسو ډله راورسیږی دهغه د ژوندی کیدلو امید لرده .

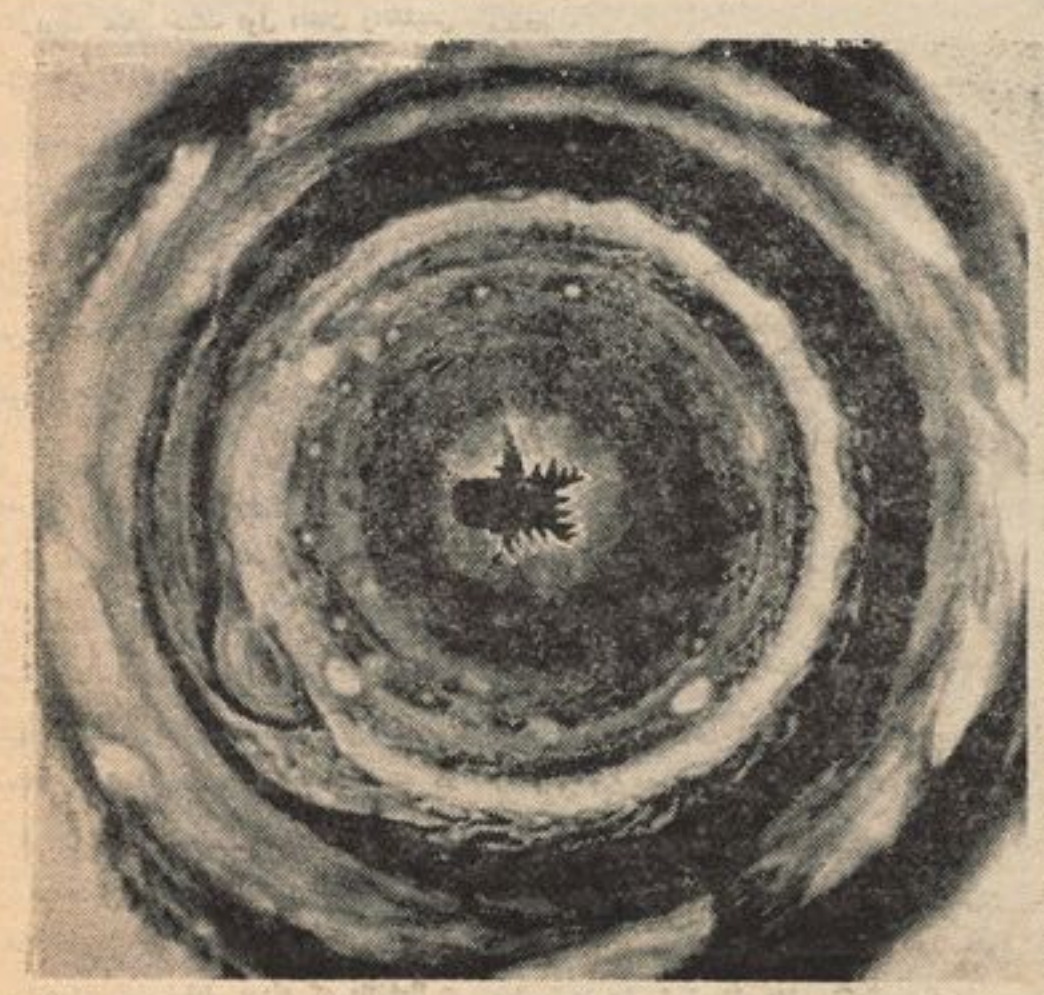
که خه هم زیا تره و ختو نه ډاکترا ن خپل تا رو غ ته دتی دپاره نه را خی چه دهغه ژوند ته نجات ورکړی بلکی د هغه جسد نه را خی . سره لدی هم دتا رو غ دخلا صون واقعی چانس شته چه با ید له لاسه ورنکړ شی. او دلته د حاضر و خلکو دژړه ده چی با ید دلیږنی طبی مر ستو تر را رسید و یو ری په یو لړ ما نوری لاس پوری کړی . مګر دډیر بد بختی خای ده چه زمو نږ دوخت خلك د مختلفو خبرو په منلو د بیخبری په کنده کی لویدلی دژوندی کولوپه‌ساده اصولو چی داجرا دپاره نی چی هیڅ آلی ته ضرورت نشته او هر خوکاسی کو لای شی هیڅ معلو ما ت نلری چه ددغه ساده اصول خخه مقصد دلا سونو پسواسطه دژړه غیر مستقیم مسازدی .

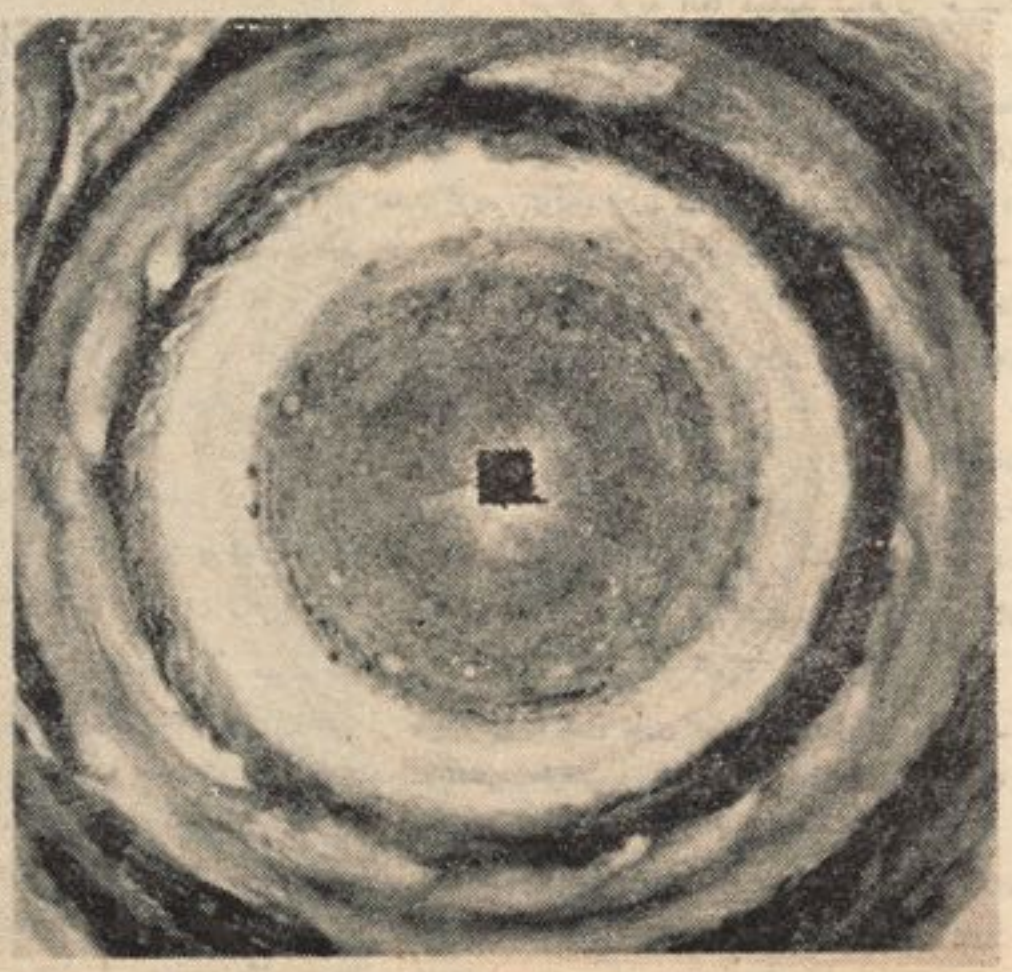
او دغه مساژ پدی توګه اجرا کیږی چه تا رو غ په کلك خا ی‌لکه د کور پر فرش با ند ی او پد اچول کیږی او سر ژرتناخوا راټیټری ملایی خلاصیږی او په دواړو لاسونو چی یو پربل باندی اینبو د ل شو ی‌ډډ‌ټر په لاندنی برخه داسی فشار وار دیږی چه دری یا پنخه سا نتی کینه شی تر خوپدی توګه ژړه غو ند شی او د دهغه خخه وینه‌په لویو شریانو نو کی جریان پیدا کړی او کله چه لاسو نه پورته شی ژړه بیر ته خپل حال ته را خی او له لو یو ور یدو نو خخه‌وینه هغه ته‌راخی بایدوویل شی‌چی دغه عمل با ید په هره دقیقه کرله شپیتو خخه تر او یا خلی پوری اجرا شی .

او په سیز و کی د هوا دبد لو ن دتنظیم دپاره با ید له خو لی نه خو لی ته مصنوعی تنفس صورت ومومی چه دغه عمل باید په یوه دقیقه پنځلس شپاړس ځلی اجرا شی .

باید وویل شی چی دډاکتر تر رارسیدو پوری پورتنی مرستی دبحرانی وخت موده له دیرشو خخه ترخلویښتو دقیقو پوری اوږده وی. چی‌دغه وخت دریا نیما سیونی (احیاء مجدد) خد متو نو دحا ضریدو د پاره کا فی وخت دی .

بقیه‌درصفحه۹۵





عکس های موزائیك مشتری که تو سطویاجر-۱ گرفته شده نیمکره شمالی وجنوبی‌سیاره را طوری نشان میدهد که گویامستقیماازبالا وپائین قطبین مشا هده میگردد. یك‌لکه سرخرنگ بزرگ درقسمت را ست‌نیمکرهٔ جنوبی نیز دیده می‌شود. سا حات‌تاریك که شکل غیر منظم دار ند در قسمت‌مرکز هرکدام از نیمکره وجو دارد درنتیجه ترکیب عکس های جداگانه بوجود آمده‌است.

(۲۱۷۹-۷۹)

ketab.com - The Digital Library



دکتور سامیه عبادی روشنگر.

نقش زنان افغان در جنگ دوم افغان و انگلیس

وقتی تاریخ افغانستان رابدقت مطالعه کنیم می‌بینیم که‌جنگ‌دوم افغان‌وانگلیس ۱۸۷۸ الی ۱۸۸۰ ـادامه همان جنگ اول افغان وانگلیس در سال های ۱۸۳۲ـ ۱۸۴۲ـ است بایـــک فاصله ۳۸ ساله به مشکل میتوان باور کرد که مردم افغانستان بار دیگر این وظیفه‌عظیم دفاع از وطن رابه‌شکل حیرت آوری با وصف نداشتن اسلحه کافی در مقابل بزرگتریـــن امپراطوری جهان بدون‌کوچکترین مقاومتی‌انجام داد .

بعداز آنکه دولت انگلس‌جواب ولتیماتـوم خودرا از امیرشیرعلیخان بموقت موعـــود آن نگرفت فیصله کرد که از سه محاذسرحـــد افغانستان را عبور وبداخل آن حمله‌ورشود که البته ایـــن یك بهانه بود ولی در عین حال مبارزین افغانی نیز آرام نه‌نشسته در صدد آمادگی برای دفـــع دشمن بر آمدند دربین مجاهدین زنهای افغانی کـه‌در طـول محاربات تاریخی دو شادوش مردان جنگیده و پیش رفته اند نیز شامل بودند که ماازفعالیت وسربازی ایـن زنان مبـــارز دا سنا تنهـــا اسناد و شواهد زیادی داریـــم که بیشتر به افتخارات ملی وشیون تاریخی مامی‌افزاید وسطور برجسته و زرین تاریخ ما را تشکیل میدهد .

چون هویت اکثر از این شیرزنان مبارز معلوم نیست در این جافقط چندتنی را معرفی میداریم که از آن جمله‌دختر امیر شیرعلیخان پیغله ملالی افغان ،مستوره دختر غازی‌میربچه خان کوهدامنی ، مجاهدنامی وبزرگ جنگ‌دوم افغان وانگلیس ، زهرای‌عاشقان عارفانی،بی‌بی عمدم باشنده‌قریه هندکی(یا چپلستون‌فعلی) وفعالتر وجانبازتر عمه ادی غازی است .

وظیفه این میرمن های سرباز افغان‌درجنگ هابیشتر رساندن آذوقه ، تیمار داری وآب دادن بود وهـــم در وقت عبور سپاه دشمن از بازار ها بانداختن سنگ وکلوخ وآبجوش بر فرق ایشان از بالای بام هاو دیوار هـــا به پیکار خود ادامه میدادندو بیشتر به شکل جنگ های گوریلایی که‌از قرن ها مـــردم افغانستان به آن آشنایی‌داشتند در حمله‌های برق آسا وشبخون هامردان راکمك میکردنـد قسمیکه تاریخ نشان میدهد قوای انگلیس‌با مردمی روبرو شده‌بودکه پیروزی وبرداختمی دانسته‌و اندیشه شکست دردل شان خطور نمیکرد .

در سرآغاز تحقیق خود ، پیرامون مبارزات زنهای افغانی در جنگ دوم افغان وانگلیس، نقش مستوره دختر کلان غازی میربچه خان را که مبارزات وی صفحه دیگر از تاریـــخ ماست روشن میسازیم . وقتی جنگ دوم افغان وانگلیس (۱۸۸۰ـ ۱۸۷۸) شدید شد اذوقه روبه تمامی‌میرفت‌مستوره‌بدون استیذان پدرگندم غله راباز کرده گندم وآرد بیـرون آورد وبین خانه ها ، دهده سیر تقسیم کرد نانان پخته کنند بعدا نان هارادربین پوست گاو پیچانیده (تافاق‌نشود) وبامشك هـــا ی آب بدوش خود وسایر زنان مبارز داده بـــه جبهه می‌رساندند .

زن مبارز دیگر ، یکی از دختران امیر شیرـ علیخان که اسمش معلوم نیست ، میباشد وی گرچـــه مستقیما در جنگ حصه نداشت‌مگر تمام زر وزیور خودرا بیکی از مبارزین دادکه اسلحه بخرد وبین مردم تقسیم کند تاباشد که‌بالوسیله باانگلیس هـا مقابله و آنهـــا رااز خاك بیرون کشند .

یکی دیگر از ایـــن مبارزین که داستان جالبی دارد زهرای عاشقان عار فانـی است. زهرا با پسر همسایه خود عبدالله نامزد بود بروز سیزدهم دسامبر ۱۸۷۹ که‌روز نکـــاح شان بود وقتی عبدالله را به مجلس عروسی برای حنا آوردند زهرا طعنه آمیز گفت :

جوانان عاشقان وعارفان همـــه به جنگ فرنگی رفته اند اما توبه فکر عروسی استـــی این طعنه وکنایه بر عبدالله کارگر آفتاد داماد به‌هیجان آمده گفت: راست گفتی در چنیـن روزی مرد باید در میدان جنگ باشد نه در محفل عروسی . من رفتم‌اگر برنگشتم زهرارا در دنیای دیگر خواهم دید . عبدالله سیلاوه وتفنگچه خودرا بر داشته به جبهه رفت روز دیگر مبارزین عاشقان وعارفان بعد از آنکه قوای دشمن را تا قلعه شیر پور تعقیب کرده بودند مرده عبدالله رادر خانه مادر پیرش آوردند زهرای عروس آمد وتنها انگشت‌حنادار عبدالله را بوسیده به مادرش گفت گریه نکن من تازنده ام در عوض عبدالله من فرزند تو- هستم این دختر جوان‌قسمیکه وعده داده بود تادم مرگ در خانه عبدالله بود وبنامش‌زندگی کرد . مقبره این‌دو جوان‌ناکام در جوارزیارت عاشقان وعارفان (ع) است .

حالا زنی را معرفی میکنیم که اسمش‌بی‌بی عمدم بنت سیداحمدخان ازاهالی قریه هندکی (چپلستون) است که خود در جنگ دوم‌افغان و انگلیس درجمله ادی غـــازی ها در جنگ چهار دهی اشتراك داشت وتا سال ۱۳۱۹در قید حیات بود . مقبره وی‌در شهدای صالحین در جوار قبر پسر بزرگش میرهاشم خان‌وزیر مالیه امان الله خان بابر جاست. بی‌بی عمدم قصه میکرد که درجنگ چهارآسیاب و چاردهی وقلعه قاضی ـا زنها باپرتاب کردن کوزه‌و تغاره وسنگ و خشت از بالای بام ها برسر دشمن، می‌جنگیدیم. وهم یکی از قصه‌های دیگرش اینکه یکی از افراد سپاه اردل که‌از طرف قوای دشمن در حمله بالاحصار تعاقب می‌شد به خانه ایشان پناه برد خانواده‌بی‌بی عمدم اردل رابه تنور سردیکه زنها بالای آن نشسته بودند چاو پناه دادند که شرح مفصل آن در کتاب افغانستان در قرن ۱۹ آمـــده است .

حال میپردازیم به تشریح فعالیت هـای ادی غازی فعالترین زن در جنگ دوم افغان‌و انگلیس . ادی غازی کی بود ؟ درباره ادی غازی نظریات مختلف است بعضی از مورخین می‌گویند خانمی بود از وردك عده‌یی عقیـده دارند که وی از سمت جنوبی است عمجنان در باره مرگ وی اختلاف نظر است بعضی عامعتقدند که ادی غازی بعد از جنگ دوم افغان و انگلیس زنده بود ودر دوره امارت امیر عبدالرحمن مقام و منزلت خوبی داشت وبه مرگ طبیعی مرد ولی بعضی دیگر بـه این نظر ند که وی در جریان جنگ در کابل به شهادت رسید .

قرار اسناد مندرجه سراج‌التواریخ‌درجنگ اول‌افغان وانگلیس بر علاوه خانم های دیگر میرمنی بود از مشرقی که‌او هم معروف به ادی غازی بود اما باید گفت که این ادی‌غازی جنگ اول باادی غازی جنگ دوم افغان و انگلیس یکی نیست .

هویت این زن شجاع رااز زبان ملـــك ریش سفید و معمر سلیمانخیل که از اقارب واهل قریه شان بود معرفی میکنیم ، ملـــك میگوید : این خانم از مردمان‌ده نشین‌سلیمان خیل کتواز است اسمش الماس‌و دختر یکی‌از غربای قریه آنجا میباشد شوهرش حبیب‌الله نام داشت که مشهور به حبیب اکا بود وبه سبب کبرسن ، جوانان اورا (لوی‌اکا) خطاب میکردند بعداز ازدواج با خانم الماس وتولد اولین فرزند شان که خایسته نام داشت ادی غازی بین اهل‌قریه‌و مردم‌معروف به (خایسته موری) شد وبعداز شامل شدن به جنگ افغان وانگلیس به غازی موری ودر بین دری‌زبانان به ادی غازی معروف شد .

قرار گفته ملـــك قریه ایـــن خانم دارای قامت بلند ، چهره گندمی وسیمای برافروخته بسود وخیلی عصبانی به‌نظر میامد باوجودیکه شصت سال از عمرش می‌گذشت ولی جوان وتازه به نظر میرسید .

ادی غازی همیشه کاردبزرگی به یـــك طرفش وتفنگ پنامیرکه قراردروایت همکارانش درجنگ پیوار پسرش به غنیمت برده بود باکار توس های‌سربی به‌طرف دیگرش آویزان بودو در دستش نیزه ای از چوب بلوط که برسر آن بیرق کوچك آزادی نصب‌بود. دیده میشد زیرا هنگام پیشروی قـوای افغـانـی بیرق را به زمین فرو میبرد تا صفوف عقبی

ketabton.com - The Digital Library

رااز وضع پیشرفت پیش قراولان آگاهی دهد.

قرار اسناد تاریخی شجاعت ودانش این زن افغانی در جنگ ، مخصوصا در محاربات قلعه قاضی، کوه‌قرغ چهاردهی . چهارآسیاب وسنگ نوشته وهجوم کوه آسمایی به حدی بود که قشون مبارزین افغانی به نقشه وپلان این میرمن حرکت میکردند .

چرا این زن داخل محاذ شد ؟ گرچه دربالا نوشته شده که وظیفه این میرمن های‌افغانی زیاد تر آب دادن وآذوقه رساندن بود ولی علت اصلی سهم گیری مستقیم ادی غازی‌در جنگ، همانا به شهادت‌رسیدن شوهروپسرش در جنگ پیوار (۱۸۷۸) بود ادی غازی‌بدون اینکه از دیدن این صحنه متاثر شود ویا معنویات خودرا ببازد تفنگ وقطار کارتوس

پسرش رابرداشته‌داخل‌جبهه‌گردید وبه‌حدی در جنگ از خود دلاوری وشجاعت نشان داد که کلمات وحرکات وی سبب بر انگیختن‌رشک وغیرت سایر مبارزین شد .

در جنگ چهار آسیاب وسنگ نوشته‌قوای دشمن که از دو جانب داخل گردید مبارزین افغانی بدسته هاتقسیم شدند زیرا شکست وبر گشت هر گز به خاطر شان‌نبود.

چون در بالا تذکر داده شد که بعد ازوفات میر شیر علیخان وامارت محمد یعقوب قوای دشمن ازسه محاذ سر حد افغانستان را عبور نمود یعنی ازدیره‌غازی خان براه بولان،کویته کوژك وچمن به قندهار دا خل شد ند از پشاور براه جمرود علی مسجد ودکه به ترون شار سرازیر شدند وهم ازکوهات براه تل وپیوار ، جاجی میدان خوست ولوگر، کابل پایتخت افغانستان را اشغال‌کنند‌درمقابل افغان ها نیز آرام ننشسته به مدافعه برخاستند .

در سال ۱۸۷۹ وقتل کیوناری جنگ یاقیام عمومی دو باره شدت کرده غازیان افغانی‌چون میر غلام قادر خان او پیانی ، غازی میربچه خان کوهدامنی ، محمد عثمان خان صافی ، غلام حیدر خان چرخی ، ملادین محمدخان، مشك عالم ، عبدالقادر غزنوی ، عبدالغفورخان سنگری ، عصمت الله خان چبار خیل ومعروف همه غازی محمد جانخان و سردار ایوب‌خان وده ها نفر رهبر دیگر اجتماعات مردم از هر ناحیه برای دفاع از پایتخت به مرکز حاضر شدند فعالیت و جان بازی این غازیان به حدی بود که حتی میر غلام‌قادر خان تمام طلاونقره وزیورات زنانه آنچه از خود داشت ویااعانه جمع میکرد همه را سکه جنگ میرساند چو ن پادشاهی در کشور نبود تابنام اوسکه زندوخطبه‌خواندلهذادرمسکو کات نقره‌یی این بیت‌را منقودمیکرد.

میکنم یوانگی تابرسوم غوغا شود
سکه برزر میزنم تاصاحبش پیداشود

دراین موقع کهمبارز معروف ماسیه سالار محمد جانخان مصروف‌خدمت‌دفع فتنه اشرار درکوهستان بود از حمله اچنبی و شروع جهاد شنید باتمام قشون خود به کمك غازیان کابل شتافت اما بواسطه‌قلت سپاه موفق نشد ودوباره برای جمع آوری قوای افغانی آمادگی گرفت سپاه دیگرافغانی در حصه‌لوگربا قواء یکه به‌رهبری غلام حیدر خان چر خی بود یك جاشده دسته دسته با قوای محمد جانخان پیوستند دراین معرکه صد غازن افغان نیز حصه گرفته بودند که ازآن جمله ۸۳تن کشته شد این زنان مبارز از وردك زرمت از طایفه صافی وغلجایی مشرقی‌و شمالی بودند در جمله این میرمن ها غازی ادی نیز شامل بود وبه حدی شجاعت ودلاوری نشان داد که به‌جرات مردان افزود وقوای دشمن راتارومار کردند .

ودر همین محاربه قلعه قاضی و شکست عساکر دشمن جز قوماندان اعلی و چهل سوار آن بقیه همه کشته شدند تاریکی شب مانع پیشرفت جنگ گردید فردای آن مبارزین‌تگاو ونجرو به قیادت محمد عثمان خان صافی وارد کابل شده بر کوه آسمایی سنگر گرفت

دراین جنگ شدید باوجودیکه قوای دشمن شکست خورد محمد عثمان خان صافی نیز باسپاه خودبه شهادت رسید . روز بعد محمد جانخان جنرال نامی جنگ‌دوم افغان وانگلیس قوای عسکری وملکی را بدو دسته تقسیم‌کرد یکی بطرف کوه شیر دروازه ودیگری به طرف قلعه شیرپور شتافت از کوه آسمایی که‌سنگر شان بود می جنگیدند در نتیجه به شکست قوای دشمن منجر گردیده یك دسته آن ازکوه آسمایی بطرف قلعه شیرپور سرازیر شدند دربین این دسته ادی غازی نیز شامل بود . غازیان افغانی تا فاصله سه صد متری قلعه رسیده بودند که آواز این زن مجاهد خاموش شد مبارزین وقتی‌قلعه راتسخیر کردند متوجه شدند که ادی غازی روبه آسمان بر زمین افتاده ازسینه اش خون جاری است وتفنگش را نیز برده بودند ولی بیرق هنوز در دستش بود .

قرار شواهد تاریخ معلوم نیست که جسد ادی غازی چه‌وبه‌کجا دفن شدمگر از قول مورخین معاصر ، زیارتیکه در سرك کارته پروان واقعست قبر ادی غازی است که لوحه سنگ قبرش به‌امر امان الله خان ساخته شده است .

بفرزندانتان‌حس‌وطن پرستی بیاموزید

بر اساس متون تاریخی و تحقیقا ت مستشرقین بزرگ جهان از تشکل فامیل‌های ماقبل التاریخ در حدود یکصد هزار سال میگذرد .

این فامیل های مادر سالار چند صد نفری همیشه بادرنظر داشت منافع کل قبیله، درراه دفاع ، ازمناطق اصلی شکارودامپروری اولیه باجان ودل پیکار کرده اند .

این نخستین نطفه های وطنپرستی درتاریخ انسان است .

پس اولین احساس دفاع از میهن‌بااحساس انسانی فامیل همراه بوده وبشکل یکی از خصوصیات اصلی انسانی تبارز کرده است. وانسان از همان دوران از وطنش دفاع کرده است چنانچه قصه های پرشور وحماسه‌آفرین قهرمانان وطنپرست درین زمینه زیاداند .

تاثیر فرهنگ مادر سالاری بود که برای وطن سمبول مادررا برگزیدند .

پس ای مادران وای فامیل های نجیب بدانید که دفاع از وطن یکی از اولین



اساسات وزیر بنای جامعه انسانی بوده است.

شما مادران وپدران افغانستان ، تاریخ پر افتخاری دارید که هر لحظهٔ آن خود حماسه ایست بهتر از ایلیادها واودیسه هاو شاهنامه ها .

به فرزندان تان حس وطنپرستی بیاموزید، وتاریخ وطن تان را درمسیر عادی آن دربن زمینه پیش برید. آینده این کشور، شگوفانی وآبادی این سرزمین رنج کشیده بدست شما ساخته می شود.... شمامیتوانید همراه باقطره قطره شیریکه در حلقوم فرزند خویش می‌ریزید، درس وطنپرستی، شجاعت ودلیری رادر رگ رگ وجود او بدمید .

معالجات خانگی واعتقادمردم!

اکثر مردم جهان کم وبیش با معالجات خانگی آشنایی دارند وگاهگاهی هم برای درمان وتداوی بیماری های خود و اعضای فامیل خود بصورت بسیار جالب ومفید از آن استفاده مینمایند .

ولی بعضی از مردم دیگر ندانسته و غیر آگاهانه بشکل بسیار قدیمی و بدوی و مضر به‌تداوی های خانگی اقدام می نما یند. حالانکه بکار بردن بعضی ازتداوی های خانگی باید مثل تداوی با ادویه مدرن با احتیاط کامل وآگاهی لازم صورت بگیرد .

همیشه باید بخاطر داشته باشیم که معالجه بهر شکلیکه باشد ، یعنی خواه با ادویه مدرن صورت پذیرد ویا خواه باتداوی خانگی، باید با احتیاط کامل و جدی تطبیق شود . کاری نکنیم که برای صحت مامضر باشد ... چون هدف اصلی سلامتی جسم‌است نه خرابی آن .

تداوی های موثر خانگی :

بعضی از تداوی های خا نگی نسبت به

بقیه درصفحه۵۹

ketabton.com - The Digital Library



از ناظم حکمت

سر توحید و قدرت علم

آتشی که دردرونم بود ،
شعله ورتر است .
وآنچنان روز افزون
که اگر دل صلابت آهن داشتی ،
تاب آن نیاوردی
آب گشتی .
دررسید هنگام «ظهور» و «خروج» ما ،
خاکیان، خاک را ازآن خود خواهند کرد ،
وبه حکم «سر توحید» و «قدرت علم»
مهر باطل (برهمه نادرستی ها)
خواهند کوفت

ازمرگ

هرگز از مرگ نهراسیده ام
اگـر چه دستـش ، ازابتذال ، شکننده تر بود
هراس من ـ باری ـ همه از مـردن در سر زمینی است
که مزد گورکن
از آزادی آدمی
فزونتر باشد

جستن
یافتن
وآنگاه
به اختیار برگزیدن
واز خویشتن خویش
بارویی بی افکندن ...
اگر مرگ را از این همه ارزشی
بیشتر باشد

حاشا که هرگز از مرگ هراسیده
باشیم ....

الف ، بامداد

ویارم پدی ...

ویارم پدی چی می ظالم کله‌ستایلی نه دی
ویارم پدی چی‌می هغه‌نه شعرلیکلی نه‌دی
تل می دخپلو رنځورانو کړیدل لیکلی
تل می خوارانو ، غریبانو ژړیدل لیکلی
ویارم پدی چی ماچوکی او رتبه غوښتی نده
اصلی خبره می په پردی نقاب‌کی نغښتی ندی
هغه ساده ژوند می اختیار کـړلودنن لپاره
قبول می هرڅنگه فشار ګرلـو دنن لـپاره
ویارم پدی ...
ویارم پدی چی غلامی، می‌هیڅ قبوله نکـړه
دګلخانی مانی می لفظ کی ورمقبوله نکـړه
ماداوموخښتو کورونه دیوالـونه ستایـل
یامی په غروکی شپنو خـواږه‌سازونه‌ستایل

ویارم پدی ...
ویارم پدی چی شاهی‌ارګ‌نه‌هیڅ ورغلی نه‌یم
سوی آهونه می ا یستل خوژړیدلی نه یـم
زغمل می هرڅنگه ظلمونه ، ستمونه پر خان
داچی وطن راباندی ګران ؤ نښتیدلی نه یم
ویارم پدی ...
ویارم پدی چی نن ولس کی نوی شور راغلی
په دردیدلو زخمی زړونوکـی تودااورراغلی
دخپل هیواد د آبادی او سوکالی په خاطـر
هغه بی وزلو په متانو کی نن ژ ر ر راغلی

ویارم پدی ...
ویارم پدی چی می بزګړیه خوله خنداولیده
هم می ټوپونه یوم‌پلاس باندی ګداولیـده
بادار په چیغو ، چیغوژاړی او ننداری ټکوی
ماده‌زدور په سرکو سترګوکی موسکاولیده
ویل می کله په راڅی چی دغه خان وژاړی
په‌کټ‌کټ خاندم چی می داشانته زړ او لیده
ویارم پدی ...
ویارم پدی چی دهیواد چاری په‌ټولوشولی
دخوښی ورځی اوس په برخه دکمزورو شولی
چه به یی کندی را کیندلی دلویدو لپاره
په‌لوړه ناست یوهغه‌کندی اوس‌دهمغو شولـی
ویارم پدی ...

ویارم پدی چی افغانان خپل دښمنان پیژنـی
چی انسانان به ئی خوښل هغه وحشیان پیژنی
دا «افغانیار» ورته ناری وهی ټکره شروروئو
ټوپك پـلاس کی ولس پاخیدګواګیان پیژنـی

ترمحمد «افغانیار»

چه عجب شد که یاد ما کردی

وه چه خوب آمدی ، صفا کردی — چه عجب شدکـه یاد ما کردی
ای بسا آرزوت مـی کـردم — خوب شد آمـدی ، صفا کردی
آفتاب از کـدام سمت دمید — که تو امـروز ، یاد ما کردی
از چه دستی سحر و بلند شدی — که تفقـد به بینـوا کردی
قلم پا بـه اختیـار تو بود ؟ — یـاز سهو القلـم ، خطا کـردی
بی وفایی مگـر چه عیبی داشت — که پشیمان شـدی ، وفا کردی
شب مگـرخواب تازه یی دیدی — کـه سحـر یاد آشنـا کردی
هیچ دانی کـه اندرین مـدت — از فراقـت به ما چه ها کردی
با تو هیچ آشتـی نخواهم کـرد — با همان پاکه آمدی ، بر گرد !

ایرج میرزا

ketabton.com - The Digital Library

دتوږ یالو غږ!!

سالو ، انقلاب په خپل
مور په ، قربانۍ سره
ورک به ئې ، دښمن کاندو

مور په ، آسمانی سره
مو ږ ه ، یو کیدل غواړه
وران یو ، خانځانی سره
مات به، دفرنګ چم کړو
مور به ددوی ، غږ نه کړو
جوړ به‌یی ، په‌کورغم کړو
زوند به ، دتودو سم کړو
ورک به ، اخوانیان کاندو
دلته چې ، رسوا شی ټول
داسی به‌یی ، وشړو

ورک چې شی، تیاښی ټول
خلک غولوی، په‌دین
ټول کاندی، په‌دام کې ښکیل
مرسته ، ارتجاع کوی
دی ، خلور پښو سره
چم د، استعمار دډول
دوی د، نخیدو سره
داتالی څټان ، روږدی

دی خوږو ، پستو سره
دلته د ، تودو مینځ نه
راشی ، لوی بلا جوړ شی
یاورنه، دروغجنی پیر
یاورنه، آغاجورشی
پایه یوچم ، پایه بل
خلک ټول ، بیګاره کړی
یو باندی ، دبل خونه
ورانه کړی ، ویجاړه کړی
دوی په کې ، مستی کوی
غوښی‌د، مظلومو خوری
کرکه، راولاړه کړی
خلک ئې ، نورنه منی

جوړ ورکی ، پسات ښکاری
نور خوک، غولوی نشی
مینه د ، نجات ښکاری
دلته اوس ، داخلک نور
جوړ دخپل ، کسات ښکاری
دلته ئې ، دخلکو ګوند
خلک ، پوهولی دی
دلته ئې ، خلقی دولت
خلک په ، وحدت کړه ټول
دوی ، استعمارنه منی

دوی ، استثمار نه منی
درومی خپل ، هدف پسی
دوی بله ، لارنه منی
رول په خپلو ، شخو باندی
خوک د ، اختیار نه منی
دوی په ، خپل وطن باندی
والک د ، اغیار نه منی
دوی د ، آزادی لارکی
مرګ څنی ، نولارنه منی
چاربه شی، له لویشت لویشت نه
وینی به ، پری تلی کړی

دادشوم ، اغیار هیلی
دوی به ئې ، بدلی کړی
دوی به ، لا «چټکه» پری
سری سری ، لمبی بلی کړی
دالمبی به ، مستی دی
سیمه به ، رڼا کاندی
زوند د ، انسانانو نه
جوړه به
دنیاکاندی .

چټک

وقت کاراست

ای دل زجفای دیده یاد آر
زان اشک بره چکیده یاد آر
این نکته تا گزیر نشنوی
وین قصه تا شنیده یاد آر
ز آنروز که اشکبار بودی
در گوشهٔ غم خزیده یاد آر
امروز که زخم یافت مرهم
زان جسم بخون تپنده یاد آر
گر گیسوت تو بریده ای یار
زان پیر هن دریده یاد آر
امروز که چهر بخت دیدی
زان عارضهٔ ندیده یاد آر
امسر و ز که شد بهار پیدا
زان باغ خزان رسیده یاد آر
هر وقت که قصد کار کردی
این یك بیت گزیده یاد آر

غافل منشین که بخت یار است
هشیار نشین که وقت کاراست

«بهار»

در میان پاکبازان

آتشدر با آتش دل ، ساختم تا سوختم
بی‌تو ای آرام جان یاساختم یاسوختم
سردمهری بین ،که کس برآتشم آبی‌نزد
گرچه همچون برق ازگرمی سراپاسوختم
سوختم‌امانه چون شمع طرب فزابین‌جمع
لاجرم، کزداغ تنهایی بصحرا سوختم
همچو آن شمعی که افروزندپیش‌آفتاب
سوختم در پیش مه رویان و بیجاسوختم
سوختم از آتش دل،درمیان موج اشك
شور بختی بین ، که درآغوش دریا سوختم
شمع‌وگل هم هرکدام‌ازشعله‌ای‌درآتشند
درمیان پاکبازان ، من نه تنها سوختم

«رهی معیری»

شعرونه لیکم

زه خو شاعر نیمه ، شعرونه لیکم
زه خو د خلکو ارمانونه لیکم
زه د شپونکی دا شپیلی په نغمو
د زیار کښانو احوالونه لیکم
دکاریګر او د بزګر له ژوندون
نیمه خونډوره داستانونه لیکم
او د علمی دنیی لید سره سم
زه تاریخچی دجنبشو نه لیکم

ای ! مبارز انقلابی ملګرو په
سپتا شهامت په کتابونه لیکم

نورمحمد (فیضی) اسفنده ۵۱

ketabton.com - The Digital Library

دنیای اطفال

از مباحث تربیوی

مترجم (لیلا حیرت)

والدین واطفال

نقش بارز ومؤثر اجتماعی اطفال

از نگاه بشریت (اطفال) چه مفهومی رادارا می‌باشند ؟

از نظر بیولوژیك بمعنی ادامه نسل بشر، واز لحاظ تاریخی : بیانگر آینده نوع بشر است که آینده بمشکل ازآن دانسته شده میتواند ـ اما از نگاه اقتصاد سیاسی بمعنی تولید کنندگان آینده یعنی (مولدین زمان) اند ـ ولی از جامعه شناسی آنها نسل جدید وشخصیت هایی را بمیان مـــی آرند کـه ساختمان قشر های جوان ونیازمند جامعه را ساخته در نتیجه به جزء متشکله قشر ها ی سیاسی وخلاقه جامعه مبدل می گردند .

تمام جوانب متذکره د ر حیات انســـان اهمیت قاطع دارند لیکن جنبهٔ دیگری که نه تنها اهمیت حیاتی را حایز می باشد بلکـه اهمیت بیشتر اجتماعی را نیز دارد . بلی‌اطفال در السانی ساختن انسان نقش عمده را ایفا می کنند، بعبارت دیگر علاقه مندی به جهان طفل وآرزو های او در بهتر ساختن حالـت خود کودك وزندگانی او جوهراساسی دماغ انسانی را بوجود می آورد ورفته رفته بمرکز فعالیت دماغی تبدیل می شود .

آن علاقه مندی تنها یك خصوصیت اخلاقی وروانی نبوده بلکه یك سنگ، تهداب آن همه چیز هایی است که حایز روحیهٔ انسانی می باشد ، عدهٔ بسیاری فکر می کنند کـه تربیهٔ کودکان یك قرار یا نظم یکجانبـــه است ، یعنی انتقال تجارب روانی از یك‌سطح پایان اطفال ـ مربیون را تربیه نموده بالخاصه (بزرگ سالان) به سطح دیگر (اطفال) لیکن تربیه درست ومثبت همیشه یکنوع خود ـ آموزی بوده وما از اطفال خود همانقدر می ـ آموزیم که برای شان می آموزانیم ـ ظهور آنها یك نوع طرز تفکر جدیدی در مابوجود آنها یك‌نوع طرز تفکر جدیدی در مابوجـــود برروی ماباز می کند . وآن عبارت ازقلمرو عشق والدین می باشد .

حقیقتا اطفال بر بزرگسالان تاثیر مستقیم دارند، بر تمام روش وسلوك وظهور شا ن . ارتباطات بین خویشاوندان نزدیك هم یـك گونه تبادله پاره های شخصیت است پس به دادن سهم وحصه ازشخصیت خودبه‌کودکان، بزرگان بنوبهٔ خود، سهم خودرا از اطفـال جذب می نمایند.. چنانچه لیاکان مامیگویند، تولید مثل خلوصیت ، اعتماد، صراحـت و سادگی همه اینهادروالدینش بعضی ازاشکال دیگر همین خصوصیات روانی را ایجـاد و محافظت می کند .

اطفال بموالدین خود یك‌منبع نیـروی ثبـات روانی وخلاقیت بوده پیوسته پدر و مادر را دچار حیرت می سازند وآنها را با سوالات غیر مترقبه ومملو از کنجکاوی خود که باید بزرگان استعداد ذکایی و فطری شـــان را پرورش وتقویه نمایند متعجب می گردانند .

این غریزهٔ تجسس وآموزش که ما آنرا کنجکاوی می نامیم یکی از احساس عمدهٔ جوهر دماغ طفل است . این «چرا های» بی آن مربیون که قابلیت رشد را دارند وتعلیم وتربیه رادر آن ها تحریك می کنند متوجه استعداد های طفلکان می شوند .

ازین جهت گفته می توانیم کـــه (طفل پدرانسان است) آری تحریك کنندهٔ ایده‌های عالی وافکار روانی در انسان است با اینکه این نقش را بخودی خود ایفا می کنند، اما ناگفته نماند که قوی ترین نقش اســـت . این نقش بصورت کامل وقتی می تواند ایفا شود که روابط اجتماعی نیز به عین سبـــك انسانی یعنی سوسیالیستی تشکل پید ا کند ووقتیکه قشر کامل جامعه از نقش قابل‌انتقال اطفال آگاه شوند طبیعی است برای ظهور وتبارز آن زمینه را مساعد می سازند .

این آگاهی نخستین قدم های شان رادر جهان می گذارد با اینکه پرابلم ها وتضاد های لاینحل هنوز وجود دارد که حل آنهادر برابر جریان های بزرگ‌اجتماعی، سرشماری کامل، روانی وتعلیمی بروز می نماید .



همانطوریکه والدین دراعمار شخصیت‌اطفال‌سهم عمده دارند برعکس اطفال نیزدرشخصیت والدین ومربیون شان تاثیرمی‌نمایند

مترجم : حفیظ الله عمادی

کودکستان‌ها ونقش آنهادر پروسه رشدشخصیت اطفال

تدابیری که جهت حمایه طفل و مادر در کشور چکوسلواکیا برداشته شده است یکی از عمده ترین تدابیری است که در جهان نظیرآن کمتر دیده شده است ، چنانچه هر سال تعداد زیاد اطفال درین کشور چشـــم بدنیا می گشا یند کـــه این امر مستلزم مراقبت ، پرستاری و مواظبت زیادی میباشد که بایست کودکستان ها وسایر و سایل ضروری جهت سر گرمی اطفال رویدســت گرفته شود تا مادران اطفال باخاطر آرام و آسوده بتوانند در حیات اجتماعی، کار های دسته جمعی وپیشبرد چرخهای زندگی کشور نقش اساسی خودرا ایفا نموده واز حالـت انزوا وگوشه گیر ی که خصلت مناسبات اجتماعی دوره کهن وعتیق می باشد بـدور گردند .

طبق آماری که در دست است برای هر صدنفر زن که در دستگـاه های صنعتی، اجتماعـی ، اداری و غیـره مصروف کارانـد تسهیلات لازمه کامل در نظر گرفته شده تا اطفال شان با خاطر آرام در کودکستان ها تحت تعلیم وتربیه قرار گیرند . زنانیکه دارای اطفال خرد درسنین سه سالگی بـوده در حدود هفتاد فیصد شان در کار های‌بیرون



صحنه‌یی ازصرف غذای اطفال‌درکودکستان

ketabton.com - The Digital Library

ازخانه مصروف بوده و زنانیکه دارای اطفال در سنین سه الی پنج ساله می باشند زمینه کار وفعالیت های دسته جمعی برای ۸۳فیصد شان میسر است تا بتوانند با خاطر آرام در فعالیت شان ادامه دهند .

احصائیه ها نشان میدهد که در آمد اقتصادی زن ها درین کشور بطور اوسط در اقتصاد ملی کشور تز یید رانشان میدهد که این امر نشان دهنده فعالیت زن ها در امور اقتصادی وپیشبرد حیات‌اجتماعی دانسته میشود .

امروز سیستم تعلیم وتربیه در سنین قبل ازشمولیت در مکاتب یکی از عمده ترین وسیله دانسته میشود که در ارتقای سطح درك ودانش اطفال نقش عمده واساسی‌دارد. زیرا نظریه گفته های متخصصین واهل فن سنین یك الی شش سالگی عمده ترین دوره بهبود وانکشاف دفاعی اطفال در آینده دانسته میشود .

درماه دسمبر ۱۹۷۶ در حدود ۱۲ فیصد اطفال‌که درسنین شش ماهگی الی سه‌سالگی

بقیه‌درصفحه ۵۵



درین کودکستان ها اطفال روحیهٔ همکاری‌متقابل رامی آموزند

از نیوزلیتر

مترجم : دکتور جیلانی فرهمند

بازی‌نظافت

بازی نظافت در روی یك صفحهٔ بزرگ کاغذ چهار خانه ومصور یا یك تختهٔ که‌به ۵۰ حصه تقسیم شده باشد صورت میگیرد . بعضی از خانه هابا صفات یا عادات خوب یا بد انسان مزین میباشد . علاوتا چهارسنگچل یا سنگریزه به رنگهای مختلف ویك طاس، بازی را همراهی میکند .

اهداف بازی :

۱ـ توسعه یك عده مفاهیم صحی در بین شاگردان دوره ابتدایی .

۲ـ انکشاف دادن عادت، مراعات نمودن قوانین ومقررات در اطفال .

۳ـ عادت ، مرا عات نمودن نوبت ومنظما بازی کردن با همسالان در اطفال .

٤ـ شاگردان رابه مراعات نمودن نظافت شخصی کمك کردن .

مواد ضروری :

۱ـیك ورق بزرگ کاغذ رسامی یا تخته .

۲ـ چهار سنگریزه به چهار رنگ .

۳ـ رنگ برای رنگ آمیزی .

٤ـ طاس، که از رابر، پائگس، برگ ناریال یا کدام مواددیگر ساخته شده باشد.

طرز تهیه :

۱ـ صفحهٔ کاغذ رابه پنجاه حصه یاپنجاه خانه تقسیم باید کرد .

۲ـ خانه ها دارای نمرات مسلسل از یك الی پنجاه باشد .

۳ـخانه های نمبر ٦ـ۱۷ـ۲۸ و۳٤ عادت صحی مثبت‌وخانه‌های نمبر ۲٦ـ۳۰ـ٤۲و ٤٤ عادات صحی منفی را نشان میدهد .

٤ـ از برگ ناریال یا کدام مواد دیگر یك طاسی ساخته شود .

۵ـ چهار سنگریزه راگرفته، آنها را به رنگ های مختلف رنگ کنید .

طرز استعمال :

دربازی نظافت دو تاچهار طفل میتوانند اشتراك کند . چهار سنگریزه رنگه نیز موجود میباشد . یکی از سنگریزه های رنگه را انتخاب نموده ودرخانه اول بگذارید.

هریك از اشتراك کنندگان به نوبت طاسی میاندازند وسنگریزه خود را مطابق به‌نمراتی که در طاسی ظاهر میشود حرکت میدهند .

وقتی به خانهٔ تصویر دار میرسید ، اززینه هابالا یا پایین به‌خانه یی میرویدکه‌زینه در آن ختم میشود که قرار ذیل اند :

شعار خانه نمبر ٦ : تو دندانهای خود را هرروز برس میکنی . بالابرو .

شعار خانه نمبر ۱۷ : توهر روز حمام میکنی . بالا برو .

شعار خانه نمبر ۲٦ : لباس های توکثیف است . پایین برو وآنرا شستشو بده .

شعار خانه نمبر ۲۸ : تو دستهای خود را مرتب قبل از غذا خوردن شستشو میکنی . بالا برو .

شعار خانه نمبر ۳۰ : مو های تو شانه‌زده نشده است . پایین برو، آنرا شانه بزن .

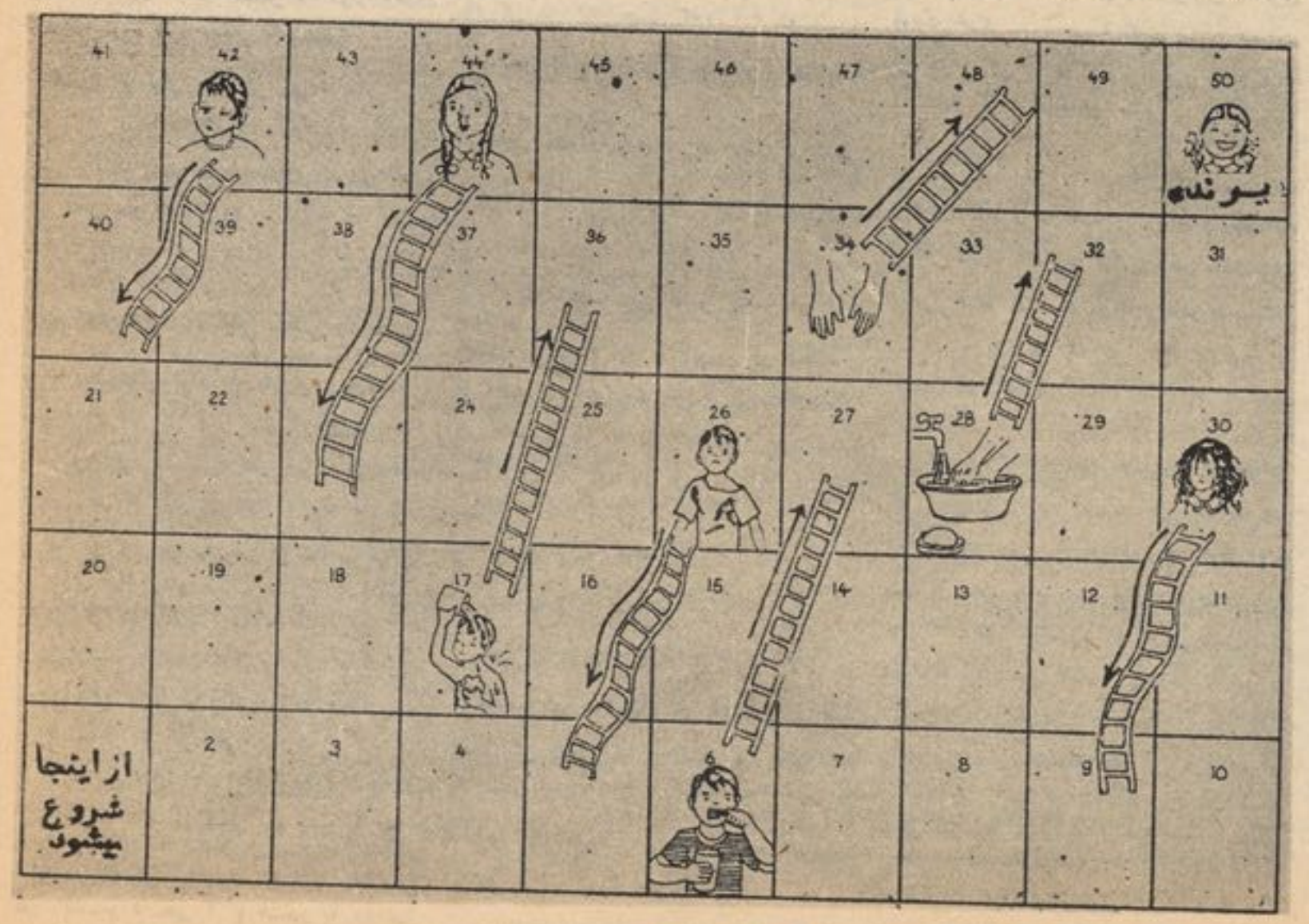
شعار خانه نمبر ۳٤ : تود ستها وناخن‌های پاك داری . بالابرو .

شعار خانه نمبر ٤۲ـ چشم ها وگوشهای توکثیف اند . پائین برو، آنهارا پاك کن .

شعار خانه نمبر ٤٤ : بینی تو سر کرده، بزای بدست آوردن یك دستمال پائین برو.

شعار خانه نمبر ۵۰ : اولین‌کسیکه به‌خانه نمبر ۵۰ میرسد بنام برنده اعلام میگردد .

تعدیل : موضوع این بازی میتواند تعدیل شود که در آنصورت در کاغذ یا تخته تصویر ها مطابق به مقصد خواسته شده تغییرمیکند، درباره بازی جدیدی بیاندیشید مثلا بازی مصئونیت در سرکها وغیره .



جدول بازی نظافت

ketabton.com - The Digital Library

دماکسیم گورکی لیکنه دخوار یکتی ژباړه

موراوزوي

آوازونه چې په خپل پرېا لېتو پ ټانه وو پورته کېد ل . آیا دډېمن له آواز اوخندا خخه بل زړه خور وونکی خه‌شه‌دی؟

دډېمنا نو ټولې و یا لې چې د ښار او نه یې رسو لې له جمدو نو خخه ډکې کې ی وی، د ښار دښاو خوا دانګورو با ځنو نه یې بېخې سو خو لې وو ، کړوند ی یې تر پښو لاند ی کړی وی او د یا غوټو و نې یې له سټې-پرې کړی وی . ښار له هرې خوا خخه برسېره اویې ساتنې ډ اوهره ورځ له‌دښمنانوتوپونه او داورګو زارونه د سر یو او فلز اتو د یا ران په شا ن پې ښار وریدل. دنیمو وړیو سر بازا نو ټولګی چې له جګړ ی خخه ستړی شو ی‌وو په دا سې کې چې ستړ یا او ستو ما نې یې له خپرو خخه معلو مید ه دښا ر په تنګسو کوخو کې ګر خېد ل . له کړ کېږو خخه د ټېپیا نو ډ ر یا دوډ ه او سر سا م آوازونه دښخو د عا ګا نې او زړا، زاری او دما شومانو زړ ا ګا نې او کړ یغې او رید ل کید ی. ټو لو په کراره او غلې اواز خبرې کو لې

او دخپرو اترو په وخت به یې یو دېل خبرې پر ی کو لې او په غور سره به یې غوږ کښېنو د ـچې آ یا دښمن په پر غل پېل کړی دی که نه ؟ په ټیره پیاد شپې له پېل خخه زوند نه زغمونکی کیده خکه کله‌چې ابې اونورسېوری له‌وړاندی غږو نو ددږو له منځه خخه بهر را خو خېدل اوددښمن یو خ یې یو ښه او د ښار دنیم خرا یو دیوالو نو پر لور یې حرکت کاوه او د سپوږمۍ ټیکلی د هغه سپر په شا ن چې د جګړې په ډګرکې لو ید لې او د تو رو له ګو زاروتو خخه یې نا په شو ی وی د غږونو په خوکو را ښکاره کید ه په چو پتیا او تور تم کې فر یاد او چیغې ډېرې وا ضح او رید ل کید ی .

خلك چې له زحمت ډېر او لږوی خخه ناتوانه شوی وو اودمرستې هیله او انتظارېږي

هغه در لود ورځ په ورځ زیا ت نا آمېده کېدل . خلکو په وحشت سره هغې سپوږمۍ دغږو نو تیرو خو کو (لکه داری غاښو نه) د درو وازو او تورو خو لو او ددښمن لښکرو نو غوغا ډك یوخ ته‌کتلې دغوټولو دهغوی په پام کې مر ګ مجسم کاوه تا د هغوی د تسکین له پاره هیڅ دامید ستوری هم نه خلیده .

له‌دی خخه ډاریدل چې‌په کورو نو کې خرڅ یا اور بل کړی په کو خو یا نورې توره تیا ره خپره وه اویه دغه تور تم کې یوه ارامه ښځه چې له‌سر خخه تر پښو پورې‌یې خان په تور یا لاپوښ کې پېچلې ؤ، دهغه کب ځوند ی چې د سپند په ټل کې لامبو و هې له کو خو خخه ټیر پېده خلکو چې به کله هغه لید له یوله بل خخه به یې پو ښتنه کوله .

ـهغه ده ؟

ـهغه ده !

هغه و خت به سملا سې دد هلیز و نویه تاقچو کې پټید ل یا به ټیت سرو نه اوآرام په چټکې سره دهغې له خنګ خخه ټیر پدل

د‌ځمو دډلو قوماندانانو او پېښره دارانو به هم په قهر سره هغې ته ویلې .

میر من ماریا نتا ، ته بیا په کو خه کې یې؟ پام کوه امکان لري تا میړه کړی هیڅوك به هم ستا دقاتل په لټه کې نشي...

ښځه به سمه‌ودریده‌صبریه یې کا وه‌خود پېره دارانو ډله به دهغې له خنګه ټیر پد ه اودازړه به یې نه‌کاوه یا به یې کر کې کوله چې پر هغې با ند ی لاس پو رته کړی . وسله وا ل کسا ن به داسې له هغې خخه لیرې کید ل او هغې ته له ټر دیو الې خخه به یې داسې ټپه کو له نه‌به وا یې چې میړ ی دی ، هغه هم په تور تم کې پاتې کیدەاو بیا ارامه اویوازې‌وی‌خواته روانیده . کو نګه او تیره لکه د ښار د بد بختیو ښکارندویه‌له یوی کوخې‌خخه بلې کو ټې نه تله د هغې چار چاپیر دفر یاد، زړا او د ویرز لوسر یازانو د خپرو اتر وغم لړ لې آوازونه چې بېخې نا آمېده شوی ډهغه نعښو له به هر ځای کې پې ترشا خو خېدل او ځیګر یې ور سوری کاوه .

هغه ښځه چې هم مور وه او هم د هیواد یوه غږی د خپل وطن او زو ی په فکر کړوه دهغه ډېر ښکلې او تا زه خو یې رحمه‌زوی دهغو کسا نو په سر کې ځای درلود چې ښا ر یې ورا نوه . تر خه موډی مخکې مور هغې ته‌په ویاړ سره کتلې او هغه یې هیوادته خپل اربښتناکه سوغات ګانه ډنیکې قوت ګانه چې‌دښار دخلکو دمرستې له‌پاره‌یې زیږ و لې وډا ښار هغه خاله وه چې هم پخپله په هغه ځای کې پیدا شو ی و ه اوهم یې زوی هلته روزلې ؤ. په سلګو نو نالیدو- نکې مز یو دمور زړه په لړ غونو ډېرو پورې چې‌نیکو نو یې له هغې خخه خا نونو ته‌کورونه جوړ کړی ؤو دښا ردیوالونه یې جو ړ کړی وواوله خپلې سره چې د ګډې و ینې دخپلو- انو هډ و کې یې له کلونو شعرو نو او هیلو سره په کې پر اته وو سره ټر لې او مینه یې پیدا کړی وه، او س هغه زړه ډېر نږدې اوګران کسا ن له لاسه ور کړی زا ړی یې کوله هغه‌زړه دتلې په شا ن ؤخو کله به یې‌چې خپله مینه له زوی اودهغه دژېړیدنې ښار سره به دغه ټله کې ټلله یو هید ای نه‌شوه چې کو مه پله در ند ه ده او کومه یوه سپکه ؟

بدی تو ګه به شپو شپو په کو خوکې ګر زیده او ډېرو کسا نو چې به هغه ونه ښېژاندە ډار ید ل به اودهغې تور جسم به‌یې دهغه مر ګ ښکا ر و ند ی با له چې ټولو نه نږدې شوی ؤ. که به یې وېښ ندله هم له‌خا ټینې مور خخه به پټه خو له لیر ی کید ل .

خو یو ه شپه دښار دیوا ل نه نږدې په وړاندې تو ر تم ګو ښه کې مور له بلې ښځې سره‌مخا مخ شوه ، هغه ښځه بې حرکته دخمکې دیو ی ټوټې په شا ن د یو ه جسد په‌مقابل کې په ګونډ ووه. غمجن مخ یې د سټور و خواته نیو لی ؤ دعا یې کو له دهغې دسر دپاسه د ښار په دیوال باندې خا رو نکو سپا هیا نو ورو وروخبرې اتری کو لې او دهغوی وسله چې به دډیوال پرډېرو ولګیده آواز به‌یې پو رته شو .

خائنې مور یو ښتنه وکړه .

میړه دی دی ؟

ـنه .

ـمور وردی‌د ی ؟

زوی می دی . میړه می دیار لس ورځې مخکې وژل شوی دی دا هم ـنن . ورو سته له‌هغې دوژل شوی مور پاخېد له‌اودتسلیم اورضا به‌حالت سره‌یې وویل:

ـپا ك خد ای هرخه ګوری او په هر خه پو هیږی او زه له هغې نه شکر کوم !

مور یو ښتنه وکړه؟

ـد خه له پاره؟

هغې ښځې هم خواب ورکړ .

او س چې داله وطن خخه ددفاع په جګړه کې شرا فتمند ا نه وژل شوی دی .

کولای شم په اسوده حالی سره ووایم، چې ده زما په زړه کې ډار پیدا کړی ؤ،بې باکه ؤ، آسوده او خو شحا له زوند سره‌یې زیاته مینه در لوده او زه ډار یدم چې د همدی له پاره ګو اکې دا هم زمو ږ له ټیا رسره خیانت وکړی اودماریانتا دزوی په شان دخدای او خلکو د ښمن او زمو ږ ددښمنانو مشر نه شی .لعنت پر هغه او پر هغه رحم چې هغه‌یې ز یږولی او روزلې‌یې دی ! ... ما ر یا نتا خپل مسخ پټ‌ګړ اولیږی شوه مګر سپا ور خ دښار مدا فعینو نه‌ور غلې اووېل ووېل:

یاما ووزنی له دی امله چې زوی مې ستا سې دښمن شوی دی یا دروازه پرانیزی چې زه هم هغه نه‌ور شم ...

هغوی خواب ورکړ.

ـنه- انسا ن یې او ستا وطن یا ید تاته ګران وی، ستا زوی همانه راز چې زمور دهر یوه دښمن دی .ستا دښمن‌هم‌دی

ـزه ـموږیم ما نه هغه‌ګران دی او خان ګناهکار یو لم چې دغه راز شوی‌د ی !

هغه و خت هغوی په مشوره پېل وکړ چې خه‌ډګړی تصمیم یې ونیو وی وویل:

شر افت مورنه د ااجازه نه را کوی‌چې تادزوی د ګنا هو نو له امله ووژنو مو ږ یو- هیږ و چې تا ددغه راز مسترې ګناه ګو ل هغه نه ند ی تلقین ګړی او ګما ن کړوچې ته خو مره زلځیږی خو دیر غمل په ټو ل هم د ښار له پا ره لازمه نه یې ، ستا زوی هیڅکله ستا غم نه خوری مور فکر کووچې هغه شیطا ن نه بېخې هیره ګړی یې اوګه‌نه فکر کو ی چې د جزا وړیې همدا جزا ستاله پاره بس دی ! زما په فکر داجزا له مر ګ خخه هم ډېره خطر نا که ده !

مور هم وویل:

ـهو! داجزا ډېرخطر ناکه ده!

ketabton.com - The Digital Library

هغوی دروازه پرا نیسله او هغه یی لـه
ښار خخه خو شی کړه زیات وخت یی دد
یوال له سره کتل چی هغی خر نګه د خپلی
ګرانی خاوری دپاسه چی‌په کښی زیږیدلـی
ده په زیا تو وینو چی زوی یی توی کړ ی
هغه خرو به کړی وه ، حرکت کاوه .هغی
په سستی سره گا م پورته کاوه ، پښی یی
به‌زیا ت زحمت سره له هغه خپلکی خخه‌جلا
او پورته کولی د ښار دمد افعینو جسدو نوته
یی درناوی اوتعظیم کاوه، په پښوسره یـی
په ډیره کرکه ما تی وسلی لیږی کو لی -
مینځی دتیری او یر غل له وسلی خخه سختی
بیزاره او کرکه کوی او یوازی هغه و سله
تجویزوی چی له زوندانه خخه ددفاع لـــه
پاره ضروری دی .

گواکی هغی نړیا لایوښ لاند ی له او یو
ډکـه کاسه درلوده او ډاریدله چی هغه بـه
توی کړی . هر خو مره چی به وړاندی کیدله
هغو مره به کو چنی کید له هغو کـسا نو
ته چی دد یو ا ل له سره یی ورته کتلی‌په
پام کی دامی ورته چی د هغی له هیکـــل
سره غم او خپگان ټو ل هغوی پر ښتی‌وړاندی
کیږی .

وی لید ل چی هغه په نیمه لاره کـــی
ودریده د با لایو پښ خو لی یی له سره‌وغور
خو له او زیات وخت یی ښا ر ته کتلی خو
علته‌دښمن په لښکر خـــای‌کی یی هغه‌لیدلی

وه چی یو ازی دپید یا په منځ کی و لا ړه
وه او د هغی په شان نور نور هیکلو نه په
بیره او احتیا ط سره هغی ته نږ دی‌کیدل.
نږدی ورور سید ل او ویی یو ښتل‌خو ک
دی، چیر ته خی؟

هغه ښځی وویل .

ـسمتا سی سر دار ـزما زوی دی ، هیڅ
یو سر با ز هم د هغی وینا دروا ځ و نـه
ګڼله له هغی سره خنګ په خنګ روا ن
شو ل سته ینه او صفت یی کا وه چی دهغی

زوی ډیر هوښیار او زړوردی‌مورهـــم‌پـــه
غرور او و یا ړ سره سر یو ر ته کاوه.د
هغوی خبری یی‌اوریدی اوتعجب‌یی نه کاوه.

ـدهغه زوی باید همدا سی وای !

بالاخره هغه د هغه‌چا په وړاندی ودر یده
چی له زیږ یدنی خخه تهه میا شتی مخکی
یی ډبزنده .

دهغه موجود په وړاندی وه چی هیڅکلـه
یی هغه له خپل زړه خخه ښهر نه احساسوه
هغه په بخملو نو او ور ښمو کی ټوب ډ او
وسله یی هم په‌جواهر وکی ټوپه وه هرخه
هغه شا ن وو چی با ید وا ی .

په ټیره بیا مور تکرار ـتکرار هغه‌پـــه
خو ب کی دغه راز بډای ، نو میالی او د
ستا ینی وړلیدلی و. هـــغه دمورلاسونـــه
ښکلول اوویل یی .

ـمور ی !ته ماته راغلی یی، نو زما په
نیت پوهه شوی یی همدا سبا به دغه لعنتی
ښار و نیسم !

موروویل:

ـهغه ښا ر چی ته پکښی زیږ یدلی یی.
خوان‌چی د خپل زړه ور تو ب‌خخه‌سرمست
او دزیات شهر ت لیو نی ډ د خوا نی دزړ
ورتیا په مینه یی ویل .

ـزه په نړی کی او د نـــــړی لـــه
یاره زیږ یدلی یم تر خو هغه په تعجب او
ار یا نتیا کی ټوپه کړم !

ما ستا په خاطر پردی ښار باندی رحم
کاوه ـداښار دازغی په شان زما په ښـــه
کی تللی دی او ددی ما نع دی‌چی زه لکه
خرنګه چی غواړم زړدشهرت او سر لـــوړی
خوانه و لاړ شم خو اوس سبـابـه د غـه
دسرکښانو خاله ورانه کړم !

موروویل:

ـهغه خاله چی هر ټیره یی له وړوکوالی
خخه تا پیژنی او په یاد دی لری .

ـټیری‌ـچی تر خو انسان هغوی خبـر و
کو لونه مجبو ری نه کړی گو نګی دی‌ـپر
پرده‌چی غرونه زما په پـــاب خو له‌پرانیزی‌او
خبری و کړی‌زه دا غواړم !

مور یو ښتنه وکړه .

ـخو ـ دخلکو په‌باب خه وایی؟

ـآه !هو هغوی زما په یاددی،موری!
هغوی هم زما لپاره لازم دی خکه زړ ور او
ایلان یوازی د هغوی په‌خاطر انو کی تـــل
پا تی کیږی !

موروویل:

ـاتل‌ـهغه خوک دی ،چی له مرګ‌سره‌سره
ژوند هستوی، هغه خوک دی چی پر مرګ‌غلبه
کـو ی .

ـنه !ورانوونکی‌هم‌دښارونو دښمن‌ایښودو‌ـ
نکو غوندی ټنومیالی او سرلوړی‌دی. وکوره،
مور نه پوهیږو چی دروم ښار رومولوس‌جوړ
کړی دی که بل چا خو، دالاریخ‌اونورو‌زړورو
کسانو نومونه ،چی‌ښاریی وران‌کړی‌دی، بیخی
معلوم‌دی ...

موربیا وویل:

ـهماغه ښارچی‌همیشتی‌دی اوهماغه‌زړه‌وران
چی د هغوی نښه نشته دی.

په‌دی توګه هغه تر لمړیو توپوری له مور
سره خبری‌وکړی . مور به نور کله کله‌دهغه
دلیونی غوندی خبری پریکولی اود هغه‌غیرتمن
اوله غروره ډک سربه‌یی هره شیبه‌زیات‌سینی
ته ورنږدی کیده.

مور ـیی هستوی او ژوندښی،مور،سا‌تنه
اوپالنه کوی دمور په حضور کی د وړانی‌او
ویجاړتیاخبری له هغی‌سره‌ددښمنی اومخالفت
مانالرو. خوان دانشوه ?ولاکولای اوله هغه‌خه
سره‌یی‌چی‌دمور دژوندانه مانا اومفهوم‌ومخالفت
کاوه.

مور ـتل دمرګ دښمنه ده، مور، تـل لـه
هغه لاس خخه‌کرکه‌لری چی دخلکوکورته‌مرګ
سوغوی ددغه لاس سره کینه ناکه دښمنه ده،
دهغی زوی دانه لیده دشهرت اوسرلوړی‌سړی
خلاچی زړه یی بربادوه هغه‌پوندکړی‌وه.

عمدارنګه هغه (زوی) نه پوهیده چی مور،
کله چی هغه‌زوند چی هغه یی دمورپه‌نامه‌منځ
ته راوړی اوپالنه یی کوی دګواښ اوخطرسره
مخامخ کیږی‌ډیره هوښیاره‌بی‌رحمه‌اوبی با که
داړونکی ده .

مورټیټه ناسته‌وه‌اود سرداردخیمی‌له‌برسیره
پردی خخه یی هغه ښارلیده چی په هغه‌خای
کی یی دلومړی‌خل‌لپاره‌دنطفی خوړه اوخوندوره
لرزه‌اود همانغه‌زوی دزپږیدنی ددردوونکی‌سخته
زغملی وه چی اوس یی دهماغه ښار دورانی
نیت‌درلود . دلمړسری اوویښولړلی وړانګی
دښارپر برجونو او دیوالونو خلیدلی،دګرګیو
هیندارو داسی شومه‌خلادرلوده ته‌به‌وایی چـی
ټول ښارټپی واودزوندانه سره شیره دهغـی
له سلګونو ټپونو خخه بهیږی . وخت تیریده
ښار دمړی دپاتی شوی‌جسد غوندی،لږ، لـږ
توریده ، ستوری دهغی له پاسه‌ښکاره‌شول
اودهغو شمعو په شان ووچی دجنازی‌شاوخواته
یی بلوی. دمور نظر دهغوتورتم کوټوتر دننه
رسیده چی دښار خلك ډاریدل چی‌په هـغوی
کی‌خراغ یااوربل کړی، تـــر خوددښمن‌پام
وروانه‌وړی،دهغی نظردهغوسراسرتورتم کوخو
تریایه رسیده. چی دمړوبوی دهغی هوازهر-
جنه کړی وه اودهغو خلکو دخغه‌کوونکی شور
اوخوږ چی‌دمرګ په انتظار وو په‌هغی کـــی
اوریدل کیده. هغی (مور هرخوك اوهرشی‌لیده
ټول هغه خه چی هغی ته اشنا اوګران‌وړ‌یر
نږدی شوی ووته‌به وایی چی مخکی یی پراته
وی اوآرام‌اوصامت‌دهغی‌دتصمیم په انتظارووا‌و
مور احساس کاوه چی دټولو خلکو او دخپل
ښارمورده.

دغرونو له تورو خوکو خخه وریځ،لکه‌دوزر
لړونکو اسونو غوندی دخړ خای اوجلګی‌پرخوا
راکښته کیدل اوده په هلاکت محکوم ښارپر
خواالوتل.زوی یی ویل:

ـکه شپه پوره‌تیاره اوتورتم‌وه ښایی‌همدا
نن‌شپه پرښار یرغل وکړم !کله چی لمردسری
په سترګو لګیږی‌د، وسلی‌خلا سترګی‌پرښوی
نشی کیدای چی ښه توره ووهل‌شی،په‌دغسی
وخت کی لاس نل غلط ګوزارونه کوی،. هغه
داسی‌ویل اوپه غور سره یی توری‌ته‌کتل.

مورهغه ته وویل:

ـدلته راشه او سردی زماپر ټپرګښیږده
استراحت وکړه اوپه‌یادیی درولهچی‌دوړوکتوب
په‌دوره کی تهخومره مهربانه اوخوشحالهوی
اوخومره ټولوته ګران وی .

خوان‌ومنل او سریی‌دمور پرزنګونوکښیښود
پښی یی وغځولی او سترګی یی پټی‌کـــړی
وییویل:

ـزما یوازی شهرت اوته خوښیږی، ته‌هم
ددی لپاره راته ګرانه یی چی‌زه لکه‌خرنګه‌چی
یم تازیږولی یم.

مورپرهغی باندی ټیټه‌شوه پوښته یی‌وکړه:
ـښځی‌خرنګه‌دی؟

ـښځی ، ډیری زیاتی دی اوډیرزړسړی‌له
هغو خخه لکه هرشی چی‌له عسلودلاهم‌وی‌مور
اوبیزاره کیږی.

موردوروستی خل لپاره له هغه خخه‌پوښتنه
وکړه.

ـته‌داهیله نلری چی‌داولادونو خښتن وی؟
ـ دخه له پاره ؟ ددی لپاره چی هغـــوی
ووژنی ؟ خوك به زما غوندی هغوی ووژنـــی
اوزه به په ځم او خپګان اخته شم اوپه هغه
وخت کی به نور زوړاو ناتوانه یم اونه به‌ډښم
کولای چی دهغوی ځج واخلم .

مور اسویلی وکړ اووی ویل :

ـ ته دیرښنا غوندی سوخوونکی ښکلی
خوبی ئمره یی .

هغه وخندل او خواب یی ورکړ :

ـ هو دیرښنا غوندی سوخوونکی ...

وروسته بیا دماشوم غوندی دمور پرتنـه
باندی ښیده شو .

هغه وخت، مور تور بالایوښ پرزوی باندی
واچوه او هغه یی تر هغی لاندی پټ کـړ ،
غوخوونکی او ټیره چاپه یی دزوی پـــرزړه
ور ښخه کړه اوهغه هم‌یـوټکان وخـــور او
سـلاسی مرشو. مورخوښه پوهیږی چی دزوی
زړه یی چیرته ټپونه وهی . وروسته ترهغی
یی دهغه بی ځانه جسدله خپلو زنګنوخخه
دخیرانو پیره دارانو په پښو کی وغـورځاوه
ښارته یی مخ واړوه اووی ویل :

ـما دانسان په‌نامه، هغه خـه‌چی په‌تـوان
کی می وه ټوطن لپاره سرته ورسول، خوزه،
دمورپه نامه ـ له زوی سره می پاتی کیږم!
تورناوخته دی چی زه بل زوی وزیږم زما
زوندی پاتی کیدل هم دچاله پاره لازم ندی.

هغه وخت یی په قوی اوغښتلی لاس‌باندی
هماغه چاپه چی لاتراوسه یی دزوی په وینو
یعنی په خپلو وینو ـ یی توده وه په خپـل
ټپرګی ووهله اوبرابر په زړه یی ګوزار وکړ-
کله چی زړه دردمندوی ـ په اسانی سـره
کیدای شی چی هغه هدف ونیسو .

پای

ketabton.com - The Digital Library

دماکسیم گورکی لیکنه

دالف .پ.زباره

کـــسات

دنگ!... ږغ دکلیسا دزنګ له ږحـــــه راووت . دغرو نوپه لږی کی خپور شو اوپه غمجن آواز له منځه لاړ. دوهم اودریـــــم ږغ هم لږی ږغ تعقیب کړ اود کلیسا دزنګ مسی خپی د تاریکو غرونو ترخو کو پوری چه په آرا متیا او عظمت ئی صفا او سنه آسما ن ته کنل ویاندی لاهی .

دلوړ ترین غره مخ دخلیدو نکی و آوری پردی پو ښلی ؤ. دایرده چه دلمر لو یدو دورو سټیو ویانګو په سبب سره اوو ښتی وه دسری او خلیدونکی ملایه شا ن خلیدله خود اوږا نګه په کراری له منځه نله اود غرو نو په لږی کی چه خپر رنګه دخټوکوډلی پی په شاو خوا جوړیشوی وی، ټیاره کیدله.

دغرو دلمنی په تل کـــی وړو کی سیـــندپه ښیره بهیده او داو بو خاخکی پی له ټیروسره دلګیدلو په سبب پورته الو تل . دسیند اوپه په نیا ره کی دفلز پهشان بر ښیید لی او ږغ ئی ددی په خای چه زوندی او له شوره پاک وی زړه درد وونکی اوله تازه پاک ؤ حتی خښی و خت فهر جن اود کو کی په شا ن ږغونه هـــم اوریدل کیدل. دایږغونـــهدکلیسا دزنګ له ږغ سره یو خای کید ل اود هغه په منځ کی ور کید ل .

دغرو نو په خوکو با ندی لمر لوید لی اود غرو لمن یوی خولی تـــه ورتهوهچـــی خواږی دور خی رنګابه خان کی ټیره کړی دګر جیا نو وړ وکی کلی جی دغره پهدی لمن کی پرو ت و تر اوسه لانه وو پـــده شوی اوله منځهپیکلهکلهدانسانپـــاپـــه ږغ اوریدل کیده ...

سپین زیری (ماکیسم بوادزه) چی له کلی څخه ښکر لوړ هلته دیوی لو ئی ټیری شانه پټشوی و، ددی ږغونوپهاوریدلـــــوپـــه ژوره ډیره پی صبر ی ګوته د تو پك په خلیدونکی میل باندی کښیښو دله او ترخپلو خږرنګه ګنبوورو خو لالاندیئی کښتیخـــــواتـــــه هلته هغه ټکی ته چی سیند پهپیده اودکلیسا د مسی زنګ ږغ اوریدل کیده په خیر خیر کنل دا سی پی په نظر ورنله چه ز ما ن په دندزغملو او لوړوالی خو خیږی. سپین زیری ورو ورو پدی باور کاوه چه ورځ دخونړی یو را خستلو د مخ لیوی لپاره قصدا پهخپل تګ کی خنډ پیښوی .

خوپه ... هیڅشی دده دکار مـــخهنـــــه شوه نیولای !.

که لازمه شوی وای جی آن یوه اونی، ددی خوږ اونړی لاری ته مخامخ، ټیریشانه ویده شی ، بیایی هـــم انتظار یوستاوخپل آرمان ته رسیده. هغه عزم کـــړی؛ سپین زیری نو ښتل چه کله هغه خا ئیسړی ،له دی نړی لاری خخه را ښکاره شی ، خپـــل وفا داره تو پك ټینګ په خنګ کی ونیسی اودسړی دټهر په کینه خوا یعنی د هغه په زړه باندی یو مرډك تش کـــړی خـــکه چی خو ښتل ئی هغه له آسمه را خطا شـــی او په خوږ کی ولو یږی او حتی یـــو دوغ هډ وکی ئی هم په بد ن کی پا ئی نـــــه شی .

(رومانور ژګواتوا) ... سپین زیریهغهګړی چه (ګوا توا)یعنی دده دزوی قاتل چیغه ووهی ، خپل سر شانه خم کړی اوپه خوږ کی ولیو یږی ، خپلو ستر ګو ته تر سیم کاوه.

ښکاره ده چی وپه لوړی ، خکه چـــی لاره په دغه خواکی ډیره نږی وه ... سپین زیری په خو شحا لی ممکی شو اویا ئـــی دشپی په لږو ګړیه خیر خیر کښتی خوا ته ښکا ږید له .

(ماکسیم) دنیږی له شانه را ووت، پـــه خپلو لاسو نو ئی خان پورته خوا نه وخکاوه ساه یی په سینه کی بنده کړه او غوږ یی ونیو .

ـ(هغه) دی چه سند ږی وایی . دادهغه ږغ دی چی د ګید ړی اوازته ورنه دی .

دارغ ، دهغو خلکو زړ ونه چی چیغی او کوکاری یی واوری ، نرم کوی او وروسته لهدنه داسی وچ اولهقدر ت خـخه ډ ګیږی چهنه په وایی ددوو خنجر ونوله لګید لـــو خخه پیدا شوی دی، په خپله هغه دی چـــی سندری وا یی (ګوا توا) دی . ډیر په دی په انتظار کی یم ؟ ... ډیر باید درنه منتظر شم ـلعنتی سړ یه ؟) ...

(ماکسیم)هم تر شونډ ولاندی دا خبری کولی اوهم نیپه تیارهکـــی دلاریډیپیچـــو مود پیژند لو لپاره خپله هخه ډیر وله او غا ښو نه ئی چیچل .

نورد کښـــــته سازاوازاوږغ نه اویـــدل کیده سند ره ټیمګړی پا ئی شوه .دسندری وروستی ټکی ډیر اوچدرلوداولازمهوه چـــی سندر غاړ ی خپل ږغ نورهم په زوره کړی، خو یا سند ر غاړی له شو قه و لو ید اویایی ږغغوخشولـــه دی کیلهتـــه به وایـــی لکه دسیند په او بو کی چی و لو یږی او یایی په خخګو نو کی ورکه شی ، نابیرهچپ شوه . پس له هغه د ساز تا رو نه هم یـــو کړی ورپږدیدلاو وروستههـــغوی هـــــم چوپتیا غوره کړه.

داس د شیشنی ږغ و اورید ل شو ، په هغه پسی یوه د(هی!...)کـــلمهچـــیپه قهر او لو ړ آواز ادا شوی وه تر خوږ شوه چی پیچو می خو واره هغه په کراری سر ه تکرار کړه ، داس د سا ه کښلو او دننګو دخش خش ږغ چی په خوږکی تویېدل ، واور ـ یدل شو . (راخی هغه دی ! ... په خپلـــه (هغه)دی ...)سپین زیری ټوپك پـــه خنګ کی ونیو اوپه خنګه خپلا ست ټو پك میل ئی یوی نیږی ته تکیه کړ له خا تـــه سره ئی په شمیر لو پیل و کړ او شا ه یی سینه کی بنده کړه : (اوس په له یوهپیچو می خخه راو خر خی ... وروسته په را شـی با لاخره به را مخکی شی ... او بیا به د نه حرکات تکرار کړیدالارډیرهسره تاو را تاویده اودهر پیچ تر منځ واټن وآس له د یـرش ګامهوخخه زیات نه دی ... خو چه سپور د ټوپك میل مخی نه راور سیږی خو نو ری وړی د غا وی هم ویلای شم ...)سپینزیری پهښیره خولـی لـهسره بیرته کړه او پـه ټیټ آواز یی ددعا وویه ویلو شروع وکړه هغه آسما ن ته کنل او هخه ئی کو لـــه چه ددعا وو کلیما ت چه دی ئی زمز مـــه کړی دآس د نعلو نو له ږغ سره مـــــم اومنظم کړی .

(هغه)راورسید .. دعا تمامه شوه .دسپین زیری لاسو نو تو پك ټینګ ونیو . سپین زیری پدی هیله چه هر خو مره ژړه خپل زوی د قا تل خیره ووینی . دمخی خوا نه خبر شو په خپله (هغه)ؤ !

سپورد یوی تیز نوکی تیږی له شا چه دلاری دیوه پیچو می په سرکی وه، نا ښیره

پاتی په۵۷مخ کی

ketabton.com - The Digital Library

بقیه‌صفحه ۲۲

استادقاسم «افغان»...

شناسی استاد مرحوم میگویند .

پس از جنگ استقلال افغانستان ،درزمان سلطنت امان اللهخان وقتیکه مستر سرهنری- دابس- نماینده انگلیس بکابل آمده بود تا راجع به شناسایی‌استقلال‌افغانستان باحکومت افغانستان مذاکره نمایدهنوزمعاهده امضانشده بود از - دابس سوالی گردیده بود که آیادر انگلستان دیگر شخصی پیدا نمیشود که همش از طرف دولت بریتانیا بحیث نماینده شان شما را انتخاب وجهت مذاکره به افغانستان می‌فرستند؟

دابس - درجواب گفته بود:

که‌در انگلستان خیلی اشخاص پیدا میشود که‌بحیث نماینده بریتانیا به مملکت شما فرستاده شوند امامر مرتبه که‌مرا بحیث نماینده انگلیس انتخاب واعزام مینما یند دلیلی دارد وآن اینکه :

من نواسه کیوناری مشهورمیباشم وافغانها، کیوناری رابه بسیار زجر به قتل رسانیده اند از آن سبب هیچ وقت دل من بهمراه افغانها پاك نمیگردد زیرا من با افغانها دعوی خون دارم .

گویند روزی به‌دربار بزم طرب آراسته بود استاد مشغول ساز و آواز بود- مستر- دابس رانیز بدرباردعوت کرده بودند . همینکه دابس به محفل داخل شد، استاد باهمان غرور ملی که مخصوصش بود بدون تامل این شعر را خواند :

میزند چشم کبود توبه مژگان ناخن

ترسم ایشوخ میان مزونوچنگ شود

چون چشمان دابس هم کبود بود این شعر چنان شوریده ومست خوانده شده بودکه مایه شگفتی واستعجاب‌نماینده دولت بریتانیا گردیده بی اختیار به احترام استاد برخاست وبه نزد استاد آمده وبا احترام زیاد از استاد سوال کرد که بکدام‌یك ازآلات موسیقی‌بیشتر مهارت دارد؟

استاد در پاسخش گفت : به همه !

دابس گفت به پیانوهم مهارت دارید ؟

استاد گفت آری !

باز دابس پرسیده بود که آیا از طرز های موسیقی خاص افغانی که خود شما بانی ان میباشید به من هم یاد میدهید؟

استاد گفته بود بلی !

امابیك شرط ! دابس گفت : استاد هر شرطیکه شما بفرمایید من قبول دارم !

میگویند لحظه که‌استاد شرطرا بالای‌نماینده انگلیس (دابس) قبولانداعلیحضرت‌امان الله خان به نزد استاد و دابس ایستاده و رنگش سفید گردیده بود وبخود می‌اندیشیدند که آیا استاد چه شرطی رادر میان خواهد گذاشت.

لیکن استاد به دابس گفت : شرطم‌اینست که من استاد میگردم وشما شاگرد . لهذاهر نغمهٔ ایکه من بیك طرف پردهٔ پیانو مینوازم شما بطرف دیگر آن عیناهمان نغمه رابنوازید- دابس قبول نموده واستاد ترانه استقلال را که جدیدا کمپوز نموده بود نواخت که مطلع آن اینست :

(مکتب ماست جای استقلال - سبق ماست هوای استقلال)

اینجا بود که شاملین مجلس قدرت استاد ونزاکت موضوع رادرك کردند وبه این موفقیت سیاسی که‌استاد قاسم افغان-بدست آورده بود کف میزدند .

میگویند امان الله خان به اندازه‌از فهم موقع شناسی استاد مسرورگردیده بودکه گونه های استاد را بوسه زده بالایش طلا نثار مینمود - دابس‌فکر میکرداز خوب‌نواختن آهنگ افغانی که او مینوازد حاضرین تمجید میکنند لهذا باذوق بیشتر به نواختن آهنگ ترانه استقلال افغانستان میپرداخت حاضرین همچنان کف میزدند که ترجمان از اصل موضوع اگاهی یافت وخاصتا به نکته سیاسی این ترانه که در حقیقت اعتراف آزادی افغانستان از طرف نماینده بریتانیابود متوجه گشت وبدابس را ازنواختن آهنگ باز داشت ومعنی شعر رابرایش گفت. دابس برافروخته شد .

استاد قاسم افغان باگردن افراشته‌خطاب به دابس گفت :

شما نه تنها ترانه استقلال کشور عزیزما را قبول نموده نواختید بلکه شاگردی مراکه یکفرد افغان میباشم نیز قبول کردید پس شاگرد باید حقوق وحق استاد خودرا بداند.

وبعدا شعر حماسی دیگری رابه منتهای غرور ملیت افغانی سرود که مطلعش اینست:

(سرگرندانی غیرت‌افغانیم

چون‌به میدان آمدی‌میدانیم)

دفتر سوانح استاد قاسم افغان نظیر همچو واقعات وموقع شناسی زیاد دارد اگر تمام آنرایگان یگان شرح دهیم شرح حال این استاد بزرگ وار به کتاب مفصل تبدیل خواهد شد وگفتار خودرا بدعای نیك درحق آن استاد بزرگوار خاتمه میدهیم.

وی صاحب مدالهای طلا والماس دانه‌نشان بود واولین کسی بود که در تاریخ هنرکشور حایز مدال گردید.

ریکارد های استاد ازطرف کمپنی هیز ماستر ویس هند ثبت وآنرا بنام ستاره شرق القاب داده اند .

استاد قاسم در ۲۲ سنبله ۱۳۳۵ وفات یافت که روانش را شاد می خواهیم .

بقیه‌صفحه۸

همه چیز درخدمت. . .

مرکزی حزب دموکراتیك خلق‌افغانستان، رئیس شو رای انقلابی ولومړی وزیر جمهور ی‌دمو کرا تیك افغا نستان آمده است عا ری از احسا سات میان خالی وبا ید محتوای کاملا ریا لستیك وعلمی داشته با شد واز همه مهمتر قانون اسا سی جمهوری دمو کرا تیك افغا نستان باید ارا ده‌ومنا فع‌خلق زحمتکش افغا نستان رامنعکس سازد .

باید دانست که در کمیسیون طرح قانون اسا سی جمهوری دمو- کرا تیك افغا نستان نما یند گان‌همه خلق یعنی کار گران، دهقا نان، قوای مسلح خلق ،رو شنفکران مترقی، علمای دینی ومذهبی جوانان معلمان واستا دان، سر ما یدا ران- ملی وتجار ملی ، ملیت های مختلف کشور وامثال آن سهم دا رند واز همینجا ست که گفته میتوا نیم این قا نون در تا ریخ کشور ما او لین قا نون وا قعا دمو کرا تیك‌و متر قی خوا هد بود خوا ست ما از همه خلق اینست تادر طرح این کار سترگ عملا سهیم شو ند وخوا ست ها وپیشنها دات خودرا عما نطور یکه خود کمیسیون نیز خوا سته است به کمسیون طرح قا نون اسا سی بفر ستند وهکذا خوا ست خلق مااز اعضای محترم کمیسیون قانون اسا سی جمهوری دمو کراتیك افغا نستان اینست که:

هما نطور یکه انقلاب کبیر ثور در کشور مابی نظیر ونو آورا ست قانون اساسی ایرا طرح وتدوین نما یند که با حفظ رول محوری‌وقاطع خلق‌در آن بحیث یك قا نون همه جا نبه وعملی در عین حا ل‌یك‌قانون اساسی نمونه‌وعالی باشد. انتظار میرود که شما لوده واسا سی کار کمیسیون طرح قانون اساسی‌جمهو- ری دمو کرا تیك افغا نستان ایدیا- لوژی دورا نساز طبقه کار گراحکام علم متر قی در مورد ساز مان های حقوقی و قضا یی وتصامیم رهبران بز رگ‌جهان ماو هیو ما نیزم‌انقلابی ومتر قی باشد وهکذا از هر ماده‌وهر صفحه یی آن این رو حیه یی وا قعی که خلق سا زنده تا ریخ است همه چیز در خدمت انسان ،احترام بمقام والای انسان، طرد واز بین بردن بهره کشی انسان از انسان وبالاخره تا مین یك حیات وا قعا دمو کرا تیك برای خلق زحمتکش افغا نستان باشد .

زنده‌باد خلق، مقام والای انسان والاتر باد .

۲۳ مخ پاتی

لاریسا،دشوروی اتحاد...

او اخصا صی ډول هو سیقی پراخیا ورکړی اودنوی اویسرا او سودرن بالت سره آشنا یی ترلاسه کړی . باید وویل شرچې داکتور دستر انقلاب خپه دیخه په سایبر- یاکردفو لکلور او فو لکلور یکو اهنګو نو انکشا ف او وده هم ډیره کمز وری وه‌او دفو لکلوریکو آثارو نمونې په هویر ند رت سره دخلکو په مینځ کې لید ل کید ی په (۱۹۳۹) کال دسا ببر یا د (الان اوود و) په ښار کې لو مړنی عصر ی تیا تر جو ړ شو او ددغه کار په نتیجه کې دی ته لاره اواره شوه چې د(ببرویان) د خلکو په فر هنګ او کلتو ر کې تیا ترڅنګ ډیر زور ده او انکشاف و کړی یا په ښه زیه په (۱۹۳۹) کال کې د (الان اوودو) په ښار کې د لو مړنی عصری تیا تر و ښه جو ړیدلو سره ددغه ښار په بیلابیلو برخو کې د یو زیا ت شمیر نورو فر هنګی او کلتوری مرکز ونود ودی او جوړید و لـه پاره غوره شرا یط اویه زیه یو ری امکانات برابر شو ل .لو مړی بدلون داو چې په دغه ښار کې لو مړنی او ابتدا ئی موز یکا ل نندارې او نمایشونه په عصر ی سټېجونو او پرا ګ نو اود یا لت په‌عصر ی نند ارو باندې بدل شی . ددغه کا ر خپه ورو سته په‌خورا لنډه موده کې د شوروی ا تحـادو بهر نیو هیوادونو د کلا سیکی آثارو په نو لیدو لو با ندې اقدام و شو . د هغـو کسانو په جمله کې چې په (۱۹۳۹) کا ل کې دنیا تر د خوانو لو بغاړ و او هنـر- مندا نو سره مرسته اود زیه له کو مـې هیکا ری کو له یو هم د شو روی اتحاد نامتو کمپوزر او مـو سیقی پـوه (ایګور- مو زایوف)و دغه نا مټو مو سیقی پوه او کمپو زر وکړای شو چې دوخت په‌تیر ډیرلو سره نور هنر مندا ن لکه (سادیا اوف) (لاریسا) او (سخا یانووا) وروزی او د هر ډول عصری پارچو دښو دلـو ډیـاره یی چمتو کړی . اوس اوس د (الان اوو دو) د ښار د عصر ی تیاتر و نو مشهور هنر مند (یامپولوف)خان‌ته‌مخصوص‌روش او مخصوص سبك لری او دملی تیاتر ونوپه برخه کـې یی یو زیا ت شمیر شاګرد ان روز لی او شو روی ټولنې ته یی وړاندې کړیدی .

ketabton.com - The Digital Library

سرگرمی ها و مسابقات

تهیه کننده :صالح محمد کهسار

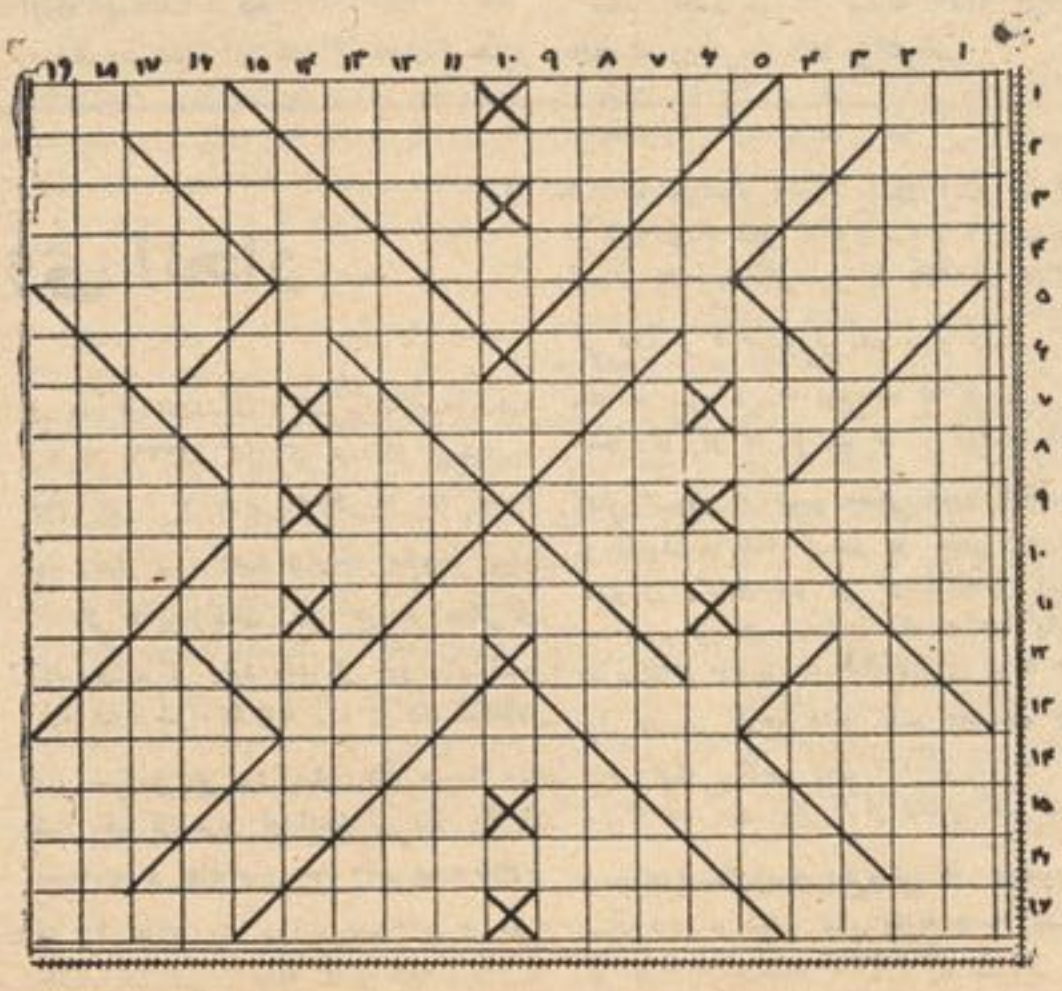
جدول کلمات متقاطع

افقی :

۱ـ کهواره انقلاب ، از جمله چهار فصل ـ ازولایات کشور ما ـ شهر ـ یست که به‌اسم یکی ازشهدای کشور مامسمی گردید ـ ۲ـ ضمیر اشاره، باغ بی‌پایان با علاوه شدن یك حرف قضیه آن شهرت دارد ـ زهر ـ یك حرف و دو خانه ـ ۳ـ پیر، سمبول باریکی ـ مو سیقی شبان ـ قدر آنرا از آنطرف زرگر داند ـ دروازه بزبان عوام ـ از ماه های سال ـ ٤ـ هدایت کننده ـ آوازناتمام ـ ازآلات صیادی ـ خودم ـ آنرا انتظام بخشید ومتوطن گردا نید ـ ٥ـ از دریا هـــــای مشهور افریقا ـ در ماه‌آینده‌می آید عطروگل مید هد ـ نوعی از رنگ ها ـ ٦ـ وغط بی‌آغاز ـ ماده‌حیاتی ـ ضمیمه به‌پښتو ـ بی آغاز چاپ‌شد ـ ۷ـ با کم کمند است ـ در ندم ـ به‌پښتونوبت ـ ازماه های سال به پښتو ـ نصف فارغ ـ ۸ـ درآن عکس را میگذارند ـ جمع ادب ـ بدون دو حرف ون است نوعی از آلات‌مو سیقی ـ ۹ـ خواندن به پښتو ـ برادر بی‌سر (به‌پښتو) ـ هرنوع آنرا نابود میسازیم ـ پایش رافطع سازید یاری‌میکند ـ ۱۰ـ عادت بی آغا ز ـ طعام به املای غلط ـ منظم آن نیکی است ـ با تغییر حـــرف آخر دار است ـ ۱۱ـ بیل نامکمل ـ دوپا نزده ـ کمك ـ ضمیر اشاره ـ باجمع دوحرف اول ستون‌دوازده‌افقی، کندن میشود ـ ۱۲ـ نصف کندن ـ عادت عکس روز ـ بای سر ـ بریـــده ـ ۱۳ـ فلمی به اشتراك منوج کمار، مدد گار ـ از جمله خزنده گان ـ گندم یك حرف و دو خا نه ـ مار بی دم ـ دربین خامه دوپا یشس رابیر ید تااز جمله شعارروز گر دد ـ محل ـ ٦ـ وعظ کننده ـ قدرت ـ ۷ـ نصف‌هفته ـ ضمیر غایب ـ ازابرمی‌آید ـ مادرعرب ازگل بخوا هید ـ ۸ـ ضمیر اشـاره به نزدیك ـ این به پښتو از پرندگان شوم ـ از حیوانات بار بر ـ مریض آنرا میکشند ـ ۹ رسید به املای غلط ـ عطر دارد ـ در سر می روید ـ کتاب مشهورماکسیم‌گورکی ـ ۱۰ اسب‌پښتو حاصل آکسیجن وعاید روجن. آغاز وانجام دود ـ دو یك ـ ۱۱ـ منـظم آن به پښتو چاشت میشود ـ مرگ‌نا تمام ـ ازعلامات تنقیط ـ از کشورهای عربی ـ ۱۲ـ عکس شب است ـ در مقابل خرید آنرا بگیرید ـ بالای ما حقوق زیاد دارد ـ خطر ناك آن در هیرو شیما استعمال شد ـ اسـم ـ ۱۳ ـ اره کوتاه است ـ موسم را نصف سازید ـ بوریا به املای غلط در بین خاور ـ راه کوتا ه ـ ۱٤ یکی از مجلات تیوریك جهان ـ بای ارباب قطع شد ۱٥ـ بالای تنه قرار دارد یك قسمت آنرا جدا سازید ولایت بکنیکاباقی می‌ماند ـ ازحشرات‌مضره به پښتو ـ ۱٦ـ ایستگاه به پښتو ـ نصف و سعت ـ آغاز و انجام در د از حروف لیدر انتخاب کنید ـ ۱۷ـ از روز نامه های معتبر کشورما ـ با ادویه در مان میبابد ـ این ولایت در ستون اول افقی قرار دارد ـ ۱۸ ـ از بین رفته است ـ شور و غو غا ـ منظم آن یکی از مراکز جهان است ـ ۱۹ـ پشیمان ـ از با میان‌میباشد اسم فلمی است که وجنتی مالا در آن رول داشت .

عمودی :ـ

۱ـ یکی ازولسوالی های شـرق کشور ما ـ خلقی ها رابه آن منسوب ساز ید ـ ایمان وعقیده ـ ۲ـ انسانیت وظیفه آن میباشد ـ باپیروزی انقلاب ستر گ نور به این خانواده‌خاتمـه داده‌شد ـ منظم آن روشنی است ـ ۳ـ عمراز وهم صحبت ـ آثار با ستانی در آنجا شهرت دارد ـ کر یستال نیست ـ ٤ـ دروازه دهن ـ پهلوان ـ راکه پخته شد اینطور میکنند ـ ۱٤ـ بدون حرف اول‌بو سه است ـ منظم آن دریا است مرکز تجارتی ـ از مرا کز ارو پائی ـ لباس جدیدکه طرح‌میگردد ـ خوب بود سر ندا شت ـ هو شیار ـ ۱٥ـ بارمغشوش ـ ازجمله غله‌جات ـ داغ نشده ـ اگر سرش می‌بود بدا خـل شریان‌هاوورید هاجریان پیدامیکرد باغ خام‌است ـ باتغییرحرف‌آخر تیر است ـ ۱٦ـ مور سر بریده ـ خود ما ـ بردبار به املای‌غلط ـ نصف حمام ـ ۱۷ـ اگر پای مید' شت ـ فریب ـ یکـــی از حیو ا نات بسیار چا لاك میشد ـ در رابه دو ضرب کنیـــد



ketabton.com - The Digital Library

راجع به کودك ؟



خوانندگان نهایت گرامی مـادر چندین شماره های قبل از شما خواسته بودیم که راجع به‌کودك ازروی روانشناسی چیـز ی بنویسید به همین منظور بسیار زیاد مطالب برای ما رسید خوب حالاهم مابه خاطراینکه این بخش بسیار جالب است ماعکس این‌طفل رابرای شما چاپ نمودیم خوب شما راجـع به زندگی آینده حال وازروی روانشناسی برای ما بنویسید که چه آینده درچهره او نمایان است به بهترین آن جایزه میدهیم .

این ستارهٔ زیبای جهان کیست؟

یکی ازستارگان سینمای جهـان است و پیوسته در دایره شهرت ومحبوبیت‌باقیمانده است ماطی سوالات ذیل ازشما میخواهیم که



اسم ومشخصات اورا بـرای ما بنو یسید.

۱ـاسم این ستاره سینماچیست؟

۲ـدرکدام سال پابه جهان سینماگذاشت؟

۳ـبرای اولین بار درکدام فلـم اشتراك نمود.

٤ـآغاز فعالیت اوباکدام کمپنی فلمبرداری جهان بود؟

٥ـمشهور ترین فلمش درکدام سال بـه نمایش گذاشته شد وبکدام نام‌بود؟

٦ـآخرین فلم او کدام‌بوده است؟

چند اختلاف ؟

درین دو عکس که باهم شباهت کا مـل دارد چندین اختلاف موجود است اختلافات‌را در یافته برای ما بنویسید ودر ضمن یاد آور شوید که آیا دریـــن رسم اشتباهات موجود است یا خیر ؟



در باره کودك

کودکان در جامعه رول مهم را دارند و هرنوع حرکات را ازجامعه می آ مـو زنـد. درین جاما عکس کودکی را برای شما چاپ کردیم آیا میتوانید برای ما بنویسید کـه ازنگاه روان شناسی این کودك چرا به‌این حالت خودرا درآورده است .



کدام طنز آرت ؟

شاید طنز های زیادی از نویسنده‌گان‌مانند عزیز نسین را خوانده باشید ولی درآرت هم یك نوع طنز موجود است . ماازجمله آن یك نوع رسم طنز آمیزرا برای شما چاپ‌کردیم برای ما بنویسید که رسام آن دراین تابلوچه رابطور طنز تمثیل نموده‌است؟



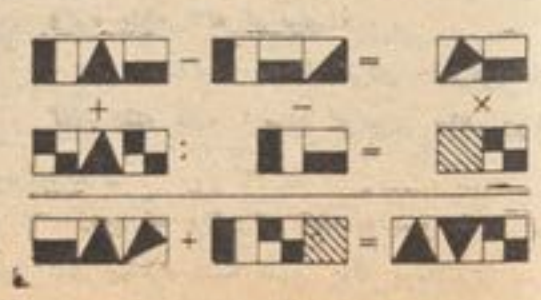
کدام صحنه ؟

زمانی که فاشیست های هیتلری برای‌نفوذ برجهان وگستردن نازیزم اقدام نمودندهزاران هزار انسان را با خاك وخون کشانیدند مـا صحنه یی را که این سیاهکاران تاریخ نموده اند به چاپ رسانیدیم آیا شما میتوانید برای مابنویسید که این ها صحنه ذیل را بخاطر چه بوجود آورده اند ؟



اعداد نا معلوم

درین مساله ریاضی بجای اعداد علامـات مخصوص گذاشته شده است شما اصـل اعدادی راکه به عوض آن علامات گـذاشته شده است پیدا کرده و مساله را حل‌نمایید وحل آنرابرای ما ارسال دارید .



این مرد کیست ؟



در جهان برای اختراع اشخاص زیـادی کوشیده اند تا ازآن راه عاید زیادی هم درپهلوی نام خود کمایی نمایند درین جـا ماعکس یکی از مخترعین را چاپ میکنیم‌که اودر ٢٤جون سال ۱۷۷۱ در پاریس بدنیا آمد اودر سال ۱۷۸۸ بوسیله‌لاوازیه‌کیمیادان معروف که دوست پدرش بود د ر کار خانه باروت سازی اسن به‌کار مشغول شده وپس ازمدت کوتاهی مدیرآن شد بعد از آن که لاوازیه در انقلاب فرانسه کشته شد این‌مرد باتمام فامیلش به امریکا فرار نمود، وتااینکه بااختراع خود از جمله بزرگترین مخترعین جهان شد .



این عکس چیست ؟

به این عکس خوب متوجه شوید آیا شما میتوانید بگویید که این چیست اگر قادربه تشخیص آن شدید اسم این عکس را برای مابنویسید .

حل کنندگان جدول ژوندون

حل کنندگان عبارت ازعظم الدین کا ظمی،نجم‌الدین‌کاظمی، اسدالله،رشید احمد،شیرمحمد محمدصابرحیدری،عبدالولی پوپل وزبیده. تنهافوتوی عظم‌الدین کاظمی واسدالله چاپ شد.

عظم‌الدین (کاظمی)

اسدالله

ketabton.com - The Digital Library

هغوی چې ژوندی دي

« ژان لافایت »

تیریسی

داشغال په لمړی وخت نوکی دیوی تجارتخا نی مامور و .ددی لپاره چې یی غو ښتل خپل هیوادته خدمت وکړی د خو ورو ستیو میا شتو په اوږ دوکی ګوند سره دار یکو دټینګو لوبه لټه کړو ، او ددی لپاره چې ناامید شود (والمې) نومی چریکی ډ لـی سره یی اړ یکه ټینګه کړه . دآلما نیانو په یوه هو ټل باندی یرغل د سیمون‌لمړنی دنده‌وه چې ورته ورګډشوی و، هغه باید یولاسی بم‌پردغه هوټل باندی واچوی ، په ټاکلی وخت خپل ځان یی دهو ټل د کړکیو شاته ورساوه په هوټل ګډدننه یوالمانی ار کستر نوی په سند رو پیل کړی و به همدغه وخت کی دارکستر یو غړی چې یو پنډسړی ودی یې‌ولیدو دفعتا یې‌ګړکی خلاصه کړه، سیمون دوخت څخه په‌استفادی سره بم دچیبه څخه را وایست اودسالون منځ کې‌واچاوه او وروسته په ډیر آرامی سره یا پسکل باندی سپور شو اود هغه‌ځایه څخه وتښتیداودهماغه لاری‌څخه چې‌راغلی وبیرته ستون شو. هغه ګډه ګډو نه او غږونه چې دبم د چاودیدو څخه ورو سته

منځ ته‌راغی ، زموږ ساتونکی‌ملګری ولیدل چې دژیاتوکرلیچو نو اوګډونډ یتوپ سره تښتیده .د سیمون ددندې دغه‌برخه ټر ټولونه له خطرو څخه ډکه وه دا څکه چې هغه یوا ځی خو ورځی مخکی هغه هډ ټیښتی لپاره بایسکل زده کړی و ، او س اوس چې سیمون هروخت دغه‌ګیسه کوی یوا ځی پدغه موضوع باندی ټینګا ر کوی چې په هما غه ور ځ دده با یسکل زده کول تکمیل شو.

پدغه وخت کی سیمون دماشین ګډونود نشان نیو لو په هلکه سو چ کوی او دا سی ښکاری چې دیوه مهمه موضوع په شاوخوا کی سوچ کوی . دده هغه‌دوست‌چې(تریی) نو میړی او پخوا دده مسو و ل هم ووغوږ کی یې‌څه وایې‌دهغو دخبرواتروپه‌هکله ښه نه پو هیږ م .

یوګشتا پـو چې ظاهرا دکاروان مسوولیت یی ور په غاړه ده، دلسو ټجو په شاو خوا کی مو ټ په دوو صفو نو کی سره را ټولوی . هغه شی چې موږ غا فلګیر کو ی دو مره بده نده ، زموږ هریوه ته دوی ټولې ډوډۍ را کوی خو موږ لاتراوسه پوری دغه نوی مامور نه‌پیژنو. لاد ډوډۍ ویش پای ته ندی رسیدلی چې نه پوهیږو ولی،دګشتا پـو ما مور عصبی کیږی ،سور کیږی . شور ما شور کوی او زیاړه کو نکی غوا ړی . آلبرت زیاړه کوی !

ـوایی چې، دجیری ډوډۍ دوی ټو ټـی کمی دی او ښا یی چې زموږ کوم یو هغه ګلاکړی وی .

ـیعنی څه. موږ چې د ډوډۍ دزیرمی ځای نه خبر نه و . ډپو لیسو مامور خپل بد تور باندی ټینګا ر کوی .

ـزه‌پوهیږم چې ډوډۍ غلاشوی‌ده.

هیڅوک ځواب نه‌ور کوی .

ـ هرو مرو دتـا سو نه‌یو د غـه ډوډۍ یی ګلا کړی دا ځکه چې ډوډۍ لږ شـوی دی .

چو په چو پتیا .

ـاوس چې غل ستا سوپه منځ کی دی نو دتاسو یوه تن ته‌به‌هم ډوډۍ ونـه رسیږی . دغه نتیجه ډیر مشکل دی . یو کس د لیك نه وخی او خپله ډوډۍوړاندی کـو ی

ـزه خپله برخه هماغه ته ور کوم .

ـته‌په څه‌تور نیول‌شوی یی ؟

ـکمو نیست .

ـکمو نیست !(ګو ت) (کمو نیست !خوب) دشا رلو خواته راځی

ـ (اوندود؟) ژغه خنګه؟)

ـکمو نیست .

آلما نی‌په فکر لویږی اوهغه سر بازانونه چې په ګرد چا پیر کې‌یی ولاړ دی یو څه وایی . او هغوی ګډ‌ګډ خاندی . اووروسته بیا پخپله شیوه موږته یوه ویښا کوی.

آلـبـرت لـه شر مه څـخه ډ لـه غـږ سره موږ ته زیاړوی پداسی حال کی چې آلما نی سا تو نکی لاهم په زور سره خاندی.

ـیو کمو نیست باید خپل ټولی شتمنی وویشی . نو څکه هغه کمو نیستا نو ته چې دلته دی ښایی چې خپل نیما ئی برخه‌خپلو ملګرو ته ور کړی له همدی امله کمونیستان با ید د ډلی څخه بهر ووځی اود ګو ن‌په ورو ستی برخه کی یودبل پسی ودر یږی .

خلویښت کسه دډلی څخه بهرته را ځـی او د لازم انظباط سره په ټا کلی ځـای کی دویږی . داسی ښکار چـې آلما نیان دډ یرو خند اوله زوره ستړی شوی دی.څکه چې غـږیی نه و خـی ، اوس کـولای شی هر کا رچې غواړی پر موږ باندی و کړ ی دا څکه چې لوبه موږ ګټلی دی !

دکشتا یو مامور زموږله مخی نه‌په ډیـر قهر تیر یږی او زمو ږ دډوډۍ نیما ئی برخه اخلـی او ز مو ږ ګو لیست ملګـر و تـه‌یی ورکوی .

ددغو ګو لیستانو له ډلی څخه یوه‌یی‌دشپې ماته را څـی او ورو یـوه غوټـه دتغر ګـی لاندی با سی او راته یی را کوی دغـه سړی چې‌یو کارخانه والادی وایی.

ـواخله، خـو متاسفانه دری کسه پسټـه فطر تا ن هغه ډوډۍ چې له تا سو څخه غلا شوی وو خوړل او موږ دغه کار غلا فی کړ ل . اوس ستا دملګری برخی ټـول پد غه غونه کی تاو شوی دی . زمو ږ څخه خوبه خپه نه‌یی؟

لاس یـی ټینګ نیسی ، هما غسی چـې‌دوه فرا نسو یا ن یودبل‌لاسونه ټینګ نیسی .

دهغه خواړه یوه برخه چې مود رو منویـل څخه راوړی و پا تی ده . زمو ږ دملګرو نه ډله ګی ددغو ارزښتناکو شتمنیو دسا تنـی مسئول ریموند دی ، دوه قـطی شته لوبیا نیمه ډوډۍ ،یوه قطی دکب غو ښه ، دوه پا کټو نه خوا ړه ، یوه خوړه ډوډۍ ،خودا ر بیسکو ت او څو دانی اومه ټاټی . دغـه خواړه په رومنویل کـی ز مو ږ خلـو ر و کسو ملګرو نه دبهر نه را لیږل او موږدغه خوا ړه د نهو کسا نو تر منځ ویشل نوری ډلی هـم چـی دستنیدو په وخت کی متشکل شوی و اټکـلا هم دو مـره خـو ا ړ ه بـه ولری .

تراوسه خو ریموند ډ یر سخـت ګیـر ی کوی . هیڅوک حق نلری چې دغه خوا ړه نه لاس ورووړی . په وروستی پراوکی سره له دی چې ریمو ند یو با شر مه سړی دی خو دقوی ارادی او انظباط خاوند هم‌دی . پر سیره پردی ډیر امتحا نونه‌یی هم ور کړ ی دی . دنیول ګیدو نه‌مخکی ، د پـاریس د سیمی په‌پټو شبکو کې‌یی ډیری دنـدی سر نه رسو لی دی . زمو ږ دکار وان ډیر کسان ور سره اړیکی ټینګی کړی دی کله چې ور څخه تحقیق او خیرنه کـیدله آن یـوه ټکی هم د ګو ند په ضرر د خو لی څخه وتلی نه وه یوا ځی باید دومره ووایو چې در-

یموند څخه تحقیق یوه ساده تحقیق نه و. د هغه نښې ټبا نی لاتراوسه شته دی . ددی پښتی یی مات کړی دی. اوزموږ په منـځ کی دنا روغی سره سره ښا یی دی یواځنی سړی وی چې د لو ړ ی احسا س نه کوی.

آندره دیوه اسویلی سره‌چې ان‌ټیره پـه ترحم راوړی ورته وایی:

چـی د لو ړ ی نه غابنونه‌می چفت‌شوی دی .

زه شخصا عقیده لرم چې د خواړه سانته ښه کار ندی څکه چې موږ دخپل سرنوشت څخه هیڅ ګله خبر نه یواو خصو صـا ممکن دی چې موږ دیو بل څخه بیل‌کړی.

پدغه هکله په خبرو اترو لاس پوری ګوو اود دی لپاره‌چې دموجودخواړه دخوړ لوپلویان اکثریت لری بی له‌څنډ ه بریالی کیږی،شارلو په‌مسکاسره وایی :

اوس به‌ټول خواړه وخورو.

ریمو ند پیشنهاد کوی.

ـښه به داوی چې ددغه خواړه نیمایی اوس اونیمایی نور سبا وخورو .

ـموافق یم .

ـهیڅوک څه نه‌وایی یکسونه خلاصوودزیر-مه شوی خواړه په ویش پیل کوو .

په نورو ډلوکی هم دغه‌کار سرته رسیږی. اندره له خوشحالی نه په ډکو سترګـو وایی .

ـښه شیان دی !

ګولیست انډ یوالان نه غواړی چې زموږ نه پیروی وکړی ددوی په عقیده‌دخواړه دویش لپاره مناسب فرصت لازمه ده . موږ په ډیر اشتها سره په خوړلو پیل کوو. زه دسګر-ټود متخصص په‌ټوګه پیشنهاد کـوم، ددی لپاره چې‌دشاهنامی وروستی‌برخه‌هم‌په‌زړه‌پوری پوری وی هرډری تنه یو (ګولواز) سګـرټ وی هرډری تنه یـو (ګـولواز) سګـر ټ اندره سره یوخای څکوم دغه کار دستری‌مینی ښځه ټبانه ده انسانان خومره یو دبل سره مینه لری. هغه شپه موږیر ښه خوب وکـړ اندره دتګ لوری پاکی: موږ دلیزخواته خـو

ومارچ په دیارلسمه د ۱۹٤۸ دهیټلرموټوریزه قوټو نه هرو مرو له همدی‌لاری څخه تیر شوی هغه وخت نازیان دخپلواکی دمخکو دنیولولپاره تلل تر خو چې هلته هغه اردوګاه جوړه ګړی چې اوس زموږ په انتظار کی ده . په همدغه ورځ دښاغلی (شوتان) حکومت ددی لپاره‌چې دخپل ځان څخه مسوولیت لری کړی استعفا وکړه پنځه ګاله تیریږی .

ولی دشنه‌کیدو په‌حال ګی‌دی .نوی‌غوړیدلی ګلان دلته هلته ترستر ګوګیږی بیاهم یوبل پسرلی .

زموږ په واګون‌کی هغه‌پولیسو مامور چې نوی ورسره اشنا شوی یوله یوه‌ملګری سره

ketabton.com - The Digital Library

غږیږی.
مور هم نږدی کیږ و پوښتنه کوی.
ـخو کلن یی ؟
ښځه ویشت کلن .
ښځه لری ؟
ـهو کی .
ـماشومان هم لری ؟
ـیوځوی او یوه کوچنی لور.
ـعکسونه یی درسره شته ؟
زمور ملګری دخپل جیب څخه یو عکس را باسی عکس یوه خوانه ښځه ښیی چې یو کوچنی ماشوم په غیږ کی لری او یودری‌کلن ماشوم هلك دهغی لـه‌لمنی نه ټینګ نیولـی دی ، او مور خاندی . دپولیسو مامور دغه عکس ته ښه گوری او په ډیر ادب سره بیرته دهغه خښتن ته ورکوی‌اوبی له دی نه چې په بنه‌کی‌کوم بدلون پیښ شی وایی:
ـ ته‌به نور خپل ماشومان ونه‌وینی څکـه چـې یوداسی خای ستا اوستا سو دټولو په انتظار کی ده‌چې هیڅوك به‌دهغه خای‌نه‌ژوندی پیرته ونه‌گرځی.
زمور نه‌مخ‌گرځوی اولری گیږی زمور ملګری خپل لاس موښی، ساتونکی پخپلو خایونوکی ولاړدی .

اندره وایی :
ـشکر چې دایو خور پښتیاوایی .
شارلو خواب ورکوی .
ـفکر یی مه کوه، کاربه یی وگړو .
دغه خبری اتری زمور اشتها هیڅ کم‌کړی ندی . مور په‌ډیر ه مینه هغه خواړه چې‌دبرون څخه را پاتی دی خورو . اوس ددی وخت ندی چې سړی دترخو خاطر و په یادولـو سره غمجن شی.
مور باید خپل ټول قوت دراتلونکی پیښود مقابلی لپاره وساتو . اورګاډی د(لینز) څخه تیره شوه دسیمون دخبرو په اساس مور د (سن فلورانتن) دتم‌خای‌په‌لاره کی‌یو. کاشکی په اورګاډی کی د یوی بلی شپی په تیر ولو مجبور نه‌شو ددی لپاره چې‌وخت تیرکړوبول ته‌کیسی اونکلونه کـوو. اورګاډی په یـوه نقطه کی خو ساعته تم کیږی او یوځل بیامخ په وړاندی روانیږی . خوداخلی‌سفرډیرنه‌اوږ- ډیږی مور ته دستورراکول کیږی چې خپل سامان ټول کړو .دادی ورسیدو.
اندر ه می‌په دوستا نه توګه یوسوك په خپته کی وهی .
ـوګوره بچیه ـدانوپ وګوره ... دانوپ.
دزندان دروازی :
ـلوس لوس‌راوس(المانی کلمی یعنی.آهای آهای دباندی .)
زمور ساتونکی چې تراوسه پورې ډیرآرام ښکاره کیدل ته‌به وایی چې دپښو څخه یې بندونه خلاصی شوی مور باندی حمله کوی اود برچو او دټوپك دقنداق سره مووهی‌اود دروازی خواته موټیل وهی‌شارلوزمابسی راځی مخکی له‌دی نه چې دواګون څخه ښکته شم نظر می‌دوه لیکه‌ساتونکی جلبوی. (اس- اس) ددوی دری تنه دلویو او غټوسپیانوخنځیرونه په لاس کی لری .
اندره چې له مانه مخ کی ونه پوهیږی چې کومی خواته لاړشی او په سترګو کی یی دیواس ـ اس نه پوښتنه کوی اودخواب‌په بدل کی یوه درنده خپیړه پرمخ‌خوری اود همدغی لمحی نه پوهیږی چې دتم خای پـه لور دنورو ملګرو سره یوخای شی. زه پخپل وارسره ډیر ژرداس ـاس دوړ اندی څخه تیریږم خوددی لپاره چې ډیر خوان دی هك پك پاته کیږم زما په نظر لاوه لس کلن‌وو- جګه ونه توری سترګی تور ویښتان دپه زړه پورې حرکاتو سره . مور وروسته بیاهغه‌د (تور پرانګ) په‌نامه یاداوه .
ـلوس لوس راوس ...
دملګروپه کتارکی زمادیوه ملګری دخولی څخه وینه بهیږ ی هیڅوك خه‌نه وایی ټول خایونه داس‌ـاس څخه ډك دی. تم خـای دمړی بنه لری پـداسی حـال کـی چـې له‌مور نه‌پرته یوشمیر نو ر کسان هم شتـه دی . هغه اورګاډی چې زمورپه‌اګون‌کش‌کاډی یو مسافر وړونکی قطارډ دغه اورګاډی لاهلته ولاړدی او هغه مسافران چې دکړکیو ترشا ولاړدی له جادو شویو سترګو سره مورتـه ګورې . دتم خای کار کوونکی تګ راتګ کوی بی له‌دی نه چې چاسره وغږیږی داسی ښکاری چه دلته کاڼه اوګونګی خلك ژوند کوی . یواځی دهغو ساتونکو غږونه اوریدل کیږی چې زمور وروستی ملګری دواګون‌څخه باسی یوی توری لوحی باندی داسی لیکـل شوی‌دی . (موتهوزن).
ـ فرتیك (آلمانی کلمه یعنی خلاصه‌شوه).
په پنځه کسیزو ډلو ویشل شوی یـو .
همانه خوان اس ـ اس چې دښکته کیدو په وخت‌کی زمور هرکلی ته ولاړ، مور شمیری داخلوردم نفردی چې مور شمیری ښایی چـې دی دنورو مشروی په غاړه کی یی په توره صفحه باندی په گیوتیك خط د (اس) دوی یکی لیکل شوی دی . دده نوراندیوالان‌هم‌تور کوټونه اغوستی دی . خوددوی په غاړه کی یواځی دیوی میړی سر او دوی هیوکی دچلیپا په بنه رسم شوی‌دی. خووچ غږونه دپښواو لاسونو دغږسره مور دی ته متوجه کوی چې ټکان وخورو . مور په لاروهلو پیل کـوو . دلیك په دوو خواوکی داس‌ـاس ماموریـن دتیارسی په حال کی مورته ځیر دی . مور پسی دری خیرونکی سپی ـ را روان دی . (پرانګ) دټولو مخکی روان دی مور هر یو خپل سامان هم له خانه سره وړو . زه‌یواځی یوکمیس او یوتش بکس لرم خوځنی کسا ن ډیر سا مان له ځانه سره راوړی دی، او په ډیرزیار سره هغه تقلوی . زه په دوهمه‌لیکه کی او تقریبا دلیك په سرکی یم . یوه د تیرونه جوړشوی واټ ښکته خوا ته خـی . مورله وروګامونو سره وړاندی ځو .
کله چې تم ځای ته نږدی دیوه میلمستون دوړاندی نه تیریږ و دکړکی نه هغه سړی وینو چې دیورنګین میزتر شادیو یوځی سره ناست دی یوځی پیژنم همانه سړی دی چې په اورګاډی کی مور سره یوځای ډ دامسی ښکاری چې دهغه‌مامورین دلته‌پای ته‌رسیدلی وی . ښایرته نږدی‌کیږو. هغه ښکلی کوروته چې روښانه رنګ اوتیره بامونه لری ماتـه (الزاس) راپه یادوی . شپه رارسیږی دځو کړکیو څخه دځو څراغونو رڼاښکاری .
ـ هالت (المانی کلمه یعنی درپش .)
ـزمور دډلی لیك‌دریږی هغه سامان چې په لاسونو کی‌یی لرویږ مخکه ږدو او دخـوښی له احساس سره دمه‌کوو. اس‌ـاس یـوه زباړونکی غواړی البرت یوځل بیا ځان‌ورپیژنی اوپداسی حال‌کی چې دالمانی سړی‌دخبرو تـر اغیزی لاندی دی . مورته توضیح راکوی .
((مور په دښار ځخه تیرشو. هر هغه څوك چې تم شی یادواټ ځخه ووځی او یا پلـی لاړي نه لاړشی ژربه ووزل شی .)) بیاهم لاروهو. خلك زمور په وړاندی تیـریږی او تښتی خپلو کورونو خواته ځـی او له غمجنو سترګو سره مورته ګوری .
یوه کونډه ښځه زمورپه لیدو سره صلیب ګاډی . کله چې ماشومانوته نږدی کیږودوی دلوبی نه‌لاس‌اخلی‌دعبودیت اوتسلیم‌نښی‌نښایی دخلکو په‌بنو کی‌لیدل کیږی . عجیبه‌هرکـلی دی. کله چې دواټ وروستی‌برخی ته‌رسیږو. ((دانوب)) ګورو . رنګ یی داوبو درنګ ځخه توپیر لری . د «اندره» شونډی خوږند کیږی . دسین رنګ لکه دزمانی په ځیر خپږ دی دسین دختوپه ځیرینه دپارك دونو دشانه ګورو. یوځوان میره او ښځه په‌ټکلی توګه یو سرباز او دهغه چنغالی وروورودواټ په سر تیریږی .
پیغله خپل مخ ګرځوی خوداسی ښکاری چې مورته دکتوتوان نلری .
ـ شنل شنل .
زمور ساتونکی په‌ جنبش لویدلـی دی . هرومرو له دی املـه چې لږتیت اوپرك شوی یو. زمور تر ټولونه وړاندی ((پرانګ))روان دی داسی ښکاری چې دمنډو لپاره ځان چمتو کوی . سترې شوی یو. دښاروروستی‌کورونو ته رسیږو دځو سترو کورونو ځخه چې‌دهغوی په ګرد چاپیرکی اوسپنیږی میلی تاو شوی دی تیریږو . دشپی سره هوا محسوسه ده هغه وروستی شی چې یی ګورو دیوه ماشوم بنه ده دکړکی ترشا او بیاهم بی پایه واټ پیل کیږی .
ـ شنل شنل ! دخپلو قدمونو ګړندیتوب زیاتوو . دساماتونو ددرندووالی له املـه پـه ستریا سره مخ په وړاندی ځو .
شنل، شنل ! یو ساتونکی دخپل لیك‌څخه بهر راځی زمور لیك ته نږدی کیږی او زمور یوتن دوهلو لاندی نیسی او بیا دبل‌واررسیږی اوبیا هم دبل .
زمور لیك دهغه حیوان په ځیر چې وهـل وخوری ټکان خوری او یو خه دخپـلو پښو ګړندیتوب زیاتوی . ښایی چې ددووکیلو مترو په شاوخواکی به دتم ځای ځخه لـری شوی یو . دشپی تورتم وروورو‌خپریږی . یوځل بیا دریږو.ګوګل موزرزر ښکته پورته کیږی. هغه دستورونه چې اوس مور ته‌راکول کیږی خرګندی او روښانی دی ((نور پنځه کیلومتره باید لاروهو . پس له دی په هیڅ تم نه شوهر خوك چې دلیکه څخه واټ‌ونیسی خای په خای به ووزل شی او دیوه څنګله دمنځ نه تیریږومخ کی له مخه باید پوه شی چې تیښته نا ممکنه ده ساتونکی سپی هر هغه خوك چې وتښتی ګیرکوی او خای په‌خای بی‌خیروی . خیرشوی؟ خواب راګړی.))
ـ هوکی .
ـ په جنګ غږاوپه المانی ژبه خواب‌راکړی دلته یواځی په المانی ژبه باید وغږیږی .
ـ یا ((المانی کلمه یعنی هو.))
له همدی لمحی نه نور مور سره دانسان په توګه نه غږیږی . دنویو زده کړو پیـل دی .
ـ وروارتر (المانی کلمه یعنی وړاندی .)
څه بد مرغی، داستی واټ چې دتیـرږ و دتختو سره پټښوی او ټول پیچومـی دی . مسئله ورورو جدی بڼه غوره کړی . دتم کیدوپه وخت ماوګړای شوچې یوه ټوټه تیږه مینده کړم اوپه خوله کی‌می کښیږدم تر څـو چې سکاروی نشم .
دډیره مفیده پیش بینی‌وه . له خورندوولو سره لاروهو خوزمور دقدمونو ګړ نـدیتـوب کافی نده باید منلې ووهو . یوتن دانډره په بلوټوکی دټوپك په قنداق باندی وهـی اندره زماشانه روان دی . بی وزله اندره‌هیڅ چانس نلری .
اوس اوس هغه کسان چې دلیکونو پـه دواړو خواوکی لاروهی ډیر ټکـول او وهل کیږی . دشلو کسو وحشی ساتونکو چغی او ښکنځل ددغه دګړاونو خخه‌وك لاړ و هـل سره یوځای دی . سپی خنځیرونه کش‌کاډی او هواته ټوپ وهی. اوس زمور ساتو نکی دټوپکو دقنداق پرځای دقمچین ځخه زمور د وهلو لپاره ګټه اخلی ځکه چې دهغه ټکان ورکول آسانه ده دقمچینونو پورته او ښکته کیدل دځغلونکو اسونو بنې مورته راکوی. ځنی وختونه زمور ګړندیتوب کمیږی ځکه چې زمور ساتونکـی هم سترې کیږی . خوډیر ژرډك خوری او خواړی چې تیر شوی وخت هم‌تلافی کړی . (پرانګ) په آرامـی سره وړاندی ځی او داسی ښکاری چې ددغی وضعی ځخه خوند اخلی .
زه دخپل ځان سره وایم چې که یوسړی وګړای شی دهمدغو شرایطو لاندی پنځـه کیلو متره لاروهی نوولی ددغه کاربه سره ته رسولو کی زه ناتوانی احساس کړم نوځکه باید ، مقاومت وکړم .
شانه می یوملګری خپل بکس لیږی‌اچوی اوپه همدغه وخت‌کی یوساتونکی دهغه‌داورمیږ نه نیسی اودلیك دننه‌یی ټیل وهی اودسوك اولغتی‌باران وړاندی جوړیږی اوواټ همداسی مخ په پورته ده یوځلی متوجه کیږم چـې خنګ کی می ریموند دحال نه ځی د هغـه ژرژر ساه ښکل هغه سپی نه ورته ده چې ډیروالټن یی وهلی وی ګواکی نور تحمـل نلری سپوږمی دهغه ښه چې منقبض شـوی دی روښانه کوی . زه خپله دوه غوټی په یو لاس کی نیسم او دبل لاس سره می دهغه بکس نیسم ډیرپه موقع می داکاروکړ . دلیك دمنځ ځخه دډزی غږ اوریدل کیږی او دهغه سره جوخت یو ځکروی هم اوریدل کیږی .
(نوربیا)

ketabton.com - The Digital Library



یو تن زوړ مسګر دمسی لوښو د ډیزاین‌اوښکلی کولو په حال کی .



دعاشق آباد په‌ښارکی دغالیو اوبدلویوه څنډه

دلاسی صنایعوله‌لاری خخه‌د ښکلوهنرونو پراختیا

شوروی اتحاد دنړی دهغوهیو ادونو څخه شمیرل کیږی چی‌په هغه کی‌دلاسی صنایعوله لاری خخه دښکلو هنرونو دپراختیا اوودی ته زیاته پاملرنه راګرځوله کیږی.

په شوروی اتحاد کی اوس اوس دلاسی صنایعو‌په‌مرسته دښکلوهنرونو دانکشاف‌او پراختیاله‌پاره دوه عمومی پرنسیپونه‌شته‌دی.

لومړی : هغه هنر و نه د ی چی د ز د ګر ی ، ترکانی ، آهنګری اوکاشی جوړولود لاری خخه وده کوی اوپراختیاموميء

دوهم : هغه هنرونه دی چی دغالیو اوبدلو ټغراوبدلو، جاموګنډلو اودغه رازد کوراوکهول پەچوکات‌کی دنورو حرفوی کارونوپه چوکات کی ترسره کیږی .

ددی‌له پاره چی په شوروی اتحادکی‌دلاسی صنایعو دودی اوانکشاف له‌لاری خخه‌دښکلو هنرونو دپراختیا له‌پاره غوره شرایط اوپه‌زړه پوری امکانات ترګوتو شوی‌وی، په خوورو- **ستیو کلونوکی پەمسکو، لیننګراد، کیف‌او** دغه‌راز دشوروی اتحاد په یوزیات شمیرښار- ونوکی دښکلو هنرونو دپاره تربیوی کور- سونه اوتعلیمی کدرونه جوړشویدی دغه کور- سونه دلنډی او اوږدی مودی دپاره پەداسی

توګه جوړیږی‌چی‌دښکلو هنرونوعلاقه لرونکی وکولای شی په یوه خورا لنډه موده کی‌ټو نظر لاندی کورسونوکی د ښکلو هنرو نو دکمیت اوکیفیت په‌باب پوره معلومات‌ترګوتو کړی. پەشوروی اتحاد کی دښکلوهنرو نو دودی اوانکشاف دپاره دهغه هیواد په اوسنی پنځه‌کلن پراختیا یی پلان کی زیاتو اهکلونو اوپیش بینیو ته خای ورکړشویدی.

دهغوپرو ګرامونوله‌مخی چی د۱۹۷۷ء کال دشروع څخه راپدیخوا پەشوروی اتحاد کی دښکلو هنرونو دتدریجی ودی اوتکامل دپاره طرح اوتراجرالاندی نیول شویدی دلیننګراد اوکیف په ښارونوکی دڅانوی اولوړوزده کړو دزده کونکو اومحصلینو له پاره دتعلیمی نصاب دپروګرا مونو په چوکات‌کی دوه، دوه مضمونونه تصویب اوتایید شوی‌دی.زده‌کونکی کولای شی‌چی دښوونی اوروزنی‌دآفاقی پرو- ګرامونو دپرمخ وړلوپه سیوری کی دښکلو هنرونو په‌باب ریسرچ وکاندی او پولې تحقیقاتی چاری پەبریالی توګه ترسره‌کاندی.

شوروی اتحاد پەټوله نړی‌کی لو مړ نی هیوادی چی‌هرکال دنړی دخرڅلاو بازارو نو اومارکیټونوته د ښکلو هنرونو ډول ډول تولیدات اوپیداوار وړاندی کوی او لکه چی وروستیو راپورو نو خر ګنده کړیده دغه هیواد ښکلی هنرونه چی زیاتره یی دلاسی صنایعو بنه لری نه‌یوازی دتجارو پەتشویق اوراچلبولوکی مهم نقش لوبوی بلکی‌دشوروی اتحاد دلر غونو اوتاریخی آبداتو دمعرفی کولوتر خنګ دتوریزم دپراختیا اوانکشاف دپاره هم‌په زړه پوری رول لوبوی.

خرنګه چی ښکلی هنرونه دیوه هیواد دتاریخی عظمت او لرغون تمدن اومد نیت دپیژندلو دپاره‌هم عامل ګڼل کیږی دشوروی اتحاد ماهرانو هڅه کړیده چی‌د دغه‌هیواد په بیلا بیلو برخوکی دحرفوی کسب کارانو داجتماعی ، اقتصادی اوفرهنګی دریځ‌دپه نظر کی نیولو سره دلاسی صنایعو دودی او پرا

پاتی پەه۵۷ مخ‌کی
ژونـدون

ketabton.com - The Digital Library

واژه‌های سیاسی اجتماعی و اقتصادی

٤ـ کاپیتالیزم یا سرمایداری :ـ

کاپیتالیزم آن صورت بندی یافورماسیون اجتماعی، اقتصادی است که پس ازفئودالیزم در می رسد وآخرین نظام مبتنی بربهره کشی وساخته شده از طبقـات متخاصم امـست وبرشالوده ی مالکیت خصوصی ،سرمایداری بروسایل تولید وبهره کشی انسان از انسان است . درنظام سرمایداری دو طبقه‌ی اساسی وجود دارد که عبارتند از بـورژوا هـا (سرمایداران وپرولترها (کارگران) . پرولتر ها که همان کارگـران صنعتی د ر دوران سرمایداری هستند به قصد تا مین وسایل زندگی خویش کار می کنند ولی در واقع سرمایداران را غنی می سازند، زیرا آنـان محصول کار پرداخت نشده‌ی کارگران را که ارزش اضافی نا م دارد بخود اختصاص‌میدهند یابعبارت دیگر ارزش اضافـی آن ارزشی است که کارگر بیش از ارزش نیروی کار خـود ایجاد می‌کنـد . ارزش نیروی کار کارگر عبارتست از وسایل معیشت کـه برای نگهداری کارگـر و خانواده اش لازم است . نیروی کار کارگر آن چنا ن کالایی است که می تواند بیش از ار زش خود ارزش ایجاد نماید وهمین ارزش‌است که بنام ارزش اضافی متراکم می گـردد ، سرمایه رابوجود می آورد. خود این سرمایه که از طریق بهره کشی بوجود آمده از راه ادامه‌ی بهره کشی کارگران مزد بگیر باز هم متراکم ترمی شود وارزش اضافی تازه بوجود می آورد . ارزش اضافی منبع سـود سرمایه دار است .

بدست آوردن ارزش اضافی از طـریق بهره کشی از کار مزدوری قانـون عمده‌ی سرمایداری است .

تولید کالایی :ـ

تقریبا همه چیز درین دوران شکل کـالا بخود می‌گیرد واصل خرید وفروش برگلیه شئون اقتصادی حکومت دارد . تولیدکالایی قدیم تر از تولید سرمایداریست ودرجوامع پیش از سرمایداری نیز وجود داشته است . در مرحله‌ی تلاشی فیودالیزم، تولید کالایی ساده برپایه‌ی پیدایش سرمایداری قـرار می گیرد وبالاخره در دوران سرمایداریست که تولید کالایی تفوق کامل حاصل کـرده وتمام رشته های تولیدرادر بر می گیـرد. نیروی کار در جامعه‌ی سرمایداری ، خود به‌کالا مبدل می شود . تولید کالائی ساده‌ی پیشه وران ، دهقانان برپایه کار انفـرادی تولید کنندگان قرار دارد ، در حالیکه تولید کالایی سرمایداری برمبنای استفاده از کار افراد دیگر استوار است . مرحله‌ی ابتدایی تولید سرمایه داری، همکاری‌ساده سرمایداری خوانده می شود که شکلی از اجتماعی شدن کار است وسرمایه دار عده‌ی از کارگران مزدبگیر راجیر می‌کند تابا هم وبه موازات هم‌کار مشخصی را انجام بدهند (مثل برخی از کارگاهای قالین بافی افغانستان). دربین شکل بعلت کار جمعی ، در وسایل تـولید صرفه جویی می‌شود ومیزان باروری وسرعت کار افزایش می یابد . مرحله‌ی بعدی ایجاد مانوفاکتور هاست . مانوفاکتور که از نظـر لغوی بمعنای کارگاه دستی است عبارت از آن تولید سرمایداریست که برپایه‌ی سیستم کار وتکنیك پیشه وری قرار دارد .

مثلا وقتی در یك کارگاه پیشه ورانی که هریك دارای تخصص جداگانه هستند ، همراه باهم کار می کنند ولی مجموع کار آنها کالای مشخصی را بوجود می آورد یا وقتیکه هرکارگر قسمتی از کار ساختن یك کالارا انجام میدهد . مانوفاکتور ها شرایط لازم برای گذار بتولید ماشینی آماده‌ساختند وبهمین جهت حد اوسط بین تولید پیشه‌وری وصنعت بزرگ مکانیزه محسوب می شوند (بطور مثال یك کارگاه مبل سازی که‌درآن نجار وخیاط وغیره کار می کنند) .

از نظر تاریخی رشد مناسبات تولیـدی سرمایداری در اروپا ی غربی در قرون وسطی آغاز می شود ولی در اواخر قرن هجدهم و اوایل قرن نزدهم است که تولید ماشینی آغاز می شود. کارخانجات مجهز با ماشین وتکنیك صنعتی جای مانوفاکتور هاوکارگاههای پیشه وری را می‌گیرد. در زراعت هموسسات بزرگ سرمایداری تاسیس می‌شودکه درآن کارگر کشاورزی مزدبگیر همراه باماشینهای زراعتی کار می کنند .

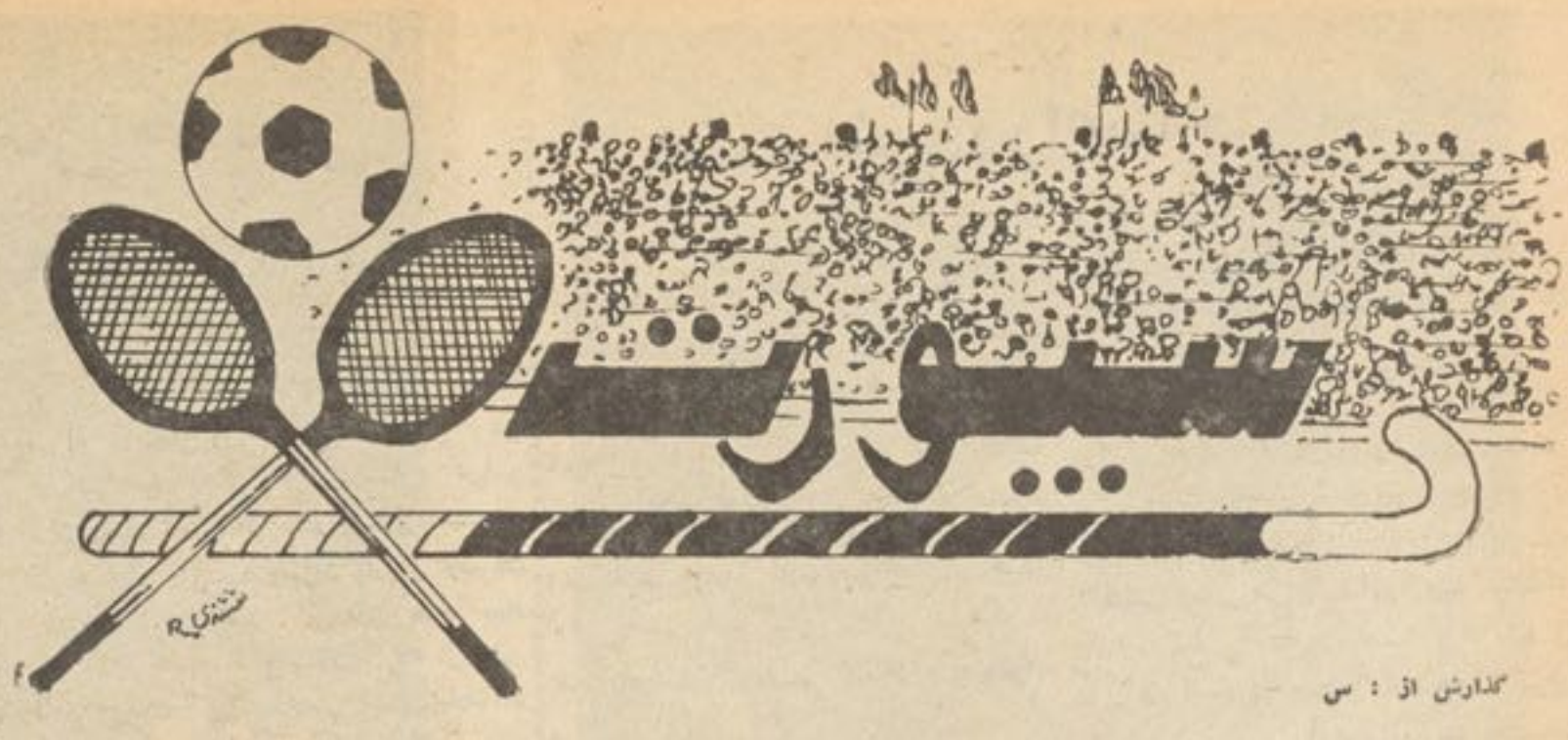
سرمایداران به منظور بدست آوردن سود بیشتر تولید رابسط میدهند، تکنیك نو را بخدمت می گیرند. از دست آورد های علم برای تولید استفاده می کنند و بد ینسان بربازده کار می افزایند ، بازار را بسـط میدهند ، منابع جدید مواد خام را جستجو می‌کنند. دست به استعمار وغارت وحشیانه‌ی مستعمرات می زنند. سرمایداران نیرو هـای مولده‌ی برپایه‌ی تکنیك ما شینی بوجـود می آورندکه محصولی بمراتب فزونترومتنوعتر ازتمام ادوار پیشین تاریخ انسانی ایجـاد می کنند .

خصلت تازه‌ای که نیرو های مولـده در سرمایداری کسب می کنند آنسـت کـه اجتماعی می شوند ، بدین معنی که کالا در سرمایداری در بنگاههای صنعتی بزرگ تولید می شوند ودرین هنگام در بنگاه ها صدهاو هزار هاتن مشغول کارند. وضع مانند دوران پیش از سرمایداری نیست که پیشه وران منفرد یا کارگاه های‌کوچك پیشه وری تولید محصول می کردند . درین شرایط تقسیم کار اجتماعی بمراتب پیچیده‌تر و پرشاخه تر میشوند ومابین رشته های مختلف اقتصاد انواع پیوند های متقابل پدیدمی آید .

دست بشر در رام ساختن...

آدم بعضا نا گزیر است در زیر همان آفتاب ودر موجود یـست آفتاب کار کند احیـا- ناگر چنری تدارك دیده میشود لاکن گرمای محیط که بااین کار تقلیل نمی یابد چنانچه دراعمار کانال قراقـرم و کتابخانه عشق- آباد بجهت حرارت طاقت فر سا کار هـا درد و بخش تنظیم گردیده بود . طوریکـه گفته آمدیـم پروبلـم (انسان و صحرا) در اتحادشوروی دیگر حل گرد یده است که در پهلوی بررسی های فز یو لوژ یکی ورسیدن بوضع صحت کار مندان و تجهیزات و سـایـنـل تخنیـکی سو سیا لستی نیز اتخاذ گردیده که کار گران بیشتر به انجام رسیدن کار ها علاقه پیدا مینمایند. ازطرفی در دشت های ریگی پروبلم چـرا- گاه هانیز حل گردیده و جنگلات سود مندی جای آنهمه ریگستان ها را اشغال نموده . که رشد جنگلات و چـرا گاه ها با گذشت هر سال در تز ا ید است که البته کار تبدیل ساختن دشت های لامزروع وبایر خشك بـه جنگلات در سال ۱۹۳۵ درین کشور آغا ز یافت که البته کا ملا علمی و پلان شـد ه درین راه گام های بردا شته شد که در حال حاضر صرف نظر از نگهداری مواشی کوچی ها وغیـره ، بـاشندگـان‌ماحـول بهـره ـ مندگر دیده بعلاوه مفاد نابت از چرا گاه ها بدست می‌اید کـه جنگلات و چرا گاه ها نیاز مواشی را مرفوع و عـلاوه بر آن ارزشی قابل مشاهده یی از نگاه مسا یـل اقتصادی وغیره یافته است. خانم پروفیسور ن .نا تشا نیفا ، همکار اکادمی علمـی ترکمنستان شوروی اخیرا بهخبـرنـو یسی گفت که مناطق ریگی خشك قبلی ، اینـك همه وقت مرطوب وریگ هـای آن بهـم چسپیده مینماید واین بدین معناست کـه امکان ایجاد چرا گاه های وسیعتر درین نقـاط میرود که از برکت کارمستدام است. در اثر مساعی خستگی ناپذیر در حال حاضر چرا گاه های آسیای مرکزی و قزا قستان در حدود پنجاه میلیون گوسفند و بز ، ۲۵ میلیون گوزن ، سه میلیون اسب وتعداد مجموعی اقلام متذکره سایر مواشی نگهداری میگردد. در انستیتوت بررسی اکادمی علمی ترکمنستان، این موضوع تسریع یافته که‌در مناطق طبیعی مشهور به «رپتیك» ودر یختدان های نزدیك ریگستان های قراقرم به انـر مودرنیزه ساختن فن جنگلداری ته های‌طبی، جنگل های فراوان وحتی در ختان میوه، تاك انگور ، خربوزه میتواند خوب ثمر بدهد . از آنجاکه دشت ها وصحرا های پهنـاور مذکور وانرژی آفتاب لازم و ملزوم همدیگر اند معذالك محققین جوان انستیتوت متذکره سعی ورزیده اند تا در انستیتوت های فزیکی وتخنیکی ذخایر انرژی آفتابرا تهیه ببینندکه تـا حـال درصحرا هـا ی آ سیا ی مر کـز ی دو مـحل مخصوص بـرای ذخایـر انـر ژی ذخیره شده آفتـاب صورت میگیرد ووسایل مخصوصی را کـه در آنجا بایستی فعال گردد بوسیلهٔ قـو ة محرکهٔ آفتاب فعال میدارند . باید متذکـر شد که در قسمت های شمال وجنوب ،سرما برای برقراری تعادل درجهٔ حرارت از همین انرژی ذخیره شده کار میـگیرند .

باحل ساختن پروبلم آب در صحرا ها و دشت ها، در حقیقت پروبلم عمده حل‌گردیده چه درینصورت است که با موجودیت آب کافی دشت ها قابل استفاده شده . مشا غل جنگلداری ، نگهداری مواشی و امثال ایـن رشد سریع می یابد . صرفنظر ازین‌مهمترین منابع آبی برای آسیای مرکزی آمو دریا و سیر دریاست که با آبیاری ساختن زمینها ازین منبع پروژه های زیادی عمرانی تحقق یافت. گذشته ازآن درانتای ذوب یخ و درمواقع بارانی، میلیارد ها. کیلومتر مکعب آب برای این منظور و طور فنی جمع‌وذخیره دیده شد . همزمان با حل ساختن پروبلم‌های دشت ها، قوای آبی درین کشور رشد بیشتر یافت که میشود از قوای آبی که در«نورك» ومروگن» است به نیکی یاد کرد . در حال حاضر نهصد سیستم آبیاری در از بکستان مروج است که میلیارد ها کیلو متر مکعب آب برای همین منظور ذخیره شده، برسبیل تنها در کانال مو سوم بـه کار شیبنی فی ثانیه (دوصد) متر مکعب درارتفاع ۱۳۲متری انتقال داده میشود . بهمین ترتیب اسـت انتقال آبدر اعماق زمین از جملـه صحرای ریگی ترکمنستان که در اعماق (هزار) کیلو متر کانال ذخیره میگردد. این کانال، آمو دریا، مرغاب، او تیدیشن را بـه‌یك سیستم اقتصادی واحدو مطلوب فعال میسازد و ا ز نتیجه اینهمه مساعی ا ست کـه سالانـه (۲۲۱٦۰۰۰)تن غله در شوروی تهیه دیـده میشود که تنها در ساحه آبیاری نیم میلیون نفر مشغول اند که از تخنیك مدرن بر خوردار است و مـی بینیم کـه تخنیك عـصری طبیعت راچه زود بجلو رهنمایی میکنـد .



گذارش از : س

ورزش در ولایات کشور بعد از پیروزی انقلاب کبیر ثور رونق خوبی حاصل کرده است

ورزش در کشور ما علاقمندان زیادی دارد وعده کثیری از جوانان ما چه در دوران مکتب وچه در پوهنتون وبعد از ختم دوره تحصیل میکی از رشته های ورزش ساعتی از اوقات فراغت خویش را سپری مینمایند .

در ولایات وطن عزیز نیز جوانان اعم از دختران وپسران برشته های مختلف و ر ز ش میپردازند که ماپیرامون ورزش در ولایات کندز بایک تن از ورزشکاران لیسه نسوان مرکز ولایت کندز مصاحبه یی بعمل آورده‌ایم که اینك آنرا از نظر خوانندگان گرامی می گذرانیم :

خوب فوزیه بوستانی سر تیم باسکتبال لیسه‌نسوان مرکز ولایت کندز شما منحیث یك دختر ورزشکار، ورزش وتحول آنرا بعد از انقلاب کبیرثور در این ولایت چگونه بررسی مینمایید ؟

طوریکه بهمه خلق های شریف وزحمتکش ماهویدا است رژیم های خائنانی و فیودالی فرتوت گذشته در تمام شوون زندگی اجتماعی وطن ما اختناق ، بی عدالتی و عدم توجه بمسایل مبرم حیاتی را ظالمانه روا داشته بودند واکثریت خلق مارا طی بیش ازنیم‌قرن درعالم بی نانی ، بی خانگی ،فقر، بیسوادی وبالاخره از بسیاری نعمات مادی‌ومعنوی‌محروم نگهداشتند که این بیعدالتی ها واختناق و عدم توجه برسایر شوون زند گی اجتماعی درورزش نیز بوضاحت دیده میشود زیراتوجه چندانی بورزش نگردیده وبه ورزشکاران هیچنوع اهمیت وامتیازی قایل نبودند . از همان سبب است که ورزش طی این مدت طولانی در کشور ما رشد وانکشاف چندانی نکرده است .

اما جای افتخار ومسرت تام است اظهار نمایم که بعد ازانقلاب سترگ ثور باگذشت یکسال وچند ماه که هنوز انقلاب ما بسیار جوان است در همه ساحات ورشته های مختلف ورزش تحولات وانکشافات ز یادی رونما گردیده است . زیرا دولت جمهوری دموکراتیك افغانستان اقدامات نهایت ارزنده ولیکو وتوجه عمیقی در قسمت ورزش و انکشاف آن در کشور مبذول داشته ومیدارد.

مهمتر از همه در ولایات کشور ورزش بعد از انقلاب ظفر نمون ثور رونق بسزایی کسب نموده وعلاقمندان زیادی پیداکرده است . بخصوص زنان که در نظام پوسیده فیودالی گذشته جزاقلیت ناچیز، درهیچکدام ازرشته های ورزش حصه نمیگرفتند زیرا نظریه تسلط افکار میان تهی فیودالی و پدر سا لاری دختران اجازه وحق آنرا نداشتند تادرمیدان های ورزش ومسابقات ورزشی ظاهر شوند .

خوشبختانه حالا زنان جوان و دختران در پرتو نظام مترقی وخجسته خلقی‌وجمهوری دموکراتیك افغانستان قهرمانان قوشادوش مردان و پسران میتوانند آزادانه در رشته های مختلف ورزش حصه بگیرند ودر میدانهای سپورت ومسابقات ورزشی بابرخورداری از آزادی دموکراتیك وروحیه خلقی وانقلابی ظاهر شوند وگامهای‌وسیعی را در مورد ورزش‌پسند خویش بردارند.

خوب فوزیه بوستانی تیم شما تا حال چند مسابقه نموده وآیا در مسابقه مرکز اشتراك کرده اید یاخیر ؟

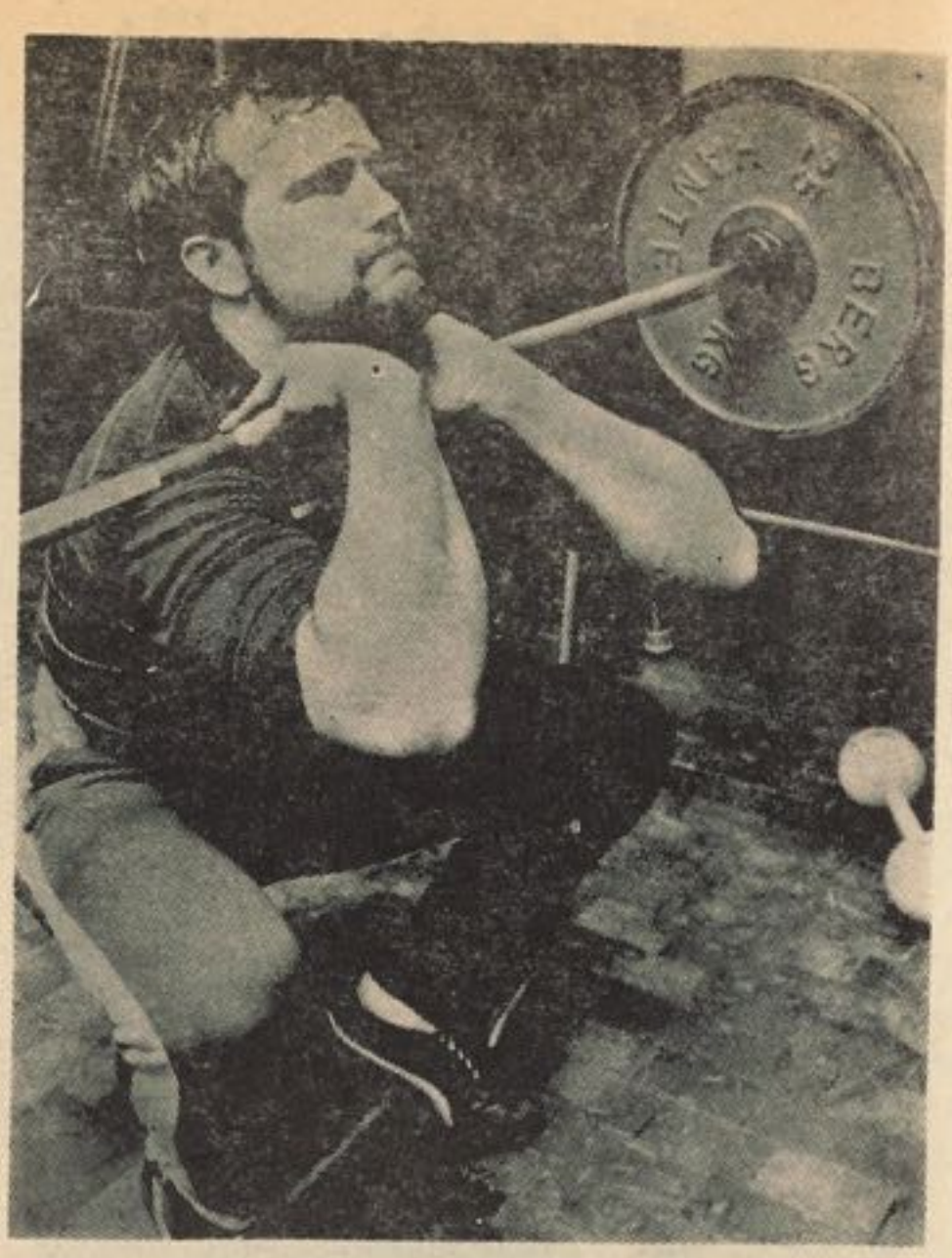
قابل تذکر میدانم که تیم ما با وجود شرایط دشوار ونبودن وسایل و امکانات کافی بتمرینات خود پرداخته ودر تورنمنت های بهاری وخزانی ولایت کندز سهم گرفته‌است وتاحال چندین مسابقه با تیم های مختلف ولایت کندز انجام داده ایم که از آنجمله مسابقه باتیم های لیسه نسوان خان آبادقابل یادآوری میباشد .

بقیه‌در صفحه ٥٥



اعضای تیم باسکتبال‌لیسه نسوان مرکزکندز

ketabton.com - The Digital Library



در المپیای ۱۹۸۰ مسکو همه وسایل ورزشی‌بدستر س ورزشکا ران قرار دارد .

از مجله سپو تنیك — دکتور جیلانی فر همند

همه‌سپور تهادر المپیای ۱۹۸۰

در تحت یك‌سقف

قبل از افتتاح بیست و دومین مسا بقا ت المپیك در مسکو ، یك میدا ن سپور تی سر پوشیده و یك حوض آب‌بازی کـــه گنجا یش ۱۵۰۰۰ نفر تما شاچی را دارامیباشد بکار خواهد افتاد.

این تاسیسا ت سپورتی که در(جاده‌صلح) تحت ساختمان میباشد در نوع خود از جمله بزر گتر ین ساختمان ها در اروپا محسوب خواهد شده درین او اخر مروج است کـه بسیاری مسا بقات سپورتی در داخل ساختمان عملی شود . منظور از دا ئر شد ن‌مسابقات در میدانها وستدیوم های سپورتی درزیر یك سقف جهت از بین بردن تشویش سپور- تمین ها وتساوی شرایط مسا بقا ت برا ی همه اشترا ك کنند گا ن مسا بقات میباشد.

باید تذکر داد کـه‌اعمار یك ستدیـوم بزرگ سر پو شیده در ما سکو بلان انکشا- فی شهر ، مسکو گنجا نیده شده بود.انتخاب شهر ما سکو محل المپیك ۱۹۸۰ مو جب گردید که اعمار ساختمان سر عـت یا بد.

ستد یو م شکل مروج بیضوی دارد.قطر ها یی آن ۲۲۴ مترو ۱۸۳ متر بوده دا رای همچنا ن مسا بقات جمنا ستیك ،مسابقات بوکس ، کشتی گیری و بایسکل دوانـــی والیبال و با سکتبال و غیره بـــه آرامی در اینجا صورت گیرد . ضمنا باید تذکر داد که ستدیوم سر پوشیده نمای عالی برای نمایشنامه ها ، سر کس هـا ونمایشـات ا تر خوا هند داشت .

برای این نوع بازی ها چـوکی ها در میدا ن عمومی نصب میشود و ظر فیـــت ستد یوم از ۳۵ هزار نفربه ٤٥ هزار نفـر تما شا چی بلند خواهد رفت .

برای جا دادن این مسا بقات میدا ن‌عمومی ستد یو م به دوساحه جدا گا نه تقسیـم خواهد شد . به‌این ترتیب در میدا ن‌مسا- بقات بکـتنگ در حدود ۱۸ هزار نفر تماشاچی ودر میدا ن با سکتبا ل درین وقت ۱٦هزار نفر تما شا چی از مسا بقات دیدن خوا هند کرد .

البته مسابقات یك ساحه مسابقات دیگر را اخلال نخواهند کرد ودر حد بـــردن از مسا بقا ت سپورتی خللی وارد نخوا هـــد شد .

یکی از صفات برجسته ستد یو م جد ید فا بلیت تطا بق آنست . میدا ن با زی‌می تواند به سهولت وبه بسیارسرعت بـــه‌دو قسمت کا ملا جدا گانه تقسیم شود وهمزمان مسا بقات مختلف جریان یابد .

برای اولین باریست که‌این اسا سا تدر استدیومـــی کـــه تمام مسابـــقات‌درآن عملی میگر دد بکار رفته است . پردهٔ کـه برابر به یـــاد تعمیر ۸ طبقه ارتفاع دارداز فلز سبك ساخته شده و روی آنرا یـــك طبقه جذب صدا پو شانیده است این پرد ه در سا ختما ن قطی مانند پنها ن شده‌میباشد تما شا چیان به‌بسیار مشکل متوجه ساختمان قطی مانند میگر دند . وقتی به پرده ضرورت می افتد ما شین بفعا لیت شروع نمود ه‌پرده را ازداخل پـوش‌آن بیرون نـموده، میـــدان مسا بقات رادر ظرف چند سا عت به دوحصه تقسیم میکند .

نو آوری دیگری که در تعمیر این ستدیوم سقف ستدیوم از فلز بوده وزن آن..۲۷ تن میباشد که در تحت آن ستون های فلزی درامتداد محیط ستدیوم‌سقف رابلندنگهمیدارد سر ستونها بواسطه حلقه کانکریتی با هـم وصل شده و تقویت مجدد میگردد .

در تحت چنین یك سقفی عملاهمه مسابقات سپورتی میتو انند در جریان سا ل صور ت گیرد . بزرگتر ین سا حه نما یش را میدان فتبال ۱۲۰ متری در ۸٦ متری تشکیل میدهد. میدا ن سکی یك ساحه ۱۱۲ متر در ۷۲ را احتوا میکند که از یخ پوشیده بوده برابر به شش میدان بازی هاکی میباشد . هیـــچ میدا نی در جها ن چنین یك‌سطح‌بزرگ‌سکی در اختیار ندارد . البته سکی بازان تیزرو از مو جو دیت خط سکی بطول ۲۵۰ متـــر تیر خواهنـد شد. جمعا میدان اتلتیك وخـط سکی زنـــی ۳۳۳ متـــر طـــول خواهند داشت . بازی ها ی مثل تینس ، هند با ل وهاکی روی سبزه میتوا ند در میدا ن‌عمومی با زی شود .

صورت گرفته عبارت از ستو نهـــــا ی متحر ك میباشند .

ستونهای پته دار مایل که بالای یـــك چوکات قرار دارند وچوکات هم به نـــوبهٔ خرد بالای یك چوکات قرار داده شد .

و قتیکه سیستم نیـــو میتك فعـــال میشود میتـواند ستون هارا به سادگی روی سطح حرکت دهد.

دیگر انکه ستد یو م سر پوشیده یـــك حوض آب بازی خوا هد داشت .

این دو تاسیسا ت با هم ارتباط دارند که سیستم ها ی سپورت ، سیستم های بر قی وحرارتی یك دستگاه مشترك سرد کننده وگرم کننده که برای میدا ن سکی یـخ تولید میکند و برای حوض آب بـازی آب را گرم میکند .

اینچنین سیستم های هترا کم نبایـــد کاملا کافی و موثر باشد . در پایان باید تذکر داد که از نگاه ترا نسپو رت ستدیوم در مو قعیت مناسب قرار دارد .

این نقطه بواسطه خطوط مترو ، بس وترا- یلیبو س بانواحی دیگر مرتبط شده است.

از جوار ستد یو م یك جادهٔ عام از شعاع شمالی تحت سا ختما ن است . همچنین در اینجا جای پار کنگ موتر نیز خوا هد بود.

از پیاده رونیز مراقبت خواهد شد بـــه این معنی که مهند سین از یك افتاد گـی یازده متری زمین استفاده مناسب نمـو دنـد سطح زمین برای استفاده پیاده رو ها نـی خوا هد بود که از طریق استیشن مترو بـه استد یو م میرو ند در حالیکه سطح‌پا ئین زمین مذکور فقط برای رفت و آمد ترا فیك آزاد گذاشته خواهد شد .

سیستم زینه ها طوری ساخته شده کـه جمعیت و ازدحام تما شاچیان رابه نقا ط مختلف ادخال و خروج‌راهنما ئی میکند حتی درحالا تیکه میدان عمومی واطراف حـو ض هردو جا مملو از تما شاچی هستند که درین وقت تعداد حاضر ین به ۶۰۰۰۰ تما شا چی میرسد نیز کدام ازدحام اضا فی دراطراف ستد یو م نخواهد بود .



نمایی ازستدیوم ورزشی المپیای ۱۹۸۰مسکو

kabulbon.com - The Digital Library

داميرزوی ترجمه

دطبیعت سره لوبی کول

یوعان پتنانو (تارو گانو) ته طبعیت د معشوقو نوم اولغب ورکړیدی او داخکه چی پتنان (تارو گان) تل دګلانو او دطبیعت‌دنورو پاید وسره لوبی کوی دګلانو پشیره زیښی اود ګلانو په ګرد چاپیر ، خوخیږی او نخاوی کوی .

دپتنانو او ګلانو ترمنځ دورته والی او مقایسه کولو دپاره نوری نښی ، نښانی هم موجودی دی او دهغوله جملی څخه یوه هم دګلانو او پتنا نو رنګونه دی . همداسی‌چی‌په طبعیت کی ګلان په بیلابیلو رنګونو باندی موندلی کیږی پتنان (تاروګان) هم‌دول‌دول او بڼکلی رنګونه لری لکه چی‌دتاروګانو په‌باب دپولنډی ماهرانو وروستیو خیر نو څرګنده ګړیده چی تراوسه پوری په طبعیت کی دیو سلو پنځوسوزرو ډولوتاروګانو موجودیت ثبیت شوی دی چی‌دهغو دودی اونوروطبیعی خصوصیاتو په باب‌دماهرانودځړ نولړی لانوره هم روانه ده . په طبعیت کی داسی پتنان‌هم شته دی چی کله‌کله‌دهغو دوزرو نواوږ دوالی ۳۳ سانتی متر وته رسیږی خو په مقابل‌کی داسی تاروګان هم‌شته دی‌چی په طبیعت‌کی‌په ښه توګه دلید ووړ دی مګرددغه راز حشراتو دوزرو نود پراخوالی اندازه هیڅکله له‌خومیلی مترو څخه نجاوز نه کوی . یوه بله موضوع چی دتاروګانو په برخه کی دذکر کولووړ ګڼله کیږی دتاروګانو دبڼکلاو طبیعی جذابیت څخه عبارت ده .لکه چی‌دپو هانو اوپه تیره دحشره پیژندونکو په وروستیو خیر نو او تحقیقاتی راپور ونوکی ویل شویدی کله‌کله دپتنانو دبڼکلا او طبیعی جذابیت اندازه د انسانانو او حتی بڼکلو هنرونو څخه هم‌تجاوز کوی هغه یوهان او حشره پیژندونکی چی دوړ کتوپله وختونو څخه‌دتاروګانو سره سرو کارلری عقیده څرګندوی اووایی‌چی دتاروګانود بڼکلاو دطبیعت دجذابیت ترمنځ‌زیات شباهتونه موجودی چی دغه ورته والی دانسانی ټولنو پدیدو او یخپله دانسانانواو بڼکلا او جذابیت سره په ښه‌توګه‌مقایسه کیدای شی.څرنګه‌چی تاروګان دډیرو بڼکلورنګونو اوپه زړه پوری حرکاتو درلود ونکی دی نوځکه دحشره پیژند ونکو اکثریت دنورو حشراتو اوالو تونکوپه پرتله دتارو ګانو په‌باب دزیاتو څیړنود پاره چمتو شویدی حشره پیژندو نکی ګالدولس‌میاشتی لګیادی دقلم اوعلمی آلاتو په مرسته دتاروګانو حرکات اودهغود جسم دچوړښت‌به باب راپور ونــه برابر وی ، مقالــی څیړ وی او دا وړ دو ساعتــو نــو دپاره لکچرونه او کنفرانسونــه‌ورکوی‌د حشره پیژندو نکی‌په عقیده دتاروګانو دجسم چوړښت دنورو حشراتواو الوتونکو سره پوره توپیرلری . کەخه هم دتارو ګانو او پتنانوپه باب لیکنی څیړنی اونورتحقیقاتی کارونو ډیر ګران اوله ستونزو څخه ډک کاردی خوبیاهم لکه چی دحشرا تو په باب پیژندونکی دتارو ګانو احصاییوی راپور ونو څرګنده کړیده‌چی یــه سلو کی پنځه خلــویښت ماهــروحشره پیژندونکودتارو ګانو اوپتنانو په باب‌په‌څیړ نواو مطالعاتو بوخت دی دتارو ګانوپه باب‌په لیکل شوو کتابونو مقالواوپامقلیتو نوکی‌نه‌یوا ژی‌داچی دتاروګانه درنګونو اوښکلاو په باب خبری شویدی بلکی ورسره جــوخت‌ددغــو حشراتو دژوند دتکامل اوودی اودغــه راز دهغودنسل دتکثر اواحیاکولوپه باب هم‌ډیری خبری اوپه زړه پوری څیړنی شویدی.دپتنانو په باب دزیاتو معلوماتود راټولولودپاره حشره پیژندونکی مجبوردی چی دکال په‌ټوتوفصلو نواو موسمونوکی دیوه هیوادبیلابیلوجغرافیای سیمو ته اوحتی دضرورت‌په وختونوکی بهرنیو هیوا دونوته هم سفروکړی څرنګه چی ویــل شویدی په پولنډ کی دهغوتارو ګانویــوازی لسمه برخه ژوند کوی چی دورځی‌له‌خوابه‌ګلانو اود طبیعت په نوروپدیدوکی اوسیږی .ددغه مقصد دپوره کولو لپاره دهغه هیواد ماهران‌او حشره پیژندونکی مجبوردی چی دشپی له‌خواد حشراتو په‌باب څیړنی‌وکاندی اوپه ډیروسختو شرایطو کی دتاروګانو بیلابیلی نمونی راټولی کړی .حشره پیژندوونکی ددغه کاردپاره دشپی له‌خوا څنګلونو ته‌هم‌ځی چی‌داکاراودا ماموریت په څنګلونوکی دوحشی حیوا ناتود شته والی‌له نظره هروخت له‌ستونزو څخه یوډک کارګنــل کیږی‌په عمومی‌توګه‌دتاروګانو دبیلابیلو ډولو نود پیژند لو اوراټولولود پاره دایو مهم‌کاردی چی‌دتاروګانوټول وحشی اوصحرایی‌نمونی‌اوډو لونه په یوه مرکزکی سره راغونډ کړل شی.



پورتنی عکس :

دګالګ .په نامه یــوډول مرغــه‌چی‌دشپی‌لخوا په تارو ګانویښی لټه کوی او خپل خان دیو ډول ګل په شان جو ړ وی ترڅو چــه تاروګان بڼکار کړی.

بڼکتنی عکس :

دپتنان (تاروګــان) خومشهور ډو لــو نه

ketabton.com - The Digital Library

ترجمه وتلخیص : محمد عسکر اکبری‌مدیر مواد غذایی اصلاحات ارضی .

سوسیالیزم وخورده‌مالك

در سیستم سوسیالستی بالای دهقانان خورده مالك مانند تجار های کوچك، دکانداران کسبه کاران ، صنعت گران وغیره پیشه‌وران چه واقع خواهد شد ؟ ایا سوسیالیزم این ملکیت های شخصی کوچك رانیز ازبین میبرد ؟از همه اولتر باید یك‌چیز روشن‌شود. استثمار وقتی ازبین میرود تاآن ثروت‌هائیکه بوسیله عرق ریزی کار مردم تولید اضافی خلق میشود ملی ساخته شود . برای تجار های کوچك ، دکانداران ، صنعت گران و غیره پیشه وران که‌خود شان با اعضای فامیل خود ثروت تولید میکنند ، سوال استثمار پیدا نشده ویا بسیار ناچیز خواهد بود . بر عکس اگر خورده مالکان ازطرف زمین داران و فابریکه داران بزرگ تحت فشار قرار میگیرند ؟ تجارها وصنعت گران کوچك به مشکل مینوانند که‌به شغل خود دوام‌بدهند، زیرا که بارقابت تجارها وفابریکه داران بزرگ مواجه میباشند . پس مولدین خورد درهر مرحله می‌تواند مورد استثمار سرمایه‌داران بزرگ قرار گیرد حتی اکثر تجار های کوچك کشور های روبه انکشاف درخوف و هراس اند که به وسیله سر مایه دار های انحصارگر داخلی وخارجی ورشکست خواهند شد .

برای‌محوو‌نابودی استثمار، سیستم‌سوسیالستی سرمایه های امپریالستی ، انحصار گر های داخلی وخارجی ، فابریکه های بزرگ، تجار های بزرگ،بانکها،ترانسپورت‌وغیره رادرکشور ملی می سازد . برای کشور های عقب مانده وتازه استقلال یافته باید به ملی ساختن کمپنی های امپریالیستی وانحصارگر های‌داخلی وخارجی اقدام ورزید .

وقتیکه وسایل تولید ملی شد، جامعه‌سلاح بزرگ را بدست خواهد آورد .

اگر یکتعداد کمی از خورده بورژوا در جامعه باقی می ماند، استثمار ضعیف شده وبه ترتیب از بین خواهد رفت . تولیدات عمومی در کشو رچندین برابر افزود گردیده ودر نتیجه همه کس ازآن مستفید خواهدشد. تمام این امکانات وقتی میسر شده می تواند که رهبری حکومت بدست خلق قرار گیرد . البته تشریح این موضوع صحبت مفصل ر ا ایجاب می نماید .

سوسیالیزم زمین را ازفیودالها گرفته‌برای دهقانان بی زمین وکارگر های زراعتی توزیع میکند . اکثر دهقانان بی زمین و کارگرهای زراعتی خلق وطن عزیز ما امروز به بدبختی های بی شمار نسل به نسل مواجه میباشند . اگر زمین برای آن مردمانیکه بالای زمین کار میکنند توزیع میشود، نه تنها وضع زندگی خود آنها بهتر خواهد شد، بلکه وضع زندگی اجتماعی، اقتصادی و کلتوری عموم مردم تغییراساسی وبنیادی خواهد کرد. وقتیکه برای دهقانان و کارگر های زراعتی زمین داده میشود ، با اعضای خانواده خود شب وروز کار وزحمت فوق العاده خواهند کشید تا حاصل زیاد تر بدست آورند ، در نتیجه تولیدات عمومی زیاد شده وباعث بلند رفتن عایدات ملی میگردد، مگر با آنهم اگر تولیدات عمومی بلند برود باید فارم‌های عصری نیز بوجود آید . اگر قطعات زمین طور پاشان وجود داشته باشد، امکان بکار بردن میتود های عصری در زراعت مشکل خواهد بود . دراثرتجربه که حاصل می کنند درك خواهند کرد که پیشرفت وترقی‌اجتماعی واقتصادی واقعی وقتی نصیب شان خواهدشد که به قسم کوپراتیف فعالیت خودرا درآورند، تاحاصل اعظمی بدست آورده بتوانند . در مرحله اول کوشش بعمل خواهند آوردتا در موقع کشت ودرو دیگر اوقات کار کمك ومعاونت های دسته جمعی بعمل آورند . وقتیکه معارف واخلاق مردم عالی گردید نه تنها زمین های کوچك خودرابه کوپراتیف ها ملحق ساخته، بلکه به فارم های دسته جمعی وعمومی تبدیل خواهند کرد، تا فارم‌های عصری ومدرن ساخته شود . (بعدا هر یك می‌تواند قطعه‌کوچك زمین (باغچه) رابه‌تصرف خودداشته تاخود واعضای فامیل بعداز وقت رسمی درآن کار کرده سبزیجات وغیره مواد مورد ضرورت روزانه خودرا تهیه بدارد) . آنها از تجربه خود می آموزند که ترویج سیستم عصری زراعت برای ضرر اشخاص نبوده بلکه برای مناد عموم جامعه خواهد بود .

در نتیجه این سیستم تولیدات چندین‌بار بلند رفته سطح زندگی همه مردم بلندمیرود. در اثر تجربه که حاصل میکنند دهقانان به قسم داوطلبانه حاضر خواهند شد تازمین‌های کوچك خودرابه فارم های بزرگ ملی مبدل نمایند.

کم یا زیاد در قسمت صنایع کوچك و تجار های خورد همین پروگرام تطبیق خواهد شد. دربر قراری این سیستم هریك به نوبه خود داوطلبانه سهم فعال گرفته که ضرورت به طرح قانون برای عملی نمودن آن پیدانمی شود . مگر فعلا درین شرایط این موسسات کوچك به رقابت سرمایه‌دار بزرگ انحصارگر داخلی وخارجی مواجه میباشند، منافع آینده شان ایجاب میکند تا موسسات کوپراتیفی تشکیل دهند .در تشکیل چنین کوپراتیف هاخرده مالك متضرر نخواهد شد . از طرف دیگر مواد اولیه که برای زراعت بکارمیرود، به قیمت مناسب هر عضو کوپراتیف بدست آورده وهمچنان تولید مازاد خودرا به مارکیت های عمومی توسط کوپراتیف ها عرضه کرده که مفاد آن مستقیما بدست مولد میرسد . تمام این مراحل در اثر تجربه شخصی خرده مالك داوطلبانه صورت میگیرد .

در کشور های مستقل وروبه انکشاف سوسیالیزم یکسان بدون تبعیضات صنایع نقیل تمام سرمایه داران را ملی می سازد . آن سرمایه هاییکه باعث ور شکست پیشه‌وران ومانع پیشرفت وترقی جامعه گردیده ویاسبب استثمار افراد میگردد ملی ساخته میشود وفعالیت های دیگر اقتصادی خورد و کوچك که باعث استثمار فرد ز فرد نگردد وهم مانع پیشرفت وترقی اجتماعی نشود به طور آزادانه فعالیت شان مجاز میباشد .

البته سرمایه دار های کوچك باور نظر داشت احتیاج وپیشرفت جامعه تحت رهنمایی های دولت خلقی برای بهبود وسعادت جامعه فعالیت های خود را عیار می سازند . مارکیت سیار وغیره فعالیت های خود مرانه که‌باعث منفعت جویی شود جلوگیری میگردد . آنها تحت پلان وپروگرام های دولت خلقی که به طور عام برای بهبود و پیشرفت جامعه طرح گردیده است فعالیت میکنند . سرمایه دار هایی که اجازه فعالیت میداشته باشند بطور عموم منافع جامعه رادر نظر بگیرند یعنی منافع عامه را زیادتر بر منافع شخصی‌ترجیح دهند .

فشرده مطالب بالا :

در کشور های پیشرفته سرمایه داری، سوسیالیزم پیشنهاد می نماید تا تمام‌فابریکه های بزرگ، تجار های بزرگ ، ترانسپورتها معادن، بانکها، وغیره ثروت هاکه به منفعت عامه تعلق میگیرد ملی ساخته شود. درکشور های تازه استقلال یافته وروبه انکشاف ، مرام وهدف اولی سوسیالیزم ملی ساختن فابریکه های بزرگ، تجارت، معدن، وغیره که مربوط به سرمایه دار های امپریالیستی خارجی وانحصارگر های داخلی باشد. گرفتن زمین از فیودالها وتوزیع آن به دهقانان بی زمین کارگر های زراعتی صورت گیرد .

وقتیکه کشور از نظر اقتصادی واخلاق اجتماعی ترقی میکند، تمام دهقانان ،دکانداران صنعت‌گران، سرمایه دارهای غیر انحصارگر وطن پرست در ممالك تازه به استقلال یافته وروبه انکشاف بنابه تجربه گذشته خود ها حاضر میشوند تاکوپراتیف های تعاونی تشکیل ومالکیت خصوصی خودرا ملی سازند. ملی قرار دادن مالکیت خصوصی به منفعت همه مردم تمام خواهدشد . تولیدات بطور عموم چندین برابر بلند رفته وحتی سرمایه‌دار های وطن پرست یکجا با دیگر طبقات جامعه از بلند رفتن، تولیدات عمومی بهره مند می گردند .

یوهیالی عنایت الله محرابی

دپښتنو او بلوڅو وروڼو آزادی بښونکی نهضت دبری په‌درشل کی دی

دپښتنو او بلو څو دملی آزادی غو ښتونکی مبارزی په خلانده کی د سنبلی نهمه نیټه (دپښتو نستان ورځ)خاص تاریخی اهمیت‌لری په‌دی ورځ دپښتنو او بلو څو د بیلابیلو قبیلو سپین ږیرو او مشر انو په کا بل کی دیوی ستری جر گی په ترڅ کی فیصله و کړه چی دهر راز استعمار او ملی ستم په خلا ف او دخپلو ملی حقو قو اود خود ارا دیت‌دحق دګټلو په لاره کی به‌په ګډه دخپلو افغا نی وروڼو په مرسته او ملا تړ دبری تړو ځته پوری مبارزی کوی .

داستعما راو امپر یالیزم په خلاف‌دپښتنو او بلو څو مبارزی اوږ ده او خلانده سا بقه لری هغوی دتاریخ‌په اوږدوکی له آمو څخه تر ابا سینه پوری د پر تو روڼو ملیتو ټوسره په یوه‌سلا او اوږه په‌اوږه دزمانی هریر غلګر اوپراختیا غوښتونکی قدر ت ته غاښ مساته وونکی ګوزار ونه ورکړی دی .

دانګر یزی استعما ر چیانو لخوا دمیر نیو افغا نا نو پر خاوره با ندی د فر ضی کړښی تر تحمیل کید و ورو سته هم دلرواو برو پښتنو بلو څو اوه افغانستان دټولو ملیتو نو تر منځ په یو وا لی اوییو ستو ن کی‌خلل پیدا نشو اود انګر یزانو سره د افغا نا نو په دری ګو نو قهر ما نا نه جګړو کی او په تیره بیاد خپلو ا کی دګټلو په جګړه کی زمور پښتانه او بلوڅ وروڼه له افغا نانو سره په یوه سنګر کی جنګید لی اوله آمو څخه ترا با سینه پو ری دخپلی سپیځلی واحدی مینی دما ثی په لاره کی بی خپلی وینی تو بی کړی اوله‌هیڅ راز قربانی څخه بی پروا نه ده‌کړی.

خو افغا نا نو هم دپښتنو او بلو څو دآزاد ولو دپاره وړی هلی ځلی و کړی چی له یوی خو ادا نګر یز استعمار دخانانه نفشو له اصله اوله یلی‌خوایه داخل کی دمسلطی ارتجاع له خوا مطلو بو نتیجو ته ونه رسید ی .

خوپښتنو او بلوڅو دانګر یز انو په مقابل کی خپلی ملی آزادی بښو نکی مبارزی ته دوام ورکړ او هیڅکله دنړی دی ستر استعما ری قدرت په تسلیم نشو ل اوپخپلو قهرمانانه مبارزو سره یی داسی خلانده‌کار نامی په تاریخ کی ثبتی کړی چی دنړی دټولو ترستم لاندی ولسو نو دپاره دو یاړ موجب او دلاری مثال وګر زید ی .

دانګر یزانو په خلاف دپښتنو اوبلو څو مجا هد ینو په دی قهر ما نا نه مبا رزو کی هم دتل په شا ن دافغانستان دزیار استو نکو خلکو هرا ړ خیز ه‌مادی او معنوی مر ستی او دورور ګلو ی پیو ستو ن له هغوی سره ملګری وو دپښتنو او پلو څو سره دافغا ن ولس دو رور ګلوی پیو ستون ژوری تاریخی اوګډتوری ریښی لری له آمو څخه تر آبا پوری او سیدو نکی‌ورو نه ملیتونه د هر یرغلګراود اړه مار قدرت په مقابل کی اوږه په اوږه او په یوه سنګر کی جنګید لی‌او ټولی تاریخی و یا ړنی او کلتوری یا نکی یی سره ګډی او شر یکی دی .

دافغانستان دخلکو دموکراتیک ګو ند چی‌دافغانستان دزیار ایستونکو خلکو واقعی نما ینده او د ټولی نړی دآزادی غو ښتونکو او کار ګری نهضتونو ملاتړ کوو نکی دی په ۱۳۴۳ کال کی دخپل تاسیس دوخت نه را هیسی تل دخپلو ملی حقو قو دتر لاسه کولو دپاره دپښتنو او بلو څو خلکو دنه‌ستو-

باقی په ۵۸ مخ کی

ketabton.com - The Digital Library



دستگیر نایل

بشاعران امروز

تو شاعر ،
تو شاعر زمانه یی
تو شاعر ترانه های جاودانه یی
توخالق سرود های انقلاب !

تو نغمه ساز، نغمه های انقلاب !

• • •

بگو ترانه های عشق را
بخوان سرود های نغز را
بزن توساز روح بخش این زمان
که زندگی بکام ماست
که بزم انقلاب خلقهاست !

• • •

وبعد ازین پرندهٔ خیال تو
در آسمان پر فروغ شعر ها
به بیکرانگی مرز این وطن
که بی هراس از این و آن
دگر همیشه پرو بال می زند !

• • •

تو شاعری ،
دل تو همچو آیینه است
که جلوه های زندگی توده ها
ز روشنی تابناك قلب تو
خوش انعکاس می کند

• • •

زبان تو زبان خلقهاست
کلام تو ،
کلام پر طنین وراستین تو
ز ژرفنای روح توده هاست

• • •

بیا تو ای شاعر زمانه ها !
که سالها ز دست غول ارتجاع
زبان بسته بوده یی
بیاکه خشم بی امان خلق ها
طلسم ارتجاع را شکست !

• • •

بیا ترانه ها بساز
بیا سرود ها بخوان
وشعر های نا سروده را
بگوکه عصر انقلاب توده هاست
بخوان که جنبش عظیم خلق هاست !!

• • •

بیا وبزم عیش را ،
توبزم عیش خلقهای رنجدیده را
به شعر دلنشین و پرطنین خود
به‌آن شراب شعر آتشین خود
فروغ جاودانه ده !

• • •

تو شاعری ،
سرود انقلاب را بخوان
که در کرانه های دور دست
ودر افق تابناك این وطن،
طلیعه های انقلاب روشن است !

• • •

تو شاعر زمانه یی
تو عضو پرتوان میهنی
تو افتخار توده هاستی !
بگوکه محتوای شعر تو
پیام زندگی راستین خلق هاست !!

• • •

له بهر نیو منابعو خخه دشس ـ ژیارمل ژباړه •

دخوب په باره کی پخوانی اواوسنی نظریات

ډیر داسی پیښس شویدی کله چی مور دخوب کولو اراده وکړو واصلا دخوب احساس راته نه پیدا کیږی، ویښ یواو یاړو لهخوبه راپا خیږواوخپلی وختونه پداسی حال‌کی‌چی زنګ لرونکی ساعت زمور سرته کړه نګیږی‌اود ټولی کورنی غړی خبروی داسی خوب راځی چی په اصطلاح سترګی مونه غوړیږی • کوم شی چی له خوب خخه‌زمور دراو یښو لوسبب ګرځی هغه مساله ده چی تراوسه پوهان پدی نه‌دی بریالی شوی هغه‌توجیه او خرګنده‌کړی• خوسره ددی هم پدی برخه ددوامداروو خپر ټوله امله دوی نظریی موجود دی دی:

اول: داچی خوب اوسټریا دواړه خوندوردی داعصابود سلولونو دسټرتیا علت دادی‌چی دهغوی دانرژی زیرمه‌ددی پرخای‌چی په چټکی سره توی او زیاته شی تراستفادی‌لاندی را ځی او تما میږی •

کله چی‌مور‌فکر کوو ، ګورو ، احساس راته پیدا کیږی اوپه کلی توګه هرډول‌فکری فعالیت سرته رسوو په بدن کی دخپلی‌زیرمه شوی انرژی خخه استفاده کوو نولدی امله ماغزه اوداعصابو نور مرکز ونه استراحت‌ته اړتیا پیدا کوی •

خوب زمور ستړیا لری کوی او کله چی ویښیږونو زمور بدن پوره استراحت کړی وی او مور بیرته ورځینو کارونو دسرته رسولو لپاره چمتو کیږ و •

خینی‌پوهان پدی عقیده دی کله چی‌داعصابو خاص مرکز چی (واسوکونس تریکتور) تومیږی ستړی کیږی او په نتیجه کی دوینی‌لیږدونکی رګونه دوینی ټاکلی زیرمه له لاسه ورکوی‌مور ویده کیږ واو کله چی دغه‌مرکز خپله دضرورت وړوینه بیرته‌تامین‌کړی‌نومور‌بیرته راویښیږو•

بل نظر چی دخوب په باب وجود لری ددغه نظر سره توپیر لری ددی نظر له مخی مور دخپلو مغزویه لاندنی برخه کی دویښتوب مرکز لرو زمور ورځنی فعالیتو نه او فکرونه دغه مرکز په هغونه راوړی او تر هغه وخته پوری چی‌دغه‌مرکز ته پیغامونه لیږو،ویښ‌یواو کله چی ددغو پیغامونو لیږدول قطع شی ویده‌کیږو، اوس نو کله‌کهونه کولای‌شو هغه پیغامونه چی‌له مغزو خخه بی‌دغه مرکزته‌لیږدووقطع کړو ویښ‌پاتی کیږو او خوب نه را خی خو کله چی ددغو پیغامونو لړی وشلیږی ویده کیږو•

دغه راز دخوب په وخت کی که چیرته ویده یواوپدی شیبه کی وړی شو، ساړه موشی ، دغم او نا خوښی احساس‌راته پداشی اویاله خینو هیجاناتو لکه ویری سره مخامخ‌شو زمور دویښتوب مرکز بیرته‌راهڅول کیږی اوله خوبه‌راولاړ‌یروخوددی خبری‌یادونه ضروری ده چی هر بالغ انسان په‌یوه شپه‌او ورځ‌کی یوی ټاکلی اندازی خوب ته ضرورت لری اود غه اندازه په ټولو خلکوکی دهغوی دعمر ، بدنی حالت ، جسمی کار اوحتی هغو خانګړ و عاداتو په نسبت چی خوب ته یی لری توپیر کوی •

ketabton.com - The Digital Library

ایا رویا کولای شی چی دراتلونکی اتکل وکړی ؟

دخوب معنی دمعمول له مخی په راتلونکی ری ارتباط لری باید پوه شو چی یواخی ځوبرنی ټولنی خلك پدی عقیده نه وو چی خوب لیدل په هغو پیښو چی په راتلونکی وخت کی پیښیږی ارتباط لری اودهمد غو پیښو- اتکل په پخوانیو وختونو کی هنر ګنل کیده کولای شی دخلکو آینده او راتلونکی دهغو خوبو څخه چی لیدلی یی دی ، اتکل او معلومه کړی . په حقیقت کی دخوب له لاری دراتلونکی اتکل په پخوانیو وختونو کی یوهنر ګنل کیده څخه هنر یی د(انسی رومانی)په نامه یاد اوچی اسلاد(انی روس) یویو نانی کلمی څخه اخیستل شوی و . نن ورځ هم داسی کسان شته دی چی عقیده لری دخیټو کتا بونودلوستلو په مرسته کولای شی دخوب تعبیر او توجیه وکړی او دخپلی راتلونکی څخه خبر شی .

باید پدی هم وپوهیږ وچی اوسنی پوهه زموږ دخو بونود محتوی په باب خه نظر لری. موږولی ویده کیږو ، په خوب کی خه کورو او دغه خوبونه خه معنی لری ؟

ننني پوهه دانظرنه‌معنی چی خوبونه موږ ته پیغامونه راوړی اویا در اتلونکی اتکل وکړی زموږ دخوب موضوع امکان لری بی شعیره اوبیلی بیلی سر چینی ولری .

امکان لری ددغو رویا ګانو سرچینه‌دهغو هیجا ناتو سره چی دخوب په وخت‌کی موږ ترخپلی اغیزی لاندی نیسی‌لکه داوازو- نواوریدل ، دیخنی احساس ، دیونیسم‌لګیدل اویا هغه پیښی چی موږ پخوالیدلی دی یاهغه شیان چی علاقه ورسره لرو او خینو نورو نما یلاتو پوری چی په خپل خان کی یی احساسو و ، ارتباط ولری .

کله‌ءینا هغه پیښی چی په تیروخت‌کی مولیدلی دی په‌خوب‌کی‌کورو او دیروختونه‌دغه راز خوبونه بیابیاهم لیدل کیږی خو په کلی توګه زموږ دخوبونو موضوع زموږ دتیرو پیښو نتیجه ده او په را تلو نکی پوری ارتباط نلری .

خینی کسان دورځی هم خوب ته‌اړه لری اود ورځی خوب په نسبی توګه ارام‌او راحت بښونکی وی .

خینی پوهان او روح پیژندونکی‌پدی عقیده دی : دورځی رویا په‌حقیقت کی هغه‌خوب دی چی یوازی دبیداری په وخت کی صورت مومی پداسی حال کی چی دشپی خوب داسی خوب دی هغه وخت چی‌موږ په رښتیا سره ویده یوپه موږ غلبه کوی اودایواخی دورځی اوشپی دخوب توپیر دی . خودغه دواړه خوبونه هغه وخت مینځ ته راځی چی‌انسان داسی‌ستړی وی‌چی دخپل چاپیریال پیښونه پاملرنه نشی کولای او افکار یی دتمرکزلنه‌حالت خخه وتلی وی پدی توګه ددغو دواړو وخوبونو موضوع په زیاته داشخاصو، حیوانا تواویا عجیبو او غیر عادی دریځونو پوری مربوط وی چی په ژوندکی ددغه‌رازدریځو نو لاس‌ته‌راوړل به امکان ونلری .

کله که‌یو ماشوم لږ انډیوالان او دوستان ولری نو معمولادورځی په رویاکی‌خپل‌خان دیوياد وو کسانو ملګرو سره ګودی خوهغه ماشومان چی زیات ملګری ولری‌نودورځی په رویاکی به هم دزیاتو ماشومانو په‌مینځ کی خان ګوری او غرور احساس به ورته‌پیدا کیږی او یاداچه دیو کارګر ماشوم په خوب کی یوازی هغه ابزار او وسیلی لید لای شی چی دده په غریب چاپیریال کی شته پداسی حال کی چی دیو فیوډال زوی امکان لری په‌خپل خوب کی خپل خان دیوبز ګر په اوږوسپور وګوری .

ددغو خیر نو څخه دی نتیجی ته رسیږو چی خوب لیدل داخلی او نهادی اغیزی دی نه خارجی اوبهرنی تا ثیرات او زیاتره ز موږ دارثیاوو ، ارزوګانو، علایقو ، ویری‌اونورو عواملو پوری اړه لری . په هر حال رو یا هغه شی دی چی‌موږیی پخپله مینځ ته راوړ واوه هر چا لپاره چی دغه راز رویا ګانی خلق کوی خاصه او ځانګری معنی او تعبیر لری.

ترجمه از : همایون افروز

از :آنتون چخو ف

چرا اعتراض نکردی؟

چند بن روز پیش معلم خانگی اطفا لم را گفتم تا برای تصفیه آنچه مستحق است به منزل بیا ید :زنگ به صدا در آمد و جولیا در آستانه ی در ظا هر شد. بعد از جوالبر سی مختصر گفتمش .

بنشین ، جولیا ، میدا نم که به پو ل ضرورت دا ری ، بلی میدا نم . بیا آنچه تو مستحق هستی برایت بد هم .

-چهل روبل.

-نی، سی روبل. من یا دداشت دارم من همیشه برای معلمین خانگی ، در گذشته سی روبل می پر دا ختم و حالا،فقط بیست دو ما ه برا ی تدریس اطفا لم آمد ه است .و ...

-دو ماه وپنج روز ...

-بازهم اشتباه ، یادداشتی دارم که در آن صرف دوماه نوشته شده‌است.

معنا یش اینست که‌پو ل قابل پردا خت برایت مجمو عا شصت روبل میشود .جولیا، به(۹) یکشنبه را ازآن تفریق کن ...

تو خود ت میدا نی که درین روز ها همرای کولیا درس نخوانده ای و فقط به قدم زدن پر داخته ای .

سه روز هم رخصتی عمومی ...

در رخسار جو لیا خون دوید و شدت ضربان قلبش دوچندان شد.

اوچیزی برای گفتن نداشت.

سکو تیکه برای لحظه ای کوتا هی‌میان من و جو لیا ایجاد شد ،بودباصدا ی‌نرم‌و پست من شکست :

سه روز ، رخصتی عمومی ، بلی این مدت دوازده رو بل را احتوا میکند . چهار، روز کولیا مریض بود ودر چهار روز تنها برای (ونیا) تدریس نموده ای ، سه روزهم درد دندان داشتی وخانمم برایت اجازه داد تابعدازصرف غذای چاشت تدریس نکنی دوازده و هفت بقیتا نزده میشود . یعنی ،باقی چهل ویك روبل میشو د، در ست ؟

چشمان جو لیا سرخ‌گشت واشك آلود شد . زنخش لرزید وار تعا ش سرا پا ی وجو دش را فرا گرفت . دانه ها ی عر ق قطره قطره درپیشانیش هویدا شداما، چیزی نگفت ، حتی کلمه یی .

جولیا را سرا پا نظر انداختم و گفتمش:

درسال نو، یك پیاله چای ویك بشقاب راشکستاندی وارزش هردو ، است دو روبل. قیمت پیاله بیشتر از آن است که برا یت گفتم ، زیرا میرا ثی بود لاکن .. با و جود یکه از خسا رات دیگر که‌من متحمل شده ام، صرف نظرنموده ام! ودوم اینکه در اثر بی توجهی تو نسبت به وظیفه ات، کو لیابه درخت منزل، بلند شد و جا کتش را پا ره کرد . بلی ، این هم ده روبل قیمت دارد. همچنین در اثربی احتیا طی تو ، خدمتگار منزل کفش ها ی (ونیا) را دزدیده و تو باید از همه چیز آگا هی تا م میدا شتی !

وباید برا ی آنهم پو ل بپر دازی و..یعنی اینکه پنج رو بل دیگر هم کا سته میشودو به تاریخ دهم جنوری ده رو بل برا یت دادم ...

اومتحیر انه به‌من نگریست ، ابروانش را با لا انداخته گفت :

«مگر شما پولی برایم نداده اید»

خنده ی نیشخند ، روی لبها یم نقش‌بست وبرا یش گفتم :

جو لیا ، مگر نمیدانی که من همه چیزرا یادداشت دارم ؟ به‌هرصورت، ازچهل و یك روبل بیست روبل آنرا می کا هیم . فقط چهارده‌روبل مزد تدریس تو میشود .

چشمان جو لیا غرق از اشك گرد ید. قطرات عرق روی پیشانی اش هویدا شد و بینی باریکش لرزید. بیچاره دختر : جو لیا در حا لیکه ا شك عجز از چشما نش جاری میکرد ، گفت :

«فقط یکبار برای من پو ل داده اند . و آنرا هم خا نم شما ، بلی، سه رو بل .»

این کلمات پراگنده که با لکنت ز بان ادا میشد ، از دها نجولیا با بیان لر زان خارج شد . چشما نم را دو باره به جو لیا دو ختم و گفتمش :

راستی ؟ببین‌من آنرا یاد داشت نکر د ه بودم .

حالا ، سه رو بل را از بقیه پو ل با قی مانده تفریق کن، فقط یازده روبل میمانند پو لها یت اینجا ست! سه، سه و یك ،یك‌اینجا ست !

با دستها یم پو ل را برایش نزدیك‌کردم جولیا باانگشتان خود ...

انگشتا نیکه از شد ت خشم می لر زید، گر فت وبه جیب خود گذاشت .

جو لیا آهسته گفت :

تشکر ، تشکر ...

من از جا جستم و به قدم زدن شرو ع کردم . خشم سرا پا ی و جود م را فرا گرفته بود . احسا س نمود م که دستها ی من‌هم میلرزد. لحظات چند بزودی گذشت برای جو لیا گفتم :

-تشکر برا ی چه ، آخر برای چه ...

چشما نش را از کف اتاق بر دا شت وگفت :

-«برای پول»

به چشما نش خیره شدم . هنوز آثار اشك وار تعاش در وجود ش ظا هر بود، بی صبرانه برایش گفتم:

-تو میدا نی که ترا گو ل زدم ، آخر، برای خدا ، آخر این قد ر بدان . حقیقتا حق ترا غصب نموده ام !واین تشکر بر ای چه ؟

جو لیا مو ها یش را مر تب کرده گفت:

-«درهمه جا همینطور است. همه‌به حقوق من دست درازی کرده اند وهمه پو لهایم رابه نحوی از انحاگرفته اند»

-آنها هم برا یت هیچ پو ل نمیدادند ، هیچ !عجیب است !اما ، باید بگو یم که‌من با تو شو خی کردم و آنهم درس بسی رحمی وفقط درس زندگی بودکه برا یت دادم تا قد رت اعترا ض در و جود تاحیا گردد. جو لیا ، آنچه تو نخست با صدای آرام و خا مو شانه‌گفتی که هشتاد رو بل اینك مجمو عا هشتاد روبل، درین پا کت است ، هشتاد رو بل ... پو ل ها آماده است ...

در دنیا ممکن است که‌انسا ن بدو ن چنگال ودندان باشد ؟...

اگر با شد ابلها نه است ...

تبسم وشادی رادر چهره ولبهای جو لیا خوا ند م .

لبها یم باز جنبیدند واین جمله را تکرار کردند :

«ممکن است که انسا ن در جها ن بدون چنگال ودندان باشد،ممکن است ...

من ازشوخی که با جولیای کرده بودم معذرت خوا ستم پولها را برا یش‌دادم.

او آهسته تکرار کرد: تشکر . وچندین بارتکرار ،تشکر ... واز اتاق خا رج شد ... من به عقب او تا و قتیکه از درخارج گر دید نگاه کرد م به فکر فرو رفتم :

«چه سا ن ، سهل است که به مرد ما ن ضعیف درین دنیا حمله شود! اما ؟

Grabton.com - The Digital Library



دعوت به‌سبك اسکاتلندی !

دو اسکاتلندی در رستورانی **مشغول**خوردن غذا بودند ... ناگهان متوجه شدند که دو دختر بسیار زیبا، کنار میز شان**مشغول** صرف غذا هستند ...

بزودی **نگاهها و خنده ها رد وبدل شده**یکی ازاسکاتلندی هاکه جوانتر بودبدوستش گفت :

قبول داری آنها رابه سر میز خود دعوت کنیم ؟

دوستش نگاهی به‌آندودختر کرد و گفت:

اما بایداول کمی صبرکنی ...

اسکاتلندی اولی‌پرسید:

- چرا ... باید صبر کنم ؟

- احمق جان، صبرکن تا آنها صورت حساب میز شان را بپردازند آن وقت آنهارا سرمیز خود دعوت میکنیم !!

سری که‌درد نمیکرد !

در باغ شفاخانه، پرستار، چشمش به مرد دیوانه بی افتاد که‌دستمال بزرگی رابسرش بسته بود ...

اورا صدا کرد وپرسید :

چرا سرت درد میکند که دستمال را به سرت بسته‌کرده‌یی ؟

دیوانه جوابداد:

نی خانم جان قند ... سرم درد نمیکند ، بلکه **سردوستم درد میکند !**

پرستار با تعجب پرسید :

توچرا دستمال به‌سرت بسته‌کردی ؟

دیوانه شانه هایش رابالا انداخته وگفت:

خوب معلوم است که دو ستم دستمال نداشت که در سرش بسته کند .



-دیدی گفتم پول خوشبختی بارنمی‌آورد؟!

دزد و پنجره اتاق

نخستین شبی بودکه زن وشوهرش‌درخانه نوساخت زندگی میکردند ...تیمه های شب زن وحشت زده ازخواب بیدار شد وشوهرش راصداکرد.

- عزیزم ... عزیزم ... بلند شو !!

شوهر خمیازه یی کشید و پرسید :

چه شده عزیزم ... مگر چه شده ؟

زن من ومن‌کنان گفت :

-دزد ... دزدمی خواهد پنجره را باز کند .

شوهر در حالیکه مجددا روی تخت خواب دراز می کشید با خونسردی گفت :

- پنجره ... باش عزیزم بگذار پنجره را بازکند من هر قدر که‌کردم نتو ا نستم آنرا بازکنم !!





وقتیکه زنداتی بخواهد لباس مود روزبپوشد

خواب‌واستراحت



سر چه‌باشد که‌نثار قدم دوست‌کنم!

دو همکار دراداره باهم‌گرم گفتگوبودند...

یکی از آنها از همکارش پرسید :

راستی تو بعد از ظهر استراحت میکنی

همکارش آهی کشید وجوابداد :

-همینکه چاشت نان راخوردیم، خا نم یك ساعت میخوابد .

کدام خانم؟

زن خودم را می گویم .

- ولی من خواززن توچیزی نپرسیدم !

- جانم، متوجه نشدی ... وقتی خانم می خوابد چون حرف نمیزند، منم هم یك نفس راحت کشیده وساعتی استراحت میکنم !!



بدون شرح

ketabton.com - The Digital Library



عجله

شخصی باعجله وارد دکان سلمانی شد و بمردی که در آنجا بود گفت :

آقا ... خواهش میکنم فوری سرم رااصلاح کنین، چون عجله دارم نمیخواهم یك کلمه حرفی بزنین وسوالی بکنین !

مرد گفت :

ببخشین آقا ... ولی من ...

وعجول حرفش را قطع کرد .

ـ ببین جانم، ببخشین یا، ولـی و اسم‌وجود ندارد ... ازتو چیزی جز اینکه سرم راخوب وزود اصلاح کنین نمیخواهم ...

بازهم مرد خواست حرفی بزند ولی مردعجول مهلت نداد دهانش را باز کند ناچار اوشانه هارا بالا انداخت وسری تکانداد وشروع بکار کرد ...

همینکه کار تمام شد، مشتری با آیینه‌نگاه کرد، نتوانست از وحشت و ناراحتـی خود داری کند ...

چـو ن مو هـا ی سر ش نهـا یت خراب شده بود مانند آن‌که‌کسی آنرا کنده باشد !...

بدیدن این جریان، باناراحتی و عصبانیت روبه سلمانی کرد وفریاد کشید :

ـ مرد حسابی ، چیکار کردی سرد .... آیا اینطور سر مردم را اصلاح میکنین ؟

مرد با سادگی جوابداد :

ـ من نمیدانم آقا... ازسلمانی بپرسین...

او تاچند لحظه دیگر می آید.

مرد عجول پرسید:

ـ پس شما کی هستین ؟

من‌شیشه برمغازه روبرو هستم که‌آمده‌بودم شیشه شکسته راعوض کنم!!



بدون شرح



ـبا این ترتیب مطمئن باشید تا چنددقیقه دیگر بالاخره متخصصین ماخواهند فهمید که خرابی ماشین ازکجاست !



ـممکن است خواهش کنم که اینطـرف بنشینید ... !

مرداولی پس ازاکسیدنت: توبگیرخانم‌کرتی مراکه‌مانند شیشه موتردندانهای آنرامی‌دیزانم یانی ...دومی بگیرخانم دندانهایم را کـه بسیار ...!



دکتور ـ بهترین تجویز من‌این است کـه وقت پرخاش زنت ازخانه بیرون‌شوی

جوان رند

این پسر ودختر تازه در مجلس پارتـی باهم آشنا شده بودند ... بعد از چند دور رقص ،پسر جوان جرئتی بخود داد وخواست بوسه‌ای ازصورت دختر بگیرد، اما د ختـر صورتش را عقب کشیده وگفت :

ـ نی آقا ... تامن باکسی نامزدنشده ام. نمی گذارم هیچکس مرا ببوسد !

مرد جوان لبخند شیطنت آمیزی زدو گفت:

متاسفم، پس ممکن است‌یك خواهش‌دیگر ازتو بکنم ؟

ـ بفرمایید چه خواهشی باشد .

ـ میخواستم خواهش کنم ، بمجرد اینکه نامزدی پیدا کردی فورا مرا خبرکنید!!

اشتباه‌می کنید

مردی برای اصلاح سر وصورت خود به دکان سلمانی رفت ...

صاحب دکان نگاهی به‌سرو صورت اوکرد وگفت :

مثل این است که شما قبلا همه بـرای اصلاح سرو صورت اینجا آمده بودید ؟

مشتری لبخندی زد وگفت :

نه جانم .. شما اشتباه می کنید . ایـن علامت هاکه در صورت من‌می بینید متعلـق به زمان جنگ میباشد !!

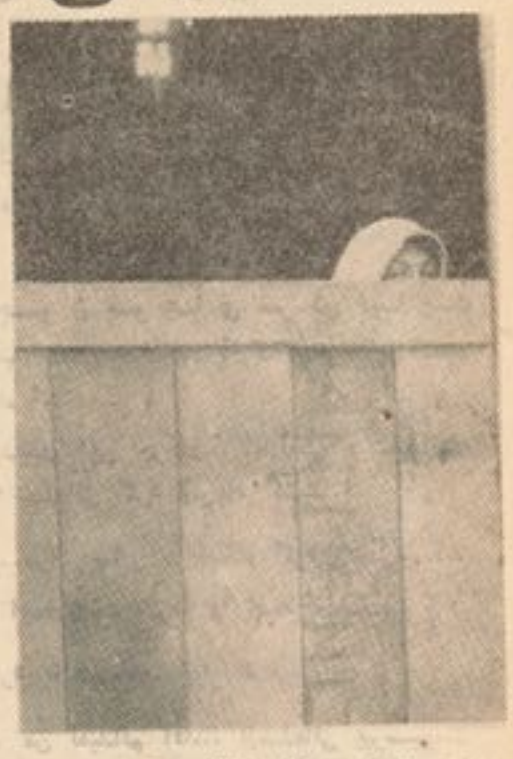
ketabton.com - The Digital Library

از شگفتی ها

ترجمهٔ غیور

نتایج چهارمین مسابقات

عکاسی کشورهای آسیایی



شرم وحیا- برندهٔ جایزه سوم

در چهارمین مسابقات فوتوگرافی کشور های آسیایی که اخیرا در شهر توکیو زیر نظر یونسکو برگزارگردید اشتراك‌کنندگان شعبات فوتوگرافی هند جمعا به گرفتن‌هفده جوایز موفق شدند . قرار معلوم درین مسابقات یك جایزه اول، شش جایزه دوم و ده جایزه سوم به فوتوگرافان کشور پهناور هند اعطا گردیده است .

در مسابقات فوتوگرافی کشور ها ی آسیایی که به اشتراك بیست وپنج کشور آسیایی در پایتخت جاپان برگزار شد اشتراك کنندگان د ر ختم مسابقات در سمپوزیمی اشتراك نمودند که تحت عنوان زنان در کشور های آسیایی دایر گردید. بمنظور هم آهنگ ساختن اهداف تدویر نمودن چهارمین مسابقات فوتوگرافی مسابقات متذکره به عنوان «زنان در کشور ها ی آسیایی» برگزار وبرای مدت چهار روزدوام نمود .

طوریکه در راپور های منتشر شده تذکار رفته جایزه اول این مسابقات را فوتوی یکی از زنان کشور های حوزه جنوب شرق‌آسیا تشکیل میدهد که بنام «چادری» مسمی بوده وتوسط «بی‌کی‌کپور» عکاسی شده است. هکذا فوتو های شماره دوم وسوم نیز در صحنه جداگانه از زندگی زنان رادر کشور پهناور هند نشان میدهد.

«سندری» برندهٔ جایزه دوم



چادری - برندهٔ جایزه اول

ترجمه الف ۰ عبیدی

مرغ دشتی به زراعت کمک می کند

قرار احصا ئیه موسسه مواد خورا کـــه ملـــل متحـد سا لا نـه بیش از چهـــل ملیون تن از تو لید ات زراعتی توسط حشرات مضر از بین میرود واین خساره با لـــغ به هفتاد ملیا رد دالر میگر دد .

گر چه سا لانه برای از بین بردن ایـــن حشرات مـــواد کیمیا وی به پیمانه زیـاد استعمال میشود لاکن این ادویه کیمیاو ی حشره کش عوا قبی نا گواری هم از خودبه جا میگذارد یعنی ادویه مذکور از یکطر ف بعضی دشمنان طبیعی حشرات مضر را ازبین میبرد از جا نب دیگر دیده میشود که در بعضی از انواع حشرات مضر مقا و مـــت ایجاد میکند . در پهلوی آن بعضی از یـن ادویه ها برای انسان ها، حیوانات خـــون گرم و بعضی از نباتات زراعتی نیز مضـــر میبا شد .

از ینرو اینکه امروز بیش از شصت‌فیصد ازسا یشس دا نـا نیکه مشغـــو ل پیـدا کردن راه و چارهٔ غرض جلو گیری ازحشرات مضر میباشند، متوجه آن شده اند تاباید یك چاره بیو لوژیکی را پیدا کنند، اتفا قـی نیست .

مرکز بیولوژی در اکادمی علو م بلغاریا، پروگرامی را زیر عنوان طرق بیولوژیکـی محا فظه نباتات از پرازیت های روید ست گرفته و کار تطبیق آنرا در سال ۱۹۷۸ شروع کرده اند که نتا یج بدست آمـده از آن خیـلی د لچسپ و تشویـــق کننده میبا شد .

در بلغا ریا سال گذشته‌دهکدهٔ«ریبارتیزه» در قصبه «لوویچ» خساره زیاد از ناحیه پرا زیت های نیما تودا که‌توسط فانغوزك هـای کلو راد و آورده شده بود ، دید ، برای جلوگیری ازیـــن فانـــغوزك ها حشراتی از اتحاد شورو ی آورده شد کـــه بصورت دسته جمعی بالای آنها حمله ور میشو ند و آنها را از بین میبر ند فعلا تلاش غر ض ترویج وعام ساختن این حشرات جر یا ن دارد و همچنان پرو گرام طرق بیو لوژیکی محا فظه نبا تات از پرازیت ها یك سلسله معلو ما تی را در مورد موجودات کو چـــك زندهٔ که مکرو بها را به حشرات مضـــر انتقا ل میدهند شروع نموده است .

بقیه‌درصفحه۵۹

ketabton.com - The Digital Library

از مسکو نیوز

ترجمهٔ زلمی ذاهب

آیا مهتاب سقوط خواهد کرد؟

دراثر سقوط مهتاب وفرو رفتن آن به زمین چه واقع خواهد شد ؟ و ز ن مهتاب ۷۳ × ۱۰ به طاقت ۱۸ تن، قطرآن ۳۵۰۰ کیلومتر، و فاصلهٔ آن از زمین ۳۸٤۰۰۰ کیلو متر بوده ودر صورت سقوط سرعت آن در زمان تصادم بازمین ۱۱ کیلومتر فی ثانیه خواهد بود . بناء ناگفته پیداست که وقوع این حادثه یك انفجار عظیمی خواهد بود .

اما این حادثه واقعا اتفاق خواهد افتاد؟

چنین مصیبت عظیم فضایی تاحال واقع نگردیده است . حرکت مهتاب به اطراف زمین ودوران زمین به دور آفتاب برای هزاران میلیون سال ادامه داشته است . هرگاه مدار هایه اندازه کافی ثابت واستوار نمیبود حرکت این اجسام سماوی سالیان بسیار قبل از حالت اعتدال خارج می گردید.



بنابرآن مهتاب سقوط ننموده ویا زمین برخورد نخواهد کرد.

اینکه تاچه حداین طرز تفکر منطقی به نظر میرسد مسئله کاملا جداست ولی تاهنوز علمابه اثبات نرسیده وهم سالیان بسیارقبل مفهوم ابد را ندارد . مسئله ثبات مداراجسام سماوی بشمول نظام شمسی خواهان مطالعات ودلایل معتبر علمی میباشد .

چه‌عاملی باعث حرکت سیارات میگردد ؟

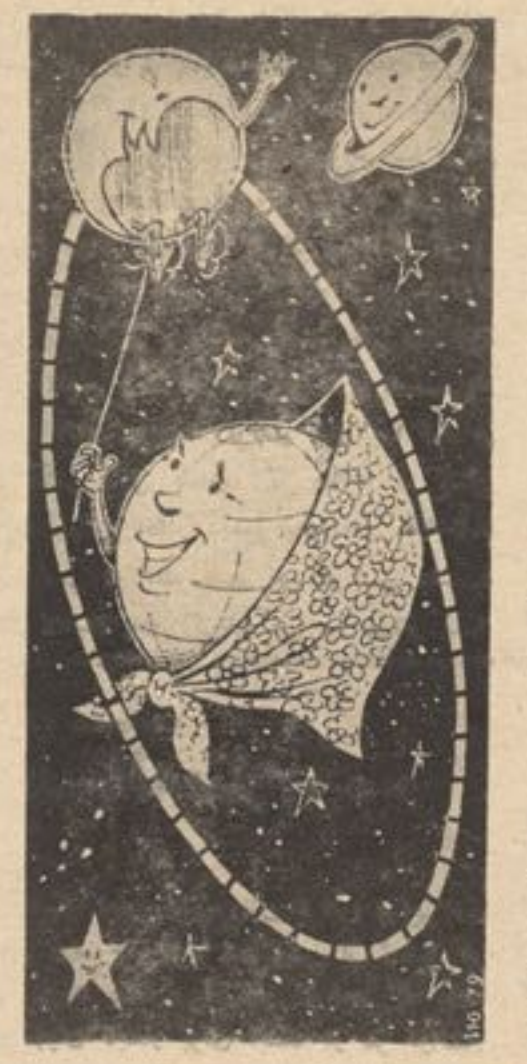
جواب این سوال مربوط به علم میخانیك سماوی (شاخهٔ علم ستاره شناسی و نجوم که ازحرکت اجسام سماوی بحث میکند)میباشد.

قانون اصلی واساسی این علم ،که تمام محاسبات مدار های اجسام طبیعی ومصنوعی فضایی به اساس آن صورت میگیرد، عبارت از قانون جاذبه بوده که توسط نیوتن ساینس دان برجسته انگلیسی در قرن‌هفدهم کشف گردید . این قانون همیشه ودر هر جاچه در سطح زمین، در نظام شمسی ویادر سیارات دیگر قابل تطبیق بوده وکدام خلای علمی هم درآن وجود ندارد .

آیا مدار مهتاب تغییرمیکند؟

مهتاب بنابر موجودیت قوهٔ جاذبه به طرف زمین کشانیده میشود . اما در حرکت اصلی وحقیقی مهتاب موجودیت قوهٔ مومنتم باعث کشانیدن آن به سمت مخالف قوهٔ جاذبه‌زمین میگردد . عمل متقابل قوهٔ جاذبه ومومنتم باعث میگردد تا مهتاب در یك مسیر بستهٔ بیضوی شکل حرکت نماید . البته صحت این عملیه نه تنها درقسمت مهتاب بلکه در تمام سیارات دیگر نیز انکار ناپذیر است. طوریکه کپلر منجم معروف آلمانی به اثبات رسانید که مدار های تمام سیارات. اقمار وغیره اجسام سماوی بیضوی شکل بوده واین یك‌قانون عام طبیعی است.

تعریف وتشخیص مسیر حقیقی مداربیضوی شکل کار ساده نیست . تاثیر اقماروسیارات دیگر وهمچنان آفتاب را بالای مدار مهتاب نادیده نمیتوان گرفت . بناء تعیین مسیر حقیقی مهتاب تاحدی تقریبی میباشد . امااین



به آن معنی نیست که پیش بینی مسیر مدار های اقمار غیر ممکن است . بر عکس نتایج محاسبات اوقات خسوف وکسوف نمایانگر آنست که این نتایج کاملا اطمینان بخش میباشد .

حتی در قرن گذشته اپولزرمنجم اطریشی قادر گردید تا ۸۰۰۰ واقعه کسوف و۵۲۰۰ واقعه خسوف رابین سالیان ۱۲۰۸ قبل‌المیلاد و۲۱٦۳ بعداز میلاد محاسبه نماید . تمام پیشگویی هایی خسوف وکسوف که حال ما شاهد آن هستیم موید آنست که صحت ودرستی اوقات پیشگویی شده تا حد زیاد قرین به واقعیت بوده واشتباه درآن از یك ثانیه تجاوز نمیکند .

این محاسبات نشان میدهد که مسیرمدار مهتاب ثابت بوده وهیچ دلیلی برای تشویش وتگرانی تغییر در مسیر حرکت مهتاب وجود ندارد .

عصر حاضر که عصر مسافرت های فضایی بوده واقمار مصنوعی ، که در حقیقت یك‌مدل مینیاتور مهتاب است، درمدار های معین حرکت کرده وتغییری در مسیر آن رخ نمیدهدکه این حرکت منظم‌مدل دلیل دیگری برای اثبات گفته فوق میباشد . قمرمصنوعی مخابراتی نوع مولنیا در یك مدار طولانی بیضوی شکل حرکت میکند . سرعت این قمر مصنوعی، وقتیکه نزدیکترین فاصله رابا زمین داشته باشد، هشت کیلو مترفی ثانیه میباشد. ازین نقطه حرکت صعودی خودرا شروع نموده واز زمین دورترمیگرددتاوقتیکه به نقطهٔ اوج خود، که‌درنیم کرهٔ شمالی واقع وفاصلهٔ اعظمی آن اززمین تقریبا ٤۰۰۰۰ کیلو متر میباشد ، برسد. این قمر مصنوعی مدار خودرادر ۱۲ساعت تکمیل‌نموده ودوباره مسیر خودرا دنبال میکند . هرگاه حرکت آن از پهلو مشاهده گردد شباهت کامل به حرکت رقاصه داشته وتمام قوانین وفورمول های کالکولس که‌درقسمت محاسبات حرکت رقاصه‌بکار میرود در محاسبات‌حرکت این قمر مصنوعی نیز قابل تطبیق است .

اساسا مدار مهتاب کدام فرق قابل‌ملاحظهٔ باطرز حرکت فوق ندارد صرف مسیر حرکت مهتاب بدور زمین شباهت به دایره دارد .

طوریکه قبلا هم ذکر گردید فاصله بین مهتاب وزمین ۳۸٤۰۰۰ کیلو متر میباشد و زمان دوران آن ۲۷.۳ روز است . فرق‌فاصله اعظمی واصغری بین مهتاب وزمین ۵۰۰۰۰ کیلومتر بوده واین تفاوت فاصله‌سبب‌گردیده تامهتاب بعضا خرد تر و بعضا بزرگترمشاهده گردد . هر اندازه‌که فاصله‌آن‌اززمین‌زیادتر میگردد خردتر معلوم میشود. در موقع کسوف سطح ماه خرد تر نظربه سطح قابل دید آفتاب مشاهده گردیده که در این‌حالت کسوف کامل نبوده بلکه شکل حلقوی را خواهد داشت .

اما یك فرق کلی بین مهتاب وقمر مصنوعی مولنیا وجود دارد وآن اینست که فاصلهٔ اصغری بین مهتاب وزمین زیادتر ازفاصلهٔ اعظمی بین زمین وقمر مصنوعی فوق الذکر بوده ومهتاب در همان فاصله اصغری خارج از اتموسفیر زمین میباشد در حالیکه قمر مصنوعی متذکره در فاصلهٔ اعظمی خودبه داخل اتموسفیر زمین قرار دارد ودر همین موقعیت نیز قوهٔ مقاومت هوا بالای آن تاثیر بسزا داشته وبناء بعضی اوقات مدار این قمر مصنوعی تغییر نموده که در نتیجه‌باعث خرابی وتجزیه شدن آن میگردد.

باوجودیکه این حالت درمهتاب رخ نمی‌دهد امابازهم نمیتوان گفت که‌مدار آن برای همیشه حالت فعلی را دارا خواهد بود. مدار های تمام اجسام سماوی نظام شمسی مانند تمام اشیای طبیعت از قانون تکامل مجزا نبوده وشاید کدام تغییری در طرز حرکت مهتاب رخ دهد اما این حادثه نامعلوم ومشکوك بوده وگمان آن نمیرود که مهتاب به‌زمین نزدیك گردیده وبه آن تصادم نماید .

محل خطر نزدیکی کره‌ها :

یکی از عواملیکه باعث دور نگهداشتن اجسام زمینی ازاجسام سماوی میگرددایست که هرجسم زمینی که در فضا حرکت نماید همیشه بامقاومت اتموسفیر مواجه بوده در حالیکه اجسام سماوی مواجه با چنین مقاومتی نبوده وبنابران دارای حرکت دایمی ویابدی میباشند .

ولی ممکن وقوع تغییرات بسیار جزیی به مرور زمان یك اثر کلی نموده وبعدازمیلیون هاسال باعث نزدیکی این دوکره گردد . امابعدا چه ؟

فرض کنیم این دوکرهٔ بزرگ یعنی‌مهتاب باقطر ۳۵۰۰ کیلو متر وزمین باقطر ۱۳۰۰۰ کیلو متر باهم نزدیك‌گردند . قوه فوق‌العاده زیاد جاذبه زمین باعث جذب قسمت های نزدیك به زمین مهتاب میگردد لاکن این قوه به نسبت معکوس مربع شعاع کمتر گردیده لذا قوهٔ وارده بالای دورترین قسمت مهتاب چندین چند کمتر خواهد گردید . هرگاه قوهٔ کشش بین مواد داخلی مهتاب به اندازه کافی قوی نباشد دراینصورت مهتاب ازهم جدا شده وپارچه پارچه خواهد گردید که در این حالت یك پوشش وباحلقه ای به اطراف زمین تشکیل خواهد گردید . این واقعه یك فاجعه برای مهتاب بوده وقربانی زمین خواهد شد .

ادوارد رخ ریاضی دان فرانسوی محل وقوع این حالت خطرناك نزدیکی سیارات و اقمار را در اواسط قرن گذشته محاسبه‌نموده وبه این نتیجه رسیده است که این محل برای مهتاب در فاصلهٔ ۱۸۳۰۰ کیلو متراز مرکز زمین یعنی به فاصلهٔ قریبا سه چند شعاع زمین بوده ومهتاب از این فاصله نزدیك تربه زمین شده نمیتواند .

منجمین واقعاتی را بخاطر دارند که‌انحراف اقمار از مسیر اصلی شان باعث تجزیه خود شان گردیده وماینس دانان را عقیده برآنست که علت تشکیل حلقه بدور ز حل نتیجهٔ انحراف سیارهٔ بوده است . در این اواخر حلقهٔ مشابهی به اطراف اورانوس نیز پیدا شده است. کی میداند شاید زمین‌هم زمانی شاهد واقعه مشابهی گردد .

ketabton.com - The Digital Library

بقیه‌صفحه ۱۱

سیر تحول وانکشاف...

را ساخت این دوره بخوبی دیده میشود . اسلوب معنوی سفال سازی در نیمه دوم‌قرن چاردهم ادامه یافت اما ظروف این عصر از نگاه جنسیت با ظروف پیشتر قابل مقایسه نبوده یعنی ظروف سفالی که در قرن‌سیزده و اوایل قرن چارده ساخته میشده است بهتر تر و عالی تر بوده است . یکی دیگر از خصوصیات صنعت‌سفال سازی‌این دوره‌ترسیم اشکال انسان ومناظر زندگی روزانه وافسانه ها وحکایات قدیمی روی کاشی و ظروفی است که بشیوه خیلی زیبا ترسیم شده است .

سفال موزائیك :-

در قرن ۱٤ میلادی یکنوع سفال دیگر یعنی سفال موزائیك رواج شد. این طریقه قطعات کوچك بشکل واندازه‌های مختلف بریدمشده وباگچ‌روی ظروف سفالین به اشکال مختلف نصب وتزیین میشد . اگر چه این شیوه قبلا درزمان سلجوقیان رواج داشت ولی در قرن چارده بیشتر انکشاف‌نمود. صنعت سفال سازی دوره تیموریان هرات‌قرن ۱۵ :-

از ظروف سفالین این دوره نمونه های زیادی بدست نیامده است اما از آنچه بدست آمده میرساند که مانند سابق از طرزعمل وطرح های تزیین دوره مغولی استفاده میشده است و برعکس این صنعت چندان انکشاف نکرده مسیر قهقرایی را پیموده است. اما کاشی کاری در این زمان روبه تحول بوده وابتیه این دوره شاهد این حقیقت است که‌صنعت کاشی سازی که‌بیشتر برای ساختمان عمارات بکار میرفت پیشتر مروج بوده است ...

صنعت سفال سازی (قرن شانزده تا هژده) : صنعت سفال سازی این دوره را بصورت عموم میتوان به دودسته یا گروپ تقسیم کرد.

دسته اول دارای اسلوب تزیینی خاص این دوره است که دروقایه کتابها میناتور هاونقش و نگار قالین‌ها ومنسوجات آن نظر دیده میشود

دسته دوم آن هایست که از ظروف چینی دورهٔ مینگ تقلید شده است .

صنعت نقاشی جلا دار در ظروف سفالین که‌در قرن پانزدهم رو با نحطاط رفته بود در قرن ۱٦ تا ۱۸ دوباره رونق گرفت .

یکنوع سفال این دوره بنام کوبا چه معروف است.

کوبا چه منطقه است کوهستانی درداغستان واقع قفقاز که بیشتر این صنعت در این منطقه رواج داشته است و به همین نام یاد میشده .

ظروف کوبا چه را میتوان به دودسته تقسیم کرد:

دسته اول شامل ظروف سفالین است دارای طرح تزیینی برنگ سیاه با لعاب‌سبز یا آبی و دیگر ظروفی اند که دارای چند ین رنگ و هم بدون رنگ است.

بهر حال صنعت سفال سازی در کشورما نظر به تحولات اجتماعی هر زمان گاهی

صفحه٤٥

سیر نزولی وزمانی هم سیر صعودی خودرا پیموده است و متاسفانه دریك قرن اخیر این صنعت بیشتر سیر نزولی داشته تا صعودی .

وقتیکه آثار قدیمه افغانستان را مشاهده میکنیم وآن رابا حال مقایسه می نماییم تفاوت زیادی در آن میبینیم .

در حالیکه در صد سال اخیر کشور ماازامکانات بیشتر ووسایل بهتر تکنالوژی نسبت به گذشته مجهز بود ولی صنعت سفال سازی در کشور ما که تاریخ چند هزار ساله دارد تنها نسبت خصوصیات ویژگی های ادوار گذشته را دارا باشد وحفظ کند و این بخاطری بودکه صنعتگران تحت شرایط دشوار اقتصادی ،اجتماعی وسیاسی قرارداشتند .

امروز که نمونه های این صنعت را درهر گوشه مملکت خویش می بینیم شاهد این حقیقت است که این صنعت نظربه بیعلاقه گی و بی توجهی زمامداران گذشته روبه زوال نهاده بود. ولی حالا این‌صنعت نظر به اهمیتی که‌به صنعت وصنعت گر وکارگر داده میشود راه ترقی وشکوفائی را می‌پیماید.

واین حقیقت و قتی روشن گردید که‌چند تن از صنعت گران این رشته دربارهٔ صنعت سفال سازی برای ما معلومات داد که در این اواخر توجه جدی درقسمت بهبودصنعت سفال سازی از نظر کیفیت و کمیت‌وزندگی صنعت گرازطرف دولت خلقی مامبذول‌میشود. ظروف سفالین که‌دارای لعاب جلا دار اند و بیشتر به ظروف استالفی معروف استند در تمام نقاط کشور از آن استفاده بعمل می آید شاهدگویای از صنعت سفال‌سازی کشور ما است وبقایای این هنر ارزنده است .

این ظروف سفالین نه تنها در استالف نیه میگرد دد بلکه در تمام ولایات‌افغانستان ساختن آن رواج دارد و لیکن استالف نظربه نزدیکی به پایتخت بیشتر شهرت کسب نموده است .

ظروف سفالین که در این تاریخی وزیبا ساخته میشود زیبایی خودرا تا هنوز حفظ کرده است و امروز هیچ جا نگردیده نیست که از کشور ما دیدن کند و از ظروف استالفی‌استفاده ننماید . در هیچ خانه نیست که یك یا دو نمونه ازاین ظروف در آن نباشد .

رنگ هاییکه امروز در ظروف سفالین که توام با کاشی و طرح ودیزاین های زیبا بکار برده میشودیادی ازتاریخ دیرپای این هنر میدهد .

امروز که عصر ماشین است و میتواند نفیس ترین ظروف را بسازد ولی ویژگی های این هنر دستی را ندارد .و مخصوصا که‌از طرف دولت خلقی مااین صنعت ودیگر صنایع تشویق و تر غیب میگردد امید زیاد است که‌این صنعت با ستانی کشور ما بیشتر از پیش شگوفان گردد.

دنوی‌اوزاړه...

د۲٤مخ پاتی

سرته رسیږی نوی پدیده ډګر ته‌ئی.

دخود په‌خودی او آگاهانه «پوهه» سره دیا لکتیك .هغه قوتونه چی دنوی پدیدی په‌غلبه کی‌مرسته کوی په دوو ډولونو.

۱-ټولنیز لنیز پوه قوتونه دانقلابی نهضتونو ذهنی عوامل، اودهغو انقلابی نړی لیدو.

۲-تولنیز خودیه خودی قوتونه دمولده قوتونو وده اونه حل کیدونکو تضادونو زیاتیدل او متراکم کیدل اود خلکو ورځ په ورځ زیاتیدونکی تجربی .

یوه عامل دنوی پدیدی مبارزه دزړی پدیدی په‌وړاندی کړنه ندی کوی خپله پخپله عامل دنوی پدیدی دغلبی زمینه پرزړی پدیدی باندوړی کوی .

کړندی کولو او پیاوړی کولو او عمدا راز په پوهه سره (آگاهانه)او خپله‌پخپله ترمنځ تناسب او اندول په‌انقلابی پرانیستکی دیو هی عامل یوازی تر یوی معینی مرحلی پوری کولی شی چی لاره لنده کړی خو شایی چی دیو هی عامل تر اعلی حده پوری لاره لنده کړی داد یو هی جګړی‌د انقلابی روح تاکتیك دی خو د یو هی عامل نشی کولای هر خه چی وغواړی سرته ورسوی . وخت په‌کار دی و خت ددی دپاره چی نوی پدیده پوره او لازمه تجربه تر لاسه کړی دزړی پدیدی مقتنی مقتنیشی ټولنه دنوی بریالیتوب په لزوم باندی پوه شی او اعتقاد پری و کړی .په خپله پخپله وړاندی تګ یا اندی انکاکول ایور ټینسم او ریفورمیسم دی او بس.داکارد خود به‌خود ی په‌وړاندی کړنش دغوره مالی)ده . همدا راز یوا څو د یو هی‌په عامل باندی په‌پوهه ګړندی کول باندی په ذهنی عامل باندی انکا حادثه غوښتل بلایکسیم او افکار دیسم په‌وړاندی مخاصمه اوسیاسی او انتوریسم دی او بس دلته اول اهمیت پدی کی‌دی چی مبا رزینو نه بنا یی چی دد غو دوو پدید و تر منځ د یا لکتیکی تنا سب په پام کی و نیولی اوپه معینه مرحله کی دعمده قطب په کشفولو «دپوهی داګا هانه او خود په خودی قطبونو ترمنځ بریالی وی ».

بنا یی چی و ګورو پخپله محیط اوټولنه کومی غو ښتنی مطرح کوی بنایی چی د هغو خرګندو لارو خخه چی تولنه پخپله هغی ته وده ورکوی داګا ها نه هد فونو خوا نه بو زو . دا کنو بر دستر انقلاب ستر لارښود پدی‌هکله داسی وایی :«مهمه هغه و خت کولی نشو، اداره وکړو چی هغه خخه چی خلك یی درلك کو ی په ښه توګه بیان کړو» بنایی چی تجربه یدی عنصر یعنی تئوریك اصول له خر ګند عنصر یعنی دخلکو غښتنی سره یو خای کړو ، دخلکو غو ښتنی د خلکو رو ح، اود خلکو چمتو والی دانقلابی شعا رونو دپا ره معیا ردی نه شاته تګ اویا ډیر وړاندی تګ.

په نړی کی ډیر وخته انقلابی جنبش‌ددو قطبونو یعنی دخود به‌خود ی‌او د یو هی عامل تر منځ دتنا سب او اندو ل د نه سا تلو له کبله د سکتا ریسم او ما نسی کندی نه لویدلی دی .

زموږ دخلقی ګوند لارښوونی چی په ساده ژبه ویل کیږی دپور تنیو تئوریکو اصو لو تشر یح ده. بنایی چی دمبارزی په ځپاند ه سمندر کی د قطب نما په توګه دخلقی ګوند د لار ښو ونو خخه ګټه واخلو که نه دانحراف کندی ته لویږو .

وړاند ی د متر قی او پرو لتری تئوری‌د لاندی کو لو او عملی کولو په اور وړا ندی دافغانستان دخلکو ددمو کراتیك ګوند دزده کړو دپوره زده کو لو او هضمولو په لو ر .

ریانده دی وی دپرولتری ایدیالوژی یازموږ دعصر پر منځ تلونکی ایدیالوژی سور او ویاړلی بیرغ . ژوندی دی وی د افغانستان خلك بریالی دی وی د ثور برانیښتی انقلاب پیاوړی او بریالی دی وی دافغانستان دخلکو دموکراتیك ګوند د(دهیواد دکار ګری طبقی مخکښ)

بقیه صفحه ۲۵

مساله‌بنام...

وقتیکه این مطلب رازن برادرم برایم‌گفت اصل موضوع روشن شد وپس از تحقیق در این مورد بالاخره آشکار گردید که واقعا آن جوان نابکار برای اینکه از هر دوانتقام کشیده باشد نقشهٔ طرح نموده ودختری‌دیگری راکه از آشنایان او بود وتصادفا در همان موسسه کار میکرد که برادرم در آن جا مصروف کار بود . با همکاری آن دختر، ذهن همسر برادرم را نسبت به شوهرش مغشوش ساخت وبااین کارش می خواست عقده را که ازاوبدل گرفته بودخالی کند وبه اصطلاح بایك تیر دونشان زند. وشواهد هم طوری بودکه همسر برادرم به تعقیب شوهرش بپردازد وموضوع را از شوهرش پنهان سازد .

برادرم نیز که‌از همه جابی‌خبر بود به‌گمان اینکه همسرش به او خیانت میکند روز بروز زندگی برایش غیر قابل تحمل می گردید . تااینکه حقیقت آشکار شد وآنها توانستند که به اشتباه همدیگر وبه سؤذهن های همدیگر پی ببرند ..

خوب جوانان عزیز! این بودنمونه اززندگی دوجوان که ناخود آگاه بدون اینکه آنها بخواهند حیات آرام خانوادگی شان‌دستخوش بازیچه یکی دو جوان پرعقده قرارمیگرفت . برای اینکه در زندگی ما وشما نیز از این نوع اتفاقات رونما نگردد بایست سؤ ذهن های بی جا وبی مورد را از خود وخانواده‌خود دور سازیم واگر احیانا به این نوع‌مشکلی سردچار شدیم باید بدون پرده پوشی وپنهان نگهداشتن ودردل قرار دادن آنرادر میان گذاشته وضمنا در پی علاج آن برآییم تا زندگی آرام وسعادت باری داشته باشیم .

ژوندون

ketabton.com - The Digital Library

بقیه در صفحه ۴۵

ورزش در ولایات...

...ه در مسابقات قهرمانی ولایت کندز تیم ...وان به کسب کپ قهرمانی مسابقات ...تبال گردیده است . اما چون شرایط ...ه برای ما تاحال مساعد نبرده که جهت ...قات تا سکتبال بالیسه های مرکز بکابل ...یم، هرگاه امکانات وزمینه چنین مسابقات ...ا مآماده گردد ماهرآن حاضریم با تیم ...ی مرکز مسابقه نمایم .

...ورزش در تربیه سالم جوانان ...یم ، آیا شما خصوصیات یک تیم خوب ...رشکار خوب راچگونه ارزیابی مینمایید؟

ورزش از دوران بسیار قدیم در بین ...ع بشری وجود داشته وبا تکامل جامعه ...تکامل را پیموده است . پس انسانها ...یار قدیم به اهمیت وکیفیت ورزش پی ...اند .

...ورزش در رشد فزیکی جسم ، توانایی و ...ومندی، ایجاد ارادهٔ راسخ ومتین انسان‌ها نقش برازنده وقابل وصفی دارد . علاوتا چون اکثر رشته ورزشی شکل گروپی را دارد بدان ملحوظ در انکشاف خصلت های اجتماعی و گروپی جوانان نهایت مهم تلقی میشود .

در باره یک تیم خوب ویک ورزشکارخوب باید گفت که یک تیم خوب همیشه بر کار بوده واز مشق وتمرین مداوم برخوردار می باشد . همچنان داشتن تخنیک و تکتیک عالی وحس همکاری وبرده باری درپین اعضای آن خصلت یک تیم خوب ورزشی است .

طوریکه در مورد یک تیم خوب گفته شد یک ورزشکار خوب نیز دارای همان‌خصوصیات باشد یعنی ورزشکار باید دارای عزم متین، توانمع، حس همکاری با سایر اعضا بوده و ازتمرین، السټیکیت، تخنیک‌وتکتیک عالی برخوردار باشد تامنحیث یک‌ورزشکارموفق وورزیده در جامعه ببارز نماید .

کم‌خوابی، بدخوابی...

...س نزاز تلث افراد بدخواب ریشه بد ...وابی با فشار های روحی دارند . ۱٫۶ این ...روه بیدار خوابان مشکلات ونواقص زاده ...ری های فزیولوژیکی و جسمی دارند ...یماری های گونه گون) وبرخی دیگر منشهٔ ...ری های روان جسمی دارند. ومابقی ریشه ...امل نامعلوم دارند . گاهی هم پرابلم ها ...وگر بوده به خرابی بشر، در همگونی‌زمان ...ه بستر رفتن یا تغییر بستر ارتباط دارد . ...روزیه یقین ثابت شده است که درد های ...لیس، بیماری ها ی کلیه بالاخص (پوریمی) ...گرن (نیم سری) ، اختلالات تایر ایـد و ...راحت خواب رابرهم می زنند .

...چه باید کرد ؟

...آنچه محرک است از خود دور کنید .

...شب غذای سبک وزودهضم بخورید .

...از خوردن ادویه های ضد اشتها جدا ...پرهیزید .

...وقتیکه به بستر می روید از نوشیدن ...ی وقهوه اجتناب کنید .

...قبل از زبستر رفتن افکار تانرابامطالعه ...شیدن موسیقی ودیدن پروگرام تلویزیون ...سهیل وآرام کنید .

...وقتی خواب به سراغ تان آمد با آن ...مبارزه نکنید .

...نیم ساعت قبل از رفتن به بستر خواب ...تان کلاس شیر گرم بنوشید .

...بهتر است همیشه پنجره اطاق خواب ...تان اندکی باز باشد تا هوای پاک و سالم ...وارد اطاق شود .

...قبل از خواب دوش آب سرد بگیرید.

...تشک های نرم رادور بیاندازید زیرا ...تشک نرم خستگی جسمی به همراه دارد .

...مناسب خوابیدن بدون بالش روی‌تشک ...سخت است . از خورد سالی اطفـال ...تانرا عادت دهید که بدون بالش بخوابند .

۱۱ـ قبل از خواب بایک تمرین تنفسی عضلات واعصاب تانرا آرامش دهید (یوگا) .

کلینیک های خواب :

تاچند سال پیش این طرز تداوی برای همه مردم جهان نامانوس می نمود ولی اصول‌این روش دربن او اخر به عنوان آخرین چاره برای رفع کم خوابی وبد خوابی در اروپا وامریکا در آزمایشگاه هابه شدت ووسعت هرچه تمامتر مورد مطالعه است که تا جایش رابه عنوان بهترین اصول در عالم طبابت بیرون از آزمایشگاه احراز کند .

سیر خوردگی ها، افسردگی ها وناراحتی های روحی انسان امروزی را به انواع فشارها وبیماری های روانی مواجه ساخته است .

ازین جاست که بیدار خوابی را تحفه ی از جامعهٔ ماشینی صنعتی غرب میدانندوبوسیله باکم خوابی همیشه با کلمه صنعتی وماشینی منسوب است (این عامل مخصوصا در جوامع ماشینی بیشتر چشمگیر است) .

بعضی از کلینیک ها در چه و توان‌خواب رابه اساس بکار بری کودنمیر هفت گانه در می یابند .

۱ـ آیابه شخص زیر عمل درین گونه تداوی احساس فعالیت دست میدهد ؟

۲ـ آیا بیمار توانایی و قدرت زیاد بعداز پیاده کردن شیوه محسوس است ؟

۳ـ نوعیت وچگونگی خواب واستراحت و نحوه ارتباط آن با ضمیر ناخود آگاه علاجی میشود .

٤ـ اساس ومنشهٔ فشار ها وبیماری هـای روانی که بیدار خوابی به دنبال دارند تجزیه وتحلیل می شود .

۵ـ دریافت اینکه افسردگی روانی تا چه حدکاهش یافته است .

۶ـ دریافت اینکه آیا در کدام درجـات بیمار در خود خواب دلپذیر احساس میکند؟

۷ـ کشف ، طرز ونوعیت تخیلات واهی بیمار در بسترش .

با دریافت منشه بیدار خوابی که قدم اول تشخیص بد خوابی است میتوان به آسانی به تداوی آن دست یافت .

اما شما خواننده عزیز که در حال ایـن متن را مطالعه می کنید وبه شما خواب نمی آید فورا برخیزید وبه این تازه ترین شیوه عمل کنید . این روش مدتیشن (خلسه‌روانی) نامدارد وتوسط داکتر رانسون ابداع شده است .

برودی اجازاین دستور را برای دست‌یابی خواب آرام درکخواهید کرد. برای اینکار :

۱ـ در محیط آرام وساکت روی یک آرام چوکی بنشینید ویا میتوانید روی تخت خواب تان دراز بکشید .

۲ـ چشم هایتان را ببندید .

۳ـ تمام عضلات بدن تانرا بحالت انبساط در آورید این عمل را از عضلات شـروع کنید .

٤ـ باپینی نفس های عمیق ودوام داربکشید هنگام بیرون راندن هوا یک‌کلمه کوچـک مثلا خواب رادرذهن تان تکرار کنید !

۵ـ این عمل را تا مدت ربـع ساعت (۱۵ دقیقه) اجرا کنید بعداز پایان وقـت برای چند دقیقه باچشمان بسته بی حرکـت برای رمقی بنشنید وبعد به آهستگی چشمان تانر ا باز کنید .

۶ـ بکوشید درین مدت با خود باشید از یادآوری موضوعات ناراحت کننده دوری‌کنید که این موضوع بین‌خوش خوابی وبدخوابی دیوار می اندزد .

یاالله خواب بیب .... خوش !

بقیه در صفحه ۳۳

نقش کودکستان...

قرار داشتند در کودکستان ها جهت تعلیم وتربیه شامل گردیده، ایـن اطفال تعلیم و تربیه کافی دریافت نمودند مامورین مربوط وروان شناسان بعد از معاینه و تشخیص‌لازم چنین نظر دارند که تعلیم وتربیه اطفال در چنین مرحله سنگ تهداب رشد و نمـوی شخصیت وکرکتر آنهارا بنیان گذاری می نماید در همین آوان است که پروسه رشد شخصیت اطفال در نهاد آنها روبه بهبـودی وتکامل میگذارد وهرگونه تاثیرات خارجی درروان آنهـا تاثیرات عمده وبه سزایی را می گذارد، متخصصین همچنین اظهار عقیده نموده‌اند که درین زمان پروسه رشدشخصیت اطفال همچون موم است که به آسانی تاثیرات درآن حک میگردد روی این لحاظ لازم‌است تادرین آوان که مرحله بهبود و رشد قوام پذیری شخصیت اطفال است توجه جـد ی مبذول گردد .

در کودکستان ها آنچه که باید در نظر گرفته شود آن است که چنان سلوک وروبه بااطفال صورت گیرد که این سلوک و رفتار مربیون اثرات نیک به اطفال به جا گذاشته وآنها را باروحیه همکاری، اجتماعی بار آورده وروحیات فردگرایی را از ریشه و اساس در پروسه رشد شخصیت اطفال در همین زمان نابود ومحو سازند . درین آوان تـلا ش به عمل آید تا در اطفال روحیه پشت کار، احتیاط ومتانت خلق گردد تا بتوانند در آینده بامسایل حاد وجدیدی که روبرو میشوند با متانت وخونسردی مقابله نمایند وبزودی تحت تاثیر پدیده های ناگوار فرو نروند .

ketabton.com - The Digital Library

بقیه صفحه ۱۹

نقش زبان مادری...

اطلاق میگردد هردوعملیه را مشابه‌میپندارند، یعنی انکشاف ذهنی وتعلیم وتربیه را هردو برتفکر ارتباطی وعادت متکی می باشد وبه‌این ترتیب در این تیوری تعلیم وتربیه وانکشاف ذهنی مترادف یکدیگراند .

تیوری سوم که روانشناسی کنتالت ازآن نمایندگی میکند تیوریهای فوق را با هم آشتی میدهد ودر عین زمان نقایص هر کدام را اصلاح مینماید . به اساس این تیوری‌هم انکشاف ذهنی شامل دوقسمت است : پختگی وآموزش . این دو جنبهٔ انکشاف ذهنی‌باهم مرتبط میباشند ، پختگی یك عضو به طرزکار آن بستگی داردکه از طریق آموزش و تمرین بهتر میشود . پختگی هم به نوبهٔ خودفرصت های جدیدی را برای آموزش میسر میسازد . همچنان مزیت دیگر این تیوری این است که عملیه‌آموزش خودش خودعبارت ازساختن ساختمانهای جدید و بهتر کردن واصلاح ساختمانهای کهنه میباشد . همچنان در این تیوری تعلیم وتربیه وانکشاف ذهنی رابطهٔ زمانی دارد به این معنی که چون تعلیم در یك ساحه میتواند به ساحه های دیگر فکر طفل انتقال نموده آنرا دو باره تنظیم نماید، ممکن است نه تنهابه تعقیب آن بیاید بیا همراهی اش کند بلکه قبل ازآن واقع شود وآنرا بهتر سازد . بنابر همین علت است که تدریس مضامین مانند ریاضی، خواندن ونوشتن، گرامر، ساینس واجتماعیات قوای ذهنی طفل را انکشاف میدهد واین علاوه ازیك سلسله مهارتها ومعلوماتی میباشد که طفل در هر مضمون کسب مینماید . تذکر این مطلب که خاصتا لسان مادری در صیقل کردن مفاهیم نقش فوق العاده بازی می کند در خور اهمیت است .

تحقیقاتی که در زمینه ارتباط انکشاف‌ذهنی وتعلیم وتربیه صورت گرفته نکات آتی را خاطر نشان میسازد:

در شروع مکتب قوای ذهنی طفل به‌پختگی لازم نمیرسیده باشد . چنانچه دیده میشود که در طفولیت نوشتن نسبت به گفتار درسن کسانی خود از شش تا هفت ماه عقب میماند. این ازآن جهت است که پیشرفت درنوشتن عین همان مراحل تکامل گفتار را طی‌نمیکند. نوشتن یك مهارت جداگانه است که ازگفتار نه تنها در مواد وساختمان بلکه در طرزکار نیز فرق مینماید. گفتار از اصوات ساخته شده امانوشتن ازحروف درگفتار طفل‌در بارهٔ تربیت اصوات فکرنمی‌کندامادرگفتارمجبوراست این کار را انجام دهد . در گفتار شنونده حاضر است اما در نوشتار موجود نیست ؟ در گفتار جملات میتواند کوتاه وساده باشد چه قرینه ،استفاده از حرکات وغیره همه مطلب گوینده را به درستی افاده مینماید . اما در نوشتن چنین نیست طفل باید برای افادهٔ مطلب زیاد بنویسد وهر جنبهٔ موضوع را تشریح وتوضیح کند . بناء نوشتن نسبت به گفتار برای طفل بسیار مشکل تر میباشد . خصوصیت مجرد بودن نوشتن مشکلترین جنبهٔ آموختن آنرا برای طفل تشکیل میدهد.

انگیزه های نوشتن مجرد است مستلزم تحصیلات بیشتر بوده از محیط طفل بدور میباشد . بر علاوه نوشتن ایجاب تحلیل وتجزیه عمدی را مینماید . بنابر همین مغلق بودن نوشتن است که گفته میشود طفل در آغاز آماده آموختن آن به معنای صحیح آن نمیباشد ودر این مرحله صرف بر مبادی آن اکتفا میشود . در مضامین ریاضی، گرامر، ساینس واجتماعیات نیز قوای ذهنی طفل در شروع مکتب به‌پختگی لازم نمیرسیده با شد امابه تدریج بوسیلهٔ تدریس مفاهیم علمی این مضامین قوای ذهنی طفل انکشاف میکند و مراحل عالی تفکر را می پیماید و بالاخره شگوفان میشود .

خلاصه اینکه این نظریه درست نیست که اول باید قوای ذهنی طفل انکشاف کند تنها

بقیه صفحه ۱۹

به‌یادوبود...

نمود و مشکلات وارده به زندگی را نادیده انگا شت . فقر و تهی دستی نتوا نست بر عزم پو لاد ینش در کسب مع رفت خد شه وارد سازد ومانع‌پیشرفت ورشدمعنوی عینی در امر در ك پد یده های علمی گر دد.

چنا نکه بیا ن کا ملا ربا لستیك ا ستاد عینی در مد رسه ی میر غر ب رسا ندهٔ این واقعیت است که چگو نه دانش آموز وتیر با محرو میت بیش از حد در جاده بی انتهای دا نش مصممانه گام می کو بد و تلخی های نا ساز گا ر حیا ت طبقا تی را با استلو ب خا ص هنر مند ی شکل می بخشد . او می گو ید :

«در سا لهای او لی که من در شهر بخارا بـــودم مـــردم (با ستثنای بعض کسان) خصو صا ملاهای (متعصب)به من به نظر پست مینگر یستند و با آهنگ تحقیر آ میز مرا صخر ا یی می نا مید ند».

سر ما ی شد ید توا م بابر هنگی و تنگدستی خـاطره دیگر یست که گـو شه یی از روز گا ر عینی را در مدر سه ی میر عرب مینمایاند : « ... طلبه هـا یی که اقتدار مادی دا شتند ، جا مه ها ی سیـر پخته را قبت به قبت (قات در قا ت) پوشیده مسحی (نوعی پای پوش میوزه مانند که یکجا با کلو ش در مو سم سر ما پو شیده میشود ...) رابا پیتا به (پای تابه پشمین به پا کرده بر ای (تکرار)می بر آمد ند.

(... امابی مسحی گی مرابسیار عـذاب میداد، وپاهایم تارس تارس کفیده ز میـن سخت دندانه کشی کرده شد ه بر ین میشد در روز ها ی برف و با ران وقتیکه به کوچه یابروی مدرسه برایم ، درون کفشم پـر از برف و آب میشد واز کفید گی ها ی پا یم گو یا که با کا رد جا ك کرده با شنـد خون شا رید ه میر فت ...»

استاد ص عینی در سنین شبا ب بـــه مطا لعه ی عمیق در علو م ادبی پر دا خت و دامنه ی مطا لعات خو یش را وسیعا گسترش بخشید . شغل نویسند ه گی را برگزید و با نیروی سالم فکری بر قلم دست‌توانایی پیدا کرد. تا آنجا که‌ابتکار آفرینش سبك تازه نو یسند ه گی را در ادبیا ت تا جك بد ست آورد ودر ردیف سایر پیشا هنگا ن وبنیاد گر ان ریا لیسم اجتما عی کشور شورا ها نظیر گورکی ، داستایوسکی، تـو لستوی ودیگر ان بر سر زبانها افتاد .

عینی در نگا رش دوائر معرو فش (داستان ادبنه) و(یادداشت) شیوه نوین‌رادر اد بیات تا جکی رواج و نکا مل داد . و با خلـــق آثار علمی، ادبی و تحقیقی بحیث شاعـر و نو یسنده ی ریکا رد شکن تا جك شوروی مقام والاوشا مخ یا فت و نو یسند ه گا ن جوا نجون جلال اکرامی و جلیل رحیـم ،آخند اف ، نور سو ن زاده وتنی چند ادامه دهنده گان راستین راه عینی درایجاد آثـار هنری وادبی گر دید ند .

استاد صدرالدین (عینی) یك چهره ادبی خلق تا جك شوروی ، متفکر بر جسته و شخصیت در حد کما ل شنا خته شده شده نزدیك به ما ، در شرق معا صر است.خصال ارزنده وا نسا ند وستی او را میتوا ن ازلابلای اندیشه ها وافکار سالم انقلابی اش بدرستی دریافت . زیرا عینی زادهٔ روزگارانی بـوده است که فقرو سیاه روزی به همنو عانش سخت بیداد میکرد وتوده های عظیم انسانی جهتر هایی از استبداد زمان ، در کنا کش ومبارزه دا یمی می بوده اند .

تاریخ سالهای قبل از انقلاب کبیر اکتبر، تسلط فیو دا لیسم پو سید ه را با سیا د ت وسیطره امیرا ن مستبد منغته و نیز بیدادگری عمال تزار را در سا لها ی نزدیك به انقلاب نشان مید هد ، که در آنجا ساخت ناهنگون طبقاتی و مناسبات درد انگیز اجتماعی زمـان عینی بدرستی مشهود است.

درچنان احوال عینی بـا نشر و اشاعه‌ی اشعار ونوشته های انقلابی در پـی افتضاح دستگاه حاکمه‌برآمد. و نقش موثر ی رادر روشنگری اذهان خلـق بازی کرده مبارزه‌بی امان خو یش را تا کما ل پیروزی ادامه‌داد.

ص عینی به زنده گی تا بسا ما ن کسبه کاران شهر ها ی وقت بخا را آشنا بـود از اندوه سنگین کلبه نشینا ن رو ستا یـی دلیل این امر این است که هرکدام این پروگرام وترکیب خاصی دارد . مثلا مر مختلف تدریس ریاضی ممکن است انکشاف ذهنی طفل ارزش مساوی نداشته باشد چه بعضا طی کردن چند عملیه تدریس ریاضی در فهماندن طفل آنقدر ها موثر نمیگردد. اما بعدها در عملیه پنجم مثل آن چیزی در گوش طفل به صدا درآمده وی قاعده عمومی را می فهمد. این البته مورد همان یك طفل درست است و تعمیر آنرا بمثابه یك فورمول عمومی بکار ببر **از اینجاست که گفته میشود تعلیم و تر قبل از انکشاف ذهنی می آید . یعنی ت مضامین مکتب در انکشاف ذهنی طفل ک میکند ویکی در آموختن دیگر معاونت‌میکنا وفعالیت های روانی که مضامین مختلف تحریك آنها کمك مینماید بصورت بـ عملیه پیچیدهٔ کلی غرض اقدام مینماید .**

درك عمیق دا شت و چهره ها ی استخوا نی وشلاق خورده د هقا ن فقر زده را شرشر ما هرا نه تصو یر میکرد .

عینی بجرم دفاع از حقو ق وآزاد ی ها خلق میهنش بر ضد ار بابان و سیاه کار ختم امیران منغته رابر افروخت . متعصـ دغل ورو حانی مشر با نی وا بسته بـــ دستگاه امارت دریی آزارش د ست بهـ داد ند تا آنکه روزی به حکم امیر عا لیخا منغته به هفتاد ضربـه ی شـلاق وزند محکو م گر دید .

اما افکار وطنپرستانه ی عینی هـر چـ بیشتر در دلها راه می یا فت و بر مقا م گرا اش می افزود پیروزی انقلاب اکتبر و آزا زحمت کشا ن در اتحاد شوروی . الها م‌بخ عینی درایجاد آثـار فراوان اد بیـا سو سیا لستی گرد ید . چنا نکه وی بـ استقبا ل بی شا بیه از تحو ل بزرگ تاریخ در آن خطه‌رباعی ذیـل را انشادنمود:

این خا مه زخشت کهنه انداختـه ام
دروی خشتی زرفته گان سا خـته ام
تـا ا هـل ز مـان ما بدانند کـه‌مـن
یك عمر جـوانی بـه چه ره با خته ام

نوشته ها ی پر محتوی (عینی)در شکل هنری خاص آن از احسا س پا ك و نیرو ی عا طفی ا نسا نی مشحون است ، پرده از روی واقعیت های زندگی بر میدارد سرگـذشت تاجك گم بغل ، مرگ سود خوار، جـلادان بخا را ، حکا یه ها ی غلامان و صد ها مقاله‌ی تحقیقی دیگر غنای ادبی‌وبرومندی‌افکار عینی راتمایان می‌سازد.

صد رالدین عینی در سرود ن شعر ازمکتب ادبی هند پیروی میکـرد، ارادتمند بیدل بود وطرز او را در انشا ی غزل بکا ر مـی بست، مقا لات تحقیقی استاد پیر امون‌شخصیت های‌ادبی گذشته چون‌رودکی، فردوسی، سعدی، بیدل ،علی شیر نوایی وغیره خوانند گـان زیاد درجهان پیدا کرده اند طوریکه جولیوس فر جیك نو یسنده بر جسته و کمو نست چکوسلواکی مینویسد : (عینـی نه تنها نو یسنده شما بلکه نو یسنده ما هم هست کتاب ها ی او برای ما نه تنها منبع بینش ومعر فت بلکه کتا ب در سی هم هستند...

ketabton.com - The Digital Library

کسات

را ښکاره شو . هغه یوه سندره له خا نه سره ویله : (دانسان زړه تـر خـو چـی غم و نه وینی نشی کو لای چه خوك پر ی گرا ن شی)دهغه آس په کراری او منظمه قد مو نو په وړ اندی روان ؤ سر ئـی ښو راوه اوپه‌لوړ آوازئی ساه‌گښله گډوډنی په هوا کید ل او وروسته بیا د هغه ښکلی زین په آرام حر کت سره دهغه ټر غا ړی پوری را کښته کیده سپور په ښه او استادانه ډول سره په زین ناست ؤسر ئی را پورته کاوه او آسمان ته یی چه‌یی شمیره سنو رو په‌ښکلی خلا سنر گونه پکښی وهل کنـل او ووورونی سند ری و یلی په یوه لاس ئی دآس‌جلب په لاس کی نیو لی و او بل لاس ئی د سند ری په آواز چه ویله یی دخپل خنجر په‌لاستی واهه • (زمازړه ۰۰۰ولی‌زاړی؟ راځه چه له یونل سره مینه ولرو ۰۰۰).

سپین ږیری غاښو نه چیچل او کرارکرار ئی‌توپك دزوی دقاتل خواته چی دسپور مـی رڼا رو ښا نه کړی وو، ټیوه . عجیبی‌خوشحا لی ئی زړه مښو د . غو ښتل یی چه چیغه کړی ، په قاتل با ند ی ورټوپ کړی اوهغه په‌خپلو غا ښو نو ټولی ټوټی کړی .

هیله من و ، دغه ځوان چه ښځی ئـی له مینی نه بیخوده کیږی و ځو روی زوی‌ئی (وانو)هغه ته ورته و .

ما کسیم ورو ورو له خانه سره و یل (ښه زین با ند ی خومره ښه ناست یی ۰۰۰ یو ه سپیه صبروکړه۰۰۰یوځه‌لانورهم رانژدی‌شه۰۰۰ لعنتی !)

یو ځه لانور هم را نژدی شه ... لعنتی!) سپور هم مخ په وړاندی را روان و او هم ئی د سند ری و یلو نه دوام ور کاوه .(که هغه هم له خپله هوډه واوړی . اوله مو نږ سره خـیا نـت و کـړ ی • په دریمی پسی ورځو!...)

یو ځا ما کسیم دپښو په چټکی دتیږی له شانه دلاری منځ ته ورووالوت او آس مخـه نـی ونیوله • یوه ناره ئی‌وکړه پەولاړه نـی نښه ونیو له او چیغه ئی کړه .

(ـگامارجو با (رومانوزه) گامارجو بـا

په گر جی زړه د سلام معنی لر ی (... ښه په لاس را غلی لعنتی سړ یه !...)

آس ته په وا ئی لکه په مرډك چه وښتل شوی وی تاپیره په ډیرو حشت و تو ریداو په دوو پښو ودرید سپاره یوه وحشیا نـه چیغه‌له خو لی ووسیتله دآس له پښو لاندی چه کومی ډیری پرتی وی خوړ ته ورولـو- یدلی اوپه ډیر و پسی له شا آس له سپاره سره یو خای چه ټینګ ئی په غاړه پوری مښتی ؤ په‌خـوا شینیو د خـو ړ تل تـه ورو لو ید .... سپین ږیری حتی د ما شی دراکشولو وخت هم ونه‌شو موندلای:

ټوپك ئی کښته کړ ، لاس ئی خپل‌تندی ته چه په یو لږ خړ رنګه وینتیا نو یو ښلی ؤ ور وړاودلاری ترخنډی پوری لاړ د خـوړ تل‌ته لادتیږولویدلو دوام درلود• او دتیږ- وله ږغ سره دیوی کوکی او دآس دشینئی تر یخ ږغ هم تر غوږه کیده .

سپو ږمی او سنو رولە دی سره سره چه ددی صحنی لیدو نکی وه بیا هم په همانه پخوا ئی سکو ت او خلارناخیروله . سپین ږیری په‌خپل توپك تکیه کـړی دلاری پـه خنده ولاړ ؤاو کښتی خوانه ئی کنل . کښته خای په وحشتنا که ډول ټباره ؤ اود خوړله غاړی تیاری ډیری لیدلی اودهـغوی د خپلـو په‌منځ کی‌بوټی او وانښه هـم لیـدل کیـدل

او پسله هغه داډول په‌تا پا‌په‌اوزوره تیا ره کی تما میدل او ددی تیا ری له منځـه دکراری چیغی او دآس دشینئی ږغ په‌کراری راپورته کیده• له‌گلی خخه داوبو دبهیـد- لوږغ تر غوږه کیده خودا آواز نورهـم ورو شوی ؤ. دشپی تیاری دا ږغ ورو کړ ی واو غیر له دی آوازه له هیڅا او هیڅ شی تـه کوم ږغ به اوریدل کیده .

سپین ږیری ما کسیم ورووښیل .

بالاخره دامسی و شوه !...

او ټو پك ئی په اوزه وا چا وه اسوپلی ئی وکښیښ وروسته لـه هغـه یی توپـك په‌خپله کښیښود په گو ټو و شو او په‌لوړ آواز ئی وو یل .

(زما خدا په! له دی املە چه اجازه‌دی را نه کړه چه زما لاسو نه زما دد ښمن په ټاپاکو وینو ناولی شی اودهغه په خو ړتـه ورا چو لودی جزاورکړ ه، ډیر شکر و نـه درته کو م ! اوس هغه ټکر ټکر شوی دی شکر له تا خخه ای زما خدا په !) وروسته له‌هغه‌سپین ږیری په‌لاړهی شو او غرونو ته ور و خو ت .دهغه لوړ اندام چه دسپو ږمی پەوړانګو پوښل شوی ؤ ډیر ښکلی معلـو- مېده . دټوپك فولادی میل ئی په ښکلـی خلاټر پښیده . سپین ږیری په کرا ری‌اوبه آرامو گا مو نو له پوی تیږی نه بلی‌تیږی ټه‌ورو خوت اویس له خومودی ددی تیږو وړه منځ کی ورك شو. دپښو ږغ ئی هـم خو شیبی و اور ید ل شو او وروسته له‌هغه له منځه لاړ .

غونډ شیا ن دمر گ په چو پتیا کـی تاوشوه پس دسپند د بهید وږغ دی چوپتیا ټه‌ساه ور پښله . دسپو ږمی وړا نګی دو نو دپاڼو او خانګو له منځه چه دتیږ و پـه منځ کی ولاړی وی په لاری با ند ی رالویدلی او دیوه چال په شا ن سپوری ئی جو ړ وه اوکله چـه به باد وړو کـی حـرکت د ی خا نګو ته ور کاوه دا سپوری ته‌به وا ئی لکه ساه چه لږی په لاری باندی مخ‌اوشانه تلل ...

فقط یو خل بیا دو رو سنی خل لپاره له هغه‌خایه له ټباره خو ړه یو کمز وری ږغ را پورته شو داد چیغی او د آس دشینئی ږغ وچه له تیز نو کو تیږ و سره د ټکر ټکر شوی ؤ .

دلاسی صنایعوله لاری

پـه‌ترڅ کی ښکلـو عنرونوته پـه دا سی ټوگه‌وده ورکړی چی‌دشوروی اتحاد دبیلابیلو جمهور یتونو دخلکو دکلتـور اوفرهنگ داصالت سره پوره هم آهنگـی ولری ټاکلی شویده چی د۱۹۸۰کال داپریل دمیاشتی په‌لومړیو ورځوکی دکیف اومسکو په ښارو- نوکی په ترتیب سره دښکلو هنرونو دودی اوزباتی پراختیا په‌باب دوه نړیوالور کنـا- یونه جوړ اوپرا نسټل شی •



ته‌ورو خوت اویس له خومودی ددی تیږو وړه منځ کی ورك شو. دپښو ږغ ئی هـم خو شیبی و اور ید ل شو او وروسته له‌هغه له منځه لاړ .

غونډ شیا ن دمر گ په چو پتیا کـی تاوشوه پس دسپند د بهید وږغ دی چوپتیا ټه‌ساه ور پښله . دسپو ږمی وړا نګی دو نو دپاڼو او خانګو له منځه چه دتیږ و پـه منځ کی ولاړی وی په لاری با ند ی رالویدلی او دیوه چال په شا ن سپوری ئی جو ړ وه اوکله چـه به باد وړو کـی حـرکت د ی خا نګو ته ور کاوه دا سپوری ته‌به وا ئی لکه ساه چه لږی په لاری باندی مخ‌اوشانه تلل ...

فقط یو خل بیا دو رو سنی خل لپاره له هغه‌خایه له ټباره خو ړه یو کمز وری ږغ را پورته شو داد چیغی او د آس دشینئی ږغ وچه له تیز نو کو تیږ و سره د ټکر ټکر شوی ؤ .

ketabton.com - The Digital Library

بقیه صفحه ۴۳

واژه های سیاسی...

تضاد عمده‌ی جامعه ای سرمایداری د ر آنست که این تولید اجتماعی شده در تصرف خصوصی سرمایداران است . وسود های کلان حاصل ازین تولید ماشینی عظیم بجیب سرمایداران می رود . این تضاد بین‌خصلت اجتماعی تولیدوشکل خصوصی تملك یانصرف چنانکه گفتیم تضاد اساسی سرمایداری‌است ویکی از مظاهر این تضاد آنست که در یك موسسه صنعتی جداگانه امر تولید و اقتصاد منظم واز روی نقشه اداره می شود و لی به مقیاس سراسر جامعه تولید سرمایداری تابع اداره وتشکل ونقشه‌ی هماهنگ نیست لذا در آن هرج ومرج تولید حکمفرماست .

یکی دیگر از مظاهر این تضاد عبارتست ازتضاد بین گرایش تولید به بسط بیکران ازسویی وامکانات محدود مصرفی توده های وسیع خلق از طرفی که بعلت فقر خود قادر نیستند همه‌ی محصولات تولید شده رابخرند. این امرموجب پیدایش بحران اضافه تولید می شود وبه پیدایش و افزایش سپاه‌بیکاران می انجامد .

یکی دیگر از مظاهر تضاد اساسی‌جامعه‌ی سرمایداری نبرد بورژوازی وپرولتاریاست که سرانجام بوقوع انقلاب سوسیالیستی وپیروزی آن منجر می‌گردد .

بورژوازی برای حفظ نظام سرمایداری ، تحکیم وتخلید آن از تمام دستگاه روبنا (دولت ، سیاست، حقوق، ایدیالوژی، هنر، علم وفلسفه وغیره) بنحو وسیعی استفاده می کند، بادو حربه‌ی حیله وزور می کوشد مبارزات طبقاتی رابا سر کوب ویا منحرف کند وزوال محتوم خودرا به عقب میاندازد . قانون اساسی وقوه ای محر که تولید سرمایداری‌قانون اضافه ارزش‌است.کار کارگر مزدبگیر علاوه بر ارزش نیروی کار که بصورت دستمزد بخود کارگر می رسد ، ارزش بیشتری ایجاد می کند که برایگان بصورت سود بدست سرمایدار می رسد . این قسمت ، ارزش اضافی نام دارد و اساس استثمار طبقه‌ی کارگر در جامعه‌ی‌سرمایداری ومنبع ثروت سرمایه داران را تشکیل‌میدهد. در دوران سرمایداری کارگر ظاهرا آزاد و مالك نیروی کار خود است ولی او مجبوراست برای ادامه ای زندگی نیروی کار خودرا به سرمایداری که دارای وسایل تولید است، بفروشد. درین دوران صاحبان صنایع ، مالکین وبازرگانان، بانکداران و کولاك ها (روستا نشینان سرمایدار) که بهره‌کشانند. کارگران مزدبگیر ودهقانان زحمت کش را استثمار می کنند .

دولت سرمایه داری صرف نظر از شکل خود از دموکراسی بورژوایی گرفته تا انواع دیکتاتوری های نظامی فاشیستی ، در هر حال آلت تسلط برکار وحامی ومدافع استثمار - گرانست تمام روبنای جامعه ، سیاسی، قضایی، هنری، فلسفی وغیره در خدمت‌و حفظ این استثمار قرار دارد. طبقات اصلی درتوران سرمایداری طوریکه گفتیم عبارتند از سرمایه دار ها وکارگران .

سرمایه داری از نظر تکامل جامعه بشری نسبت به فیودالیزم دوران مترقی تر است . بدین معنی که بموقع خود سدهایی را که درمقابل رشد نیرو های تولیدی وجود داشت برطرف کرده وجامعه را بجلو برد .

سرمایه داری خود بطور عینی شالوده‌ای نابودی خویش رابی ریزی می کند، زیرا خصلت اجتماعی تولید، مالکیت اجتماعی بروسایل تولید را طلب میکند . در اثراین تضاد اساسی است که هرج ومرج و بحران اقتصادی پیدا می شود . تقاضا و قدرت پرداخت جامعه از بسط دامنه ای تولید عقب می ماند ، بحران ورکود صنعتی هرچندیکبار تولید کنندگان کوچکترا بیش از پیش به ورشکستگی می کشاند، وضع طبقه ای‌کارگر وتوده های زحمت کش بطور نسبی و گاه حتی بطور مطلق بدتر می شود . با رشد سرمایداری استثمار وحشیانه تروحیلانه تر می گردد. دهقانان خانه خراب وعناصر ورشکست شده ای خورده بورژوازی مرتبا فزونی می یابد، ظلم تا برابری اجتماعی، اختلاف طبقاتی وستم ملی شدید می شود ، جنگهای غارتگرانه . آلام و مصائب فراوانی برای زحمت کشان ببار می آورد .

راه حل‌تمام این مشکلات جزبابراه‌انداختن تضاد اساسی جامعه ای سرمایداری یعنی ایجاد جامعه ای سوسیالیستی بر پایه‌ای مالکیت اجتماعی بروسایل تولید میسرنیست. ماهیت سرمایداری ووضع پرولتاریا در جامعه طبقه‌ی کارگر را بمبارزه با بورژوازی می - کشاند. تاریخ سرمایداری تاریخ مبارزه ای بی امان طبقاتی بین پرولتاریا و بورژوازی است که منطبق با قوانین رشد جامعه و از مهمترین سرچشمه‌های تکامل سرمایداریست.

سرمایداری پس از آنکه نیرو های مولده بمیزان عظیمی رشد داد خودبه بزرگترین مانع پیشرفت جامعه مبدل می شود . اگر قرن بیستم ، این قرن رشد عظیم نیرو ها مولده وتکامل علم وفن، هنوز به فقر صد ها ملیون نفر پایان نداده ووفورنعم مادی ومعنوی را برای همه‌ی افراد اولی زمین تامین‌نکرده، گناه آن فقط بگردن سرمایداری است . تصادم روز افزون بین نیرو های مولده و مناسبات تولیدی بوجود در مقابل بشریست وظیفه ای آزاد ساختن نیرو های پرتوان مولده ای آفریده ای انسانرا از بند اسارت مناسبات سرمایداری قرار داده است . تااین نیرو ها ودست آورد ها در خیر وصلاح جامعه مورد استفاده قرار گیرد .

وظیفه ای بزرگ ورسالت تاریخی پرولتاریا آنست‌که برای همیشه استثمار را براندازد، سرمایداری را نابود کند ، جامعه‌ای بدون طبقات را پدید آورد . دراین پیکارپرولتاریا می تواند وباید تمام توده های ز حمتکش راکه از نظا م سرمایداری بتنگ آمده متشکل سازد وبرای ازبین بردن استثمار سرمایداری وساختمان جامعه ای نوین‌رهبری کند. سرمایداری از دو مرحله ی عمده گذشته است.

اول : سرمایه داری ما قبل انحصار.

دوم : سرمایداری انحصاری یاامپریالیزم.

شاخص دوران سرمایداری ما قبل انحصار عبارتست از وجود رقابت آزاد . و شاخص دوران سرمایداری انحصاری عبارتست از پیدایش انحصار ها (مونوپل ها) امپریالیزم از اواخر قرن نزدهم وآغاز قرن بیستم پدید شده ومتروپول های عمده ای آن درامریکای شمالی، اروپای غربی وجاپان است . اکنون سرمایداری انحصاری امپریالیستی در برخی ازکشور های رشد یافته‌ی اروپا، امریکا و جاپان وارد مرحله‌ی سرمایداری انحصاری دولتی شده است. سرمایداری‌انحصاری دولتی عبارتست از اتحاد انحصار ها ودولت‌بورژوازی دریك مکانیزم واحد .

در این دوران بخش دولتی ومصرف دولتی بسط می یابد وامور اقتصادی از طریق برنامه گذاری وسرمایه گذاری و تخصیص اعتبارات دولتی واجرا پیش بینی های‌اقتصادی بوسیله‌ی دستگاه دو لت تنظیم و کنترول می شود . برای مبارزه ای اقتصادی علیه سوسیالیزم ومقاومت در مقابل جنبش‌کارگری توحید بازار اقتصادی و تولید صنعتی انجام می‌گیرد .دو ین دوران نظامی کردن اقتصاد جای بخصوص وبی سابقه ای را احرازمیکند وبخش مهم از درآمد ملی صرف مخارج نظامی وجنگهای بزرگ وکوچك، ایجاد پایگاهها و نگهداشتن نیروی مسلح میگردد.

ولی علی الرغم هر تغییری طبیعت وماهیت اقتصادی ، اجتماعی سرمایداری دگرگون نشده‌است. ازدوران انقلاب‌کبیر سوسیالیستی اکتوبر، سرمایداری وارد بحران عمومی خود شده که سیاست واقتصاد وایدیالوژی آنرا در بر می گیرد وعرصه‌ی تسلط او درجهان دمبدم تنگتر می شود . سیستم سوسیالیستی جهانی پیدا شده وشرایط درهمه جا برای زوال سرمایدار ی‌دمبدم مساعدتر می گردد. رهبربزرگ پرولتاریای جهان در اثر خودبنام «کاپیتال» ورهبر انقلاب کبیر اکتوبر در اثر خود بنام «امپریالیزم بمثابه بالاترین مرحله‌ی سرمایداری» اینده مرحله‌ی عمده‌ی بسط سرمایداری را مورد تحلیل علمی قرار داده اند .

بقیه صفحه ۴۷

دپښتنو او بلوڅو...

مانه کید و نکو مبارزو ملاتر کړی او کوی یی . هر کال دسنبلی په نیمه نیټه دپښتونستان ورځ‌دخاصو مراسمو او خلقی‌مارشونو په وسیله دپښتنو او بلوڅو وروڼو په ملاتر لما نځل کیږی .

دغو دستر خلقی انقلاب په پریا لی‌کیدو سره چی پښیا سی قدرت یی دانګر یز ی استعمار دګوډ اګیا نو او نوکر انو یعنی دنادر ـداود له غداری کور نی څخه دافغانستان زیار ایستو نکو خلکو او د هغوی‌په نمایند گی دافغانستان دخلکو دموکرا تیك ګو ند (دهیواد د کارګری طبقی مخکښ) نه ولیږ داوه دپښتنو او بلوڅو وروڼو څخه دافغانستان ملاتر انقلابی‌او واقعی محتوی‌پیدا کړه او دپښتنو او بلوڅو پرمسیله باندی د یځو انیو فا سد و او ار تجا عی رژیمو نو سپما سی سو دا ګر یو او عوا م ځو لیدو نکوسیاستو نو نه دتسل له پاره خاتمه ور کړ شو . دافغانستان دموکرا تیك جمهوری دولت د خپل سوله ځو ښتو نکی سیاست له مخی (دپښتنو او بلوڅو خلکو دخپلسی آزادی پر اساس او د تاریخی سوابقو پر بسټ دافغانستان ددموکراتیك جمهوریت او یا کستا ن نر منځ دسو لیه ایزو منا سبیو او خبرو ا تر و له لاری دهغوی دملی مسئلی حل کو لو نه د خپلو انقلا بی وظیفو په اسا سی کر ښو کی څای ور کړی اوپه دی لاره کی نیه ستړی کیدو نکی هلی خلی کوی خود پاکستان د ارتجاعی محا فلو د ملی ضد او خلقی ضد پالیسیواو دتور له ستر خلقی انقلاب څخه د و پر ی‌په نسبت دافغانستان ددموکرا تیك جمهو ریت پر خلاف دهغوی دغا ئتا نه تو ظئو او وسله ایزو مداخلو له امله داهلی خلی کومی مثبتی نتیجی ته‌نه دی رسید لی .

دافغانستان زیار ایستونکو خلکودتور دپرتمین او بی ساری انقلاب په بریالی کولو سره نه پوازی له پښتنو او بلوڅو خو ورو ټو څخه دافغانستان ملاتر نه انقلا بی او واقعی مفهو م ورو ښه بلکی د آسیایه ژړه کی یی یوه داسی سره ډیوه بلله کړه چی دهغی بلو شی دټولی نړی زیار ایستونکو او په تیره بیازمور پښتنو او بلو ـ خوروڼو اودپاکستان تورو ترستم لاندی ملیتو نو نه د هغوی دآزادی غو ښتو نکی مبارزی دپری لار روښا نه کوی .

زمور پښتا نه او بلو خ وروڼه اود پا کستان ټول مترقی او سو له غو ښتو نکی قو تو نه نه پوازی د پښتنو اوبلو خو د ملی مسئلی په هکله دافغانستان ددموکرا تیك جمهوری دولت ددریځ ملاتر کوی بلکی د ټو لو هغو انقلابی اقداما تو ښه هر کلی کړ ی‌چی دتور دزنځیر ما توو نکی انقلاب دپری څخه پیاترنن ورځی پوری دافغانستان دزباراپستو ـ نکو خلکو په ګټه زمو ږ دخلقی دولت لخوا ملی شوی و عملی کیږی .

دپښتنو او بلو خو ورو ټو په خنګ کی دپا کستان ټول هغه مترقی قوتو نه او ترستم لاندی ولسو نه چی دهر راز ټو لنیز او ملی ستم په خلاف مبارزه کوی دتور له ستر خلقی انقلاب څخه الها م اخلی اوله هغه څخه ددفاع په سنګر کی ولاړدی.

مور با ور لرو چی دپښتنو او بلو خو د قهر ما تا نه‌آزادی غو ښتو نکو مبارزو په نتیجه کی به چی دافغانستان دټولو ز یا ر ایستو نکو خلکو د ورو ګډوی ملاتر او د سیمی او نړی دآزادی غو ښتو نکو او سو له‌خو ښو ونکو هیواد و او ټولو ز یار ایستو نکو خلکو پیو ستو ن ور سره دی زمور پښتا نه او بلو خ وروڼه خپلو ټولو ملی او تو لنیزو حقو قو نه ورسیږی او لکه چی‌دافغانستان خلك دتور د ستر انقلا بی‌په برکت دیوه پتمن اوهوسا ژوند خاوند اوشول پښتانه او بلو خ وروڼه به هم دخپلو نیه ستو ما نه کیدو نکو قهر مانانه مبا رزو په نتیجه کی استعمار ، استثمار او امپریالیزم نه تاریخی ماته ور کړی او دیوه خپلواك اوپتمن ژوند پښتې به ګډیږدی .

ketabton.com - The Digital Library

د کلینیك مرګ یا...

په علمی مطبو عاتو کی داسی خبرو نـه خپاره شوی چه دزړه ددوامداره مساژ پواسطه د زړه دریدو نه څو سا عته وروسته اورـ ګار نیزم بیر ته را ژوندی شویده . دلتـه یو بل سو ا ل پیدا کیږی چه ایا د بیر ته را ژو ند ی کو لو په مقابل کی عکس‌العمل شته ؟

په خواب کی ویل کیږی چه پد غـه هکله عمومی منل شوی نظر په شته .

دیر مختلف اصو لونه شته چه د هغـو پر اسا س په دقیقه تو ګه تثبیت کړو چه ما غزه دا سی هر کیږی چه بیر ته ژوندی کیدای که چیری داسی پیښه واقـع شی نو هغه وخت‌انسان‌ته شخصیت نشوویلای څکه چه نور د تفکر قدرت له لاسه ور کړی وی ، نه پخپل خان او نه پـه پـاتـه‌نـی محیط باندی پوهید لای شی . مـګر کـه چیری د نو مو پی مریض دپاره مصنو عی تنفس تـامین او دزړه فعالیت یـی اداره شی کو لای شی د څو کا لو دپاره ژوندی پاتی شی .

دغه (ژوندی) ته مونږ درسم او روا چ‌په اسا س انسا ن وایو خو هغه نور شخصیت ندی .

دلته سوال پیدا کیږی آیا ریا لیما سیون ته چه داسی غمجنی پیښی منځ‌ته راوړی کوم ضرورت شته ؟

باید وویل شی چه دیر پوهـا ن دالازم بولی چه په بی اطمینا نه شرا یطو کی په شدید ډول ناروغ مریض ته راکش کـړی چمړه دلته یومثال راوړم:

څو موده مخکی د لندن دچا ر ینګ‌کروس د رو غتو ن ډا کټران وغندل چی که څه پوهیږی چی ناروغ لـه ژوند ه و تلی د ژوند دپا ره ئی مجا د لـه کو ی .

دیو ناروغ وضعیت دعملیا ت نه ورو سته (چه د سر طان دنارو غی له امله عملیا ت شو ی ؤ) خرا ب شو او په لسمه ور ځ د کلینیك مرګ ته‌ورسید. ډاکټر انـو سمدستی یوبـل عملیات یی پر ناروغ بـانـدی اجرا او ژوندی ئی کړ . که څه‌هم‌دانستیږی ن‌ه‌وروسته له‌مرګه خـلاص شوی دا کتـر له‌خپل همکارانو څخه مننه و کـړ ه او لـه هغوی څخه و غو ښتل چه په را تلو نکی کی له دغسی کار څخه خـانو نه وژ غـوری څکه پخپله مریض ددر دونو تحمل کو لو قدرت نلری او په هر صورت کی دزر مرګ سره مخا مخ دی . مګر سره لدی هم‌ډاکټرانو څو خلی دهغه دزړه فعالیت تنظیم کړ اومجبور یی کړ چه څو او ئی نور هم په درد ونوکی ژوند و کړی . داسی فکر کیږی چه ددغـه هو ضو ع تفسیر ته نور حا جت نشته خو زه غوا پم چه صحیح پوه شم . پدا سی حا ل کی چه د هو ما نیزم (بشر دوستی) دحس چه ناروغ له ریرونو څخه خـلا صوی اود جنایت ترمنځ دپړه لږه فاصله‌ده.

مګر ډاکټرانو دهغو عملو نو چه نـه غوا پی د نارو غانو دپی ځایه تکلیفو نـو مودې اوږده کړی او د هغو کو ښښو نوترمنځ چه هغه و څت لنډ وی کړ م چه د هغه په جریان کی اور ګا نیزم دبیا ژوندی کیدود پاره مجا دله کړی ښکاره توپیر شته .

هیره دی پاتی نشی چه په نورو تو لو شرا یطو کی د ژوند کولو د پا ره عکس‌ـ العمل نشته او هم صورت نشی موند لای‌لدی کبله د هر پا کتر و ظیفه ده چی په خپـل ټول قد رت د نا رو غ دبیا ژوندی کو لـو دپاره هڅه و کړی .

او س پوره پنځلس کاله کیږی چـه دمسکو دنیو رو لوژی په انستیتو ت کی یو ه ناروغه بستری ده چی دهغی دتنفسی مرکـز فعا لیت له منځه‌تللی او نو موړی نا روغ‌نشی کو لای چه بیله مصنو عی تنفس څخه یوه دقیقه هم ژوند و کړی ، څو دغه ناروغـه انسا ن شخصیت دی څکه چه د هغه شعور په خپل نورمال حالـت ساتل شوی ۰اونو‌ـ موړی ناروغ کتابونه لولـی ، رادیو اوری او تلویز یون ګوری . چه دغه ناروغ ته داسی ژوند ورکول چـه کولای شی خنـی کارو نه هم سرته ورسوی د شو روی طب دستر و بریالیتو یونو یوه غوره نمونه ده.

یوه بله خبره هم شته چه زه ئی یا ډیاد کړم هغه مغلطه او دډیرو پیسو په مقابـل کی تداوی ده. چه‌په زیاترو هیوادو نـو کـی دریا ینه‌اسیون څخه وروسته باید رو غتـون ته دو مره پیسی چه دا پانډ یست دعملیا ت دفیس څخه په سلها و ځلی زیات دی ورـ کړی .

طبیعی دی چه پدا سی شرایطو کـی بیر ته ژوندی کید ل د پولی مسا یلو سره تړل شو ی .

له‌نیکه مرغه پـه شوروی اتحاد کی دغـه پرو بلم دناروغ دبیسو سره تړل شوی نده.

اوریا زمه‌اسیون دعادی تداوی پـه ډول هر هغه چاته اجرا کیږی چه ورته اړوی .

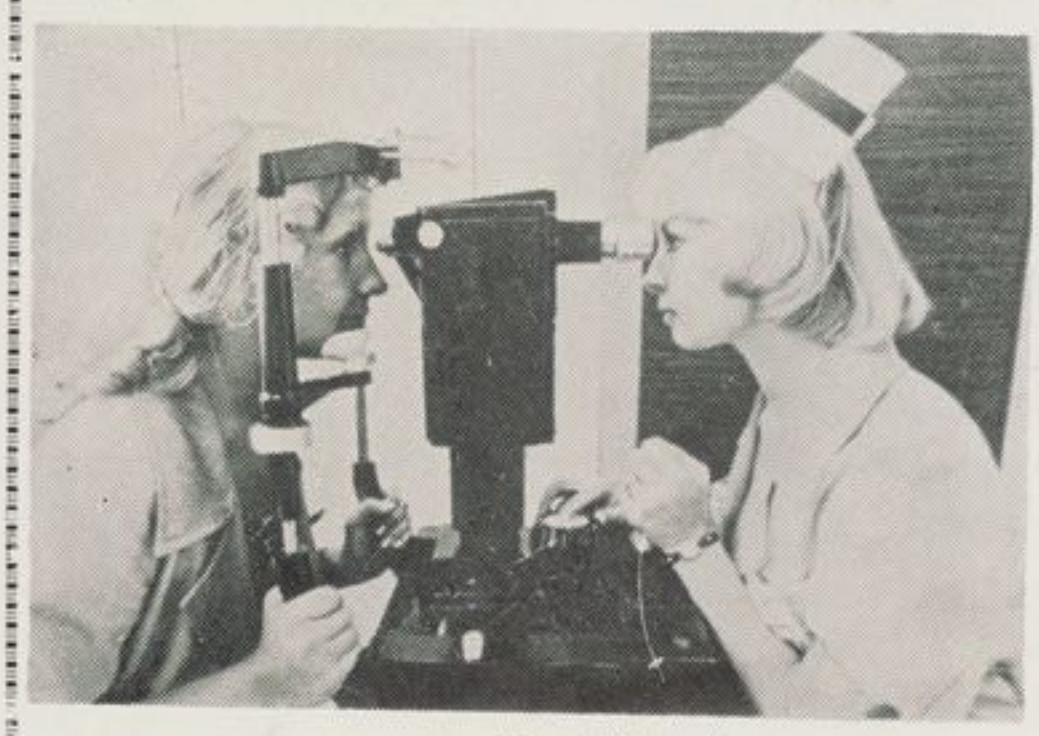
زمو نږ په وخت کی دو ینی د مصنو عـی جریان دسنګا وی ، مصنو عی، پښتور ګـی مصنو عی زړه او نور کولای شی دانسا ناتو ژوند ته نجات ورکړی . لدی کبله ډ یر خلك داسی پو ښتی دا به څه نتیجه ورکړی که چیری په نړدی راتلو نکی و خت کی دا امکان پیدا شی چه پخپله ما غزه ژوند ی وسا تل شی او د بدن نور اور ګا نو نه‌په مصنو عی سیستمو نو بد ل شی ؟

په ور کتو ب کی مې دالکساندریلیایف‌ډو خیالی رومان چه (دپروفیسور داوویل سر) په نامه یا دیږی ولو ست چه دغسی حالت په‌کی داسی خیرل شوی ؤ پـه را تلـونکی وخت کی دغسی خیال باقی کولای شی‌دواقعیت جامه واغو ندی او دغسی پرو بلمونه دحـل وړدی .

کله کله حتی لوی لوی متخصصان وائی چی یوازی دمغزو په ژوندی پاتی کـیدوسره که‌څه هم نور اور ګا نیز مونه (غړو) خپـل نور ما ل حالت له لاسه ورکړی وی قناعت کیدای شی .

تاسی کولای شی ما ته محافظه کار ووایی خوزه دغه نظرته تا ئیدوم او وایم انسا ن‌هغه وخت‌شخصیت دی چه نه یوا خی دهغه ماغزه ژوندی وی بلکی د خپل چا پیر یا ل سر ه اړیکی ولری . مونږ هره کیدونکی پـیـو او دا باید د عینی واقعیت په خیرو منـو هرینه کټ‌مټ‌طبیعی او دپـر مخنګ ضروری عامـل دی او بی‌له دی نـه د مـخکـی پرمخ هو مو سیپینس (متمد ن انسا ن) نشـی پیدا کیدای .

دمرګ دضرورت دپه نظرکـی نیولو سره باید ټول کوښښونه دی ته راوګرځو و چـی دهریوه دپاره هغه شرایط آماده شی چـی دهغه د مقا م سره ښا ئی تر څو و کو لای شی دخپل شخصیت ټولی شتمنی وسپړی او دژوند خو شحا لی ئی مدام ملګری وی‌او د ډاکټرانو له مهمو وظیفو څخه یوه داده چـه له یوی خوا د نا روغانو سره دوظیفی مسلك او وجدا نی سپیخلتیا له مخی شر یفا نه او ئیك سلو ك و کا ندی او له‌بلی خواد دهغو نارغیو دعواملو دمخنیوی لپاره لازمی لا ر ی چاری و لټوی .



دطبی معایناتو یوه‌څنده

معالجات خانگی

تداوی با ادویه مدرن مفید تر ومثمرتر است وبرعلاوه تهیه آن نیز ارزانتر بوده و پول زیاد لازم ندارد .

طور مثال : بسیاری از جوشانده هـای گیاهی راکه مردم هنگام ریزش و سر فـه میخورند، بهتر از دوا های قوی آنتی بیوتیك هایست که دکتوران بمریضان خویش توصیه میکنند . این جوشانده معمولا از جوش دادن گل ختمی سفید، عناب، زوف وزیرهٔ سفید ساخته می شود .

این جوشانده علاوه برآنکه مفید وا قـع میشود، وبرای رفع سرماخوردگی کمـك مینماید ، خطرات بعدی هم ندارد .

مرغ دشتی...

مقا ما ت مسؤل در بلغا ریا از دو سال به اینطرف حالا موفق گردیده اند در قصبه «تولبوخین» مـجادله مـخصو صی را علیه حشره مضر گندم توسط مـرـ غ دشتـی رویکار نما یند . مرغ های دشتی در هفت منطقه جنگل که در آنها این حشرا ت بـه پیما نه زیاد موجود است و شرا یط زند گی برای شان مساعد میباشد تقسیم شده انـد متخصصین توانسته اند دردهن یکی از پـن مرغ های دشتی در مقا طق فوق از مـی ناچهل دانه حشره را دریك روز حساب نما یند لهذا میتوا نیم فرض کنیم که یك مر غ دشتی به‌تنهایی میتواند یك ایکر زمیـن را از شر حشرات مضر نجات دهد . بر عـلاوه مرغ‌های دشتی سایر حشرات مضر را نیـز از بین میبر ند بدون آنکه به نبات زر ع شده کدام ضرری بر سا نند در حال حاضر در قصبه «تولباخن» بیش از پنجاه هـزار مرغ دشتی و جود دارد که از آنها درمزارع زراعتی غر ض از بین بـردن حشرات مضر استفاده میشود.

انیس
ژوندون

مدیر مسؤول : شیر محمد کاوه
معاون : محمد زمان نیکزای
آمر چاپ : علی محمد عثمان زاده
تیلفون دفتر مدیر: ۲۶۸۱۹

مطبعه دولتی

ketabton.com - The Digital Library



Thank you for reading

Find more e-books and articles on Ketabton - your multilingual digital library.

www.ketabton.com

Ketabton - Pashto, Farsi, Arabic & English